

السلامة

مسجد

ماهنامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی

شماره ۱۹۷، رمضان المبارک ۱۴۳۸

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد

تهیه: معاونت فرهنگی اجتماعی

مدیر مسئول: سعید کرمی

قائم مقام مدیر مسئول و سردبیر:

محمد صادق منتظری

دبیر تحریریه: مهدی منتظری

دبیران سرویس

پیشخوان: مهدی رزاقی

مسجد: محمد قدس، مهدی اکبری

منبر: علی بانثی

نگاه: حسن علی آبادی

همکاران این شماره:

حجت الاسلام رضا نوربخش، سید فرزاد اخوت مقدم

گروه هنری

طراح و گرافیک: احسان حسینی

ویراستاران:

محسن صابری، مهدی کریمی

بازخوانی: مهدی کریمی

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان سعدی

شمالی، پایین تر از بیمارستان امیر اعلم، کوچه شهید

صفامنش، پلاک ۱، مجتمع محراب، معاونت فرهنگی

اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد

تلفن: ۶۶۳۴۶۹۲۴

پست الکترونیکی: farhangi@masjed.ir

۲۶-۳ پیشخوان

فرهنگ، حلقه مفقوده اقتصاد مقاومتی | ۴ |
اقتصاد مقاومتی در تلاقی فرهنگ و اقتصاد | ۸ |
کودکی با طعم شیرین کار آفرینی و تولید | ۱۶ |
پنج خاطره با ولایت | ۲۴ |



۵۴-۲۷ مسجد

امشب، افطار همه مسجد دعوتیم | ۲۹ |
رمضان و مشتری های ثابت مسجدی | ۳۱ |
مسجد به هیچ گروه خاصی اختصاص ندارد | ۳۶ |
مسجد ما یک خانواده بزرگ است | ۴۰ |



۶۶-۵۵ منبر

فقه روزهای رمضان | ۵۸ |
پاسخ به چند شبهه رمضانی | ۶۰ |
جرعه ای از رمضان در جام بزرگان | ۶۲ |
قصیده صمصمه بن صوحان در رثای امیر مؤمنان | ۶۴ |



۸۰-۶۷ نگاه

مردم ترجیح می دهند امام جماعت با قرائت زیبا نماز بخواند | ۶۸ |
مناره ای منقش به صدای قرآن | ۷۲ |
منبر دراماتیک | ۷۴ |
محفل قرآنی قانون مند | ۷۶ |





روزه با عینک اجتماعی

۱ ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی مانند اعتیاد، ازدواج سفید، زندگی بدون ازدواج و... را می‌توان در عدم خودباوری و اعتماد به نفس جست‌وجو کرد. زن‌ها ارزش خود را در حد یک ابزار و کالا کم کرده‌اند و مردان به توانمندی‌ها و استعدادهای خود باور ندارند. روزه و ماه رمضان اما فرصتی است برای بازخوانی اندیشه‌ها، استعدادها و ارزش‌های انسانی و ایمانی؛ انسان روزه‌دار بیشتر می‌اندیشد و کمتر صحبت می‌کند. تنهایی آرامش‌بخش رمضان، فرصت مناسبی است تا انسان به خود تمرکز کند و به خودشناسی بپردازد.

۲ خانه‌ها هوشمند شده‌اند. تلفن همراه همه امورات زندگی را یک تنه انجام می‌دهد. پیک رایگان شیر مرغ تا جان آدمی‌زاد را در خانه شهروندان می‌آورد. اما هر چه دنیای ماشینی، پیچیده‌تر می‌شود، اضطراب، افسردگی و... پررنگ‌تر می‌گردد. ضعف تعاملات اجتماعی در ترافیک، پایین بودن آستانه تحمل در محیط کسب و کار و... از جمله مصادیق اضطراب اجتماعی است. روزه منجر به کاهش احساس گناه و پیدا کردن پناهگاه محکم و استوار می‌شود و در ماه رمضان، اتصال روح و روان به منبع لایزال الهی عمیق می‌گردد.

۳ اگر چه گرسنگی و تشنگی، خود عامل ضعف جسمی و پرخاشگری می‌شود، اما معجزه ماه خدا آنجا رخ می‌نماید که گرسنگی و تشنگی در ماه رمضان، منجر به نشاط روحی، سبک‌بالی و آرامش می‌گردد. روزه عبادتی است که ناهنجاری‌های اجتماعی را مدیریت می‌کند. تحقیقات زیادی بر روی ابعاد اجتماعی روزه انجام شده است؛ در ماه مبارک رمضان آمار جرایم، خشونت‌ها و حتی تصادف‌های رانندگی کم می‌شود.

۴ بروز خشم در بستر اجتماع صورت می‌پذیرد. تعاملات انسانی، اختلاف سلیقه‌ها، تفاوت اندیشه‌ها، روحیه‌ها و... زمینه‌های چالش اجتماعی را ایجاد می‌کند. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که من هیچ‌گاه در زندگی‌ام خشمگین نشده‌ام. اگر آدمی مهارت‌های کنترل خشم را در خود تقویت نماید، ارتباط اجتماعی سالم، بالنده و آرامش‌بخش را در خود نهادینه می‌کند. امساک منجر به گرسنگی و تشنگی فرد می‌شود. گرسنگی و تشنگی فرد را پرخاشگر می‌کند. روزه بستری است تا انسان تمرین کند که به مدیریت خشم بپردازد.

۵ این روزها دوران خوش سفره‌نشینی بین خانواده‌ها کمرنگ شده است؛ اما می‌بینیم در ماه خدا کسانی که حتی روزه نمی‌گیرند، دوست دارند در مناسک افطار و سحری شرکت کنند. این مسئله به خاطر این است که در ماه رمضان، جمع‌پذیری و اجتماع‌پذیری زیاد می‌شود. روابط اجتماعی و بین فردی و آشتی‌کنان در این ماه پررنگ می‌شود. درست شبیه مراسم حج می‌ماند که همه از یکدیگر حلالیت می‌طلبند؛ یک نوع بهبود روابط اجتماعی صورت می‌پذیرد. همدردی بالا می‌رود. حتی حس همدردی با کسانی که روزه نمی‌گیرند نیز، بالا می‌رود.

در این ماه یک حس خودداری و احساس تعلق گروهی در انسان بروز می‌کند. وقتی روزه می‌گیریم، خودمان را متعلق به جامعه جهانی بزرگ‌تری که روزه‌دار هستند، حس می‌کنیم. این آداب در هیچ فرهنگی نیست؛ در مراسم روزه‌داری، ما به یک جامعه جهانی یک یا دو میلیاردی متصل هستیم و این جامعه جهانی، به افزایش اعتماد به نفس و قدرت وابستگی اجتماعی کمک می‌کند.

پیشخوان

اقتصاد ایران در دو سده اخیر به طور کلی هیچ گاه در وضعیت مناسبی نبوده است. در یک دهه گذشته و با تشدید تحریم‌ها، این وضعیت دولت‌ها و جامعه را با چالش‌های بی‌شماری مواجه کرده است. رسیدن موج متولدین دهه‌های شصت و هفتاد به سن اشتغال، علاوه بر پیچیده‌تر کردن اوضاع اقتصادی جامعه، موجب بروز مشکلات اجتماعی بی‌شماری نیز گشته است.

فرمول اقتصاد مقاومتی با تأکید رهبری بآرقه‌های امیدی را در این راستا در دل جامعه روشن کرده است اما به نظر می‌رسد جامعه در مسیر تحقق آن، با چالش‌های بی‌شماری روبه‌رو است. از جمله چالش‌هایی که تحقق اقتصاد مقاومتی را در جامعه دچار مشکل ساخته است، مباحث فرهنگی پیرامون اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی بیش از آنکه چهارچوبی اقتصادی باشد، یک تئوری فرهنگی در عرصه اقتصاد است که عرصه تولید تا مصرف را در بر می‌گیرد. باید پذیرفت که جامعه در این عرصه دچار مشکلات است و جامعه مصرف‌زده ما، در وضعیت فعلی بدون توجه به تولید ملی، توانایی اجرای اقتصاد مقاومتی را نخواهد داشت، مگر اینکه تمامی نهادهای فرهنگی و دغدغه‌داران در این عرصه پای به میدان گذاشته و فرهنگ‌سازی اقتصادی را مبنای کار خویش قرار دهند.

از جمله این فرهنگ‌سازان، ائمه محترم جماعات هستند که باید با افزایش اطلاعات اقتصادی و ارائه نمونه‌های صحیح رفتار اقتصادی، جامعه را در این زمینه یاری کنند. اصلاح رفتار مصرفی جامعه از مصرف تولیدات خارجی به تولیدات داخلی و همچنین تلاش برای کاهش اشتباهات بی‌رویه جامعه در مصرف، می‌تواند اهم اصلاحات رفتار اقتصادی جامعه در مقطع فعلی باشد که باید ائمه جماعت بدان اهتمام ورزند.

علاوه بر این موضوع، کمک به اقناع جامعه سرمایه‌داری برای سرمایه‌گذاری در عرصه تولید - که منتج به اشتغال در جامعه می‌گردد - می‌تواند کمک و یاری بزرگ ائمه محترم جماعت مساجد به اقتصاد ملی و مقاومتی باشد. باید توجه داشت که تأکیدات رهبری بر مسئله اقتصاد مقاومتی نشان از وخامت اوضاع اقتصادی جامعه دارد که باید علاوه بر دولت‌ها، تمامی ارکان فرهنگی و اقتصادی جامعه بدان اهتمام ورزند تا به امید خدا جامعه از این بن‌بست رهایی یابد. بدون این خواست همگانی و هوشیاری نخبگان، این مهم تحقق نخواهد یافت.



آنچه در سرویس پیشخوان این شماره می آید، ذکر اهمیت رفتار مردم در کنار تدابیر دولت و حاکمیت در اقتصاد مقاومتی ست. همان طور که امنیت ملی حاصل حضور هوشمندانه جامعه در میدان های عملی چون انتخابات است، اقتصاد مقاومتی و امنیت اقتصادی نیز این روزها حضور هوشمندانه و هدایت شده مردم را می طلبد که مطالب پیش رو در جهت آگاهی ائمه جماعات به این مهم است.



در باب اهمیت ایفای نقش مردم در اقتصاد مقاومتی

فرهنگ، حلقه مفقوده اقتصاد مقاومتی

دانشگاهها تدریس می شود اما متأسفانه در کشور ما به صورت جدی به آن توجهی نشده و این گرایش مهم، مغفول مانده است. فرهنگ و اقتصاد، پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند به گونه ای که رفتار اقتصادی، ریشه فرهنگی و حتی رفتار فرهنگی، ریشه اقتصادی دارند. مثلاً تمامی فعالیت های اقتصادی نظیر مصرف، سرمایه گذاری، تولید و... به فرهنگ ما بر می گردد.

با این تفاسیر، این سؤال پیش می آید که اقتصاد مقاومتی چگونه می تواند از اقتصاد فرهنگ کمک بگیرد؟

در وهله اول باید بدانیم اقتصاد مقاومتی یک واجب است؛ یک واجب همگانی نه مختص دولت! باید بدانیم تنها راه نجات کشور در این برهه از زمان، فقط و فقط همین است. پس از پی بردن به اهمیت این موضوع می توان با وظایف خود آشنا شد.

دولت در اجرای اقتصاد مقاومتی وظایف متعددی دارد که در این مجال، به وظایف مرتبط با دولت در ارتباط با اقتصاد فرهنگ می پردازیم. در ابتدا دولت و جامعه علمی ما باید بپذیرند که اقتصاد و فرهنگ باید به عنوان رشته ای علمی شناخته شود. این امر، وزارت علوم و آموزش و پرورش و دانشگاه ها را متوجه خود می سازد. این گرایش باید در دانشگاه ها تدریس شود. باید کتب درسی دانش آموزان تغییر کند؛ بدین صورت که ما فرهنگ اقتصادی صحیح را به همگان آموزش دهیم. متأسفانه امروزه

مقدمه
سال ۱۳۹۶ توسط مقام معظم رهبری سال «اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال» نام گذاری شد و این، نشان از اهمیت این موضوع و نیاز کشور در این برهه از زمان به این مهم دارد.

همان طور که در بندهای ۱۹، ۲۰ و ۲۱ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده می بینیم، می توانیم یکی از علل عدم اجرای صحیح اقتصاد مقاومتی در کشور را ببینیم: حلقه مفقوده در اقتصاد مقاومتی، پیوند میان اقتصاد و فرهنگ است. اجرای اقتصاد مقاومتی تنها وظیفه یک نهاد نیست؛ وظیفه ای عمومی است و همتی همگانی می طلبد.

دولت و فعالان اقتصادی و...!! مطابق تقسیمات صورت گرفته، دولت، فعالان اقتصادی و مردم، سه نهادی هستند که در اجرای اقتصاد مقاومتی دخیل می باشند؛ اینجا است که اقتصاد فرهنگ نقش خود را نشان می دهد و در مسئله ورود می کند. مسئله اقتصاد و فرهنگ و پیوند آن که متأسفانه به قدر کافی مورد توجه نیست، به گذشته های دوری بر می گردد که نشان می دهد رفتار اقتصادی مردم از فرهنگ آنها جدا نیست، بلکه این دو بسیار به هم وابسته اند. امروزه در کشورهای غربی این پیوند به عنوان یک گرایش در



پیشخوان



“ فرهنگ و اقتصاد، پیوند تنگاتنگی با یکدیگر دارند به گونه ای که رفتار اقتصادی، ریشه فرهنگی و حتی رفتار فرهنگی، ریشه اقتصادی دارند. مثلاً تمامی فعالیت های اقتصادی نظیر مصرف، سرمایه گذاری، تولید و... به فرهنگ ما بر می گردد ”



گام‌های فرهنگی تا مصرف کالای داخلی، خود کفایی و...

فرهنگ مصرف کالای داخلی از خط تولید تا چگونگی مصرف با توجه به
بیانات مقام معظم رهبری

مقدمه

اگر چه دلایل بسیاری برای عدم مصرف کالای خارجی در هر کشوری وجود دارد، اما در کشور ما و در شرایط اقتصاد مقاومتی، این تأکید بیش از پیش اهمیت می‌یابد. جدای از اقداماتی که دولت‌ها و صنعتگران باید برای تسهیل این اقدام - یعنی استفاده از کالای داخلی - در کشور انجام دهند، نیروهای آموزشی، رسانه‌ای، تبلیغاتی و فرهنگی داخلی هم باید به ترویج چنین فرهنگی در کشور بپردازند که متأسفانه این اقدام به کندی صورت پذیرفته است.

مقام معظم رهبری از اولین افرادی بودند که با نگرش کلان به فرهنگ‌سازی در این باره پرداختند؛ ایشان هم خلافت فرهنگ استفاده از کالای داخلی را در هشدار به مسئولین فرهنگی و تبلیغاتی ذکر کردند و هم به شخصه دست به فرهنگ‌سازی در این موضوع زدند. یادداشت زیر، نگاهی به چند نمونه از بیانات ایشان در باب مصرف کالای داخلی با ارکان سه گانه دولت، صنعتگر و مردم است که در بازه پنج ساله اخیر ایراد شده است.

به کوشش
زهره حاجتی‌فر
پژوهشگر و فرهنگی

دانش آموزان مادر کتب خود با فرهنگ اقتصادی آشنایی شوند، فرهنگ صحیح مصرف را نمی‌شناسند و نمی‌دانند که الگوی مصرف خود را چگونه باید تصحیح کنند. دانش آموز ما باید بداند چه کالایی را بخرد. همچنین دانشجویان ما که آینده‌سازان این مملکت هستند، نمی‌دانند چگونه باید بحران‌های اقتصادی در زمینه فرهنگ را حل کنند، نمی‌دانند چگونه می‌توان برای محصولات فرهنگی بازاریابی کرد.

اقتصاد و فرهنگ باید به عنوان یک گرایش دانشگاهی شناخته شود تا این افراد در آینده بتوانند پست‌های مختلف را بر عهده گیرند.

مسئولین محترم در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما و سایر نهادهای فرهنگی باید آشنایی کافی با اقتصاد فرهنگ، اقتصاد فرهنگی و فرهنگ اقتصادی داشته باشند تا بدانند تأمین مالی درست فرهنگ و رسانه چطور صورت می‌گیرد و چه محتوایی باید در کتب درسی و صدا و سیما به مردم داده شود. اما متأسفانه امروزه چنین مدیرانی را کمتر شاهد هستیم و این سبب می‌شود برای تأمین مالی صدا و سیما زیر بار پخش هر گونه آگهی در رسانه ملی بروند یا به دلیل قیمت‌گذاری نامناسب و عدم حمایت از صنعت انتشار، سرانۀ مطالعه در کشور پایین باشد یا اینکه فیلم‌هایی ساخته شود که هیچ آگاهی به مردم ندهد و نه تنها موجب اصلاح الگوی مصرف خانوارهای ایرانی نمی‌شود، بلکه سبب مصرف‌گرایی هم می‌شود. ما امروز نیاز به رسانه‌ای داریم که در رفتار اقتصادی مردم دخیل باشد، موجب اصلاح الگوهای غلط گردد و مردم را به سمت اقتصاد مقاومتی سوق دهد.

دولت باید در جهت آگاهی و گفتمان‌سازی صحیح اقتصاد مقاومتی از هر ابزاری کمک گیرد تا بتواند بر فرهنگ مردم و به دنبال آن بر رفتار اقتصادی مردم تأثیر گذارد.

و مردم!

اگر دولت و نهادهای علمی، فرهنگی و اقتصادی و نهادهایی چون مسجد - همان‌طور که مقام معظم رهبری در بند بیستم سیاست‌های کلی تأکید کردند - وظیفه خود را در جهت آموزش صحیح و گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی به درستی انجام دهند، از این پس وظیفه مردم است که در اجرای آن نقش ایفا کنند.

مردم باید به فرهنگ اقتصادی اسلامی - ایرانی دست یابند و به آن عمل کنند. امام جماعت می‌تواند در این میان نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند. همه ما امروز از وضع اقتصاد کشور آگاهیم و می‌دانیم خرید کالای ایرانی سبب تحکیم اقتصاد کشور و افزایش تولیدات با کیفیت می‌شود. اما باید این اعتقاد را به مرحله عمل برسانیم. تغییر الگوی مصرف در ابتدا سخت به نظر می‌رسد زیرا شروع هر کار جدید و اصلاح قبل، همیشه سخت بوده و این، همتی بزرگ می‌طلبد. باید به این فرهنگ برسیم که خرید کالای ایرانی جرات نمی‌خواهد بلکه غرور و افتخار می‌خواهد.

از سوی دیگر، مردم باید به جای انباشت پول در بانک‌ها و دریافت سود، پول خود را وارد چرخه سرمایه‌گذاری و تولید کنند و حتی با کسب و کارهای کوچک، موجب افزایش تولید شوند و اشتغال‌زایی کنند.

در آخر هم فعالان اقتصادی و تولیدکنندگان هستند که مهم‌ترین وظیفه آنها، تولید محصول با کیفیت و حرکت به سوی کسب دانش و فناوری برای تولیدات بهتر و با صرفه‌تر به جهت جلب رضایت و حمایت مشتری می‌باشد.

“
مقام معظم
رهبری از اولین
افرادی بودند که
با نگرش کلان
به فرهنگ‌سازی
در این باره
پرداختند؛
ایشان هم خلافت
فرهنگ استفاده
از کالای داخلی
را در هشدار
به مسئولین
فرهنگی و
تبلیغاتی ذکر
کردند و هم به
شخصه دست
به فرهنگ‌سازی
در این موضوع
زدند
”



اقتصاد
مقاومتی

«آگاهی اجتماعی
عاملی است که
می تواند چرایی
رفتار شهروندی
و فردی انسان
را هدفمند کند،
مثل این اصل که
مصرف کالای
ایرانی یعنی
اشتغال ایرانی!»

ضرورت فرهنگ سازی ایجاب می کند که جامعه برای فرزندان خود از دوران کودکی برنامه های آموزشی و... داشته باشد. فرآیند تزریق مفاهیم اصلی زندگی ایرانی و هویت ساز، تا همیشه باید همراه فرد باشد تا او در جریان زندگی دچار غفلت نشده و هوشیارانه افعال هویت ساز خود را صورت دهد. رهبری این فرآیند را این گونه تبیین می کنند:

ما باید از کودکی...

«ما باید کودک را از آغاز دارای اعتماد به نفس و باور به هویت خود بار بیاوریم. البته این مخصوص کودکان دبستانی نیست؛ در دبیرستان هم همین هست، در دانشگاه هم همین هست. در کشور ما متأسفانه فرهنگ کاملاً منحرفی از گذشته پایه گذاری شده، که هنوز آثارش از بین نرفته -با این همه تبلیغاتی که ماها از اول انقلاب تا امروز داشتیم- و آن، نگاه نیازمندانه به سمت غرب، بزرگ دیدن غرب و کوچک دیدن خود در مقابل او است؛ متأسفانه این فرهنگ ریشه کن نشده و وجود دارد؛ این به دلیل نبود خودباوری است. اینکه شما ملاحظه می کنید فلان مارک جنس خارجی پول بیشتری طلب می کند، اما طرفدار بیشتری هم در بین یک طبقه ای دارد، در حالی که جنس مشابه داخلی گاهی کیفیتش بهتر از آن است، به خاطر همین نگاه است؛ این یک بیماری است، این یک آفت است... اینها عیب است.»^۱

از سویی دیگر، متخصصان جامعه برای تحلیل نیازها، روحیات و تولید آنچه جامعه بدان نیازمند است، باید همواره دانش خود را به روز نگاه دارند و به دنبال رشد و پیشرفت باشند.

ما باید دانش های مورد نیاز مان را فرا بگیریم تا...

«آنچه که پیشرفت هست، این است که ما از هر که و هر جور، همه دانش های مورد نیاز مان را فرا بگیریم؛ این دانش را به مرحله عمل و کاربرد برسانیم، تحقیقات گوناگون انجام بدهیم، برای اینکه دامنه علم را توسعه بدهیم، تحقیقات بنیادی انجام بدهیم، تحقیقات کاربردی و تجربی انجام دهیم، فناوری را به وجود آوریم یا فناوری جدیدی را به وجود بیاوریم یا فناوری را تکمیل کنیم؛ تصحیح کنیم و انجام بدهیم؛ در زمینه آموزش های مدیریتی از پیشرفت های دنیا فرا بگیریم، آن را بین خودمان بر طبق نیازها و عرف و فرهنگ خودمان تحلیل و فهم کنیم و با جامعه مان تطبیق کنیم.»^۲

در طی چنین فرآیندی است که ما به معضلات اجتماعی و فرهنگی جامعه دست می یابیم. بدون تحقیق، مطالعه و تلاش، این مهم برآورده نخواهد شد.

راه مبارزه با مصرف گرایی چیست؟ این تحقیق می خواهد

«راه مبارزه با تزریق کالای خارجی بر کالای ساخت داخل چیست؟ این ها تحقیق می خواهد. در دانشگاه ها پروژه های تحقیقی بگیرید، استاد و دانشجو کار کنید، نتیجه تحقیق را به مسئولان کشور بدهید، به رسانه ها بدهید تا سرریز شود و فرهنگ سازی شود. این، می شود پیشرفت.»^۳

برای نیل به پیشرفت اقتصادی در جامعه، تمام ارکان تولید تا مصرف باید فعالیت هدفمند و مؤثری داشته باشند؛ بدون هوشمندی و مسئولیت پذیری، اقتصاد یک جامعه و به تبع آن تولید و اشتغال، به سرانجام خوبی نخواهد رسید.

سرمایه دار، تولید کننده و کارگر هر سه باید...

«صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، بایستی به تولید ملی اهمیت بدهند؛ به چه معنا؟ به این معنا که بهره وری را افزایش بدهند. بهره وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد، حداکثر استفاده بهینه بشود؛ کارگر که کار می کند، کار را با دقت انجام بدهد؛ «رَحِمَ اللَّهُ إِمْرًا عَمِلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ»، این معنای بهره وری است؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام می دهد، محکم انجام بدهد، متقن انجام بدهد. آن کسی که سرمایه گذاری می کند، سعی کند حداکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی تدبیری ها، بی سیاستی ها موجب می شود هزینه تولید برود بالا، بهره وری سرمایه و کار کم بشود.»^۴

«صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیت های دیگر. ما دیدیم کسانی را که سرمایه ای داشتند -کم یا زیاد- و می توانستند این را در یک راه هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند. نکردند؛ رفتند سراغ تولید؛ گفتند می خواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه است، این صدقه است، این جزء بهترین کارها است؛ کسانی که دارای سرمایه هستند -چه سرمایه های کم، چه سرمایه های افزون- آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند.

مسئله مرغوبیت و کیفیت خیلی مهم است؛ و استحکام؛ اینها خیلی مهم است. اگر چنانچه جنس داخلی، تولید داخلی، این خصوصیات را داشته باشد، به طور طبیعی تمایل پیدا می شود.^۵

کارگزاران حکومتی در این میان نقش حامی و کنترل کننده را دارند. با ابزار قانون می توان جهت تولید و مصرف را در جامعه به سمت کالای وطنی برد.

مسئولان حکومتی باید...

«مسئولان هم باید از تولید ملی حمایت کنند. تولید ملی، اساس و حلقه اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. چه جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملی باید رونق پیدا کند.»^۶

آگاهی اجتماعی عاملی است که می تواند چرایی رفتار شهروندی و فردی انسان را هدفمند کند، مثل این اصل که مصرف کالای ایرانی یعنی اشتغال ایرانی!

شما به نیروی خارجی کمک می کنید اگر...

«عزیزان من! شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید می کنید به جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده اید به اینکه ابتکار خودش را بیاورد میدان؛ جنس داخلی که مصرف شد، آن کننده کار، ابتکاراتی دارد، این ابتکارات را روز به روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف می کنید، ثروت ملی را افزایش داده اید... خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاومت سازی اقتصاد است و بر روی همه چیز این کشور تأثیر می گذارد. باید به این توجه کرد؛ این نقش



۶۶

امروز
خوشبختانه
بسیاری از
محصولات و
مصنوعات داخل
کشور برتر و
گاهی بسیار برتر
از مشابه‌های
بیرونی و خارجی
است. چرا ما
باید نسبت
به مصنوعات
خودمان بی‌اعتنا
باشیم؟

۶

پی‌نوشت‌ها:

- ۱) ۱۳۹۱/۰۷/۲۰
- ۲) ۱۳۸۵/۰۸/۱۸
- ۳) ۱۳۸۵/۰۸/۱۸
- ۴) ۱۳۹۳/۰۱/۰۱
- ۵) ۱۳۸۹/۰۶/۱۶
- ۶) ۱۳۹۳/۰۱/۰۱
- ۷) ۱۳۹۳/۰۱/۰۱
- ۸) ۱۳۹۲/۰۲/۰۷
- ۹) ۱۳۹۱/۰۷/۲۲
- ۱۰) ۱۳۹۴/۰۲/۰۹
- ۱۱) ۱۳۹۳/۱۱/۲۹
- ۱۲) ۱۳۸۸/۰۲/۰۹
- ۱۳) ۱۳۹۳/۰۱/۰۱

من فقط برای متدینین و افرادی که برای حرف ما حجت شرعی قائلند، این را نمی‌گویم؛ من این حرف را برای هر کسی می‌گویم که به ایران علاقه‌مند است، به آینده کشور علاقه‌مند است، به فکر بچه‌های خودش است که بنا است فردا در این کشور زندگی کنند.^{۱۱}

گذشت آن روزها که...

«امروز خوشبختانه بسیاری از محصولات و مصنوعات داخل کشور برتر و گاهی بسیار برتر از مشابه‌های بیرونی و خارجی است. چرا ما باید نسبت به مصنوعات خودمان بی‌اعتنا باشیم؟ گذشت آن روزی که وابستگان به دستگاه قدرت به دست خودشان، با بیانات زهر آگین خودشان تلقین می‌کردند که ایرانی قادر به تولید و ساخت نیست. آنها ایران را عقب انداختند. آنها به روح ابتکار و شوق کار در کشور لطمه زدند. انقلاب آمدوضع را عوض کرد. امروز جوانان ما پیچیده‌ترین کارها را دارند انجام می‌دهند. این همه زیرساخت در کشور به وجود آمده است برای کارهای بزرگ، این همه کارهای پیچیده فنی با ذهن و ابتکار جوان ایرانی دارد انجام می‌گیرد. مسئولین دنبال این کارند. امروز باید رو بیاورند همه به سمت مصنوعات و تولیدات داخلی؛ این باید یک فرهنگ شود. البته یک بخش مهم از این هم مربوط می‌شود به امنیت شغلی کارگران، که این هم بایستی همه به آن توجه داشته باشند؛ کارگر فارغ‌البال باشد؛ مطمئن باشد؛ امنیت شغلی داشته باشد. و کارفرما و کارگر، سرمایه‌گذار و کارگر، مدیر کارگاه و کارگر دست به دست هم بدهند برادروار، کارها را پیش ببرند. این مربوط به مسئله کار.»^{۱۲}

و در نهایت

«من این بخش را جمع بندی کنم؛ من عرض می‌کنم اقتصاد مقاومتی به معنای مقاوم ساختن پایه‌های اقتصاد، یکی از وظایف عمومی امروز ما است و همه می‌توانند در آن نقش ایفا کنند، هم مسئولین و مسئولین قوای سه‌گانه، هم آحاد مردم، هم کسانی که دارای مهارت دارند، هم کسانی که دارای سرمایه‌اند، هم صاحب‌نظران. البته آنچه که ما عرض کردیم، خلاصه‌ای بود از آنچه باید گفت؛ به‌عده صاحب‌نظران است که تفصیلات اینها را عرض بکنند.»^{۱۳}

همه مردم است.»^۷

«البته ما همه بشریت را دوست داریم، اما خب کارگر ایرانی دارد برای سربلندی این کشور تلاش می‌کند؛ جزء مغتنم و عزیز پیکره این ملت است؛ او را باید تأیید کرد، او را باید تقویت کرد. بعضی‌ها این را نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند، یا برایشان نشانه تولید ایرانی و تولید خارجی فرق نمی‌کند؛ یا حتی به عکس، به جای اینکه دنبال نشانه تولید ایرانی بگردند، دنبال نشانه‌های تولید خارجی می‌گردند؛ این انحراف است، این خطا است. همه مردم مخاطب این بیانند.»^۸

شرکت‌های وطنی باید برندسازی کنند تا ذائقه پوشیدن پوشاک برند در داخل، ارضا شود. جامعه نیز تا آن زمان باید با خودکنترلی و خرید هدفمند، به تولید در کشور خود کمک کند.

ما باید مصرف خودمان را...

«مصرف خودمان را باید از تولیدات خودمان انتخاب کنیم. اینکه کسانی همه‌اش دنبال مارک‌ها و برندهای خارجی و اسم‌های خارجی باشند، خطا است؛ فرونشاندن یک هوس شخصی است، اما ضربه زدن به یک کار عمومی و اصلی است. مصرف داخلی، تولید داخلی را افزایش می‌دهد؛ تولید داخلی که افزایش پیدا کرد، بیکاری برطرف می‌شود. تولید که رونق بگیرد، یعنی تورم کم بشود، گرانی کم بشود، اشتغال افزایش پیدا کند؛ اینها همه به هم متصل است. یک سر این قضیه دست ما مردم است، که مصرف خودمان را چگونه انتخاب کنیم.»^۹

حالا باید از برند گذشت

«مصرف کننده با انصاف، مصرف کننده با وجدان هم می‌تواند همین جور به تولید کشور کمک کند؛ دنبال اسم و رسم نروند، دنبال برند نروند. مصلحت کشور، مصرف تولید داخلی است؛ کمک به کارگر ایرانی است.»^{۱۰}

حتی اگر این سخنان برای کسی حجت شرعی نیست

«به شما عرض می‌کنم: محصولات داخلی را مردم مصرف کنند؛ نروند دنبال این نشانه‌ها. بروید سراغ مصرف تولیدات داخلی. آن چیزهایی که مشابه داخلی دارد، متعصبانه و با تعصب تمام، ملت ایران، خارجی آن را مصرف نکنند. این را من فقط برای یک عده خاص نمی‌گویم...»

مکتب فرهنگ به طور کلی چگونه می تواند در اقتصاد تأثیر گزار باشد؟

نگرش ها، ارزش ها، گرایشات، عملکردها و رفتار اقتصادی افراد یک جامعه، خود بخشی از فرهنگ آن هستند. اگر فرهنگ مجموعه ای از ارزش ها، باورها، نگرش ها و رفتار مشترکی باشد که هویت یک جمع را شکل می دهد، فرهنگ اقتصادی از طریق تأثیر بر اهداف انتخابی، و حتی فرآیندها، عملکردهای اقتصادی را -چه در سطح عاملان خرد و هویت های فردی و چه در سطح هویت های جمعی سازمانی، ملی، کلان، منطقه ای و جهانی- متأثر می سازد.

بنابراین، سؤال از فرهنگ اقتصادی، سؤال از خدماتی است که یک نظام فرهنگی مطلوب به لحاظ مضمون باید به نظام اقتصادی ارائه دهد. برای جمیع عرصه های اقتصادی می توان واژه فرهنگ را به موصوف افزود و ترکیباتی چون فرهنگ مصرف، فرهنگ سرمایه گذاری، فرهنگ کار، فرهنگ تولید، فرهنگ ریسک پذیری و... را مورد توجه قرار داد. برخی سیاست های فرهنگی می توانند با رفتار سازی و نگرش سازی های مفید و مؤثر، زمینه توسعه و پیشرفت اقتصادی را فراهم کنند و یا با فرهنگ سازی مؤلفه های ضد تولید و پس انداز و...، خرده فرهنگ هایی معارض برای توسعه و پیشرفت کشور اشاعه دهند.

مکتب آیا نگاه اسلام به مسائل اقتصادی، ریشه های تربیتی و فرهنگی دارد؟

بله؛ این گونه می توان گفت که اسلام به مقوله اقتصاد، نگاه فرهنگی در ساختاری بسیار جدی و هشدار دهنده دارد. در حقیقت یکی از ساحت های بسیار مهم هویت جمعی و فردی ما، مسئله اقتصاد است؛ بدین معنا که هویت ما از مجموعه ای پازلی تشکیل شده که یکی از قطعات آن، حوزه اقتصاد محسوب می شود. دین اسلام نیز برای ساحت های مختلف زندگی انسان از جمله اقتصاد، اهمیت و اصالت خاصی قائل شده است.

آنچه از فهم و مطالعه مبانی دینی و منابع انسانی استنباط می شود، آن است که شارع مقدس حسب جامعیتی که دارد، برای تربیت انسان مسلمان از همه جنبه ها -از جمله بُعد اقتصادی- برنامه ای منسجم دارد که پیشرفت و تعالی مادی و معنوی فرد و جامعه اسلامی را تضمین می کند. تجربیات انباشته دانشمندان و علمای مسلمان ایرانی در خلال آثار مختلف ادبی، اخلاقی و فقهی می رساند که الگووارهای از رفتار اقتصادی در قرون میانی تمدن اسلامی در این سرزمین حاکم بوده که علی رغم موفقیت های بسیار، به دست فراموشی سپرده شده است. ریشه های توجه به فرهنگ سازی و تربیت اقتصادی در میان علما و حکمای مسلمان را باید از جامعیت تعالیم دین مبین اسلام در توجه به همه ابعاد مورد نیاز زندگی یک انسان مسلمان و وجود دستوراتی در همه زمینه ها در میان آموزه های این دین حنیف دانست.

مکتب اقتصاد مقاومتی از چه رو متأسی از فرهنگ در جامعه است؟

اقتصاد به طور کلی منطق عمومی انتخاب ها است. فرهنگ اقتصادی،



مصاحبه با دکتر عادل پیغامی، عضو انجمن بین المللی مدرسان اقتصاد و استاد و معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

اقتصاد مقاومتی در تلاقی فرهنگ و اقتصاد

اقتصاد مقاومتی اگر چه نمونه ای مورد استفاده در کشورهای زیادی در صد سال اخیر است، اما می تواند ریشه های فکری عمیقی در اندیشه و تفکر اقتصاد دینی و اسلامی داشته

باشد؛ این ریشه های عمیق، در حقیقت ریشه هایی از جنس فرهنگ دینی است و همین عامل فرهنگ دینی در رفتار اقتصادی است که باید از طریق گفتمان اقتصاد مقاومتی در جامعه با مشارکت نهادهای مختلف آموزشی و فرهنگی و دینی طرح شود. گفت و گوی زیر، چرایی و چگونگی پیوند اقتصاد و فرهنگ در اقتصاد مقاومتی و چگونگی ایفای نقش فرهنگی در این میان است که در گفت و گو با دکتر عادل پیغامی، مؤلف کتاب اقتصاد مقاومتی، عضو انجمن بین المللی مدرسان اقتصاد و استاد و معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) آن را به بحث گذاشته ایم:

مهدی رزاقی طالقانی



پیشخوان

اقتصاد
مقاومتی

“ برای جمیع عرصه های اقتصادی می توان واژه فرهنگ را به موصوف افزود و ترکیباتی چون فرهنگ مصرف، فرهنگ سرمایه گذاری، فرهنگ کار، فرهنگ تولید، فرهنگ ریسک پذیری و... را مورد توجه قرار داد

۶

این مرز و بوم را جهادگر بار بیورد؟!

«چهار ائمه جماعات مساجد چگونه می توانند در جهت تحقق شعار سال یعنی «اقتصاد مقاومتی، اشتغال و تولید» به نظام اقتصادی کمک کنند؟

طراحی یک الگوی مشخص از شیوه زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی برای عموم مردم و به ویژه برای مدافعان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، ضروری است؛ آنهایی که قائل به صحت و صدق ایده اقتصاد مقاومتی هستند. یعنی ما چه الگوی مشخصی را برای بدنه‌ای از مردم ارائه می دهیم که بدانند نیازها و مقتضیات انقلاب چه نوع سبک زندگی را می طلبد؟ ابتدا باید دولت را در سبک اداره امور و سپس این بخش از مردم را به سبک زندگی متناسب با انقلاب تشویق و تأیید کرد تا بدین وسیله سبک زندگی متناسب با مقتضیات انقلاب را در جامعه پُررنگ تر کنیم. این می تواند یکی از وظایف امام جماعت باشد. یعنی امام جماعت باید سبک زندگی جامعه مسجدی و محله‌ای که مسجد در آن واقع است را به سمت سه گانه «اعتماد به نفس ملی، روحیه جهادی و پرهیز از لقمه حرام» سوق دهد.

وقتی یک شیوه زندگی بر اساس این سه گانه طراحی شد، می توانیم به کارآمدی آن سبک زندگی امیدوار باشیم. توجه به معنویت دینی در این سه گانه نقشی اساسی ایفا می کند. البته طبیعی است که جنگ نظامی برای مردم ملموس و باور پذیر تر باشد، اما جنگ نرم افزاری این گونه نیست. بنابراین وجود روحیه جهادی منبعث از آموزه های دینی در آن سبک زندگی بسیار مهم و کلیدی است. در روایات ما این عبارت وجود دارد که اگر کسی در میدان جنگ نبوده باشد یا در دلش حدیث جهاد نخواند، به گونه ای از نفاق زندگی را ترک می کند. امام جماعت باید این شور و حماسه زندگی مقاوم و جهادی را به عرصه عموم بکشاند تا چهره زندگی را از اتراف و بی تفاوتی بزدايد. البته باید گفت که این مهم باید در تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی اقتصادی متناسب با انقلاب اسلامی در همه نهادهای آموزشی، فرهنگی و ترویجی پی گیری شود. به میدان آمدن مسجد، گام بزرگی در این مسیر است. به هر صورت ما باید نظام تعلیم و تربیت اقتصادی خاص خودمان را برای مقاومت اقتصادی و جهاد اقتصادی، تبیین، طراحی و سپس اجرا کنیم.

نکته کلیدی که می تواند مورد توجه ائمه جماعات مساجد قرار بگیرد، این است که بدیهی است اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است. بدون معنویت و سلامت معنوی، مقاومت، شکننده است. مثال مهم اقتصادی در این زمینه، پرهیز از لقمه حرام است. لقمه حرام هر الگویی را که از شیوه زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی ارائه بدهید، بی استفاده و بی فایده می کند. کسی که شکمش از حرام پر باشد، پای هیچ مبارزه و مقاومتی حاضر نخواهد شد. لقمه حرام مانند یک ویروس کشنده و خطرناک است که ایمنی دستگاه تشخیص و عملکرد افراد را به کلی نابود می کند. بنابراین، یکی از اهداف اساسی ما باید این باشد که مسیر لقمه های حرام و میزان آن را در اقتصاد کشور بررسی کنیم و سپس با کانون های آن به شدت مقابله نماییم.

اهمیت زیادی در انتخاب درست دارد و فقدان این فرهنگ، به عدم رشد اقتصادی و عدم کنترل رفتار منجر می گردد.

آنچه در عرصه اقتصاد مهم است، آشنایی با کلیدواژه ها است که تعیین کننده رفتار و حوزه های تعامل ما می شود. از منظر اقتصاددانان، اعمال و اجرای یک سیاست، مربوط به زبان یا کلیدواژه آن است؛ چرا که اقتصاد، بخشی از هویت و لحظه های زندگی ما است و هر فرد باید با مفاهیم اقتصادی که روزانه با آن سر و کار دارد، آشنا باشد.

اعتقاد من این است که به طور کلی اقتصاد - اعم از نظامات، نهادها، ترتیبات و رفتار اقتصادی - قبل از هر چیز از مقولات فرهنگی است؛ چرا که موضوعی انسانی است. بنابراین به طریق اولی مسیر نيل به اقتصاد انسانی و اسلامی - مقاومتی و ترقی و اقتصاد کشوری با داعیه های فرهنگی و انسانی، بی توجه به فرهنگ و فارغ از آن، ممکن نیست.

پذیرش اقتضائی و مقطعی نبودن اقتصاد مقاومتی و دائمی بودن آنچه باید در این مجموعه شکل بگیرد، نشان می دهد که باید جدای از دلایلی که ذکر شد، برای تثبیت این نوع اندیشه و کارکرد اقتصادی در تمامی نسل های آتی، به مقوله فرهنگ و فرهنگ سازی توجه بیشتری نشان داد. مرور سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی نشان می دهد که روح حاکم بر آن، فرهنگی است و بدون تحول فرهنگی و با نگاه صرفاً اقتصادی نباید نسبت به تحقق اهداف سیاست های مذکور امید داشت. تأکید بر گفتمان سازی، سبک زندگی و الگوی مصرف اسلامی، روحیه مشارکت و کار جمعی، خلاقیت و نوآوری و کار آفرینی و مهارت، از جمله مواردی هستند که در این سیاست ها به آنها اشاره شده است.

«چهار نهاد پایه ای که در اقتصاد مقاومتی وظیفه فرهنگ سازی و به طریق اولی تربیت اقتصادی را بر عهده دارد، کدام نهاد است؟

قطعاً آموزش و پرورش! یکی از عمده ترین نهادهای فرهنگ رسمی کشور که در فرهنگ سازی کودکان و نوجوان و به عبارتی نسل آینده کشور به طور مستقیم و در فرهنگ سازی خانواده ها به طور غیر مستقیم نقش ایفا می کند، نهاد آموزش و پرورش است. عنایت به تربیت اقتصادی در معنای وسیع آن نیز باید به به طور جدی پی گیری گردد؛ البته به نحوی که با فلسفه تعلیم و تربیت عمومی هم خوان باشد. نکته مهم و قابل توجه اینکه فرهنگ اشاعه شده از طریق برنامه رسمی آشکار - یعنی کتاب های درسی، محتوای آموزشی و فعالیت های رسمی تعریف شده - تمام تأثیری که مدرسه می تواند بر مخاطبین خود بگذارد، نیست. علاوه بر برنامه رسمی آشکار، «برنامه درسی پنهان» از جمله رفتار و سلوک معلمان و اولیای مدرسه و روابط دانش آموزان هم تأثیر قابل توجهی بر شکل گیری فرهنگی دانش آموزان دارد.

نتیجه اینکه یک نظام آموزشی مسئول و زنده نمی تواند متناسب با اقتصاد مقاومتی عمل نکند. کارکرد نظام آموزشی آن است که کودکان، نوجوانان و جوانان یک کشور را متناسب با شرایط تاریخی آن برهه تربیت کند. اما متأسفانه در کشور ما این اتفاق به خوبی رخ نمی دهد. نظام آموزشی ما چه اندازه به دنبال جهادی بار آوردن مخاطبان خویش است؟ و آیا اصلاً فکری برای این دارد که فرزندان

«امام جماعت باید سبک زندگی جامعه مسجدی و محله ای که مسجد در آن واقع است را به سمت سه گانه «اعتماد به نفس ملی، روحیه جهادی و پرهیز از لقمه حرام» سوق دهد»



وظایف نه‌گانه مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی

پیشخوان

اقتصاد
مقاومتی

اقتصاد مردمی با مردم اقتصادی

مقدمه

در نظام‌های اقتصادی مرسوم در دنیا سرمایه‌داری بر پایه مالکیت خصوصی و سوسیالیستی بر پایه دولت بنا شده است. اما اقتصادی که از آن به عنوان «اقتصاد مقاومتی» یاد می‌شود، مردم‌بنیاد است و نه دولت‌محور؛ یعنی بر پایه ظرفیت‌های مردمی استوار است. در این مقاله سعی شده به بررسی نقش مردم در این نظام پرداخته شود.

علیرضا دهقان
طرز جانی
دانشجوی دکتری
اقتصاد

در آن، تمامی اقشار اجتماع سهمی برابر در سود همگانی داشته باشند. هدف نهایی سوسیالیسم، لغو مالکیت خصوصی بر ابزارهای تولید و برقراری مالکیت اجتماعی و عمومی یا دولتی بر آن است. دومین نوعی که از اقتصاد پایه‌ریزی می‌شود، اقتصادهای مختلط نامیده می‌شوند که هر کدام به نحوی خصوصیاتی را از پایه‌های هر کدام از این تفکرات، شامل می‌شوند. در سال‌های گذشته، متفکرین اسلامی به طور پراکنده، سعی بر ارائه نظام اقتصادی اسلامی به عنوان الگویی پیشرو برای جوامع بشری داشته‌اند که این نظام اقتصادی هم از نظر معیارهای دو نظام قبلی مختلط برشمرده می‌شد. حال با توجه به تبیین اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری و بیان مختصات ایدئولوژیک آن، این گونه به نظر می‌رسد که اقتصاد مقاومتی الگویی استخراجی و اجرایی به عنوان اقتصاد اسلامی است و بیان تمایزات و شفافیت ساختاری این الگوی اقتصادی از جهت دولتی بودن با نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی به روشن شدن زاویه‌ای از این مدل کمک شایانی خواهد نمود. در اقتصاد مقاومتی، دولت علاوه بر نقش حاکمیتی تعریف شده در سرمایه‌داری، مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک به بخش خصوصی و تولید را نیز دارد. کار و فعالیت اقتصادی با

مدل‌سازی بومی و جدید اقتصادی، مستلزم ایجاد بنیان‌های هماهنگ و هم‌خوان با هم است. از این رو، شفاف‌سازی و روشن شدن پایه‌های اقتصاد مقاومتی از لحاظ تئوریک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از مهم‌ترین سؤالات شکلی و ساختاری در مورد اقتصاد مقاومتی، چگونگی پایه‌ریزی ساختاری و مختصات آن است. دو نظام عمده اقتصادی شناخته شده، کاپیتالیسم (سرمایه‌داری) برآمده از اندیشه‌های لیبرالیستی و نظام اقتصادی سوسیالیستی است. برای تبیین دولتی بودن یا نبودن اقتصاد مقاومتی، باید این مفهوم در نظام‌سازی اقتصادی باز تعریف شود. مهم‌ترین شاخصه نظام سرمایه‌داری این است که تولید کالا به انگیزه کسب سود اقتصادی و منفعت شخصی افراد جامعه انجام می‌گیرد. سرمایه‌محوری، یک نظام اقتصادی است که در آن، پایه‌های سیستم اقتصادی بر روی مالکیت خصوصی ابزارهای تولید اقتصادی و در دست مالکان خصوصی است و از آن برای ایجاد بهره‌مندی اقتصادی در بازارهایی رقابتی استفاده می‌شود. سوسیالیسم (جامعه‌خواهی) اقتصادی، برای ایجاد یک نظم اجتماعی مبتنی بر انسجام همگانی پایه‌ریزی شده و به دنبال جامعه‌ای است که

“ در اقتصاد مقاومتی، دولت علاوه بر نقش حاکمیتی تعریف شده در سرمایه‌داری، مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک به بخش خصوصی و تولید را نیز دارد ”

محوریت مردم است و دولت به عنوان یک مسئول عمومی، بر حُسن اجرای فعالیت‌ها نظارت و تولید، کار آفرینی و اشتغال را هدایت می‌کند. نقش دولت در نظام لیبرالی، محدود به ناظر حقوقی و داوری می‌شود و مالکیت عمومی تنها در امور خاص برای اداره کالاهای عمومی به صورت حداقلی تعریف می‌شود. در نظام سوسیالیستی، مالکیت به طور کلی عمومی است و دولت حتی بر امور تولیدی و صنعتی هم حاکم است و برخلاف نظام سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی بسیار حداقلی است.

اما در تعریف اقتصاد مقاومتی، نقش دولت نه به شدت نظام سرمایه‌داری کوچک و نه به شدت نظام سوسیالیستی پررنگ است؛ به گونه‌ای که در اقتصاد مقاومتی، دولت علاوه بر نقش حاکمیتی تعریف شده در سرمایه‌داری، مسئولیت برنامهریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک به بخش خصوصی و تولید را نیز دارد. کار و فعالیت اقتصادی با محوریت مردم است و دولت به عنوان یک مسئول عمومی، بر حُسن اجرای فعالیت‌ها نظارت و تولید، کار آفرینی و اشتغال را هدایت می‌کند و با سیاست‌گذاری‌ها، برنامهریزی‌ها و توزیع مناسب، به کمک بخش خصوصی می‌پردازد.

حال می‌توان پس از بررسی کلی نقش دولت در اقتصاد مقاومتی، به نقش مردم در تحقق و شکل‌گیری آن پرداخت. این نقش‌ها که در ادامه برای مردم تعریف شده است، می‌تواند روشن کند که اقتصاد مقاومتی رانمی‌توان اقتصاد دولتی به حساب آورد و این به دلیل پررنگ تعریف شدن نقش مردم در ساختار آن است. نقش مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی

اصلاح الگوی مصرف

اصلاح الگوی مصرف که شامل مصرف بهینه کالا و انرژی و پرهیز از تجمل‌گرایی است، در نهایت موجب می‌شود کشور نیاز کمتری به واردات و فرصت بیشتری برای صادرات داشته باشد. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی را باید در نحوه مصرف و خرید ارزیابی کنیم. مردم به عنوان بازار اصلی مصرف، نقش حیاتی در تقویت بخش‌های تولیدی داخلی دارند. از دیگر سو، حضور بخش‌های خصوصی در زمینه‌های اقتصادی کشور و گسترش نقش آنها در بخش‌های تولیدی با افزایش سرمایه‌گذاری، از جمله وظایف مردم در حوزه اقتصاد مقاومتی است. در واقع می‌توان اقتصاد مقاومتی را تبلور اقتصاد در مقابل تحریم‌ها و فشارهای خارجی و شکوفایی اقتصاد ملی تعریف نمود. عملی نمودن اقتصاد مقاومتی در جامعه، تأثیر و نتایج مثبتی در عرصه اقتصادی به دنبال دارد که در نهایت رشد تولید داخلی و اقتصاد بومی را رقم می‌زند.

توجه به مصرف تولیدات ملی

شاید تا کنون برای همه ما اصل این بوده که بین دو کالای ایرانی و خارجی باقیمت و کیفیت یکسان، به کالای ایرانی اهتمام داشته باشیم. اما به نظر می‌رسد این مسئله در تمام دنیا چنین باشد و ما شرايطی متفاوت‌تر از بسیاری از کشورهای دنیا داریم؛ چرا که این ما هستیم که به غیر از حس میهن‌دوستی، باید به مقاومت‌سازی اقتصاد اهمیت بدهیم و به همین دلیل، به نظر می‌رسد در شرایط حاضر، لازم باشد بیش از قیمت و کیفیت کالا، به ایرانی بودن آنها اهمیت بدهیم. البته این مسئله

می‌تواند موجب شود تا تولیدکنندگان داخلی نیز تقویت شوند و به روند رو به رشد خود با سرعت بیشتری ادامه دهند. نگاهی در سیر صنعتی شدن بسیاری از کشورهای موفق در این خصوص نیز به نقش پررنگ مردم و فرهنگ عمومی در این خصوص گواهی می‌دهد.

اهتمام به مقوله مالیات

هم‌اکنون بسیاری از اقشار - به غیر از کارمندان و کارگران که مالیات آنها به دقت محاسبه و اخذ می‌شود - نسبت به پرداخت دقیق و به موقع مالیات خود حساسیتی ندارند؛ در حالی که نگاهی به فرهنگ عمومی کشورهای که فاقد سرمایه‌هایی مانند نفت بوده‌اند، گواهی می‌دهد که مردم و فرهنگ عمومی ایشان به شدت نسبت به مالیات حساس بوده و نسبت به فرار مالیاتی به بدترین شکل موضع می‌گیرند و با فراری‌های مالیاتی به مانند سارقان برخورد می‌نمایند. اگرچه دولت مکلف است که با شبکه‌های اطلاعاتی دقیق در این خصوص وارد شود، ولی باید ما مردم نیز نسبت به سهم خود در تحقق درآمد مالیاتی کشور اهتمام داشته باشیم و این مسئله را با بیان و تکرار به فرهنگ عمومی مبدل سازیم.

مدیریت نقدینگی و سرمایه‌گذاری

اگرچه دولت مکلف به حفظ ارزش پول ملی است، اما بعضی وقت‌ها ما مردم نیز در جهت تحقق این مسئله مانع‌تراشی می‌کنیم و با نیت سودجویی و با سرمایه‌گذاری، به اموری دست می‌زنیم که - مستقیم و یا غیرمستقیم - موجب تضعیف ارزش پول ملی و اقتصاد کشور می‌گردد. وقتی ما مردم سرمایه‌هایمان را به سمت دلالتی و بورس بازی‌های بی‌مورد در بخش‌های مسکن، طلا و ارز سوق می‌دهیم، موجب می‌شویم که تورم‌های بخشی و فرابخشی در کشور عنان مدیریت را از دست دولت خارج نموده و دود تورم در انتها به چشم خودمان و هم‌میهنانمان رود. به نظر می‌رسد ما مردم قبل از هر سرمایه‌گذاری، در کنار بررسی منافع شخصی آن، باید هزینه‌هایی که برای کشور ایجاد می‌کنیم به عنوان یک اصل قطعی مد نظر قرار دهیم و حتی المقدور نقدینگی‌های مازاد خود را به سمتی سوق دهیم که به بخش‌های تولیدی کمک نمایند.

بهره‌وری در کار

میزان موفقیت اقتصاد یک کشور با میزان بهره‌وری نیروی کار آن ارتباط مستقیم دارد. اگر ما به عنوان مردم نسبت به بهره‌وری فعالیت‌های شغلی و حتی غیر شغلی اهتمام نداشته باشیم، تصور اینکه کشور به سمت بهره‌وری پیش رود، تقریباً عبث خواهد بود. افزایش بهره‌وری کار، چند بخش دارد که بخشی از آن مبتنی بر افزایش تلاش و بخشی مبتنی بر افزایش آگاهی است. ما در هر شغل و فعالیتی که مشغولیم، باید با افزایش آگاهی‌های تخصصی، عمل به آنها و افزایش پویایی و تلاش، گامی در جهت افزایش بهره‌وری ملی برداریم.

مطالبه‌گری

در جایی که مردم نسبت به سادگی‌ی مسئولان، حمایت از تولید ملی، پرهیز از تجملات و رسیدگی به محرومان حساس باشند و این موارد را از مسئولان خود مطالبه نمایند، یقیناً مسئولان و سایرین نیز حداقل برای بقای خود، راهی جز پاسخ‌گویی به این مطالبات نخواهند داشت.

۶۶

میزان موفقیت
اقتصاد یک
کشور با میزان
بهره‌وری نیروی
کار آن ارتباط
مستقیم دارد.
اگر ما به عنوان
مردم نسبت
به بهره‌وری
فعالیت‌های
شغلی و حتی
غیر شغلی
اهتمام نداشته
باشیم، تصور
اینکه کشور به
سمت بهره‌وری
پیش رود، تقریباً
عبث خواهد بود

۶

چرا واردات کالاهای مشابه داخلی حرام است؟

مقدمه

علی اکبر کریمی
دانشجوی دکتری
پژوهشگاه فرهنگ و
اندیشه

در نظام‌های اقتصادی مرسوم در دنیا رهبر انقلاب در سال گذشته از تولید ملی به عنوان امری مقدس و با ارزش یاد کردند و همهٔ آحاد و اقشار مردم را به تقویت آن به هر طریق ممکن دعوت کردند. در این میان، ایشان بر نقش مصرف‌کنندگان که تمامی مردم را در بر می‌گیرد، تأکید و بیهوده‌ای فرمودند و گفتند عمده‌مردمند و خود راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند. اما در بیانات خود در ابتدای سال ۹۶ در حرم مطهر رضوی که به نوعی نقشهٔ راه سال را نیز ترسیم می‌نماید، ایشان با ذکر دو مسئلهٔ مهم در تولید که عبارت بود از مسئلهٔ واردات و مسئلهٔ قاچاق، چنین فرمودند: «واردات کالاهایی که در داخل به قدر کافی تولید می‌شود، بایستی به صورت یک حرام شرعی و قانونی شناخته بشود».

به نظر می‌رسد که اولاً در اینجا مخاطب در امر مبارزه با قاچاق و واردات، مسئولین نظام و به ویژه قوهٔ مجریه در مقام اجراست و نه عموم مردم. این بدان معناست که در بیان رهبر انقلاب، مطالبه از مردم به سمت مطالبه از مسئولین صورت پذیرفته است که شاید از یک سو نشان‌گر توجه مردم در مصرف تولیدات داخلی، و از سویی دیگر، اقدامات ضعیف مسئولین در این امر باشد.

ثانیاً قطعاً عبارت «حرام شرعی و قانونی»، بار معنایی و حقوقی خاصی دارد که شاید تا کنون در بیانات معظم‌له مسبوق به سابقه نبوده باشد. از این رو برخی آن را به مثابهٔ «فتوا» و برخی نیز به مثابهٔ یک «حکم حکومتی» تلقی کرده‌اند. در واقع از آنجا که دولت در نظام اقتصادی موجود کشور، به عنوان بزرگ‌ترین مجری و ناظر، مصرف‌کننده و تقاضاکنندهٔ کالاها و خدمات به حساب می‌آید و سهم آن از مجموع درآمدهای ملی کشور (تولید ناخالص داخلی)، سهمی فائق بر بخش مصارف خصوصی و سرمایه‌گذاری و نیز بخش تجارت خارجی است، شاید تکیهٔ اصلی این بیان رهبر انقلاب بر مسئولین نظام و به ویژه قوهٔ مقننه و مجریه برای مقابله با امر واردات به جای تکیه بر مصرف، از همین جهت باشد که تا بحث لزوم مصرف تولیدات داخلی و منع مصرف تولیدات خارجی دارای مشابه داخلی به میزان کافی، آن هم از طریق کنترل مبادی ورودی کالا که وظیفهٔ خاص دولت و مجموعهٔ حاکمیت است، به درستی و با حساسیت و قاطعیت، پیگیری نشود، انتظار بهبود تولیدات ملی و تقویت و ترویج

مردم باید روحیهٔ جهادی در تحقق آرمان‌های اقتصاد مقاومتی را با تمام شئون آن از مسئولان مطالبه کنند. مردم باید نسبت به واردات کالاهای لوکس و مخصوصاً استفادهٔ مسئولان از این وسایل، حساسیت داشته باشند و در شرایطی که کشور قادر به تولید محصولات کشاورزی مورد نیاز است، نسبت به واردات محصولات غذایی اظهار نگرانی نمایند. هم‌اکنون شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، سایت‌های شخصی و رسانه‌ها به خوبی می‌توانند حرف مردم را به مسئولان منتقل کنند.

مشارکت در تولید بیشتر

سال ۱۳۹۱ توسط مقام معظم رهبری «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایهٔ ایرانی» نامیده شد. با توجه به اینکه بخشی از مردم در کشور در کارهای تولیدی مشغول هستند، جهت موفقیت اقتصاد مقاومتی باید تولید خود را بیشتر و با کیفیت بهتر ارائه نمایند. مثلاً کشاورزی که با وجود آب زیادی که در روستا دارد، به صورت سنتی مشغول کشاورزی است، لازم است به دنبال شیوه‌هایی باشد که با همین زمین و همان آب، محصول بیشتر و بهتری تولید کند. افرادی که تولیدی دارند نیز می‌توانند در این راستا تولیدات خود را ارتقا بخشند.

نقش مردم در تولید علم با تکیه بر اقتصاد دانش‌بنیان

در اقتصاد مقاومتی، علاوه بر دانش، تجربه‌ها و مهارت‌ها حائز اهمیت است. در این نظام اقتصادی، نقش مردم در توسعهٔ علمی و تکنولوژیکی نیز برای توسعهٔ زیرساختی اهمیت ویژه‌ای دارد. این وظیفه نیز نیازمند دولت به عنوان بنیان‌گذار و پشتیبان و یاری‌رسان به مردم برای پیشبرد دانش و اتصال آن به چرخهٔ صنعت است. ایجاد پارک‌های علم و فناوری و حمایت از نخبگان هم تلاش‌هایی در این راستا به شمار می‌رود.

نتیجه

در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری نمود که برای حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی، نباید دولت لکوموتیو و مردم واگن‌های پشت سر آن باشند؛ مردم نقش محوری و موتور محرک اقتصاد مقاومتی هستند که لکوموتیو حرکت جامعه از حرکت صحیح و سریع این موتور نشئت می‌گیرد. در اقتصاد مقاومتی، دولت وظیفهٔ سنگینی دارد که مهم‌ترین بخش آن، برداشتن موانع مختلف و متعدد از پیش پای بخش تولید و اشتغال است. مراد از مردم هم عموم مردم به عنوان قشر مصرف‌کننده و نیز تولیدکنندگان بخش خصوصی است. در مقابل وظایف سنگین دولت، تولیدکنندهٔ بخش خصوصی نیز موظف است با تمام وجود برای افزایش بهره‌وری واحد تولیدی خود اقدام کند. برنامه‌ریزی دقیق، تلاش مستمر برای افزایش کیفیت محصولات، وجدان کاری و انصاف در انجام امور محوله، قانون‌مداری، انضباط اجتماعی و بسیاری دیگر از موارد نه گانهٔ فوق‌رأی می‌توان به عنوان وظایف مردم و بخش خصوصی ذکر نمود.

اقتصاد مقاومتی با تبیینی که صورت گرفت، به هیچ وجه با اقتصاد دولتی هم‌خوانی ندارد و نقش محوری مردم و بخش خصوصی به عنوان محور این نظام اقتصادی، مشهود است. مردم برای ایفای نقش خود، نیازمند دولت هستند. دولت در اقتصاد مقاومتی به عنوان برنامه‌ریز، زمینه‌ساز، ظرفیت‌ساز، هدایت‌کننده و یاری‌رسان به بخش خصوصی و تولید تعریف می‌شود.



پیشخوان



اقتصاد
مقاومتی

واردات کالاهایی که در داخل به قدر کافی تولید می‌شود، بایستی به صورت یک حرام شرعی و قانونی شناخته بشود



۶۶
حکم تحریم تنباکو،
به واسطهٔ وسعت
نفوذ این مرجع
بزرگ و حکم شدید
و بی سابقه مبنی بر
حرمت و در حکم
محاربه با امام زمان
بودن، جریان ساز
و تحول آفرین
شد و نقطهٔ عطفی
در مبارزات علیه
استعمارگری‌های
بیگانگان در
کشور که عمده‌تأ
از طریق واردات
در پی ضربه زدن
به اقتصاد کشور
بودند، به حساب
آمد ۶

قبل از آن شاید اشکالات و پیامدهای معامله با اجانب و بیگانگان و سلطهٔ اقتصادی ایشان بر سرزمین، چندان بر عموم مردم روشن و واضح نبود و در موارد بسیاری نیز دولت وقت با این معاملات همراهی می‌کرد. اما صدور این فتوا هم دخالت شریعت در برابر سلطهٔ بیگانگان را در امور اقتصادی نشان داد و هم راه را بر مظاهر و عرصه‌های دیگر تهاجمات اقتصادی بیگانگان و سلطه‌ورزی ایشان در این کشور مسدود نمود.

سه سال قبل از این فتوا نیز در سؤال و جوابی که بین شهید شیخ فضل‌الله نوری و میرزای بزرگ شیرازی در مورد سد نفوذ اقتصادی اجانب و بلاد کفر در آن زمان به ویژه روس و انگلیس از طریق تحریم مواردی چون قند و چایی و غیره صورت پذیرفته بود، ایشان آن را از باب سیاست و مصالح عامه بر شمرده و تکلیف اصلی را بر دوش دولت و مسلمانان صاحب نفوذ دانسته بودند و مردم را به تحریم کالاهای بیگانه تشویق کردند. جالب اینجاست که این عالم مجاهد بزرگ، نقش دولت را علی‌رغم نقش مردم، مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر می‌داند: «در عهدهٔ هر دو [دولت و ملت] است که به اعانت یکدیگر دین و دنیای عباد را حراست کرده... و با تقاعد و کوتاهی از یکی امر، معوق و رعیت به امثال این بلاها [سلطهٔ کفار بر اقتصاد مسلمین] مبتلا می‌شوند و چون که از ملت جز گفتن و تحریص و تخویف و تهدید، امری دیگر بر نمی‌آید و انفاذ و اجرا با دولت است، تا از دولت کمال همراهی را نبینند، اقدام نمی‌تواند نمود و اگر ببیند که به تکلیف

مصرف محصولات داخلی به سرانجام و نتیجهٔ مطلوب نخواهد رسید. لذا ایشان با درک این مهم و علی‌رغم نقش تعیین‌کنندهٔ ترجیحات و تصمیمات مصرف‌کنندگان داخلی یا همان عموم مردم در تقویت کالای داخلی، بر مقابلهٔ جدی و قاطع مسئولان در امر واردات تأکید نموده‌اند.

نمونه‌هایی از این دست فتاوی در مورد واردات

این البته اولین باری نیست که عالم و فقیه‌ی، چنین حکمی می‌دهد. اگر نگاهی به تاریخ این سرزمین و به ویژه تاریخ معاصر ایران بیندازیم، به وضوح به مواردی بر می‌خوریم که حاکی از نگاه خاص و نافذ علمای با بصیرت در مورد امر تولید ملی است. این امر به ویژه با اقدام جریان ساز فتوای تحریم مصرف تنباکو توسط مرجع تقلید بزرگ آن زمان یعنی مرحوم میرزای بزرگ شیرازی، به منصفهٔ ظهور رسید که به استعمار شرکت‌های انگلیسی - به ویژه شرکت معروف رژی در ایران که بازار تنباکو را در انحصار خویش داشت - خاتمه داد.

حکم تحریم تنباکو، به واسطهٔ وسعت نفوذ این مرجع بزرگ و حکم شدید و بی سابقه مبنی بر حرمت و در حکم محاربه با امام زمان بودن، جریان ساز و تحول آفرین شد و نقطهٔ عطفی در مبارزات علیه استعمارگری‌های بیگانگان در کشور که عمده‌تأ از طریق واردات در پی ضربه زدن به اقتصاد کشور بودند، به حساب آمد؛ طوری که تا

داخل تولید می‌شوند و نیازی به واردات آن نیست، از سویی موجب ورشکستگی کارخانجات داخلی و در نتیجه بیکاری بخشی از جامعهٔ مسلمین می‌شود، و از سویی دیگر، موجب وابستگی بیشتر کشور به بیگانگان خواهد شد که همین امر، ممکن است زمینه‌ساز ضربه‌زدن، نفوذ و تسلط بر کشور را فراهم کند.

در واقع این مبنا از یک حیث، بخشی از همان عدم وابستگی و سلطه‌پذیری از کفار را در مبنای نفی سبیل در بر دارد و بخش دیگر آن به تأمین نیازها و حوائج و رفاه مسلمین و برخورداری عموم جامعهٔ اسلامی از مواهب و نعمت‌های خدادادی بر می‌گردد. شهید مطهری با تمثیل زیبایی اقتصاد جامعهٔ اسلامی را به بدن انسان تشبیه کرده و ثروت را در حکم خون جاری در بدن می‌داند و می‌نویسد: یکی از اصول اولیهٔ اقتصاد سالم، حیات و قابلیت رشد و نمو ثروت است؛ همان‌طوری که از شرایط اولیهٔ یک اجتماع سالم، اقتصاد سالم است...، جامعه باید بنیهٔ اقتصادی سالمی داشته باشد؛ مبتلا به کم‌خونی اقتصادی نباشد و گر نه، مانند یک مریض کم‌خون و یا مریضی که دستگاه قلب و جهاز دمویه‌اش خراب است، همیشه مریض خواهد بود. گمان نمی‌رود هیچ عالم و بلکه هیچ عاقلی منکر لزوم و ضرورت اقتصاد سالم باشد. «ایشان سپس یکی از اهداف اسلام را نفی سبیل دانسته و آن را به واسطهٔ دسترسی به اقتصاد سالم، قابل تحقق می‌داند و می‌نویسد: «از نظر اسلام، هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم غیر قابل تأمین است. اسلام می‌خواهد که غیر مسلمان در مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشد و دستش به طرف غیر مسلمان دراز نباشد؛ و الا نیازمندی ملازم است با اسارت و بردگی، ولو آنکه اسم بردگی در کار نباشد. هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد، اسیر و بردهٔ او است.»

جالب‌تر اینکه تمامی این حساسیت‌ها بر استقلال اقتصادی مملکت و بیرون آوردن آن از دستبرد بیگانگان، در شرایطی رقم می‌خورد که توان تولیدی آن زمان کشور نسبت به کشورهای صنعتی پیشرفته همچون انگلیس، روسیه، پرتغال، اسپانیا و مانند آن، به شدت نازل بود و حال آنکه در شرایط فعلی، کشور به هفدهمین اقتصاد بزرگ دنیا مبدل شده است و در بسیاری از محصولات تولیدی توان رقابت با کشورهای خارجی را داشته و دارای مزیت رقابتی و نسبی است و نیز صادرات قابل توجهی به بیرون از مرزهای خود دارد. در واقع، در چنین شرایطی سخن از محدود کردن واردات، نمی‌تواند آن‌چنان مشکل خاصی حتی برای مصرف‌کنندگان به وجود آورد.

بنابراین، مسئولان و در رأس آنان دولت‌مردان و نمایندگان مردم در مجلس، باید تمامی مقدمات لازم برای اجرای قاطعانه و سریع و دقیق حکم ممنوعیت واردات را فراهم سازند تا دیگر شاهد واردات کالاهای مصرفی غیر ضروری، کالاهای دارای مشابه داخلی و دارای توان تولید داخل و نیز کالاهای ضروری و استراتژیک مورد نیاز که باید در داخل تولید شوند، نباشیم.

پی‌نوشت:

(۱) نساء (۴): ۱۴۱.



لازم خود اقدام دارد و در صدد بیرون آمدن از عهدهٔ آن کماینبری می‌باشد، البته ملت آنچه را شایستهٔ اوست خواهد کرد و چگونه نکند؟»

بیست سال بعد، آخوند خراسانی مرجع بزرگ شیعیان نیز مصرف کالاهای خارجی در سرزمین‌های اسلامی را موجب از میان رفتن ثروت کشور و منابع داخلی و فقر و فلاکت امت و تسلط کفار بر مسلمین و نیز از بین رفتن استقلال مملکت و حتی تخریب دین دانستند و تلاش مردم از همهٔ اصناف در جهت تحریم آن را، جهاد اقتصادی در رکاب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر شمردند.

نگاهی به مواضع و فتاوا و نیز سیرهٔ علمای بصیر، حاکی از ارادهٔ جدی و عزم پر حزم ایشان برای مقابله با نفوذ و سلطهٔ بیگانگان به ویژه بلاد کفر بر بلاد اسلامی است. بیش از بیست سند و متن تاریخی حاوی مواضع و فتاواهای علمای اعلام به ویژه در تاریخ مشروطیت وجود دارد که به امر تحریم کالاهای بیگانگان و ترویج مصرف محصولات وطنی مستقیماً می‌پردازد. مبنای فقهی این موضوع را شاید بتوان در قاعدهٔ نفی سبیل دانست. قاعدهٔ نفی سبیل از قواعد مهم فقه اسلامی و مستند به آیهٔ شریفهٔ «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۱ است. در این آیه، شارع مقدس در مقام تشریع و قانون‌گذاری و در مقام بیان یک قاعدهٔ کلی در جامعهٔ اسلامی است. هر قرارداد و هر چیزی که سبب استیلا یا کافر بر مسلم شود، منتفی است. بنابراین، قاعدهٔ نفی سبیل بر ادلهٔ اولیه و احکام حکومت ناظر است. این امر در مورد معاملات و قراردادهای اقتصادی و تجاری با بیگانگان - به ویژه کفار - بسیار بارز و روشن است؛ چرا که هر گونه وابستگی اقتصادی بدون مابه‌ازای مشخص در برابر آن، موجبات وابستگی سیاسی و حاکمیتی را هم فراهم می‌آورد.

تقویت اقتصاد ملی

از سویی دیگر، برای رفع نیازهای مادی و معنوی مسلمین در تمامی شئون، باید اقتصاد جامعهٔ اسلامی از قوت و ثروت فراوانی برخوردار باشد. بدون آن، نه نیازهای داخلی رفع خواهد شد و نه اقتدار و عزت جامعهٔ اسلامی رقم خواهد خورد. چرا که واردات کالاهایی که در

پیشخوان



«
اسلام می‌خواهد
که غیر مسلمان
در مسلمان
تسلط و نفوذ
نداشته باشد.
این هدف
هنگامی میسر
است که ملت
مسلمان در
اقتصاد نیازمند
نباشد و دستش
به طرف غیر
مسلمان دراز
نباشد
»

راه کار عملیاتی خانواده در اقتصاد مقاومتی

عینی ترین جلوه جامعه، خانواده‌ها هستند که با پیروی خود از حاکم، هویت، نظم و انضباط معینی به جامعه می‌دهند و آن را پیش می‌برند. اگر حاکم انحراف داشته باشد، انحراف او از مسیر درست، تراز تشخیص انحراف جامعه است و مردم، اعضای جامعه‌اند.

مقدمه

در حوزه موضوع سبک زندگی اسلامی، اهمیت آن و آسیب‌شناسی موضوع عقل معاش و الگوی مصرف، نیاز مبرمی به توجه به حوزه‌های مختلف و مهم در سبک زندگی مسلمانان - و به طور کلی انسان تعالی خواه و آزاده - بار جوع به منابع اسلامی وجود دارد تا بتوان قدمی در این راستا برداشت.

راه کارهای قرآنی جهت رسیدن به شیوه سبک زندگی اهل بیت (علیهم السلام) و اقتصاد مقاومتی را به دو بخش کلی می‌توان تقسیم کرد:

راه کار اول: قرآن کریم سبک زندگی عالی را برای سعادت انسان نشان داده و فرموده است برای نجات از دام دشمنان، به سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پناه ببرید و ایشان را سرمشق و الگوی سبک زندگی و برنامه‌های خود قرار دهید؛ از آن حضرت الگوگیری کنید، زیرا فاصله گرفتن از اصول مکتبی برای جوامع اسلامی، زیان بار است و نتیجه آن، بحران هویت است. در این فضای بحرانی و شبهه آلود فرهنگی، باید جامعه را به منابع سرشار علوم الهی راهنمایی کرد. گرفتاری جامعه اسلامی در فقر فرهنگی پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، حاکی از مشکلی بزرگ یعنی دوری از اهل بیت (علیهم السلام) و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد.

راه کار دوم: خداوند متعال در اوامر به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بهترین روش جهت تغییر سبک زندگی پیرامون را در کنار مواظبت و دستورها، عمل گرایی معرفی می‌کند؛ اصلاح خانواده و عمل گرایی در خانواده، روش مهمی در اصلاح سبک زندگی است. در این راستا، خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «دستور حجاب را از پیرامون خودت شروع کن. ای پیامبر! تغییر در سبک پوشش را از زنان و دختران خود و در مرحله دوم از زنان مؤمنان

شروع کن»؛ این، بهترین روش برای حفظ شأن و جایگاه زنان مؤمن و بهترین سبک برای عفاف است.

قرآن می‌فرماید: «باید متولیان امر جامعه از خودشان آغاز کنند؛ سبک زندگی خانواده خود را تغییر دهند. این روش در تربیت بسیار منطقی است، زیرا تا انسان خود به آداب و تربیت الهی تربیت نشده باشد، محال است که دیگران را تربیت کند.» امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «ساده زیستی حاکم در سبک زندگی، مایه امنیت روحی مردم است و به این روش در جامعه امنیت و امید در دل فقرا ایجاد می‌شود»؛ این نوع سبک زندگی، مانع از بحران اقتصادی خواهد بود. ایشان در حاکمیت خود برای اصلاح جامعه از حکمران و حاکم شروع کرده‌اند. محور و بستر رشد و ترقی و صلاح هر جامعه، دو چیز است: ۱- خانواده ۲- حاکمیت؛

اثر گذارترین راه کار اصلاح سبک زندگی و رسیدن به اقتصاد مقاومتی، اصلاح نخبگان جامعه و ساده زیستی آنان است. جمله معروف «الناس علی دین ملوکهم» به خوبی بیان گر این مسئله است که مردمان تابع رفتار حاکمان و نخبگان و سرشناسان جامعه‌اند؛ هرگاه سران جامعه و خواص به سوی صلاح و فلاح حرکت و از ثروت اندوزی پرهیز کنند، امنیت و آرامش به اقتصاد روی می‌آورد و امنیت روحی ایجاد می‌شود.

هرگاه، دولتمردان و خواص جامعه به سوی انباشت ثروت با انگیزه سودمحوری نامشروع میل کنند، امنیت اقتصادی مخدوش می‌شود. از این رو است که اصلاح سبک زندگی باید با دو محور شروع شود: اول، حاکمیت یا دولت: اصلاح رفتار نخبگان و حاکمان جامعه؛ وقتی مسئولان جامعه بی محابا هر کاری انجام دادند و وعده دادند و عمل نکردند، هیبت قانون شکسته می‌شود و حرمت شکنی به طبقات پایین جامعه سرایت می‌کند؛ مردم به نخبگان می‌نگرند و از آنها الگو می‌گیرند.

دوم، خانواده: عینی ترین جلوه جامعه، خانواده‌ها هستند که با پیروی خود از حاکم، هویت، نظم و انضباط معینی به جامعه می‌دهند و آن را پیش می‌برند. اگر حاکم انحراف داشته باشد، انحراف او از مسیر درست، تراز تشخیص انحراف جامعه است و مردم، اعضای جامعه‌اند. با توجه به موضوعات بیان شده، نتیجه گرفته می‌شود که برای تغییر در سبک زندگی، ابتدا باید از خانواده و دولت مردان شروع کرد و با فرهنگ سازی مناسب در بستر دینی شدن امور، به اصلاح لایه‌های بیرونی سبک زندگی - که خود را در برخورد های اجتماعی و اقتصادی نشان می‌دهد - امیدوار بود.



«امیر مؤمنان (ع):
ساده زیستی
حاکم در سبک
زندگی، مایه
امنیت روحی
مردم است و
به این روش در
جامعه امنیت و
امید در دل فقرا
ایجاد می‌شود»



راه کارهای ایجاد روحیه تولید و فعالیت اقتصادی سالم و مؤثر در کودکان

کودکی با طعم شیرین کارآفرینی و تولید

باید از امروز برای نسل آینده تمهیداتی اندیشید تا برای فعالیت‌های اقتصادی تنها به دنبال مشاغل خدماتی، کارمندی و پشت میز نشینی نباشد. اگر چه چنین مناصب و موقعیت‌هایی هم برای جامعه دارای ارزش هستند، اما رشد و پیشرفت اقتصادی کشور در گرو تولید است. در حقیقت این تولید است که برای جامعه ارزش افزوده ایجاد می‌کند و موجبات استقلال کشور را فراهم می‌آورد. تربیت اقتصادی برای جامعه از ضروریات حیاتی محسوب می‌شود که به نظر می‌رسد جامعه از آن غفلت ورزیده است.

ک
ف



پیشخوان

اقتصاد
مقاومتی

است و فقط به کمی دقت و توجه نیاز دارد و الزماً نباید به دنبال استخدام و دریافت حقوق ماهیانه بود. فرد برای دست‌یابی به شغل می‌تواند به فکر و خلاقیت خود توجه کند؛ مثلاً برای یک دختر کوچک، می‌توان دریافت پول را به یک کار خلاقانه همچون آماده کردن محتویات یک شیرینی خانگی منوط کرد و برای یک پسر، ساختن یک مدار برقی با باتری و لامپ‌های کوچک، می‌تواند پیشنهاد ویژه‌ای باشد.

تقویت حس کنجکاوی و جست‌وجو

در کنار جست‌وجو برای خلق یک کالا، خانواده باید سؤال پرسیدن را در کودکان خود نهادینه کنند. نباید اجازه داد که فرزندان با راه حل‌های تکراری با مشکلات مواجه شوند. آنها باید مطالعه کنند و تا می‌توانند، بیاموزند تا با ایده‌ها و روش‌های جدید با مسائل روبه‌رو شوند. پیرامیدار (مؤسس شرکت eBay) کنجکاوی را یک عامل کلیدی در شناخت و درک جهان می‌داند. امیدوار به لطف زمینه‌های فرهنگی والدینش با دو فرهنگ ایرانی و فرانسوی آشنایی داشته است و می‌گوید: آشنایی با این فرهنگ‌ها به من آموخت که یک موضوع را از زوایای مختلف می‌توان دید و مجبور نیستید کارها را همان‌طور که قبلاً انجام می‌شده، انجام دهید. خانواده باید اجازه دهد که کودکان با محیط پیرامون و افرادی از صنف‌های مختلف اقتصادی - چه از طریق مستقیم در ارتباطات خانوادگی و چه از طریق مطالعه نوع نگرش و خلاقیت‌هایی که افراد موفق اقتصادی در کسب و کار خود با آنها به موفقیت رسیده‌اند - ارتباط بگیرند.

هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی را به آنها بیاموزد

هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی، دو بخش جدایی‌ناپذیر فرایند کارآفرینی و تولید هستند. هر چه زودتر این دو عادت مثبت به کودک آموخته شود، بهتر است.

برای این غفلت دلایل زیادی چون وجود نفت و تغییر روحیات ایرانی از تولید کنندگی به مصرف زدگی از هنگامه کشف نفت ذکر می‌شود که در مجال این بحث نیست. پیش از آنکه نظام آموزشی یک‌پارچه به امر تربیت اقتصادی جامعه در مدارس و با ابزارهایی چون رسانه و... بپردازد، خانواده می‌تواند به این مهم بپردازد.

یادداشت زیر، ده راه کار ساده در این باره است که امام جماعت می‌تواند با انتقال آن به خانواده‌ها موجبات آگاهی و کاربری آن را فراهم آورد. لازم به ذکر است که روحیه تولید، خلاقیت اقتصادی و کارآفرینی می‌تواند کودکان را مستقل و موفق بار آورد و به آنها بیاموزد که در سایه این عوامل، زندگی هدفمند و مستقلى نهفته است.

معرفی پول و فرایندهای مالی

شناخت فرایندهای مالی یکی از اساسی‌ترین نیازهای فرزندان امروز است. متأسفانه مدارس به این موضوع خیلی توجه نمی‌کنند. خانواده نباید این موضوع را رها کند؛ بلکه باید به بچه‌ها بفهماند که پول، اگر چه تمام زندگی نیست اما ارزش‌های مختص به خود را در زندگی دارد. خانواده باید در گام اول سرمایه‌گذاری و پس‌انداز را به فرزندان بیاموزد و در مورد راه‌هایی که می‌توان از پول، پول در آورد، صحبت کند و فعالیت اقتصادی را به آنها بیاموزد. پدر و مادر باید کودکان را در بحث‌های مالی - همچون سایر وجوه قابل طرح برای فرزندان در عرصه‌های مختلف - شرکت دهند و از آنها نظرخواهی کنند. ایجاد حس مسئولیت اقتصادی و اعتماد به کودکان، ذهن اقتصادی و کارآفرین آنها را تقویت می‌کند.

تمرین کارآفرینی

خانواده باید به کودکان بیاموزد که جهان اطراف، پر از فرصت‌های شغلی

“
برقراری ارتباط
مؤثر، فرصتی
است تا کودکان
ایده‌های خود
را بیان کنند و
داشته‌های ذهنی
خود را به وضوح
به اشتراک
بگذارند. این
موضوع، برگ
برنده‌ای در
زندگی هر فرد
است
”

خانواده باید به کودکان خود تکنیک اسمارت (SMART) را بیاموزد تا اهداف آنان شامل این پنج ویژگی باشد:

دقیق و واضح (Specific)، قابل اندازه گیری (Measurable)، جاه طلبانه (Ambitious)، واقع گرایانه (Realistic) و زمانبندی شده (Time-bound) باشد. خانواده باید از کودک خود بخواهد پنج هدفی که ویژگی های ذکر شده را دارند، بنویسد. تحقیقات نشان می دهد که نوشتن اهداف تا ۸۰ درصد احتمال دستیابی به آنها را بالا می برد. در قدم بعدی، والدین می توانند از آنها بخواهند پنج حرکت که برای رسیدن به این اهداف لازم است را بنویسند. والدین باید از آنها حمایت کند تا به اهدافی که تعیین کرده اند، برسند. با این کار کودکان ارزشمند بودن و موفقیت فردی در اهداف اقتصادی را از نزدیک لمس خواهند کرد.

کار گروهی

هیچ کس به تنهایی کافی نیست. همه ما برای رسیدن به اهداف خود به دیگران نیاز داریم. همه تولید کنندگان و کارآفرینان برتر، ارزش کار گروهی را به خوبی می شناسند. خانواده باید به کودکان بیاموزد که چگونه با دیگران برای رسیدن به اهداف مشترک تلاش کنند. یکی از بهترین راه ها، تشویق کودکان به شرکت در ورزش های گروهی است. ورزش به خوبی ارزش ها و قوانین کار گروهی را به کودکان می آموزد. آرتور بلنک - صاحب فروشگاه های زنجیره ای Home Depot و صاحب تیم فوتبال آتلانتا - معتقد است که ورزش، اهمیت کار گروهی را متذکر می شود.

آرتور شش فرزند دارد که هر کدام از آنها در رشته های ورزشی خاصی فعالیت می کنند. او معتقد است که ورزش به آنها می آموزد که چگونه از سد مشکلات بگذرند، چگونه تیم خود را رهبری کنند و الهام بخش ایشان باشند. همه مواردی که ذکر شد، بخش های ضروری ایجاد یک کسب و کار تولیدی و کارآفرینی هستند. خانواده باید کارهایی را که کودکان با کیفیت و خلاقانه انجام داده اند، مورد تشویق قرار دهد.

والدین باید از بچه ها بخواهند که حتی فعالیت های ساده ای مثل انجام تکالیف را هم به بهترین نحو انجام دهند. این کیفیت و خلاقیت حاکی از مسئولیت پذیری و قابل اعتماد بودن کودک است. حتی فعالیت های انفرادی مثل پیاده روی هم در پرورش استقلال کودکان مؤثر است. جان هوک، کارآفرینی و تولید را به کوهنوردی تشبیه می کند و می گوید کارآفرین هم درست مثل کوهنورد، خودش را در موقعیت های مخاطره انگیزی قرار می دهد و سپس توجه خود را معطوف به کم کردن خطرات می کند. فعالیت های با کیفیت و خلاقانه کودکان را با هدیه های مادی و معنوی می توان تداوم بخشید.

آموختن از شکست ها

در مدرسه شکست را به عنوان یک بدی می آموزند؛ در حالی که شکست می تواند یک پیروزی باشد. ناپلئون هیل می گوید: «در پس هر شکست، موفقیتی بزرگ تر یا هم طراز نهفته است.» خانواده به جای سرزنش و تنبیه کودکان، باید عوامل شکست را بیابد و به دنبال چاره ای باشد تا از تکرار شدن آن جلوگیری کند و به آنها بفهماند که شکست به خودی خود بد نیست و می تواند افق روشنی در دست یابی به اهداف باشد. خانواده باید به آنها بیاموزد که هرگز تسلیم نشوند و در بدترین شرایط دنبال راه حل باشند. در این صورت، اگر با شرایط سختی مواجه شوند، دستپاچه نمی شوند. هر کس که داشته درخوری دارد، بارها و بارها

شکست خورده است. دادن یک کوبلن به دست کودک اگر چه منتهی به شکست و سرخوردگی در کودک می شود، اما اگر مادر و پدر در پس سرخوردگی شکست، پشتیبان روحی و مهارتی کودک باشند، می تواند به خلق یک تابلو بیانجامد هر چند تابلوی زیبایی نباشد.

تقویت مهارت های ارتباطی

یکی از مهارت های ضروری که نیاز جوان امروز است، همین مهارت های ارتباطی است. برقراری ارتباط مؤثر، فرصتی است تا کودکان ایده های خود را بیان کنند و داشته های ذهنی خود را به وضوح به اشتراک بگذارند. این موضوع، برگ برنده ای در زندگی هر فرد است.

خانواده باید کودکان را مؤدب و مبادی آداب تربیت کند و به آنها بیاموزد که قاطع و با اعتماد به نفس سخن بگویند و از نظرات خود دفاع کنند. ارتباط چشمی در ارتباط های حضوری، بیان قاطع و روشن در ارتباطات تلفنی و رعایت اصول نگارشی در ارتباطات نوشتاری، نکاتی است که باید مد نظر قرار دهند. مطمئناً این آموزش ها ثمرات مؤثری برای ایجاد فعالیت های اقتصادی در آینده خواهد داشت.

خدمت به مردم

خانواده باید ارزش خدمت به مردم را به کودکان بیاموزد. همه کارآفرینان و تولید کنندگان برتر، به این اصل پای بند بوده اند. هر کار بزرگی، ارزشی بزرگ می طلبد. پدر و مادر باید به فرزند این اصل را بیاموزند که زندگی تنها در برآورده کردن نیازهای مادی خلاصه نمی شود؛ بلکه بخشی از آن، بهتر کردن دنیا - در حد توان و نه بیشتر - است.

خانواده باید به کودکان بیاموزد که یک تولید و تجارت موفق، منافع افراد زیادی را تأمین می کند؛ در واقع صاحبان این کارگاه ها و کارخانه ها با کمک به دیگران، به خود کمک می کنند. پدر و مادر باید از فرزندان خود بخواهند تا با پول اندک خود به یک موسسه خیریه کمک مالی کنند یا حتی یک موسسه خیریه در میان کودکان فامیل و دوستان تأسیس کنند. این کار به زندگی آنها معنا می بخشد و آنان را به ارزش سازنده ای پای بند می کند.

انگیزش

بسیاری از کارآفرینان مهم ترین الهام بخش و انگیزاننده خود را پدر و مادر می دانند. چشم بچه ها به دانش و ایجاد انگیزه خانواده است و پدر و مادر، بزرگ ترین الگوی آنها هستند. وقتی خانواده به آنها می گوید که سخت کار کنید و از اشتباهاتتان درس بگیرید، در عمل هم باید نشان دهد که هم سخت کار می کند و هم از اشتباهاتش درس می گیرد و وقتی از آنها می خواهد مؤدب و مبادی آداب باشند، باید نشان دهد که خودش هم در عمل این گونه است.

رازق، خدا است

کودک باید در خانواده بیاموزد که رزق و روزی در نهایت در دست خدا است و خداوند هم به تلاش آنها می نگرد. باید به کودک آموخت که در فعالیت اقتصادی هم مانند هر فعالیت دیگری نتیجه در دست خدا است و مهم، تلاش آنها است. در نهایت، خانواده می تواند به کودک خود بیاموزد که از دیار رزق در فراهم آوردن زمینه برای کار و کسب حلال برای دیگران است و این، سریع ترین، سالم ترین و مفیدترین مسیر برای موفق شدن در فعالیت های اقتصادی است.

۶۶
خانواده می تواند
به کودک خود
بیاموزد که
از دیار رزق در
فراهم آوردن
زمینه برای کار
و کسب حلال
برای دیگران
است و این،
سریع ترین،
سالم ترین
و مفیدترین
مسیر برای
موفق شدن در
فعالیت های
اقتصادی است
۶

چالش‌های فرهنگی-رفتاری ایرانیان در برابر کار و تولید

سرمایه‌جاودانی است کار...

مبانی اشتباهات فرهنگی-رفتاری ایرانیان
در موضوع کار

یادداشت اختصاصی
دکتر الهام درستیان
مشاور و روانشناس

در زمینه چالش‌های فکری ایرانیان در برابر موضوع کار و کار کردن، برای شروع باید به سراغ زیرساخت‌های فکری رفت. باید پرسیم که اصولاً چرا ایرانی‌ها این گونه به کار می‌اندیشند و کار تولیدی کردن را برای خود نمی‌پذیرند؟

۱- فکر کردن به شغل در آستانه‌سی سالگی

یکی از دلایل مهمی که ایرانی‌ها خیلی به تولید اهمیت نمی‌دهند و مصرف‌گرا شده‌اند، این است که نوع و نحوه تربیت و آموزشی که آنها در دوران کودکی تا جوانی می‌بینند، دچار نقصان است. کودکان در مدارس صرفاً یاد می‌گیرند که ما باید درس بخوانیم؛ تنها وظیفه‌ای که داریم، درس خواندن است و دیگر هیچ وظیفه‌ای نداریم! پس از این دوران، در دانشگاه هم باز در دوره کارشناسی به این فکر می‌کنند که ما باید مدرک کارشناسی بگیریم! در این مرحله هم کار در اولویت نیست. جامعه هم به طریق فکری و مشاوره‌ای آنها را به سمت مهارت‌آموزی هدایت نمی‌کند تا در قبال خدماتی که از جامعه در قالب آموزش و... می‌گیرند، خدماتی هم به جامعه ارائه کنند. به هر صورت، این فرآیند فکری حتی در دوره کارشناسی ارشد و دکتری هم بعضاً ادامه می‌یابد و ما به جایی می‌رسیم که این جوان از دانشگاه فارغ التحصیل شده و با مدرک، بیکار است و دنبال کار می‌گردد. از طرفی هم هر شغلی را نمی‌تواند بپذیرد چون توقعش بالا است؛ مدرک دانشگاهی دارد و هر کاری را انجام نمی‌دهد و اینجا آغاز معضلات او برای خود، خانواده و جامعه است. بنابراین، کار کردن برای یک ایرانی تا سن نزدیک به سی سالگی اولویت چندم است.

۲- تربیت پر توقع

یکی دیگر از مشکلات تربیتی ما در حوزه کار کردن این است که خانواده‌های ایرانی فرزندان را پر توقع بار می‌آورند؛ خانواده‌ها می‌گویند که «ما همه امکانات را برای تو فراهم می‌کنیم، تو آب در دلت تکان نخورد و فقط درس بخوان» چرا؟ به این دلیل که آنها کار کردن را سختی می‌پندارند و طبیعتاً به دلیل اینکه خودشان سختی‌های فراوانی در این مسیر کشیده‌اند، می‌خواهند فرزندان‌شان این سختی‌ها را تحمل نکنند و راحت باشند! این باعث می‌شود که مانسل به نسل به سمت راحتی طلبی بیشتر برویم، به این سمت برویم که فرد از فرصت‌ها در جهت پیشبرد توانایی‌ها و استعدادهایش استفاده نکند و صرفاً از هر فرصتی که در اختیارش قرار داده می‌شود، بهره‌مند شود.

۳- مصرف‌گرایی

معضل سوم ما در برابر موضوع کار و تولید، این است که ما متأسفانه

یکی از مصرف‌گرا ترین کشورهای دنیا هستیم و حتی در زمینه مصرف اینترنت و شبکه‌های اجتماعی هم از این داستان مستثنی نیستیم؛ حتی در فضای مجازی هم کمترین تولید را در زمینه تحقیق و پژوهش داریم. از مشخصات جامعه مصرف‌گرا این است که دچار مدگرایی و پرنده‌بازی می‌گردد. تفکر چنین جامعه‌ای این است که به جای اینکه درون جامعه خود تلاش‌گری کرده و حرکت‌آفرین باشد، خود را با یک اتفاق و روند خارجی همراه کند.

۴- درماندگی آموخته شده

نکته چهارم از چالش‌های فکری و رفتاری جامعه ایرانی در برابر کار، این است که تعدادی از افراد دچار «درماندگی آموخته شده» شده‌اند! این درماندگی آموخته شده، مبحثی است که در روان‌شناسی جدید در مورد آن صحبت می‌شود و مصداق آن فردی است که وقتی در انجام کاری یک یا دوبار به در بسته می‌خورد، بار سوم اصلاً عطای آن کار را به لقایش می‌بخشد و سراغ انجام آن نمی‌رود. چنین فردی نوعی ترس، غم یا افسردگی درون خود دارد که احساس می‌کند در آن زمینه موفق نخواهد شد؛ چالش‌های خود را بررسی نمی‌کند که به پاسخ این سؤال دست یابد که من چرا موفق نشدم؟ شاید امکان انجام آن کماکان هست و شاید مسیر اشتباهی رفته‌ام، شاید اگر مسیر دیگری بروم موفق بشوم! در فرآیند تحریم‌ها در سال‌های گذشته عده‌کثیری از افرادی که به کار تولید اشتغال داشتند، به مشکل برخورد کردند و حالا خود، اطرافیان و فرزندان آنها که شاهد مشکلات بوده‌اند، ترسی از تکرار آن مشکلات برای خود دارند و مدام با خود تکرار می‌کنند که چه تضمینی هست که این مشکلات برای ما رخ ندهد؟

۵- عدم بردباری

چالش آخر روحی ایرانیان در برابر کار و تولید، این است که صبر و بردباری - که لازمه فعالیت تولیدی است - در جامعه ایران به دلیل رواج بر سر تجملات، کاهش پیدا کرده و جامعه مدام به دنبال کاری با حداقل صرف وقت و حداکثر درآمد است. چنین است که عده‌ زیادی وارد فعالیت‌های دلالی و... می‌شوند که اصولاً در معنای کار کردن نمی‌گنجد. از سوی دیگر، برای دیگران مبین این است که در جامعه ما، درآمد و ثروت لزوماً از مجاری‌ای چون کار تولیدی نمی‌گذرد.

۶- ریسک‌ناپذیری

در موضوع چالش کار در فرهنگ این روزهای کشور، باید گفت



پیشخوان

اقتصاد
مقاومتی

“چالش آخر
روحی ایرانیان در
برابر کار و تولید،
این است که
صبر و بردباری
- که لازمه
فعالیت تولیدی
است - در جامعه
ایران به دلیل
رواج رقابت بر
سر تجملات،
کاهش پیدا کرده
و جامعه مدام
به دنبال کاری
با حداقل صرف
وقت و حداکثر
درآمد است
”



قوانین و باید‌ها و نبایدها در تربیت کودک توسط والدین است. برای مثال، مادری که برای رنگی نشدن دست کودک قلم را از او می‌گیرد و اجازه نمی‌دهد او نقاشی کند، فرصت خلاقیت را از او می‌گیرد. مادری که در چارچوب خلق یک اثر اجازه خلاقیت را از کودک می‌گیرد، در حقیقت خلاقیت را در او می‌کشد.

این خیلی مهم است که ذهن یک کودک، منع نشود. مثلاً وقتی که کودک در مورد ایده‌ای جدید صحبت می‌کند، نباید به او گفت که «این حرف‌ها چیه تو داری می‌زنی؟! یا «چقدر حرف می‌زنی؟ سر ما رو خوردی! بسه! دیگه لازم نیست اینا رو بگی!» در آن لحظه، کودک در حال بروز خود و خلاقیت خود است و اگر ما مانع نشویم و اتفاقاً به استعدادها و توانمندی‌هایش پر و بال دهیم، خلاقیت او می‌تواند پرورش پیدا کند و آینده‌ای کارآفرین، خلاق، مولد و موفق داشته باشد.

یجاد معنای دیگر، برای انگیزه کار کردن

موضوع دوم که ائمه جماعت می‌توانند در فرهنگ‌سازی کار در جامعه به آن اهتمام ورزند، این است که به ترویج کار منهای آنکه تنها دلیل دست زدن به آن کسب درآمد است، بپردازند. روان‌شناسان مبحثی به نام کنترل درونی را طرح می‌کنند؛ افراد، یک کنترل درونی و یک کنترل بیرونی، یک انگیزه درونی و یک انگیزه بیرونی دارند. یکی از مشکلات جامعه امروز ما این است که افراد همواره در افعال خود منتظر کنترل بیرونی و البته انگیزه بیرونی هستند تا بتوانند کاری را رقم بزنند.

آنچه که ائمه جماعت می‌توانند با توجه به الگوهای دینی در جامعه فرهنگ‌سازی کنند، این است که انگیزه کار کردن و کنترل را درونی کنند؛ یعنی اینکه یک انسان، نه صرفاً برای این به کاری مشغول شود که همه می‌گویند باید کار کند، و نه صرفاً برای اینکه درآمدی داشته باشد؛ بلکه انگیزه درونی او برای کار کردن این باشد که کار، عبادت و بخشی از زندگی است، به او هویت سعادیه عطا می‌کند، باعث می‌شود که او به جامعه خدمت کند، ساعات زیادی را در روند کار می‌گذراند که می‌تواند انواع و اقسام ویژگی‌های اخلاقی را در آن ساعات به خود اضافه کند و فرد خودساخته‌تری شود.

یجاد تعهد و مسئولیت‌پذیری در جامعه

انسان می‌تواند به کار به گونه‌ای نگاه کند که روحیه تعهد را در خود تقویت کند. یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که امروزه در سیستم کاری در کشور وجود دارد، این است که افراد به تعهدات کاری که دارند، عمل نمی‌کنند. به نظر می‌رسد ائمه جماعت می‌توانند روی این موضوع خیلی خوب کار کنند که اگر فردی تعهدی را پذیرفت، پای آن قول و تعهد بایستد. اگر مسئولیت‌پذیری در جامعه رواج یابد، آن زمان کسی که ثروت دارد، نسبت به جامعه خود احساس تعهد می‌کند؛ به جای بانک، سرمایه خود را در یک کارگاه تولیدی به کار می‌گیرد و ده‌ها نفر را از بیکاری نجات داده و اشتغال ایجاد می‌کند. اگر مسئولیت‌پذیری در جامعه رواج یابد، کارگر یک کارخانه تولیدی کار خود را با نهایت دقت انجام می‌دهد، محصول با کیفیتی تولید خواهد شد، مصرف‌کننده و خریدار بیشتری برای تولیدات داخلی فراهم می‌شود و چرخ اقتصاد ملی بهتر خواهد چرخید و....

ائمه جماعت می‌توانند با ذکر مبانی دینی و ضرورت اخلاقی مسئولیت‌پذیری، جامعه را به این سمت هدایت کنند.

که مشکلات سبب شده است عده زیادی از جوانان دارای قدرت ریسک‌پذیری نباشند. همین امر باعث می‌شود به چالش محیط کار رغبتی نشان ندهند. از نظر شخصیتی، افراد متفاوت هستند؛ عده‌ای از افراد روحیه ریسک‌پذیری بیشتری دارند و عده‌ای ترجیح می‌دهند که حیطه امن آرامش خود را نگه دارند و در همان حوزه ادامه دهند. محیط کار، محیط چالش و مبارزه است؛ حتی اگر بیرون کسی نباشد که با فرد رقابت کند، لازم است فرد خودش با خودش وارد چالش شود تا بتواند در فضای کاری رشد کند. اگر فرد نپذیرد که وقتی به سر کاری می‌رود با یک فضای چالش‌انگیز روبه‌رو است و لازم است که ابتدا روحیه و مهارت‌های حل مسأله و تصمیم‌گیری خود را که جزء مهارت‌های زندگی هستند، برای چالش‌پذیری و ریسک‌پذیری تقویت کند، طبیعتاً نمی‌تواند در کارش پیشرفت کند و موفق باشد.

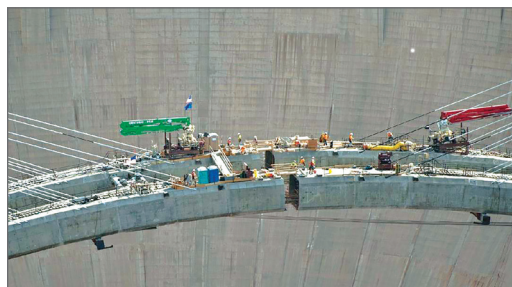
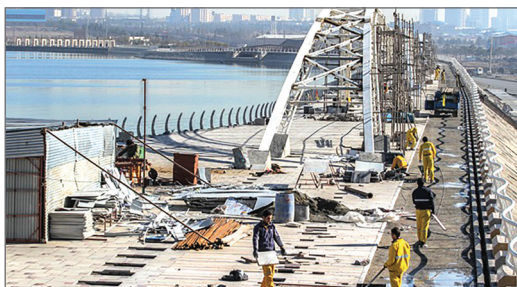
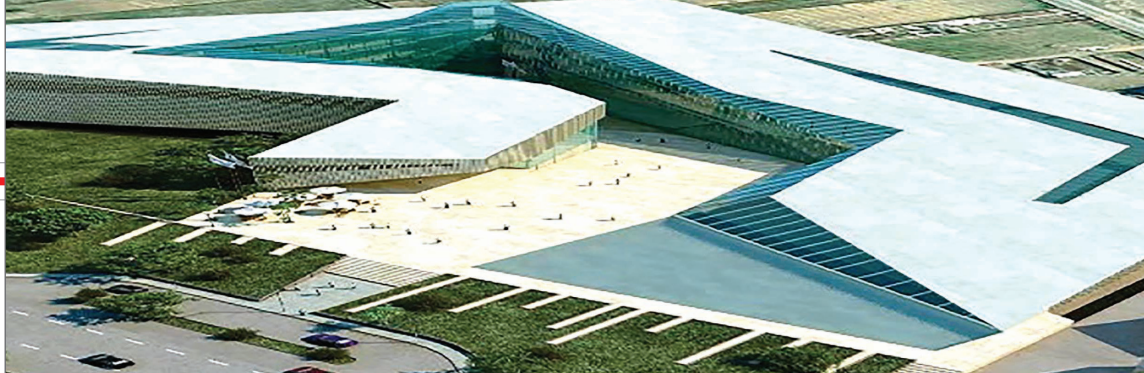
شش فاکتوری که ذکر شد، مبانی طرز تفکر ایرانیان در مورد کار کردن است. راه کارهای رفع مشکلات فرهنگی-رفتاری ایرانیان در برابر موضوع کار در این میان، فرهنگ‌سازان و افرادی چون ائمه جماعت چه باید انجام دهند؟

فرهنگ تربیت خلاقیت‌محور در خانواده

اولین شیوه رفتاری یا فرهنگی که خانواده ایرانی باید در تربیت فرزندان بدان اهتمام ورزد، بحث خلاقیت است؛ ما باید روی خلاقیت خود کار کنیم. باید روی اینکه هر فردی چه توانمندی‌ها، استعدادها و رغبت‌هایی دارد، کار کنیم. انجام این فعالیت‌ها هم مقطعی است و مقطع آن، پیش از ورود فرزندان به دانشگاه و انتخاب رشته مورد علاقه آنها است. در جامعه ایرانی، خانواده فرزندان را به مسیر و رشته‌ای -مثل پزشکی، مهندسی و...- رهنمون می‌کند که آن کودک اصلاً استعدادی در آن زمینه ندارد و آن رشته و فارغ التحصیلی در آن، آرزوی پدر و مادر بوده است. طبیعتاً چنین فردی در آینده هم نمی‌تواند فرد مؤثری برای جامعه در آن زمینه باشد. در حالی که افرادی هم هستند که با توجه به استعداد، مهارت و علاقه در حوزه تحصیلی مرتبط با آن وارد شده و می‌توانند خلاقانه رفتار کنند و حوزه جدیدی را ایجاد کرده، کارآفرینی هم بکنند که طبیعتاً منجر به ایجاد فعالیت تولیدی خواهد شد و به تولید کمک خواهد کرد.

برای ایجاد خلاقیت در کودکان، باید دانست که تمام بچه‌ها خلاق هستند. آنچه خلاقیت را در وجود بچه‌ها از بین می‌برد، وضع نابه‌جای

۶۶
یکی از
بزرگ‌ترین
مشکلاتی
که امروزه در
سیستم کاری در
کشور وجود دارد،
این است که
افراد به تعهدات
کاری که دارند،
عمل نمی‌کنند.
به نظر می‌رسد
ائمه جماعت
می‌توانند روی
این موضوع
خیلی خوب
کار کنند که اگر
فردی تعهدی
را پذیرفت، پای
آن قول و تعهد
بایستد
۶



پیشخوان

اقتصاد
مقاومتی

نمره قبولی اقتصاد در کارنامه نظام جمهوری اسلامی

بر این اساس ایشان تذکر دادند که پادمان باشد مادر چه وضعیت و در چه جایگاهی قرار داریم؟ اگر چالش هایی را -مخصوصاً به بهانه هایی چون فضای انتخابات و امثال آن- میان مدیران می بینیم و گاهی ضعف هایی برجسته می شود، علی رغم اهمیت بسیار و تلاش برای حل آنها، اولاً در نگاه کلان به مسائل نظام و موفقیت های آن قابل توجه نیست، ثانیاً ناتوانی های مدیریتی است که به خود ما و تلاش ما باز می گردد. منشأ مشکلات اقتصادی از ذات نظام اسلامی نیست. نظام در سه چهار دهه گذشته در عرصه های مختلف، توانمندی ها و قابلیت های خود در حل مسائل را به صورت کامل نشان داده است. به عنوان نمونه، این کشور از یک کشور جهان سومی که قبل از پیروزی انقلاب دچار مصیبت اقتصاد داخلی و استعماری ترین وضعیت ممکن بوده است، تحت لوای نظام جمهوری اسلامی پس از پیروزی انقلاب به دستاوردهای بسیار بزرگ و عظیمی در همه عرصه ها دست یافت که اساساً قابل مقایسه با وضعیت گذشته نیست.

فهرست بلند موفقیت های نظام اسلامی

در فهرست بلند دستاوردهای نظام اسلامی که ابعاد مختلف اقتصادی، نظامی، فرهنگی و سیاسی را شامل می شود، موفقیت در ابعاد هویتی، تعلیم و تربیت به طور ویژه باید مورد بررسی قرار گیرد تا رشد روحیه استقلال طلبی، اسلام خواهی و آزادی ملت بزرگ ایران مشخص شود.

در زمینه مسائل زیرساختی، کارهایی در کشور شده است که فوق العاده است. واقعاً در جایی از دنیا این سهم و حجم از تحولات را در یک بازه زمانی مشابه انقلاب اسلامی شاهد نبوده ایم. در همین راستا مقام معظم رهبری بخشی از دستاوردها و پیشرفت های اقتصادی را در زمینه های

اشاره

بیانات مقام معظم رهبری در روز اول هر سال جدید، چراغ فروزانی است که روشنایی آن بر روی تمام مسائل مورد ابتلا و بحث سال پیش رو نور می اندازد و مسائل را از زوایای مختلف روشن می کند.

در سال جدید، ایشان در ادامه نام گذاری سال ها، سال جدید را به عنوان سال «اقتصاد مقاومتی، اشتغال و تولید» نام گذاری کردند، نکاتی را متذکر شدند و مواضع بسیار شفافی در زمینه های گوناگون گرفتند که به تعدادی از آنها اشاره می کنیم. مقام معظم رهبری قسمت عمده ای از بیانات خود در این سخنرانی را به مبحث اشتغال و تولید اختصاص دادند. اما نکته بسیار مهمی بعد از کلیات بیان داشتند که متأسفانه در میان رسانه ها و صاحبان تریبون مورد غفلت واقع شده و متأسفانه از همین نقطه جامعه در معرض هدف گذاری از ناحیه دشمنان قرار گرفته است، «کارنامه اقتصادی جمهوری اسلامی» است.

مقام معظم رهبری نسبت دادن کمبودهای معیشتی و اقتصادی کشور به نظام اسلامی و به جمهوری اسلامی را نقشه های دشمنانه خواندند و فرمودند که «دشمن در تبلیغات وسیع خود تلاش می کند که کمبودهای معیشتی و اقتصادی کشور را به نظام اسلامی و به جمهوری اسلامی نسبت بدهد؛ این نقشه دشمن است. آنها می خواهند این جور وانمود کنند که نظام اسلامی قادر نبوده است و قادر نیست مشکل اقتصادی ملت ایران را و مشکلات اساسی ملت ایران را حل کند و گره ها را باز کند؛ یک سوء استفاده این جوری می خواهند بکنند برای کوبیدن نظام اسلامی».

یادداشت شفاهی
حجت الاسلام
والمسلمین دکتر
علی اکبری
امام جماعت مسجد
پیامبر اعظم شهرک
شهید محلاتی

«
کارآفرین
اجتماعی تنها
در صورتی در
فعالیت های
سودآور
مشارکت می کند
که بداند چنین
فعالیت هایی
به خلق «بهبود
اجتماعی» قابل
توجهی برای
اعضای جامعه
منجر خواهد شد
»

گوناگون بر شمرند و البته فرمودند که اینها تنها نمونه‌هایی است. اگر کلیت نظام - صرف نظر از دولت‌های مختلف - را در هر زمینه و با هر شاخصی بررسی کنیم، می‌بینیم که کاری که انجام شده از نظر جهانیان و کارشناسان جهانی بیشتر شبیه یک اعجاب و معجزه‌هایی است که ملتی خلق کرده و ملت ایران را به قله رسانده است. در بسیاری از موارد اگر بخواهیم فقط همین دستاوردهای مادی را فهرست کنیم، از مجال این یادداشت خارج خواهد بود؛ چه رسد به دستاوردهای معنوی که به هیچ وجه قابل مقایسه با این دستاوردهای مادی نخواهد بود.

دستاوردهای معنوی

دست‌یابی به هویت و شخصیت، بازگرداندن معنویت به صحنه زندگی، درآوردن دین از انزوا، تحت تأثیر قرار دادن بشریت و... نتایج کمی نیست و باید اینها را برای جامعه تبیین کرد. بسیاری از تحولاتی که پس از انقلاب اسلامی در شرق و غرب عالم و به خصوص در منطقه اتفاق افتاد، همه اینها دستاوردهای ارزشمندی هستند. تبعات و پیامدهای انقلاب اسلامی هنوز که هنوز است در اطراف و اکناف دنیا مشاهده می‌شود. شعارهای ما امروزه نه فقط در کشورهای نزدیک و بین مسلمانان، بلکه شعار بسیاری ملت‌های دیگر شده است و حتی در خود دولت‌های استکباری مثل آمریکا ما آن شعارها را می‌بینیم. با همان شعارها تحولاتی در داخل آن کشورها صورت پذیرفته است. اگر ما خودتکایی، روی پای خود ایستادن، توجه به خود، تولید داخلی، توجه به نیروها و ظرفیت‌های درونی و... را در انقلاب اسلامی مطرح کردیم، امروز و پس از چهل سال در دل دشمن اول مردم ایران، آمریکایی‌ها با همین شعارها رئیس‌جمهور بر سر کار آورده‌اند. اگر ما افسانه شکست‌ناپذیری قدرقدرت‌ها را در هم شکستیم، دستاوردی تاریخی برای این مرز و بوم رقم زده‌ایم که تا ابدیت تاریخ آن را ذکر خواهد کرد.

بر اثر زلزله انقلاب اسلامی، شاهد تحولاتی چون بیداری اسلامی، قیام ملت‌ها و... بوده‌ایم. از اینها مهم‌تر، اساساً پس از بروز انقلاب اسلامی بعضی از تفکرات فرو ریخت و قضیه مارکسیسم و الحاد، به کلی از کره زمین حذف شد.

جایگاه نظام اسلامی در عرصه‌های مختلف

صرف نظر از همه این تحولات معنایی و معنوی، اگر بخواهیم انقلاب اسلامی را تنها با معیارهای اقتصادی در مسئله علم بررسی کنیم، می‌بینیم که علی‌رغم اینکه کشور ما پیش از انقلاب با محدودیت‌های شدید و محرومیت مزمن بسیار گشوده و رنج‌دهنده‌ای در عرصه علمی مواجه بود، امروزه در علوم مختلف و نه فقط علوم انسانی (که حرف‌های نویی در همه زمینه‌ها زده شده)، در علوم فنی، مهندسی، علوم طبیعی و پزشکی، خود را به ده کشور اول دنیا رسانده‌ایم. سلول‌های بنیادی، نانوی پیشرفته، پیشرفت‌های هسته‌ای، سوخت هسته‌ای بیست درصد و... از جمله این دستاوردها است. در زمینه داروهای هسته‌ای علاوه بر تأمین نیازهای داخلی و قطع وابستگی، جزء کشورهای دارای پتانسیل صادرات تکنولوژی‌های این عرصه‌ها هم هستیم.

مشاهده می‌شود. شعارهای ما امروزه نه فقط در کشورهای نزدیک و بین مسلمانان، بلکه شعار بسیاری ملت‌های دیگر شده است و حتی در خود دولت‌های استکباری مثل آمریکا ما آن شعارها را می‌بینیم. با همان شعارها تحولاتی در داخل آن کشورها صورت پذیرفته است. اگر ما خودتکایی، روی پای خود ایستادن، توجه به خود، تولید داخلی، توجه به نیروها و ظرفیت‌های درونی و... را در انقلاب اسلامی مطرح کردیم، امروز و پس از چهل سال در دل دشمن اول مردم ایران، آمریکایی‌ها با همین شعارها رئیس‌جمهور بر سر کار آورده‌اند. اگر ما افسانه شکست‌ناپذیری قدرقدرت‌ها را در هم شکستیم، دستاوردی تاریخی برای این مرز و بوم رقم زده‌ایم که تا ابدیت تاریخ آن را ذکر خواهد کرد.

بر اثر زلزله انقلاب اسلامی، شاهد تحولاتی چون بیداری اسلامی، قیام ملت‌ها و... بوده‌ایم. از اینها مهم‌تر، اساساً پس از بروز انقلاب اسلامی بعضی از تفکرات فرو ریخت و قضیه مارکسیسم و الحاد، به کلی از کره زمین حذف شد.

جایگاه نظام اسلامی در عرصه‌های مختلف

صرف نظر از همه این تحولات معنایی و معنوی، اگر بخواهیم انقلاب اسلامی را تنها با معیارهای اقتصادی در مسئله علم بررسی کنیم، می‌بینیم که علی‌رغم اینکه کشور ما پیش از انقلاب با محدودیت‌های شدید و محرومیت مزمن بسیار گشوده و رنج‌دهنده‌ای در عرصه علمی مواجه بود، امروزه در علوم مختلف و نه فقط علوم انسانی (که حرف‌های نویی در همه زمینه‌ها زده شده)، در علوم فنی، مهندسی، علوم طبیعی و پزشکی، خود را به ده کشور اول دنیا رسانده‌ایم. سلول‌های بنیادی، نانوی پیشرفته، پیشرفت‌های هسته‌ای، سوخت هسته‌ای بیست درصد و... از جمله این دستاوردها است. در زمینه داروهای هسته‌ای علاوه بر تأمین نیازهای داخلی و قطع وابستگی، جزء کشورهای دارای پتانسیل صادرات تکنولوژی‌های این عرصه‌ها هم هستیم.

این موفقیت‌ها هم‌زمان با نشاط ملی، نخبه‌پروری و تحرک بسیار بالا در نسل‌های جوان ما، با عزت ملی و حفظ استقلال سیاسی محقق شده است.

همه اینها با رعایت نسبی عدالت محقق شده است. هر چند مشکلاتی هم در این زمینه داریم، پیشرفت‌های ما با نشانه‌ها و قرائنی از عدالت مقرون بوده است که در جایی از دنیا یافت نمی‌شود. در واقع در این نقطه از تاریخ و در این کشور، عملاً اسلام، روحیه ایمانی و دینی با توسعه علمی به نحوی مقرون شده است که نمی‌توان به صورت منفک هر کدام از اینها را مایه موفقیت در رشد کشور دانست و این ترکیب فوق‌العاده این عوامل بوده که ما را به این نقطه رسانده است. رشد ما محسوس‌تر از آن است که محتاج نمودار و عدد باشیم. اگر دشمنی دشمنان قسم‌خورده انقلاب نبود، این مسیری که با سرعت فوق‌العاده پیمودیم و نمونه‌ای کامل برای دنیا در رشد همراه با استقلال شدید را قطعاً سریع‌تر می‌پیمودیم.

در آینده هم این شاء‌الله با همین قوت و قدرت کشور را به پیش خواهیم برد و با سند چشم‌انداز ۱۴۰۰ که چشم‌انداز ملی ما است، به جایگاه ویژه‌تری دست می‌یابیم.

۶۶

در فهرست بلند
دستاوردهای
نظام اسلامی
که ابعاد مختلف
اقتصادی،
نظامی، فرهنگی
و سیاسی را
شامل می‌شود،
موفقیت در ابعاد
هویتی، تعلیم
و تربیت به
طور ویژه باید
مورد بررسی
قرار گیرد تا
رشد روحیه
استقلال‌طلبی،
اسلام‌خواهی
و آزادی ملت
بزرگ ایران
مشخص شود

۶



پیشخوان

تحلیل
ماه

«
خمینی را اگر
دار بزنند، تفاهم
نخواهد کرد! من
از آن آخوندها
نیستم که در
اینجا بنشینم و
تسبیح دست
بگیرم، من پاپ
نیستم که فقط
روزهای یکشنبه
مراسمی انجام
دهم و بقیه
اوقات برای
خودم سلطانی
باشم و به امور
دیگر کاری
نداشته باشم
»

فراموشی پیر جماران، فراموشی ارزش‌های اصیلی است که در تار و پود فرهنگ انقلابی این جامعه، تنیده شده است. استقلال، عزت، شرف، ایمان و ده‌ها واژه دیگر، کلیدهای حفظ ارزش‌هایی است که دنیا، ما را به آنها می‌شناسد و همگی در وجود امام خمینی (ه) تجلی می‌یابند و شناخت معمار کبیر انقلاب، فرصت مرور فرهنگ انقلابی را فراهم می‌سازد.

خمینی از منظر امام خمینی (ره)

رحیم
فاطمی

نوشتن از امام خمینی (ره) را باید کسی بر عهده گیرد که در تراز گام‌های او گام برداشته، در تراز نفس‌های او نفس کشیده و در دنیای پر از خدای خمینی زندگی کرده باشد. هر چند این روزها دست ما از بهشتی و طالقانی و یاران روزهای سخت انقلاب کوتاه است و نمی‌توانیم امام خمینی را از زبان و کلام آن بزرگان بشنویم و بخوانیم، اما هنوز سایه رهبری آیت‌الله خامنه‌ای را بر سر داریم و گفتمان امام را از رفتار و کردار ایشان می‌شنویم و می‌بینیم. یادداشت زیر، به بهانه سالگرد ارتحال امام مستضعفان و به قصد یادآوری و شناخت مجدد آن بزرگوار تهیه شده است که در برگیرنده گوشه‌هایی از شخصیت امام خمینی (ره) از زبان خود ایشان و حاوی سخنان ایشان با رعایت ترتیب زمانی - از سال ۱۳۴۲ تا اواسط سال ۱۳۵۸ - است. رعایت این نکته ضروری است که هنگام مطالعه، نباید شرایط زمان، مکان و مخاطبان را از نظر دور داشت تا بیشتر به ارزش واقعی آن دست یافت.

می‌افتم و از هیچ چیز نمی‌ترسم. بحمد الله تعالی، والله تا حالا نترسیده‌ام؛ آن روز هم که می‌برندم، آن روز آنها می‌ترسیدند، من آنها را تسلیت می‌دادم که نترسید.^۱

۱- قلب خود را برای سرنیزه‌های شما حاضر کرده‌ام!

من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام، ولی برای قبول زور گویی‌ها و خضوع در مقابل جباری‌های شما، حاضر نخواهم کرد. من به خواست خدا احکام خدا را در هر موقع مناسبی بیان خواهم کرد و تا قلم در دست دارم، کارهای مخالف مصالح مملکت را بر ملا می‌کنم.^۱

۲- خمینی را اگر دار بزنند، تفاهم نخواهد کرد!

خمینی را اگر دار بزنند، تفاهم نخواهد کرد! من از آن آخوندها نیستم که در اینجا بنشینم و تسبیح دست بگیرم، من پاپ نیستم که فقط روزهای یکشنبه مراسمی انجام دهم و بقیه اوقات برای خودم سلطانی باشم و به امور دیگر کاری نداشته باشم.^۲

۳- والله تا حالا نترسیده‌ام!

من از آن آدم‌ها نیستم که اگر یک حکمی کردم، بنشینم چرت بزنم که این حکم خودش برود! من راه می‌افتم دنبالش؛ اگر من خدای نخواسته یک وقت دیدم که مصلحت اسلام اقتضا می‌کند که یک حرفی بزنم، می‌زنم و دنبالش راه

۴- من امروز دست بقال را هم می‌بوسم!

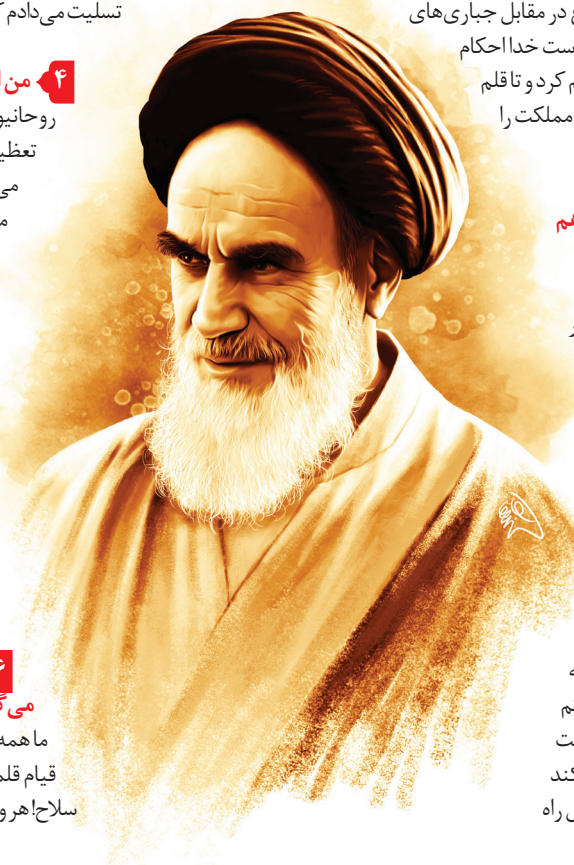
روحانیون با هم هستند. من به تمام روحانیون تعظیم می‌کنم، دست تمام روحانیون را می‌بوسم، آن روز اگر دست مراجع را می‌بوسیدم، امروز دست طلاب را هم می‌بوسم. من امروز دست بقال را هم می‌بوسم.^۴

۵- حاضرم برای کوچک‌ترین افراد کوچکی کنم!

این جانب که یک نفر از خدمت‌گزاران علمای اعلام و ملت اسلام هستم - در موقع خطیر و برای مصالح بزرگ اسلامی - حاضرم برای کوچک‌ترین افراد کوچکی کنم، تا چه رسد به علمای اعلام و مراجع عظام کثر الله امثالهم.^۵

۶- اول کسی که سلاح به دوش می‌گیرد، منم!

ما همه مکلفیم که بر ضد این [شاه] قیام کنیم؛ قیام قلمی، قیام قولی، هر وقت هم شد، قیام به سلاح! هر وقت وقت پیدا کردیم، اول کسی که سلاح



را به دوشش بگیرد، خود منم اگر توانستم، هر وقت هم نتوانستم، حرف می‌زنم، صحبت می‌کنم.^۶

۷- ای کاش خمینی در میان شما بود...

ای کاش خمینی در میان شما بود و در کنار شما در جبهه دفاع برای خدای تعالی کشته می‌شد.^۷

۸- امر، امر من نیست!

بعضی آقایان می‌گویند که اگر تو امری داشته باشی، ما در اطاعتش حاضریم. آقایان بدانند که من امری ندارم! امر، امر من نیست؛ امری که الآن همه ما مبتلای به آن هستیم و همه باید اطاعت کنیم، امر خداست که ما بندگان او هستیم.^۸

۹- خون من رنگین تر نیست.

سؤال: آیا حضرت آیت‌الله هیچ گونه نگرانی یا ترسی از امنیت شخصی خود دارند؟

جواب: این‌ها مهم نیست و اشکالی ندارد. اصولاً اگر با کشتن من انقلاب به نتیجه کامل خود برسد، چرا به چنین امری راضی نباشم؟ خون من از خون سایر ایرانیان رنگین تر نیست. در هر صورت خداوند، عالم و حافظ است.^۹

۱۰- بیشتر از ۱۶ ساعت کار می‌کنم.

سؤال: برنامه روزانه زندگی شما چیست و چگونه است؟

جواب: بیشتر از ۱۶ ساعت کار می‌کنم. در اینجا، نوع کارم با نجف فرق کرده است؛ مصاحبات، مذاکرات و گاهی سخنرانی، خواندن گزارشات که توسط عده‌ای تهیه می‌شود، بررسی نامه‌ها و تلگرافاتی که می‌رسد و گاهی جواب به آنها کار روزانه‌ام را تقریباً تشکیل می‌دهد.^{۱۰}

۱۱- با یک قلم و چند صفحه کاغذ مبارزه می‌کنم!

سؤال: اخیراً شما نماینده دولت لیبی را به حضور پذیرفته‌اید. گفته می‌شود به شما کمک مالی کرده‌اند. آیا صحیح است؟ اگر صحیح نیست، چه دلیلی دارید؟

جواب: نماینده لیبی آمده است اینجا، لکن در مسائل دیگری با من صحبت کرده است و اصلاً صحبت مالی نشده است. نه لیبی و نه کشورهای دیگر به من کمک مالی نکرده‌اند و من احتیاج به کمک مالی ندارم. من با شاه با یک قلم و چند صفحه کاغذ مبارزه می‌کنم و اگر یک وقت محتاج به کمکی باشم، ملت من به من کمک خواهد کرد.^{۱۱}

۱۲- بزرگ‌ترین آرزوی من...

سؤال: بهترین آرزوی شما برای ایران چیست؟

جواب: بزرگ‌ترین آرزوی من، این است که مردم ایران از چنگال ظلم نجات پیدا کنند و صاحب کشوری باشند آزاد و مستقل، دارای نظامی اسلامی که در آن، حقوق انسان‌ها آنچنان که اسلام دستور داده است، رعایت شود و در راه پیشرفت و ترقی و سعادت انسانی، سرمشق برای همه ملت‌ها باشند.

سؤال: بهترین خاطرات شما در مدت زندگی در تبعید چه بوده است؟
امام در جواب این سؤال، سکوت کردند.^{۱۲}

۱۳- در این سفر خطر در کار است.

من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را می‌خواهم و من از اینکه این مدت شما زحمت کشیدید، عذر می‌خواهم. خداوند شما همه را حفظ بکند و سلامت بدارد و ما حالا می‌رویم به این مملکت ببینیم که آیا چه می‌شود. هر چه که بشود، همین است. ما بناداریم که برویم، حالا چه از بین راه برگردیم و باز هم خدمت شما باشیم، و چه برویم و پیاده شویم و آنجا چه بشود. و من این (را) هم باید بگویم به شما آقایان... که من بیعت‌م را از شماها برداشتم. عرض می‌کنم که ممکن است که آن طوری که اینها تهیه دیدند، در این سفر خطر در کار باشد و من میل ندارم که به خاطر من، شماها خدای نخواستہ در خطر بیفتید. من ستم دیگر گذشته، شما حالا جوانید. یکی از حضار: من به خانم‌ها عرض کردم که آقا فرمودند احیاناً خانم‌ها در هواپیما نباشند. آنها گفتند که من خدمتتان عرض کنم مگر امام حسین (علیه السلام) حضرت زینب و خواهران خویش را همراه نبردند؟! امام: خوب حالا امام حسین، امام حسین بود؛ ما یک جور دیگر است و ضعمان! نخیر؛ من میل دارم زحمت خانم‌ها نباشم، بروم علی حده و بعد آقایان بیایند، بهتر است. خداوند عمر شما را زیاد کند. موفق باشید
إن شاء الله. در هر صورت برای من ناگوار است که برای خاطر من، کسی به زحمت بیفتد. من برای خودم مانعی ندارد اما ناگوار است برایم که ببینم یکی از برادرهای من، برای خاطر من گرفتار شده است. إن شاء الله خداوند همه‌تان را حفظ کند. موفق باشید.^{۱۳}

۱۴- همه را عفو کردم.

من توصیه می‌کنم حتی نسبت به کسانی که به من اهانت نموده‌اند، نباید تعرض شود. من از روحانیت می‌خواهم با برادران خود در جهت گسترش مبانی مبارزاتی همکاری کنند و با آنان با مهربانی رفتار نمایند. من افرادی را که از من غیبت کرده یا به من اهانت نموده‌اند، عفو نمودم و از خدای تعالی برای همه، طلب عفو می‌کنم.^{۱۴}

۱۵- نزدیکان من، مطلقاً حق دخالت در امور را ندارند.

لازم است به جمیع وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی اخطار نمایید؛ کسانی که از منسوبین و یا اقربای این جانب هستند و برای توصیه اشخاص و یا نصب و عزل اشخاص به مراکز مربوطه مراجعه می‌کنند، به هیچ وجه به آنان ترتیب اثر ندهند. منسوبین و نزدیکان مطلقاً حق دخالت در این گونه امور را ندارند.^{۱۵}

۱۶- ما باید برای شما خدمت کنیم.

از پانزده خرداد تا حالا که آمدیم، خون دادیم؛ یعنی شما خون دادید، من که نشسته‌ام اینجا، من هم هیچ حقی ندارم، شماها خون دادید، شماها به میدان رفتید، شماها مبارزه کردید، ماها هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت کنیم. خودمان نباید استفاده کنیم؛ نه استفاده عنوانی، خاک بر سر من که بخواهم استفاده عنوانی از شما بکنم، خاک بر سر من که بخواهم خون شما ریخته بشود و من استفاده‌اش را ببرم.^{۱۶}

۱۷- اگر به من خدمت گزار بگویند، بهتر است.

اگر به من بگویند خدمت گزار، بهتر از این است که بگویند رهبر؛ رهبری مطرح نیست، خدمت‌گزاری مطرح است، اسلام ما را موظف کرده که خدمت کنیم، خدمت‌گزاری مطرح است.^{۱۷}

پی‌نوشت‌ها:

(۱) امام خمینی، سید روح‌الله:

«صحیفه نور»، ج ۱، ص ۴۰.

(۲) همان، ج ۱، ص ۶۵.

(۳) همان، ج ۱، ص ۷۲؛ بیانات

پس از آزادی از زندان.

(۴) همان، ج ۱، ص ۱۰۴.

(۵) همان، ج ۱، ص ۱۱۲.

(۶) همان، ج ۲، ص ۷۲.

(۷) همان، ج ۲، ص ۱۰۰؛ پیام

به مناسبت کشتار هفدهم

شهریور.

(۸) همان، ج ۲، ص ۱۸۱.

(۹) همان، ج ۳، ص ۱۰۹.

(۱۰) همان، ج ۴، ص ۱۱۰.

(۱۱) همان، ج ۴، ص ۲۱۰.

(۱۲) همان، ج ۴، ص ۲۱۶.

(۱۳) همان، ج ۴، ص ۲۶۵؛

بیانات هنگام سفر از فرانسه

به ایران.

(۱۴) همان، ج ۵، ص ۱۲۱؛

پیام در هنگام ترک تهران به

سوی قم.

(۱۵) همان، ج ۵، ص ۱۸۷.

(۱۶) همان، ج ۷، ص ۵۵.

(۱۷) همان، ج ۱۰، ص ۱۲۶.



پنج خاطره با ولایت

پنج خاطره - نکته دوستان و مقامات کشوری از حضرت آیت الله خامنه‌ای به مناسبت آغاز رهبری ایشان در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸



پیشخوان

تحلیل
ماه

عزت و اقتدار در سیاست خارجی

آخرین سفر خارجی مقام معظم رهبری در دوران ریاست جمهوری، سفر به کشور چین بود. قبل از نشستن هواپیما در فرودگاه پکن، خبر دادند که رهبر چین به شدت مریض است و امکان ملاقات او با حضرت آیت الله خامنه‌ای وجود ندارد. آیت الله خامنه‌ای نیز تصمیم گرفتند متقابلاً یکی دو ملاقات تنظیم شده را لغو کنند، چون ملاقات با رهبر چین بسیار مهم بود و می‌بایست انجام پذیرد.

نزدیک ساعت ۶ عصر، وقت ملاقات با نخست‌وزیر چین بود و آقا فرمودند: «من به این ملاقات نمی‌روم!». برای من به عنوان یک سفیر، این خبر بسیار تلخ بود. نگران بودم که چه اتفاقی رخ خواهد داد.

ما موضوع را به اطلاع چینی‌ها رساندیم. ساعت مقرر فرا رسید. همه افراد آماده مذاکره بودند. خبرنگارها ایستاده بودند؛ اما از ورود هیئت ایرانی خبری نشد. خبرنگارها مخابره کردند که در رابطه ایران و چین مشکل جدی ایجاد شده است. مدتی گذشت، ساعت ۶:۳۰ دقیقه، نخست‌وزیر چین از محل کنگره خلق به محل اقامت رئیس جمهور ایران آمد و از همان دور، با صدای بلند گفت: «کوچک‌تر به دیدار بزرگ‌تر آمده است!» بعد وارد اتاق شد. حدود یک ربع با آقا صحبت کرد و گفت: «مانهایت احترام به مهمان - به خصوص شخصیتی مثل جناب عالی - را وظیفه خود می‌دانیم. مشکل بیماری رهبر چین جدی است و پزشکان ایشان را ممنوع الملاقات کرده‌اند. با این حال، ما موضوع ملاقات را بررسی می‌کنیم تا حل شود. با توجه به وعده نخست‌وزیر چین، آیت الله خامنه‌ای پذیرفتند که در جلسه شرکت کنند و با یک ساعت تأخیر در کنگره حاضر شدند و مذاکره انجام شد. روز بعد به آقا گفته شد: «با توجه به نامساعد بودن حال رهبر چین، فقط ده دقیقه ملاقات صورت بگیرد»، که ملاقات در بیست دقیقه انجام شد.

دکتر علاءالدین بروجردی (رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی)

شایستگی رهبری

من نسبت به حضرت امام خمینی (ره) روی بازتری داشتم و مسایل را بی‌پرده با ایشان مطرح می‌کردم. یک روز که خصوصی خدمت معظم له رسیده بودم، بی‌پرده در مورد قائم مقامی رهبری و مشکلاتی که احتمالاً پیدا می‌شود، صحبت کردم.

حضرت امام در آن جلسه به من فرمود: «شما در بن بست نخواهید بود، آقای خامنه‌ای در میان شما هست؛ چرا خودتان نمی‌دانید؟!». این جلسه مربوط به اواخر عمر حضرت امام است. در همان روزها امام برای مقام معظم رهبری، کلمه برادر را به کار می‌بردند. قطعاً این تعبیر بی‌معنا نبود. ما آن روزها از این تعبیرات به موضوع رهبری آیت الله خامنه‌ای منتقل نشدیم؛ اما گفته‌های امام خمینی نشانگر این است که معظم له، آیت الله خامنه‌ای را شایسته این کار می‌دانستند. چنانچه به حاج احمد آقا فرموده بودند: «الحق ایشان شایستگی رهبری را دارند!»

مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی (رئیس جمهور اسبق و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام)

رهبری آیت الله خامنه‌ای از منظر امام (ره)

زمانی که آیت الله خامنه‌ای در سفر کرة شمالی به سر می‌بردند، حضرت امام گزارش‌های سفر را از تلویزیون می‌دیدند. دیدار ایشان از کره، استقبال مردم، سخنرانی‌ها و مذاکرات سفر برای حضرت امام خیلی جالب بود و امام فرموده بودند: «الحق ایشان شایستگی رهبری را دارند».

مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی (فرزند و امین امام)

تسلیم در برابر وظیفه

یکی دو ماه پس از انتخاب حضرت آیت الله خامنه‌ای به عنوان

«
حضرت امام در
آن جلسه به من
فرمود: «شما
در بن بست
نخواهید بود،
آقای خامنه‌ای در
میان شما هست؛
چرا خودتان
نمی‌دانید؟!»
»

انتخابات محتاج تحلیل است

کیا
فخر

انتخابات در هر دوره، کارشناسان و تحلیل‌گران مختلفی را دچار شگفت‌زدگی می‌کند؛ به نحوی که بعضاً تحلیل‌هایی در باب «غیر قابل تحلیل بودن» این پدیده

سیاسی - اجتماعی نیز، ارائه می‌شود. این سردرگمی به خصوص در کشورهای غربی روز به روز افزایش بیشتری می‌یابد، به طوری که علوم مختلفی از روان‌شناسی تا علوم اجتماعی و سیاسی نیز وارد میدان شده‌اند و با آمارهای مختلف، این کلاف سردرگم را پیچیده‌تر می‌کنند و در نهایت، هیچ تحلیل نسبتاً جامعی را نمی‌توانند از آن ارائه دهند. شاید مشکل اصلی در غرب «دموکراسی برای دموکراسی» است! جایی که تنها باید انتخابات برگزار شده؛ همین و بس! اما انتخابات در ایران مبنای دینی و فرهنگی دارد که در چهار دهه گذشته، توده جامعه و جامعه سیاسی، هر دو همزمان با یکدیگر در آن در حال تکامل هستند و پیش‌بینی‌های خوبی می‌توان از آینده انتخابات در ایران در دهه‌های بعد داشت.

فاکتورهای متفاوت تحلیل انتخابات در ایران چیست؟

۱. مشارکت حداکثری

می‌توان گفت در تدارک برگزاری انتخابات در غرب، هیچ تلاشی برای مشارکت حداکثری در انتخابات نمی‌شود؛ چرا که اصولاً حضور مردم مشروعیت و ارزش افزوده‌ای برای آن کشورها فراهم نمی‌کند و قانون اساسی و احزاب هستند که بقای نظام‌ها را تضمین می‌کنند، نه حضور مردم. در حالی که در ایران، تمام انتخابات برای مشروعیت‌بخشی به حضور دین در سیاست و نهایتاً نظام جمهوری اسلامی است.

۲. تقویت بینش سیاسی

انتخابات در ایران، عرصه افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی است و مناظره‌ها و روشنگری‌های موجود در آن نیز، علی‌رغم کاستی‌های بسیار، برای جامعه موجبات شناخت را فراهم می‌کند. در پیام آیت‌الله خامنه‌ای پس از انتخابات آمده است: «لازم می‌دانم از حضرات نامزدهای ریاست جمهوری نیز که در این

ولی امر مسلمین، بنده به دیدارشان رفتم و عرض کردم: «چطور شد که حضرت‌عالی به عنوان رهبر انقلاب انتخاب شدید؟». مقام معظم رهبری فرمودند: «روزی که مجلس خبرگان درباره جانشین حضرت امام (ره) بحث می‌کرد، اصلاً فکر نمی‌کردم که خبرگان چنین تصمیمی بگیرند. از نیمه اول اجلاس -صبح تا ظهر- این طور متوجه شدم که ممکن است نام بنده مطرح شود. لذا ظهر که به منزل آمدم، دو رکعت نماز خوانده، با حالت استغاثه و ناله و زاری، از خداوند درخواست کردم که این مسئولیت را روی دوش من قرار ندهد. من کمتر یاد دارم برای یک تقاضا، چنین استغاثه و تضرع به درگاه خداوند کرده باشم. با تمام وجود از خدا خواستم که این مسئولیت بر عهده من قرار نگیرد.

عصر آن روز، مجلس خبرگان به خواست من اصلاً توجه نکرد و کار با آن کیفیت انجام شد. گرچه از صمیم قلب داوطلب این کار نبودم، ولی وقتی این مسئولیت به لحاظ شرعی و قانونی بر دوش من قرار گرفت، تصمیم گرفتم با تمام وجود به این وظیفه عمل کنم».

دکتر غلامعلی حدادعادل (نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی)

سپس اضافه کردند: «من در اداره امور کشور، بعضی وقت‌ها حل مسایل برایم دشوار می‌شود و دیگر هیچ راهی پیدا نمی‌شود. به دوستان و اعوان و انصار می‌گویم که آماده شوید به جمکران برویم. راه قم را پیش می‌گیریم و راهی مسجد جمکران می‌شویم. بعد از راز و نیاز با آقا، من احساس می‌کنم همانجا دستی از غیب مرا راهنمایی می‌کند و من در آنجا به تصمیمی می‌رسم و مشکل بدین صورت حل می‌شود و همان تصمیم را عملی می‌کنم».

حجت‌الاسلام والمسلمین کعبی (نماینده مجلس خبرگان رهبری)

رعایت حدود الهی در برخورد‌های دیپلماسی

یکی از مطالبی که در زمان ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای بسیار در دنیا انعکاس پیدا کرد و آثار بسیار مثبتی در میان مسلمانان گذاشت، برخورد ایشان با دعوت رئیس‌جمهور زیمبابوه در مهمانی رسمی شام بود. پس از آنکه به معظم له اطلاع داده شد که در سر میز شام، مشروبات الکلی وجود دارد، ایشان پیغام دادند که ما در این مهمانی شرکت نمی‌کنیم، مگر اینکه مشروبات الکلی جمع شود. آنان گفتند: ما به شما کاری نداریم؛ یعنی به ایرانی‌ها تعارف نمی‌کنیم و طبق رسم خودمان از مهمانان غیرایرانی با مشروبات الکلی پذیرایی می‌کنیم.

مقام معظم رهبری به آنان فرمودند: «ما سفره شامی که در آن مشروبات الکلی باشد، حاضر نمی‌شویم، چون شرعاً حرام است». آنان حاضر نشدند که مشروبات را جمع‌آوری کنند. معظم له هم در آن مهمانی شام شرکت نکردند. غربی‌ها و رسانه‌های آنان تصور کردند که طعمه دندان‌گیری از این خبر نصیب آنها شده است و در دنیا چنین منعکس کردند که ایرانی‌ها و رئیس‌جمهور ایران، بر خلاف آنچه در پروتکل‌های تشریفاتی جهان مرسوم است، در مهمانی شام حاضر نشدند. ولی انتشار این خبر در جهان اسلام، موجب تقویت موضع آرمانی نظام اسلامی شد و بسیار به نفع جمهوری اسلامی ایران تمام شد.

دکتر علی‌اکبر ولایتی (مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل)

“
انتخابات در
ایران، عرصه
افزایش
آگاهی‌های
سیاسی و
اجتماعی است
و مناظره‌ها و
روشنگری‌های
موجود در آن
نیز، علی‌رغم
کاستی‌های
بسیار، برای
جامعه موجبات
شناخت را فراهم
می‌کند
”

جامعه هم می‌بایست انجام شود تا امورات مهم جامعه - که بدون این هم‌گرایی امکان حل آنها نیست - با سرعت بیشتری انجام شود. مقام معظم رهبری در پیام تبریک حضور پر شور مردم در انتخابات، می‌فرمایند:

«خدا را بر موفقیت در برگزاری انتخابات، شکر گزارید و پس از التهاب روزها و هفته‌های پیش از انتخابات، اکنون به اتحاد و اتفاق عمومی بپایندید، که بی‌شک یک عامل مهم استحکام و اقتدار ملی است. همه در زیر سایه نظام جمهوری اسلامی و فرزندان این میهن سرافرازید، بکوشید تا سهم خود از وظیفه پیشبرد کشور به سمت هدف‌های بزرگ را بشناسید و دنبال کنید. بر آمدن همه آرزوهای ملی در گرو چنین اندیشیدن و چنین عمل کردن است»^۱.

مشکلاتی هم که باید با هم‌گرایی جامعه و حکومت، به سر و سامانی حقیقی برسد، مشخص است؛ اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال - که همان شعار سال رهبری است - می‌تواند سر لوحه تمام حرکت‌های اجتماعی و سیاسی پیش روی جامعه و دولت باشد. حقیقتاً با این حماسه حضور مردم در انتخابات، مدیران و مسئولان جامعه می‌بایست به مطالبات آنها توجه کرده و مشکلات اقتصادی جامعه را بر طرف نمایند.

نتیجه

یک انتخابات ایران، چه در نظریات مبتنی بر علوم انسانی بومی و چه در ابعاد کلان و خرد، قابل تحلیل، نظریه‌سازی و رشد است. مدل بومی انتخابات در جمهوری اسلامی، در صورت بلوغ جامعه و مسئولان و کاندیداهای می‌تواند الگویی قابل ارائه برای نظام‌های سیاسی دیگر باشد. دو پایان انتخابات، پایان آگاهی‌بخشی و تربیت سیاسی نیست. می‌توان برای ایجاد فضای سیاسی پویا تر، از همین امروز مسایل سیاسی روز را رصد کرد و برای شناخت جریان‌ها و حرکت‌های سیاسی جامعه، تلاش کرد. انتخابات اخیر ریاست جمهوری، نشان می‌دهد که جامعه بیش از هر نکته دیگری، در میان توده‌هایش، به تحلیل احتیاج دارد و البته آگاهی عمیق تر سیاسی! ائمه جماعت می‌توانند آغازگر این حرکت در جامعه باشند.

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) پیام مقام معظم رهبری به مناسبت حضور گسترده و حماسی مردم در انتخابات، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰.
- (۲) همان.

روشنگری و شور آفرینی برای انتخابات، تأثیر جدی بر جای نهادند تشکر کنم»^۱. در حقیقت این ذات انتخابات است که فرصت روشنگری را فراهم می‌کند. ابزار انتخابات، کاندیداها هستند که رهبری برای روشنگری از آنها تشکر می‌کند.

۳. تمرین مردم‌سالاری دینی

در هیاهوی اتهام عدم وجود مردم‌سالاری در حکومت‌های دینی، انتخابات در ایران فرصتی برای پاسخگویی به این برداشت نادرست بوده است. شرکت کنندگان و کاندیداها حاضر در انتخابات، برای مردم‌سالاری دینی تمرین می‌کنند و این آغاز استقلال جامعه و افراد و پایان خودکامگی و خودمحوری در تک تک افراد و مسئولان جامعه است. هدفی این چنین برای انتخابات، نقطه تفاوت پررنگی در فلسفه برگزاری آن در ایران و غرب است.

۴. ایجاد آینه‌ای برای دیدن نقاط ضعف و قوت

انتخابات در ایران، امکانی برای رصد روند جامعه است. جهت‌گیری‌های جامعه، بعضاً دچار انحراف‌هایی می‌شود که هزینه سنگینی به جامعه تحمیل خواهد کرد. انتخابات - به خصوص انتخاباتی مانند ریاست جمهوری - فرصتی برای اصلاح کج‌روی‌ها است؛ مردم امر به معروف و نهی از منکر مسئولان و حاکمیت را در انتخابات برعهده می‌گیرند و این در درازمدت، افق‌های روشنی پیش روی جامعه ترسیم می‌کند.

۵. امنیت ملی

انتخابات در ایران بر خلاف آنچه در عمل در کشورهای غربی رخ می‌دهد، باعث ایجاد یا خلل در امنیت ملی می‌شود. این موضوع اگر چه در نظریه‌های فلسفه انتخابات، به وفور ذکر شده است، اما در عرصه حقیقی به علت اینکه این کشورها، خود مخل امنیت ملی سایر کشورها هستند و امنیت خود را از طریق تهاجم به کشورهای دیگر تأمین می‌کنند، انتخابات محل تأمین امنیت ملی نیست. حضور در انتخابات در ایران، نشان دهنده اتحاد ملت و حاکمیت است و این فاکتور مهمی در تحلیل‌های حضور مردم در این عرصه است.

برای بعد از انتخابات

اگر بخواهیم تحلیلی از فضای بعد از انتخابات در کشور ارائه دهیم، به نظر می‌رسد با توجه به دوقطبی ناخواسته انتخابات، نیازمند یک هم‌گرایی عمومی هستیم. البته این مهم در سطح خواص و مدیران



پیشخوان

تحلیل
ماه

۶۶
پایان
انتخابات، پایان
آگاهی‌بخشی و
تربیت سیاسی
نیست. می‌توان
برای ایجاد
فضای سیاسی
پویا تر، از همین
امروز مسایل
سیاسی روز
را رصد کرد و
برای شناخت
جریان‌ها و
حرکت‌های
سیاسی جامعه،
تلاش کرد

۶

□ پرونده ای
برای مسجد و رمضان

□ یادبود شهید
شیخ نمر باقر النمر

□ این ماه:
مسجد چهارده معصوم

□ امور مساجد

مسجد

روزهای سال هر کدام ۲۴ ساعت و در ظاهر یکسان هستند؛ اما وقتی شب قدر در آنها واقع می شود ارزش دیگری پیدا می کنند. مسجد مکانی معنوی برای ارتباط با خدا است؛ اما وقتی مکانی برای گذراندن ثانیه های ماه مبارک رمضان می شود قدر و منزلتش دیگر قابل شمارش نخواهد بود. ماه رمضان نقطه عطف آستی مردم با مسجد است. در مسجد برای همه انسان ها جا هست؛ اگر ما صبور باشیم و آن را ملک خود ندانیم. بهتر است در ماه مبارک رمضان درب مسجدمان را برای همه و برای مدت زمان بیشتری باز کنیم. در ماه مبارک رمضان شنیدن صدای تلاوت قرآن و دعا و مناجات از دل مسجد برای همه صفای دیگری دارد. اگر بگوییم مسجد رونق هر ساله خود را از ماه رمضان می گیرد بی راه نیست. با توکل بر خدا و به مدد اهل بیت (ع) امسال ماه رمضان روی مسجدمان حساب ویژه ای باز کنیم.



بهشت رمضان
در شبستان مسجد

رمضان حلقه وصل مساجد



حجت الاسلام جمال هادیان

مساجد جزیره‌هایی جدا از هم نیستند. هر مسجد می‌تواند در برنامه‌ها و پازل مسجد دیگر نقش مؤثری داشته باشد. تعامل بین مساجد، می‌تواند راهبرد و کلید استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مسجد باشد. ماه مبارک رمضان، ماه مساجد است. این ماه فرصتی مناسب جهت تعامل ائمه جماعات مساجد مختلف با هم می‌باشد. این تعامل می‌تواند به صورت‌های مختلفی باشد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.



مسجد



مسجد و ماه رمضان

“

بعضاً می‌بینیم یک امام جماعت توی این مسائل قوی عمل می‌کند، قوی ورود پیدا می‌کند. مثلاً می‌رود عیادت یک بیمار. حالا می‌شود این گونه حرکات را برنامه‌ریزی کرد و به صورت برنامه مشترک بین مساجد، هیأت‌امنا، روحانیون و... انجام داد

”

اولین محور برای ارتباط بین مساجد به ویژه در ماه مبارک رمضان، جابجایی ائمه جماعت با هم است. با نظر امام جماعت دو یا چند مسجد در مناسبت‌های مختلف رمضان، می‌توان این کار را انجام داد. این کار موجب تنوع برای مردم در بحث سخنرانی و مسائل دیگر فرهنگی است و موجب می‌شود آنچه در جهت پیشبرد اهداف مسجد در ذهن یک امام جماعت است، به مساجد دیگر نیز سرایت کند و همچنین از تجربیات مساجد دیگر الهام گرفته و در مسجد خود استفاده نماید. از مزایای دیگر این کار ایجاد رقابت سالم بین ائمه جماعات و مساجد است و موجب می‌شود امام جماعت و کادر مسجد در زمینه ارتقای خود تلاش نمایند. از مزایای دیگر این کار، به عنوان مثال در ماه مبارک رمضان اگر یک مسجد امکان افطاری دادن به جماعت نمازگزاران داشته باشد، می‌شود دو تا مسجد با هم دیگر جمع بشوند، مسجدی که الان شرایطش بهتر است دیگری را دعوت کند. مثال دیگر اینکه مسجدی رقابت زیادی دارد مثلاً ده، دوازده تا مغازه دارد که به وسیله آنها درآمد خیلی خوبی دارد. در مقابل مسجد همسایه پتانسیل خوبی برای فعال‌تر شدن دارد ولی هیچ رقبه‌ای ندارند، هیچ درآمدی ندارند، حتی برای ترمیم جایی از مسجد که خراب شده است. ماه مبارک رمضان بهترین فرصت برای یاری مساجد به وسیله خود مساجد است.

محور بعدی برای ارتباط مساجد در ماه رمضان، استفاده از طرح حلقه صالحین است. مساجدی که مربیانی قوی دارند، می‌توانند آنها را به مساجد دیگر معرفی کنند.

واقعاً بعضی از مساجد مانسبت به مسائل فرهنگی فقر دارند. یکی از مسائلی که امور مساجد پیگیری می‌کند، بحث شورای فرهنگی است. شورای فرهنگی به داد خیلی از مساجد رسیده. حالا می‌بیند شورای فرهنگی یک مسجد قوی است، امام جماعت با شورای فرهنگی، شورای پایگاه، شورای بسیج، کانون، هیأت‌امنا و... به مساجد دیگر می‌رود و با هیأت‌امنا و شورای آنها برای انتقال فرهنگ و تقویت فعالیت‌های فرهنگی مساجد، جلسه برگزار می‌کند.

برگزاری اردوی تفریحی و زیارتی مساجد با هم. یک مسجد جمعیت جوانش کم است و می‌خواهد یک اردویی راه بیندازد مثلاً پنج نفر، شش نفر هستند. می‌شود با یک مسجد دیگر تعامل داشته باشد و سی، چهل نفر بشوند و یک اردو راه بیندازند. مساجد در اردوهای

تفریحی و زیارتی می‌توانند با هم دیگر تعامل داشته باشند. یک شب بروند زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی، یک اردوی زیارتی تفریحی هم می‌تواند باشد که مانوجوان‌ها و جوان‌ها را با هم دیگر جمع کنیم و مثلاً ببریم امامزاده صالح؛ بالاخره بحث معنوی است و می‌شود اردوی یک روزه برگزار کرد؛ یک روز بعد از ظهر برویم افطار و سحر با هم باشیم و برگردیم.

با استفاده از ظرفیت ماه مبارک رمضان، می‌توان نمایشگاه‌های مختلف مانند نمایشگاه دست‌آوردهای سنتی، کتاب، خط، نقاشی و... برگزار کرد. این نمایشگاه‌ها می‌تواند در یک مسجد محوری برگزار بشود و از مساجد دیگر دعوت برای بازدید کنند و یا اینکه با همت همدیگر یک نمایشگاه واحد داشته باشند.

برگزاری مسابقه بین جوان‌ها؛ یک مسجدی که قوی‌تر هست می‌تواند مسابقاتی را برگزار کند؛ مثلاً ورزشی، فرهنگی، قرآنی، کتابخوانی و از جوانان و نوجوانان و مردم و از مساجد دیگر برای شرکت در آن مسابقه دعوت کنند. مثلاً در ماه رمضان دو یا چند مسجد مسابقات قرآن مشترک با جوایز ارزنده داشته باشند. یا کاری که ما در ناحیه علامه طباطبائی انجام می‌دهیم این است که مثلاً مسجد جامع دماوند، مسجد الرضا، مسجد فیروزکوه، این‌هایی که محوری هستند و قاری بین المللی دعوت می‌کنند، بنده به عنوان مدیر ناحیه تماس می‌گیرم با آن روحانی می‌گویم حاج‌آقای دو شب فلان مسجد برنامه قرآنی دارند، کرسی تلاوت دارند، قاری بین المللی دعوت کردند، شما از مردم‌تان دعوت کنید که در این برنامه شرکت کنند. من می‌بینم یک مسجد که مثلاً جمعیت آن دویست نفر هست، آن شبی که قرآن برگزار می‌شود، مسابقه برگزار می‌شود، برنامه خاصی دارند، سخنران خاصی دارند، یک دفعه می‌شوند هزار نفر؛ چون مساجد را سرکشی می‌کنم و مردم را هم می‌شناسم، نگاه می‌کنم می‌بینم مثلاً پنج تا مسجد دیگر هم آمدند در آن مسجد و از برنامه دارند استفاده می‌کنند.

دیدار ائمه جماعت با همدیگر. عیادت از امام جماعت بیمار. بعضاً می‌بینیم یک امام جماعت توی این مسائل قوی عمل می‌کند، قوی ورود پیدا می‌کند. مثلاً می‌رود عیادت یک بیمار. حالا می‌شود این گونه حرکات را برنامه‌ریزی کرد و به صورت برنامه مشترک بین مساجد، هیأت‌امنا، روحانیون و... انجام داد.

امشب، افطار همه مسجد دعوتیم



حجت الاسلام
سید مهدی رضایی
امام جماعت مسجد
آستان امامزاده
شمس الدین محمد
داماد

افطاری به شکل دسته جمعی و در مساجد با یک نگاه دقیق هم دارای نقاط مثبت است و هم می تواند یک سری پیامدهای منفی و آسیب داشته باشد. برای نقاط مثبت آن که کاملاً ملموس است، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

صله مؤمنین

بالاخره مؤمنین دور هم جمع می شوند، اجتماع مؤمنین بر محور کار خیر، خودش خیر و برکت است، مخصوصاً که این اجتماع و کار خیر افطار باشد که برای افطاری دادن به روزه داران در روایات و متون دینی ما، فضیلت بسیاری ذکر شده و بر آن تأکیدات خاص صورت گرفته است.

زمینه نماز پر شور در اول وقت

یکی دیگر از نقاط مثبت این است که زمینه اقامه نماز جماعت در ماه مبارک رمضان در اول وقت را ایجاد می کند؛ چون بعضی از مساجد هستند که به جهت افطار، نماز جماعت را دیرتر اقامه می کنند. ولی با سفره اطعام و سفره افطار می شود نماز جماعت را اول وقت برگزار کرد. و نکته بعد این است که جمعیت بیشتری را هم در ماه مبارک رمضان برای اقامه جماعت دور هم جمع می کند.

باری غیر مستقیم

نکته مثبت دیگر این است که زمینه ای می شود برای افرادی که شاید تمکن مالی مناسبی ندارند و نتوانند سفره افطاری مناسبی داشته باشند، از این سفره اطعام استفاده کنند. این امر حسنه است و یک کار با ارزش حساب می شود.

ظرفیتی برای امر فرهنگ

نکته بعد این است که این افطار زمینه ای می شود که انسان در حواشی آن بتواند کار فرهنگی و مذهبی انجام بدهد و از این فرصت برای جذب مخاطب، به خصوص جذب جوان ها و نوجوان ها و دانش آموزان و کودکان استفاده نماید. ما می توانیم برای گروه های متفاوت برنامه داشته باشیم؛ برای کودکان و دانش آموزان می توان برنامه های مفرح مذهبی که نه خسته کننده باشد و نه هدف غیر فرهنگی و غیر دینی داشته باشد، در نظر گرفت. برای مخاطب خانم ها، دختر خانم ها و حتی خانم های خانه دار نیز می توان در مباحث فرهنگی، در مباحث

خانه داری و... برنامه ریزی کرد.

نکته مهم دیگر، دعوت از خیرین متدین است و کلاً هر کسی که متمول

است و می توان به عنوان خیر روی او حساب کرد. می توان با استفاده از این ظرفیت، مشکلات، محرومیت ها و مشکل نیازمندان را مطرح کرد و از کمک خیرین استفاده نمود.

مسئله دیگر، دعوت از مسئولان است. می توان هر شب یا هفته ای یک شب بر اساس اولویت ها، از یکی از مسئولان دعوت کنیم که در سفره افطار ما باشند. چون فضا معنوی است و فضای اخلاق و مهربانی و نشاط است، چه مردمی که مطالبه گر هستند و چه مسئولی که مورد مطالبه واقع می شود، تعامل مناسب تری صورت می گیرد. به طور کلی در این فضا مشکلات مطرح بشود، تعاملات و همیاری ها صورت بگیرد که همه این ها زمینه ترقی مادی و معنوی برای فضای ما، مسجد ما، محله ما و شهر ما ایجاد می کند. این ها می تواند مصادیق آن حواشی فرهنگی باشد.

چند نکته نیز می تواند به عنوان آسیب و آفت افطاری مساجد در ماه مبارک رمضان حساب شود:

اسراف ممنوع

در افطاری باید به بحث اسراف توجه شود و باید مواظب باشیم مثلاً تدارکات و غذای تهیه شده نه کم باشد و از آن طرف زیاده و اسراف هم حاصل نشود.

چشم و هم چشمی ممنوع

بحث دیگر، بحث چشم و هم چشمی است؛ مثلاً مسجد همسایه این برنامه را دارد، ما هم به هر قیمتی شده مثلاً تلاش کنیم این برنامه را اجرا کنیم. اینجا دیگر انگیزه قطعاً الهی نیست و ارزش آن کم می شود.

اولویت کدام است؟

بحث دیگر، نادیده گرفتن اولویت ها است؛ شاید نتوان بحث افطاری را برای همه مساجد مطرح کرد. شاید برای یک مسجد و محله ای، افطاری اولویت اول نباشد، مثلاً شاید بشود با همین هزینه اولویت دیگری را انجام داد. این که ما حالا خودمان را احتمالاً مکلف بدانیم که این سفره را بیندازیم ولو اینکه مثلاً یک اولویت دیگری را نادیده بگیریم، این می تواند آفت باشد، پس دقت داشته باشیم که اولویت هست یا نیست.

عدم برنامه ریزی صحیح

آفت دیگر این است که این هزینه ای که می شود آن چنان بازدهی معنوی درستی نداشته باشد؛ یعنی مثلاً یک سفره ای پهن بشود و عده ای اطعام شوند، بدون اینکه برنامه مشخصی برای جذب، نگهداری و آموزش آنها صورت بگیرد. البته خود اطعام حسنه حساب می شود ولی این همه هزینه، این همه زحمت، این همه ساعت انسانی که گذاشته می شود شاید بشود برنامه و نتیجه بهتری از این برنامه گرفت.



“

افطار زمینه ای
می شود که
انسان در
حواشی آن بتواند
کار فرهنگی و
مذهبی انجام
بدهد و از این
فرصت برای
جذب مخاطب،
به خصوص
جذب جوان ها
و نوجوان ها و
دانش آموزان
و کودکان
استفاده نماید.
ما می توانیم
برای گروه های
متفاوت برنامه
داشته باشیم

”

سایه رمضان بر سر نیازمندان

ماه مبارک رمضان یکی از بهترین فرصت‌ها برای انجام کارهای خیر است؛ زیرا دل‌ها آماده‌تر و بستر بهتری برای کارهای خیر فراهم است. مسجد ذاتا ظرفیتی برای مراجعات نیازمندان و رسیدگی به وضعیت نابسامان آنان است که به تناسب موقعیت مسجد و شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر محل استقرار مسجد، کمک‌های متعددی صورت می‌گیرد. غالباً این توجهات در مساجد و توسط ائمه جماعات وجود دارد و با نظارت امام جماعت این کار پیگیری می‌شود. اما در ماه مبارک رمضان، چگونه می‌توان از این ظرفیت بهتر استفاده نمود؟



حجت‌الاسلام
والمسلمین علیرضا
رجالی تهرانی
امام جماعت مسجد
حضرت ابوالفضل (ع)



استفاده از بهترین فرصت

شب‌های قدر بهترین فرصت است تا به اهمیت رسیدگی به افراد بی‌سرپرست و نیازمند پرداخته شود و از اجرو توفیقی که برای انسان ایجاد می‌کند گفته شود. همین که مردم مطلع باشند که این کار چه مشکلاتی را می‌تواند از خانواده‌ها برطرف کند، اهمیت زیادی دارد. در کتاب نهج الفصاحه از قول پیامبر اکرم (ص) آمده است: در بهشت خانه‌ای است به نام «دارالفرح» یعنی خانه شادی یا شادی‌سرا که به جز کسی که یتیمان اهل ایمان را خرسند و شاد کند، وارد آن نمی‌شود؛ یعنی جایی مخصوص در بهشت به نام «دارالفرح» وجود دارد مخصوص کسانی که به ایتم و به افراد بی‌سرپرست کمک می‌کنند و آن‌ها را خرسند می‌کنند، شادشان می‌کنند و به آن‌ها مساعدت می‌کنند.

شناخت ظرفیت مساعدتی مسجد

در این که مسجد ظرف این مساعدت‌ها است، هیچ شکی نیست؛ یکی از آیه‌هایی که در مورد امیرالمؤمنین (ع) در قرآن کریم آمده، اشاره به همین موضوع کمک به فقرا دارد؛ نزول آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» ماجرایی هدیه انگشتر حضرت علی (ع) در حال رکوع و در مسجد است که یک اتفاق قرآنی است که امیرالمؤمنین (ع)، توجه به فقرا و نیازمندان را حتی در حالت نماز فراموش نمی‌کند و این را عین عبادت می‌داند. کمک به نیازمندان و ایتم و افراد بی‌سرپرست هم به نوعی جزء نیازمندان به حساب می‌آیند، برخلاف تداعی اولیه فقط کمک مالی نیست و کمک‌های دیگر هم باید در مورد این گروه در نظر گرفته شود مانند:

۱ توجه به نیازهای آموزشی و موارد تحصیلی‌شان لازم است و حمایت می‌خواهد. می‌توان از ظرفیت مکان مسجد و افراد خوبی که در مسجد رفت و آمد دارند استفاده کرد. گاهی افراد بسیار نخبه‌ای در مساجد حضور دارند که از این ظرفیت می‌توان بدون ایجاد هزینه استفاده کرد. می‌توان نیازمندان و ایتم را تحت پوشش آموزشی و تحصیلی قرار داد و کمک‌شان کرد. در مشکلات تحصیلی خصوصاً قبل از امتحان‌شان، می‌توان یاری‌شان کرد. اگر نیاز به فضای مطالعه دارند و یا کسانی نیاز به مشاوره‌های تحصیلی و کنکوری دارند و یا تحصیلات عالی‌شان را می‌خواهند ادامه دهند، با کمک مسجد و نخبگان محل می‌توان این امور را سامان داد.

۲ مسئله بعد، توجه به نیازهای مالی و مادی این عزیزان است. در روایات داریم اگر کسی یتیمی را سرپرستی کند تا بی‌نیاز شود، خداوند در برابر این کاری که انجام می‌دهد، بهشت را بر او واجب می‌کند. توجه به نیاز مالی یک موقع مقطعی انجام می‌شود؛ یعنی می‌گوییم آقا فردی نیازمند است، مساعدت کنید که به طور مقطعی و موردی کمک کنیم، خوب است، ولی بهتر از آن این است که این‌ها به یک نوعی تحت سرپرستی قرار بگیرند و افرادی به طور مداوم، حداقل سالانه پوشش حمایت مادی را از این عزیزان داشته باشند.

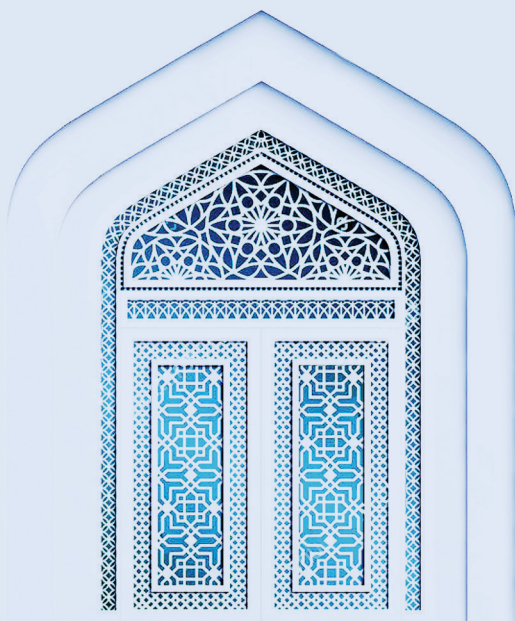
۳ توجه به نیازهای تربیتی و فرهنگی این عزیزان نیز بحث مهمی است. در روایات داریم که حضرت امیر (ع) فرمودند: در تربیت یتیم همت کن؛ به گونه‌ای او را تربیت کن که فرزند خودت را تربیت می‌کنی؛ یعنی او را مثل فرزند خودت بدان. از آن جایی که ممکن است افرادی که یتیم هستند و سرپرست ندارند و آن کسانی که نیازمند هستند با بعضی از آسیب‌های اجتماعی مواجه شوند، بنابراین، توجه



مسجد

مسجد
و ماه رمضان

“توجه به نیازهای تربیتی و فرهنگی این عزیزان نیز بحث مهمی است. در روایات داریم که حضرت امیر (ع) فرمودند: در تربیت یتیم همت کن؛ به گونه‌ای او را تربیت کن که فرزند خودت را تربیت می‌کنی؛ یعنی او را مثل فرزند خودت بدان”



رمضان و مشتري‌های ثابت مسجدی

“
تشویق به
نذر و وقف
برای ایتم کار
مناسبی است و
می‌تواند پشتوانه
مناسبی برای
مساجد باشد
تا حمایت‌های
خوبی از ایتم
و فقرا داشته
باشند. در خیلی
از موارد مردم
نذوراتی دارند و
بسته به منطقه،
موقوفه‌هایی
ایجاد می‌کنند؛
این‌ها می‌توانند
جهت‌دهی شود
۶

مسجدی موفق است که امام جماعت آن موفق باشد و امام جماعت در صورتی موفق است که امام جماعت را در خود زنده کند. برای جذب مخاطب مخصوصاً در ماه مبارک رمضان، امام جماعت باید سعی کند با تمرین و تأمل، ویژگی‌هایی را در خود پرورش دهد.



آنچه باید انجام شود

ویژگی اول: کسب محبوبیت و مقبولیت از جمله آن ویژگی‌ها است که موجب می‌شود مسجد نمازگزاران بیشتر و بادوام‌تری داشته باشد. چون از رسول اکرم نقل است که چند طایفه هستند که نمازشان قبول نمی‌شود؛ یکی این است که امام جماعت در بین مردم محبوبیت نداشته باشد، نماز این شخص هم قبول نمی‌شود. پس اولین ویژگی امام جماعت این است که محبوبیت داشته باشد، اگر محبوبیت نداشته باشد ولو اینکه در ماه مبارک رمضان مردم جذب

کردن به نیازهای تربیتی فرهنگی‌شان هم اهمیت دارد.
۴ توجه ویژه به نیازهای ورزشی این عزیزان هم بسیار مهم است تا تنی سالم و روحیه خوب و بانشاطی داشته باشند.
۵ توجه به وضعیت شغلی بعضی از این افراد که شرایط اشتغال را هم دارند ولی جایی نیست که مشغول بشوند، می‌تواند مورد استراتژیکی باشد. اگر مساجد بتوانند به نوعی کمک کنند؛ یعنی از مردم کمک بگیرند، هم‌فکری کنند و با بعضی سازمان‌ها و ارگان‌ها اگر امکانش وجود داشته باشد همکاری کنند، بسیار راه‌گشا است.
۶ طبیعی است که یکی از نیازهای جدی ایتم، نیازهای عاطفی است؛ یعنی از آن باب که خدشه، خلل و آسیب جدی در خانواده‌شان ایجاد شده، می‌تواند یک بخش مهمی از نیازشان، نیاز عاطفی باشد. امام جماعت می‌تواند با رفتار بسیار خوب و پدرانه و مهربانانه‌ای که دارد، یا افرادی که به هر حال می‌توانند این نیاز را برطرف کنند، کمک کنند. ورود آن‌ها در جمع خوب و سالم جوانان، دختران و پسرانی که در مسجد حضور دارند و جمع دینی دارند، گفت‌وگوهای خوب دارند، می‌تواند این نیاز عاطفی را تا حدی برطرف کند. این‌ها می‌تواند در برنامه‌های کوتاه‌مدت باشد، اما ایجاد بستر شادی می‌تواند در برنامه‌های بلندمدت باشد که این‌ها همه‌اش اثر گذار است.

چند پیشنهاد

۱ نمازگزاران را جهت مساعدت به ایتم و فقرا، تشویق کنیم و مساعدت را جزء دغدغه‌هایشان قرار بدهیم؛ مردم در زندگی روزمره‌شان به خاطر مشغله‌ای که دارند، از بعضی مسائل که به آن‌ها اعتقاد قلبی دارند غافل می‌شوند؛ لذا تذکر و تشویق مردم و نمازگزاران به مساعدت ایتم و فقرا می‌تواند موجب ایجاد دغدغه بین آن‌ها شود. تشویق به اینکه اگر توانش را دارند بعضی ایتم و فقرا را تحت تکفل قرار دهند، و اینکه از مجاری قانونی می‌شود پیگیری کرد و این کار را انجام داد و با همکاری کمیته امداد، سازمان بهزیستی و بعضی مؤسسات خیریه‌ای که دارای مجوز هستند، می‌شود در جهت این امر خیر قدم برداشت.
۲ صندوق مخصوص فقرا و ایتم تهیه کنیم تا کمک‌ها جمع‌آوری و به طور مناسبی پخش شود.
۳ تهیه لیست نیازمندان و ایتم با کمک مؤسسات خیریه معتبر و مجوزدار.
۴ تهیه لیست خیرین و سامان‌دهی آنها؛ برای این کار وجود یک خیریه فعال در کنار مسجد می‌تواند خیلی مهم و اثر گذار باشد.
۵ تشویق به نذر و وقف برای ایتم کار مناسبی است و می‌تواند پشتوانه مناسبی برای مساجد باشد تا حمایت‌های خوبی از ایتم و فقرا داشته باشند. در خیلی از موارد مردم نذوراتی دارند و بسته به منطقه، موقوفه‌هایی ایجاد می‌کنند؛ این‌ها می‌تواند جهت‌دهی شود.
۶ هماهنگی، تعاون و همکاری مساجد با یکدیگر در جهت یاری‌رسانی به ایتم و نیازمندان. مثلاً مساجد محله‌ای، مساجد منطقه‌ای، اگر بتوانند یک هماهنگی، تعاون و پیوستگی ایجاد کنند جهت رسیدگی بهتر و جلوگیری از تکرار، می‌تواند اثرش خیلی زیاد باشد و در واقع موجب می‌شود موجی از ظرفیت‌های مختلف مساجد که به طور متمرکز استفاده می‌شود به وجود بیاید و از اینکه به یک فردی کمک نشود یا به یک فردی چندین بار کمک بشود، جلوگیری می‌کند.



مسجد



مسجد
و ماه رمضان

“
امام جماعت باید
زودتر از مأمومین
در مسجد حضور
داشته باشد؛ زیرا
حضور به موقع
نشان دهنده
اهمیت نماز برای
امام مسجد
است و این
موضوع موجب
می شود مأمومین
نیز خودشان را
با امام جماعت
تطبیق دهند
”



مسجد شوند، ولی پایبند مسجد نمی شوند.

ویژگی دوم: آشنایی با کارکردهای مسجد.

ویژگی سوم: آشنایی با فرمول های مدیریت مسجد.

ویژگی چهارم: انعطاف پذیری. مثلاً مراعات حال ضعیفان در نماز؛ امام صادق (ع) می فرماید که نماز را متناسب با ضعیف ترین شخص ادا کنید.

ویژگی ششم: ساعتی را مشخص کند برای حل مشکلات مردم؛ ماهی یک مرتبه، دو هفته یک بار، برای پاسخگویی به سؤالات یا رفع مشکلات فردی و اختلافات خانوادگی حالا در مسجد یا در دفتر امام جماعت یا در منزل، وقت مشخص کند.

ویژگی هفتم: حفظ آرامش مسجد موجب جذب افراد به مسجد می شود. آن برنامه هایی که نظم مسجد را به هم می زند یا برنامه هایی که در شأن مسجد نیست از آن ها جلوگیری بکند. مثلاً اگر در آستانه انتخابات قرار گرفتیم، امام جماعت کاری بکند که آرامش مسجد به هم نریزد. از سیاسی بازی به دور باشد، از طرفداری از گروه خاص به دور باشد که این ها تشنج آفرین است و فضای عبادت را به هم می ریزد. ویژگی هشتم: ارائه برنامه هایی که بر جذابیت مسجد اضافه می کند. مثلاً در مسائل سیاسی روز از افراد آگاه دعوت شود و برنامه جذاب باشد؛ هم آن شخص جذابیت داشته باشد و هم برنامه تنوع داشته باشد.

آنچه باید مراعات شود

تشکیل هیأت امناء؛ هیأت امناء بازوهای مهمی برای مسجد هستند. هر فرمانده اگر بخواهد یک لشکر را پیش ببرد، نیاز به مشاوران قوی دارد. امام جماعت فرمانده مسجد است. مقام معظم رهبری فرمود: امام جماعت مدیر مسجد است، مسجد یک دانه مدیر دارد آن هم امام جماعت، هر مدیری نیاز به یک سری معاونین دارد.

دعوت از افراد؛ امام جماعت می تواند افراد را دعوت کند، مخصوصاً جوانان را دعوت نموده و پای بند به مسجد بکند. برای جذب افراد به مسجد یک سری موانع وجود دارد که امام جماعت باید این ها را برطرف کند.

موانع جذب

عدم تنوع برنامه ها؛ خیلی اوقات برنامه های مسجد یک نواخت، کسالت آور و خسته کننده است. همان گونه که بدن انسان به غذاهای متنوع نیاز دارد، برنامه های مسجد هم که غذای معنوی روح است و باید متنوع باشد.

عدم تناسب برنامه با نیاز مخاطب؛ گاهی برنامه متنوع است، اما با نیازهای فکری، فرهنگی، وضع زمان و مسائل روز هم خوانی ندارد. ناهمخوانی برنامه های بسیاری از مساجد با نیازهای فکری و فرهنگی، یکی دیگر از موانع جذب است.

طولانی شدن برنامه ها؛ گاهی نماز جماعت و یا سخنرانی طولانی می شود که این ها موانع جذب است.

وضع نامناسب امام جماعت و مسجد؛ عدم آراستگی ظاهری امام جماعت و حتی خود مسجد، می تواند تأثیر بدی داشته باشد. اگر مسجد آراسته نباشد، مانع جذب مردم به مسجد و پایبند شدن آن ها می شود. امام جماعت هم باید به ظاهر خود و هم به ظاهر مسجد رسیدگی نماید. پیامبر اکرم، امامان معصوم و علمای بزرگ علاوه بر اینکه باطن پیراسته ای داشتند، ظاهرشان هم پیراسته بود.

مشاهده ضعف در بازوان امام جماعت؛ وجود برخی هیأت امناء، وجود برخی خادمان تندخو و بداخلاق در مسجد، باعث دور شدن مردم از مسجد می شود.

عدم مراعات عفت کلام؛ به کارگیری واژه های نامناسب از سوی امام جماعت و کادر مسجد از موانع جذب است.

ناآشنایی با روان شناسی تبلیغات؛ امام جماعت باید مقداری با روان شناسی تبلیغات هم آشنا باشد؛ در غیر این صورت موجب دفع می شود.

عدم صلاحیت؛ عدم صلاحیت علمی، عدم توان تبلیغی، عدم صلاحیت اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و عدم خوشنامی و خوش سابقه ای امام جماعت، از موانع است.

آنچه موجب موفقیت بیشتر می شود

ارتباط منظم و مستمر با نمازگزاران؛ اگر امام جماعت فرصت دارد، در ماه رمضان هر از گاهی قبل از نماز یا زمان مناسب دیگری، به منازل، مغازه ها، خانواده شهدا و جانبازان و آزادگان، سر کشی کند. این سر کشی کردن موجب توفیق امام جماعت در وظیفه اش می شود. احترام به شخصیت جوان ها و نوجوان ها؛ امام جماعت باید نسل نو را تشویق کند و از حضورشان در مسجد تمجید نماید.

مسئولیت دادن به نوجوان ها؛ در قالب اردوهای یک روزه، چند روزه و... حضور به موقع و منظم در مسجد؛ امام جماعت باید زودتر از مأمومین در مسجد حضور داشته باشد؛ زیرا حضور به موقع نشان دهنده اهمیت نماز برای امام مسجد است و این موضوع موجب می شود مأمومین نیز خودشان را با امام جماعت تطبیق دهند.

مشورت؛ امام جماعت مسجد برای ارتقای کیفیت کار خود، بهتر است با ائمه جماعات دیگر تبادل تجربه و اطلاعات داشته باشد.

رسول اکرم (ص) فرمودند: هر کسی امامت جمعی را به عهده بگیرد و آن جمع به امامت این شخص راضی باشند، آن وقت این امام جماعت اگر نظم داشته باشد، به موقع حاضر شود، نمازش را از حیث قیام و قرائت و رکوع و سجود و... خوب ادا کند، برای آن امام جماعت ثواب نماز همه مأمومین نوشته می شود، بدون اینکه از اجر آن ها چیزی کاسته شود.

«مَنْ أَمَّ قَوْمًا يَذْنِبُونَ وَ هُمْ يَهْتَدُونَ فَاقْتَصِدْ بِهِمْ فِي حُضُورِهِ وَ أَحْسَنَ صَلَاتِهِ بِقِيَامِهِ وَ قِرَاءَتِهِ وَ رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ وَ قُعُودِهِ فَلَهُ أَجْرُ الْقَوْمِ وَ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ»

رمضان و فرصتی برای دانش اندوزی



حجت الاسلام علی اکبر مسعودی
امام جماعت مسجد امام حسین (ع)
روستای وادان دماوند

پیامبر اسلام و ائمه اطهار نهضت علمی را از مسجد شروع کردند. امام حسن مجتبی (ع) فرمودند از رفت و آمد در مسجد هشت چیز نصیب انسان می شود که از جمله آن هشت چیز، دانش تازه است. مسجد و فرصت دانش اندوزی فقط در ماه رمضان نیست، اصلاً ظرفیت مسجد (غیر از بحث عبادات)، جدای از دانش اندوزی نیست. اما اگر بخواهیم به شیوه های دانش اندوزی در مسجد و آن هم در فرصت ماه رمضان نگاه کنیم، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. شیوه و فرصت منبرهای سنتی، رایج ترین شیوه برای انتقال مفاهیم و معارف به مخاطب است و در حقیقت خود این منبرها هم به گونه ای اشراف به دانش و علم دارد. در یک منبر سنتی مباحث متعددی از قبیل احکام، عقاید، تحلیل سیاسی، مباحث تاریخی، تفسیر و... مطرح می شود. در واقع دانش های منبر را نباید نادیده گرفت. مرحوم آیت الله شهید مطهری بسیاری از بیانات شان در مسجد ایراد شده است؛ سخنرانی های مرحوم فلسفی و کتاب هایی که از ایشان به یادگار مانده، بسیاری از این مباحث در مسجد صورت گرفته است. لذا ظلم به مسجد است اگر دانش منبر را نادیده بگیریم. مگر می شود ما حق الناس را دانش ندانیم! قیامت و مسایل مربوط به آن و خیلی از مواردی که در کاهش پرونده های قضایی تأثیر دارد همه اینها دانش است که در ظرف مسجد به مخاطب می رسد. البته خطیب هم باید به عنوان یک کلاس درس به منبر نگاه کند. پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت نیز بسیاری از معارف را از طریق منبر به مردم انتقال می دادند.

۲. از جمله شیوه هایی که می توان در فرصت ماه رمضان و در سایر فرصت ها در مسجد به کار گرفت و تأثیر فراوانی در دانش اندوزی مخاطب دارد، استفاده از افراد متخصص در مسجد است. جمعیت قابل توجهی در ماه رمضان با مهارت و تخصص های متعدد در مسجد حضور پیدا می کنند. خطیبی می گفت که در یک مسجدی ظاهراً در یکی از محلات تهران چند تا حقوق دان بودند و مباحث حقوقی را برای مردم توضیح می دادند. خب یک فرصت بسیار خوبی است که ما بتوانیم از متخصصین هر رشته استفاده لازم را در مسجد ببریم که هم برای مخاطب جذابیت دارد و هم انتقال پیام راحت تر است؛ مثلاً در مباحث بهداشتی می توانیم از متخصص آن رشته استفاده کنیم و یا در بحث شبکه های مجازی می توان از پلیس فتا و متخصصین این موضوع که سطح آگاهی های بالایی دارند، بهره برد.

۳. می توان شروع بسیاری از کارها را در ماه مبارک رمضان قرار داد؛ زیرا به خاطر وسعت مخاطبین مسجد در ماه رمضان، اطلاع رسانی از

دامنه وسیع تری برخوردار است. اطلاع رسانی در مورد تجهیز مسجد به وسایل آموزشی و کمک آموزشی و... اگر مسجد به روز و مجهز به وسایل کمک آموزشی باشد، در دانش مخاطب تأثیر بیشتری دارد و مخاطب هم اقبال بیشتری به برنامه های مسجد نشان می دهد.

۴. مساجد فقط برای امور عبادی و منبر نیست. می توانیم با استفاده از فراغت ماه مبارک رمضان با برگزاری کلاس های کمک درسی مورد نیاز مخاطب، و دعوت از اساتیدی که در محله یا در مسجد حضور دارند و یا در مدارس اطراف مشغول تدریس هستند، کلاس های تقویتی برای دانش آموزان داشته باشیم. این کلاس ها در کنار کلاس قرآن و معارف دین، می تواند تأثیر گذار باشد.

۵. اوج حلقه های معرفتی در ماه مبارک رمضان است. الان نگاه مهمی که وجود دارد این است که حلقه های معرفتی که به وسیله بسیج در حال برگزاری است، با محوریت مسجد فعالیت داشته باشد. این حلقه ها تأثیر زیادی بر مخاطب دارد؛ چون مخاطب و گوینده تقریباً رابطه مستقیم با هم دارند. ماه رمضان می توان بهترین و کارآمدترین مباحث را در قالب این حلقه ها برگزار کرد.

۶. در ماه رمضان که حضور مردم و جوانان در مسجد پررنگ تر است (مثلاً بعد از ظهر ها که برای خواندن قرآن، نماز و یا گعده به مسجد می آیند)، می توان کتاب های کوچک متنوع با موضوعات به روزی که امروز جامعه به آن نیاز دارد، در دسترس آنها قرار داد. اگر چند قفسه کتاب در مسجد و جلوی چشم مخاطب وجود داشته باشد، افرادی که منتظر اقامه نماز و سایر برنامه ها هستند، می توانند از این فرصت کوتاه بهره ببرند و مطالعه کنند؛ با این کار هم بر اطلاعات و دانش او افزوده می شود و هم وقت او تلف نمی شود.

۷. بحث پاسخگویی به سؤالات مردم را در ماه رمضان تقویت کنیم. هر قشری که سؤال دارد، احساس کند می تواند با مراجعه به مسجد پاسخ بگیرد.

۸. ماه رمضان را می توان حلقه وصل کودکان با مسجد قرار داد. حتی اگر مسجد ما مهد کودک ندارد، یک مهد کودک یک ماهه با برنامه های شاد و متنوع، به مناسبت ماه رمضان برای کودکان داشته باشیم. جای مهد در مساجد خالی است. مسجد برای همه مخاطبین چه آن مخاطبی که کودک است، چه مخاطبی که زن و مرد و نوجوان و جوان باشد، مرکز یافتن و اندوختن است. الان در روزهای جمعه در خیلی از مکان ها و مصلاهای نماز جمعه مهد آدینه داریم، ولی برای همه مساجد هنوز مهد مسجد راه اندازی نشده است. مهد مسجد یعنی کودکی که به مسجد می آید، دست خالی برنگردد. ماه مبارک رمضان فرصتی مناسب برای احیای این موضوع است.

“

بحث

پاسخگویی به

سؤالات مردم

را در ماه رمضان

تقویت کنیم. هر

قشری که سؤال

دارد، احساس

کند می تواند

با مراجعه به

مسجد پاسخ

بگیرد

”



مسجد

یادبود
شیخ نمر

از امام جماعتی مسجد تا شهادت در زندان

نگاهی به زندگی شهید بزرگوار شیخ نمر، امام جماعت مسجد صاحب الزمان (عج) پاکدشت

شیخ نمر، در سال ۱۳۷۹ ق (۱۳۳۸ ش) در منطقه العوامیه استان قطیف (شرق عربستان) به دنیا آمد. پدر او علی بن ناصر آل نمر، از خطبای معروف منطقه به شمار می‌رود. از دیگر عالمان این خاندان می‌توان به آیت‌الله محمد بن ناصر آل نمر اشاره کرد.

تحصیلات در العوامیه، تهران و دمشق

شیخ نمر تا مقطع دبیرستان در مدارس شهر العوامیه درس خواند. سپس برای تحصیل علوم دینی به ایران مهاجرت کرد و از سال ۱۴۰۰ ق در حوزه امام قائم (عج) در تهران که آیت‌الله سید محمد تقی حسینی مدرسی آن را تأسیس کرده بود، مشغول به تحصیل شد. وی پس از ۱۰ سال تحصیل در ایران، عازم زینبیه دمشق شد.

شیخ وحید افغانی، شیخ صاحب صادق، آیت‌الله خاقانی، سید محمد تقی مدرسی و سید عباس مدرسی از اساتید او در لمعه، رسائل و مکاسب، اخلاق و همچنین درس خارج در قم، تهران و دمشق بوده‌اند. نمر باقر النمر، در ایران، سوریه و سپس عربستان سعودی، به تدریس دروس حوزوی از جمله مکاسب، رسائل و کفایه پرداخت.

شیخ نمر یک پسر و سه دختر داشت. همسر او منی جابر الشریاوی، ۸ مرداد ۱۳۹۱ ش (۱۰ رمضان ۱۴۳۳) در حالی پس از یک دوره طولانی ابتلا به سرطان درگذشت که نمر باقر النمر در بازداشت به سر می‌برد.

امام جماعتی در مسجد صاحب الزمان (عج)

پاکدشت

آیت‌الله نمر در اوایل دهه ۶۰، حدود یک سال امام جماعت مسجد صاحب الزمان (عج) پاکدشت بود. در این دوره او که مورد استقبال مردم منطقه قرار گرفته بود، شب‌ها در مسجد حاضر می‌شد و پس از اقامه نماز جماعت، با سخنرانی نمازگزاران راه فیض می‌رساند. علاوه بر این، در آن دوره این شخصیت علمی مجاهد در مرکز بین‌المللی امام مهدی (عج) خدمات ارزشمندی ارائه می‌داد و تدریس می‌کرد. در آن دوره او اوج دلدادگی به امام خمینی (ره) و عشق به انقلاب اسلامی ایران را در این منطقه به نمایش گذاشت.



فعالیت‌های اجتماعی در عربستان

نمر باقر النمر، در سال ۲۰۰۳ نماز جمعه را در العوامیه برپا کرد. او پیش از این مرکز مذهبی «الامام القائم (عج)» را در العوامیه تأسیس کرده بود. این مرکز را سنگ بنای تأسیس «مرکز اسلامی» در سال ۲۰۱۱ م دانسته‌اند. شیخ نمر همچنین در العوامیه به فعالیت‌هایی نظیر احیای نقش مساجد، اقامه نماز جمعه، گسترش مباحث فکری و نظری، انتشار کتاب، مقالات و نوشته‌های متعدد، تسهیل ازدواج، پررنگ کردن نقش اجتماعی زنان، آموزش‌های دینی به جوانان و نوجوانان و مبارزه با فساد اجتماعی اهتمام داشت.

تلاش برای بازسازی قبور ائمه بقیع

نمر باقر النمر، تلاش‌هایی جدی برای بازسازی قبور ائمه مظلوم در بقیع انجام داد. او از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷، هر ساله خواستار برگزاری بزرگداشت سالروز تخریب قبور ائمه بقیع می‌شد، اما هر بار رژیم عربستان سعودی با آن مخالفت می‌کرد. اما با وجود ممنوعیت از سوی دولت عربستان، این مراسم از سال ۲۰۰۷ (۱۴۲۸ ق) برگزار شد. به علاوه، راهپیمایی‌هایی در اروپا و آمریکا با هدف محکوم کردن تخریب قبور ائمه و حمایت از بازسازی آن برگزار شد.

فعالیت‌ها و دیدگاه‌های سیاسی

نمر باقر النمر، در فوریه ۲۰۰۹ م، به مقامات سعودی هشدار داد که «اگر شأن و حیثیت ما به ما بازگردانده نشود، من شیعیان را به جدایی از عربستان فرا می‌خوانم. کرامت ما مهم‌تر از تمامیت کشور است». او در این سخنرانی خواهان برگزاری انتخابات آزاد شد. شیخ نمر همواره در سخنرانی‌های خود رژیم سعودی را به اعمال سیاست‌های تبعیض آمیز طایفه‌ای سازمان‌یافته، به ویژه در مناطق شرقی عربستان و به خصوص در دو منطقه الاحساء و القطیف متهم می‌کرد. شیخ نمر النمر، در یکی از خطبه‌هایش به خاطر مواضع و دیدگاه‌های تندش در قبال رژیم سعودی گفته بود: «می‌دانم فردا برای بازداشت من به سراغم خواهید آمد. خوش می‌آید! این منطبق و راه و روش شماست: بازداشت و شکنجه و کشتار، ما از قتل و کشتار نمی‌هراسیم، ما از هیچ چیز نمی‌ترسیم».

او به ارث بردن تاج و تخت میان حاکمان کشورهای عربی را غیر شرعی خوانده و مشروعیت دست به دست شدن پادشاهی در عربستان را زیر سؤال برده و آل سعود و آل خلیفه را پیرو انگلیس دانسته بود.

نمر همواره به صورت آشکار از فساد و استبداد و دیکتاتوری نظام سیاسی آل سعود انتقاد کرده و همگان را به اصلاح و تحکیم پایه‌های آزادی و انتقال قدرت و نیز موافقت با تأسیس احزاب دعوت می‌کرد.

این روحانی برجسته شیعه، نسبت به توهین به کرامت شهروندان عربستانی به ویژه شهروندان شیعی حساسیت ویژه‌ای نشان می‌داد. از نگاه او رژیم سعودی شیعیان را شهروندان درجه دو به شمار می‌آورد و آنها را از هر گونه حق و حقوق شهروندی محروم کرده است. او تأکید می‌کرد که از کرامت و حقوق شهروندان شیعی عربستانی حمایت خواهد کرد.

شیخ نمر پیوسته در سخنرانی‌های خود خواهان ایجاد تغییرات سیاسی، به رسمیت شناختن آزادی‌های عمومی، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌ها و کنار گذاشتن تبعیض طایفه‌ای در عربستان بوده است.

وی دیگر حاکمان حوزه خلیج فارس را نیز مورد انتقاد قرار داده و از حرکت‌های انقلابی در کشورهای عربی به ویژه بحرین حمایت کرده بود. او اصلاح واقعی در جهان عرب و جهان اسلام را منوط به سقوط حکام کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دانسته بود. نمر، آل خلیفه و دیگر حکام کشورهای عربی حوزه خلیج فارس را عروسک‌ها و ایدی آمریکا توصیف کرده می‌گفت: «همه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بدون استثنای بر چتر ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کنند و ناو پنجم دریایی ارتش آمریکا برای به چپاول بردن چاه‌های نفت بحرین و دیگر کشورهای عربی در منطقه حضور دارد». شیخ نمر در سال ۲۰۱۱ همزمان با سقوط رژیم‌های دیکتاتوری حاکم در تونس و مصر، و با شروع جنبش مردم بحرین، بی‌توجه به ممنوعیت رسمی که مقامات سعودی از سال ۲۰۰۸ با منع تدریس و سخنرانی بر وی اعمال کرده بودند، سخنرانی‌های خود درباره آزادی سیاسی را با محوریت تغییر سیاسی از سر گرفت.

برخورد های آل سعود با نمر

شیخ نمر از سال ۲۰۰۳، بار از سوی دولت عربستان سعودی بازداشت شد و آخرین بازداشت به زندانی شدن بلند مدت او و محاکمه و سرانجام شهادتش انجامید.

۱۴۲۴ ق (۲۰۰۳ م): نمر باقر النمر، اولین بار پس از آن بازداشت شد که با وجود خواست دولت عربستان مبنی بر عدم اقامه نماز جمعه، و همچنین تخریب محل آن، هفته‌ها به اقامه نماز جمعه پرداخت.

۱۴۲۵ ق (۲۰۰۴ م): او دومین بار زمانی بازداشت شد که تلاش‌های خود برای برگزاری مراسم سالروز تخریب قبور بقیع را آغاز کرد.

۱۴۲۶ ق (۲۰۰۵ م): سومین بازداشت، بار دیگر در پی درخواست او برای برگزاری مراسم سالگرد تخریب قبور ائمه بقیع رخ داد.

۱۴۲۷ ق (۲۰۰۶ م): شیخ نمر در همایش قرآن کریم که از سوی آیت‌الله سید محمد تقی حسینی مدرسی برگزار شد، شرکت کرد و بر حقوق شیعیان در عربستان سعودی تأکید کرد و مواردی از جمله تدریس مذهب شیعه در مدارس، لزوم بازسازی بقیع و... را مطرح ساخت. نمر باقر النمر، پس از بازگشت به عربستان سعودی برای چهارمین بار بازداشت شد و مردم العوامیه در اعتراض به بازداشت او دست به راهپیمایی اعتراضی زدند.

۱۴۲۹ ق (۲۰۰۸ م): پس از آنکه دولت عربستان از او خواست به استان قطیف برود و مخالفت کرد، به شهر دمام برده شد و از وی خواسته شد تعهد کتبی مبنی بر لغو نماز جمعه بدهد، اما باز هم مخالفت کرد. پس از این با حکم وزیر کشور به زندان انفرادی برده شد. بازداشت پنجم بیش از ۲۴ ساعت به طول نینجامید. آخرین و ششمین بازداشت نمر باقر النمر در ۸ ژوئیه ۲۰۱۲ م (۱۸ تیر ۱۳۹۱ ش) روی داد. نیروهای امنیتی عربستان در منطقه قطیف پس از کمین در خیابان و تیراندازی به سوی شیخ نمر، او را در حالی بازداشت کردند که ۴ گلوله به پایش اصابت کرده بود.

صدور حکم اعدام

۳ آبان ۱۳۹۴، برادر شیخ نمر اعلام کرد که دادگاه عالی و استیناف حکم اعدام شیخ النمر را تأیید کرده و حکم برای اجرا و تأیید نهایی به دفتر پادشاهی ارجاع داده شد. شیخ نمر پس از بازداشت در ۸ ژوئیه ۲۰۱۲ م زندانی بود تا اینکه روز دوازدهم دی ماه ۹۴، به دست جلاان آل سعود به شهادت رسید.

اگر شأن و حیثیت ما به ما بازگردانده نشود، من شیعیان را به جدایی از عربستان فرا می‌خوانم. کرامت ما مهم‌تر از تمامیت کشور است



مسجد

امام جماعت

ماه

مسجد به هیچ گروه خاصی اختصاص ندارد

گفت و گوی اختصاصی با آیت الله هاتف قوچانی

آیت الله سید محمود هاتف قوچانی، از ائمه جماعات با سابقه در تهران است که به واسطه سال ها درس و بحث در نجف، اشراف ویژه ای به مسایل فقهی و روایی دارد. او که بزرگ ترین افتخار خود را تصحیح آثار امام خمینی در دوران تبعید ایشان در نجف و مراوده مداوم با ایشان می داند، خاطره ای از رهبر کبیر انقلاب اسلامی نقل می کند که شاید پیش از این منتشر نشده است و برگ زرین دیگری از شخصیت کم نظیر او را عیان می سازد. تلاش های عالمانه او در تصحیح جواهر، به ویژه در تطبیق روایات، رسیدگی به امور ائمه جماعات در مرکز و بیش از سه دهه خدمت در مسجد، از دیگر خدماتی است که او از خود به یادگار گذاشته است.

مشروح گفت و گوی ما با آیت الله سید محمد هاتف قوچانی، امام جماعت مسجد الر سول سعادت آباد را می خوانید:

نزد پدر و مادرم آموختم و مدرسه نرفتم. حدود هفت یا هشت سالگی مشغول دروس حوزی و جامع المقدمات و دیگر منابع ابتدایی شدم و پس از مدتی آماده شرح لمعه شدم. وقتی به بلوغ رسیدم، ابوی لمعه را با من شروع کردند. در آن زمان متن لمعه چاپ نشده بود و من متن را می نوشتم و هر روز مقداری از آن را حفظ می کردم و برای فراموش

لطفا خلاصه ای از سوابق تحصیلی و فعالیت های علمی خود را بیان کنید.

پدر بنده در زمان رضاخان، بعد از حادثه مسجد گوهرشاد به نجف رفتند و من هم در نجف متولد شدم. پدر درباره معاشرت من با فضای بیرون خانه بسیار سخت گیر بودند. به خاطر همین دروس ابتدایی را

“

وقتی به بلوغ رسیدم، ابوی لمعه را با من شروع کردند. در آن زمان متن لمعه چاپ نشده بود و من متن را می نوشتم و هر روز مقداری از آن را حفظ می کردم

”

خاطره از سال‌های با امام بودن

رابط چاپ کتاب تحریر الوسیله در تهران، حاج آقا مجتبی تهرانی بود و اولین ارتباط و آشنایی من با ایشان هم در همان سال رخ داد. امام عنوانی را برای کتاب مشخص کرده بودند اما روزی حاج آقا مصطفی خمینی به همراه حاج آقا مجتبی تهرانی نوشته‌ای را به من دادند که پشت جلد کتاب بزنم. بعد از چاپ کتاب روزی از منزل امام خمینی (ره) سراغ من آمدند و من نزد ایشان رفتم. ایشان به عنوانی که پشت کتاب طلاکوب شده بودند و نوشته بود «زعیم حوزه‌های علمیه» اعتراض کردند و گفتند که من طلبه‌ای بیشتر نیستم و این نشان دهنده روح بزرگ امام بود. بعد هم دستور دادند که همه کتاب‌ها جمع شود و از بین بروند که من پیشنهاد دادم جلد اینها را عوض کنیم که ایشان پذیرفتند. من مراجع زیادی را دیدم، اما در طول هزاران باری که من خدمت امام (ره) رسیدم، هیچ انانیت و هوای نفسی در ایشان ندیدم، امام در واقع یک چهره بی نظیر بود

مسئولیتی را قبول نکند و یا اگر قبول می‌کند، حق آن را ادا نماید. مسجدداری شرایط زیادی دارد. امام جماعت باید اول از همه به حضور دائم و اول وقت در مسجد مقید باشد. من تقریباً به این مسئله ملتمز هستم. و به خاطر همین همیشه از سفرهای جانبی محروم بودم. بنده به ندرت سفر می‌روم و اگر یک امام جماعت را به عنوان نایب بگذارم، حتماً فرد شایسته و محترمی را انتخاب می‌کنم. من از سال ۷۰ که به این مسجد آمدم، مگر اتفاق خاص و یا سفر ضروری پیش آمده باشد و گرنه نماز جماعت سه وعده را ترک نکردم.

• برای نوجوانان و جوانان چه برنامه‌هایی دارید؟

ما در این مسجد برای ارتباط با مدارس برنامه‌های هفتگی داریم. برای جوانان هم در تابستان اردوهای برگزار می‌کنیم. همه این‌ها برای روشن نگه داشتن چراغ مسجد است. تنگ‌نظری است اگر احیاناً جوانی را به خاطر ظاهر متفاوت او در مسجد نپذیریم.

• امام جماعت در برخورد با مردم باید چه نکاتی را رعایت کند؟

امام جماعت باید سفینه‌النجاه باشد؛ نباید برخی گروه‌ها را با استقبال پذیرفت و برخی را طرد کرد. من هیچ‌گاه در مسجد موضع‌گیری نکردم؛ زیرا مسجد به هیچ گروه خاصی اختصاص ندارد. در مسجد ما همه گروه‌ها و اقشار حضور دارند. نباید یک امام جماعت با تنگ‌نظری برخی را از مسجد دور کند. البته مسایل فرهنگی باید صدرصد زیر نظر امام جماعت باشد.

نکردن، هر روز بعد از نماز صبح مرور می‌کردم. در همان زمان، مرحوم ابوی تصحیح جواهر را بر عهده گرفته بود و بنده هم در استخراج روایات جواهر کمک کردم. پیدا کردن منابع روایات جواهر بسیار پیچیده بود. بنابراین، مسئله حفظ لمعه کنار گذاشته شد. به خاطر همان ماجرا من اشراف خوبی بر روی روایات شیعه و سنی پیدا کردم. این کار تا جلد ۲۱ جواهر الکلام ادامه پیدا کرد و بعدها هم بنده آن را کامل کردم. همان طور که اشاره کردم، درس سطوح حوزه را نزد ابوی گذراندم و در ۱۷ سالگی تمام کردم و برای درس خارج هم نزد آیت‌الله خویی رفتم و ۱۶ سال از درس ایشان بهره بردم. آن زمان آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله باقر صدر و خیلی از بزرگان دیگر نزد ایشان می‌آمدند.

• آشنایی شما با مرحوم امام (ره) در چه زمانی و چگونه بود؟

آشنایی ما با امام خمینی (ره) زمانی بود که ما در تابستانی قم رفتیم و با ابوی خدمت ایشان رسیدیم. در سال ۱۳۴۳ که امام به عراق و نجف آمدند، همان شب اول خدمت ایشان رسیدیم. در ادامه آشنایی من تصحیح تحریر الوسیله امام را بر عهده گرفتم و بارها برای بررسی اشکالات نزد ایشان می‌رسیدم.

در همان روزها امام (ره) به واسطه محبتی که به من داشتند، مسئولیت چاپ و تصحیح همه کتاب‌های علمی‌شان را بر عهده من گذاشتند. ایران که آمدم مشغول کارهای مردمی و اجتماعی شدم و از آثار علمی فاصله گرفتم. خلاصه اینکه عمر ما این گونه در نجف گذشت تا اینکه انقلاب اسلامی رخ داد. بعد از اینکه ما را تعقیب کردند، مجبور شدیم از عراق به ایران بیاییم. بنابراین، از سال ۵۸ ایران آمدم و من دیگر از مسایل حوزوی در ایران محروم شدم. البته در نجف من علاوه بر تحصیل، درس‌های مختلفی را تدریس می‌کردم.

زمانی که به تکلیف امام (ره) در عقیدتی سیاسی ارتش حضور پیدا کردم، برخی روحانیون آنجا درخواست کردند که اجازه دهیم صبح‌ها درس برویم و بعدش سر کار بیاییم. ملاحظات وجود داشت، به خصوص درباره نظم کار در ارتش به خاطر همین با این موضوع موافقت نکردم.

به خاطر همین، زمانی که در ارتش خدمت می‌کردم، از مسائل علمی دور بودم. البته الان برخی از دانشجویان مقاطع عالی دانشگاه امام صادق (ع) درس فوق‌العاده‌ای را با من می‌گذرانند.

زمانی که در مرکز آموزش مدیریت دولتی بودم، فرمان حضرت علی (ع) به مالک را به صورت یک کتاب در آوردم تا به عنوان یک متن آموزشی در کلاس‌های مدیریت تدریس شود.

• ماجرای امام جماعت شدن شما از کجا شروع شد؟

ایران که آمدم، علامه تهرانی امام جماعت مسجد قائم واقع در خیابان سعدی بودند و ایشان یافشاری داشتند که من امام جماعت آن مسجد شوم تا نهایتاً من پذیرفتم و از سال ۵۸ تا سال ۷۰ آنجا بودم و پس از آن به مسجد الرسول سعادت آباد آمدم.

• ویژگی‌های یک امام جماعت طراز را چه می‌دانید؟

اولین مطلب درباره امام جماعت این است که امام جماعت یا باید

“
اولین مطلب
درباره امام
جماعت این
است که امام
جماعت یا باید
مسئولیتی را
قبول نکند و یا
اگر قبول می‌کند،
حق آن را ادا
نماید
”



مسجد



مسجد
و ماه رمضان

“

در قدیم که
مسجد مردمی
محض بود،
مردم کمک
می کردند. اما
امروز باید در
کنار مسجد
موقوفات و
مستغلاتی
احداث شود
تا هم هزینه
خادم و کارکنان
پرداخت شود
و هم اینکه اگر
پولی ماند کمکی
به امام جماعت
شود

”

توصیه های مرحوم آیت الله انواری

زمانی که در مرکز رسیدگی به امور مساجد و در خدمت آیت الله انواری بودم، به مساجدی که در حال ساخت بود سفارش می کردم که در کنار مسجد امکانات دیگری هم بنا به ضرورت زمانه ساخته شود. مسجدی که می خواهد تأسیس شود حتما باید صندوق قرض الحسنه، کتابخانه عمومی، سالن ورزشی، مهد کودک، کانون فرهنگی و منزل برای امام جماعت داشته باشد. مسکن برای امام جماعت ضروری است و سبب می شود امور مساجد بتواند روحانیون را از قم و یا سایر شهرستان ها جذب کند. مسجد باید روی پای خودش بایستد. یادم نمی رود زمانی که در امور مساجد در خدمت آیت الله انواری بودم این نکته را به ائمه جماعات گوشزد می کردند که امام جماعت یا مسجدی را قبول نکند و یا اگر قبول کرد، تعطیلی معنایی ندارد. آیت الله انواری تأکید می کرد امام جماعت باید خوشتیپ باشد و مردم را جذب کند.

وضعیت حضور بانوان در مسجد شما چگونه است؟

ما در مسجد محیط خوبی را برای بانوان فراهم کردیم و به خاطر همین استقبال خوبی می شود.

اگر برنامه قرآنی خاصی در مسجد برگزار می شود، لطفا توضیح دهید.

شب ها بعد از نماز عشا یک صفحه از قرأت تلاوت می شود و تفسیر آیاتی از آن بیان می شود؛ البته غیر از شب های جمعه که دعای کامل است. از بین تفاسیر، تفسیر نمونه هم روان است و هم جمع و جور، که می تواند برای ائمه جماعات مناسب باشد.

به نظر شما کارکردهای اولویت دار مسجد، بعد از اقامه نماز چیست؟

ائمه جماعات اگر ملتزم شوند بین دو نماز چند مسئله احکام بگویند، برای مردم مفید است. مردم تشنه مسائل فقهی هستند و البته برای این کار باید مطالعه داشت. امام جماعت باید مسائلی که مورد اتفاق همه مراجع هست و مردم به آن مبتلا هستند را برای مردم بیان کند. همچنین امام جماعت باید مردم را به مسائل اخلاقی و اجتماعی سفارش کند و از مسایل حزبی و جناحی پرهیز نماید؛ چون اختلاف نظر و سلیقه طبیعی است و افراد را باید به مسایل انسانی دعوت کرد و از کشاندن مردم به مسایل حاشیه ای پرهیز نمود. امام جماعت نباید به طرف خاصی گرایش پیدا کند. امام جماعت باید مردم را از اتهام زنی و کنجکاو و تجسس بیهوده باز دارد. همچنین نباید هر چیزی را که به گوشش رسید برای مردم بیان کند.

چه مدلی را برای تأمین هزینه های مسجد مطلوب می دانید؟

در قدیم که مسجد مردمی محض بود، مردم کمک می کردند. اما امروز باید در کنار مسجد موقوفات و مستغلاتی احداث شود تا هم هزینه خادم و کارکنان پرداخت شود و هم اینکه اگر پولی ماند کمکی به امام جماعت شود. قدیم ها می گفتند دو قشر روحانی و آموزش و پرورش در جامعه محروم ترین هستند. البته نباید مستغلات و مغازه ها فروخته شود، اگر فروخته شود و با پول آن مسجد ساخته شود، ارزشی ندارد و کار مسجد لنگ می ماند. باید با پول اجاره، مسجد را اداره کرد. موضوع مهم دیگر اینکه ائمه جماعات در شهرستان ها شهریه ندارند و اگر مسجد موقوفه ای نداشته باشد، ائمه جماعات تحت فشار قرار می گیرند. اگر مسجد خودش هزینه هایش را تأمین کند، اگر مردم کمک نکنند هم اتفاقی نمی افتد.

چه توصیه ای برای برگزاری صحیح مراسم و مناسبت ها در مساجد دارید؟

اگر در مساجد جشنی هست، باید در حد معمول و با متانت برگزار شود. در مسجد ما چند موردی پیش آمد که من به مداحان اشتباهاتشان را تذکر دادم. البته مقام معظم رهبری در این زمینه همه تذکرات لازم را گوشزد کرده اند. مراسم ختم در مسجد با قرائت قرآن و سخنرانی انجام می شود. در طول این سال ها یک یا دو بار اتفاق افتاده که صاحب ختم درخواست کرده است مراسم سخنران نداشته باشد.

فعالیت های مرکز رسیدگی به امور مساجد را چگونه ارزیابی می کنید؟

الان نسبت به زمانی که ما در امور مساجد در خدمت آیت الله انواری بودیم، اوضاع از نظر بودجه و امکانات خیلی تغییر پیدا کرده و حقیقتا باید از حجت الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری تشکر کرد. اما هنوز با آنچه که هدف غایی است، فاصله دارد و نمی دانم رسیدن به آنجا چقدر امکان پذیر است؛ چون مشکلات زیادی سر راه وجود دارد. در حال حاضر نزدیک به دو هزار مسجد داریم، اما دو هزار امام جماعت مطلوب در تهران نیست. تأمین این تعداد امام جماعت هم هزینه زیادی می طلبد، ابتدایی ترین چیز مسکن است که خودش هزینه زیادی دارد.

چه پیشنهاد و یا توصیه ای به امور مساجد در پیشبرد اهداف دارید؟

امور مساجد نسبت به گذشته در انجام تکالیفش خیلی پیشرفت کرده است، اما از قبل هم نقاط ضعفی وجود داشت. مهم ترین آن به عدم امکان تأمین زندگی ائمه جماعات بر می گردد. در گذشته و جوهات از طریق ائمه جماعات و روحانیون محلی به مراجع می رسید، اما در حال حاضر به خاطر دفاتر مراجع تقلید در شهرها، زندگی روحانیون لنگ شده است. البته من خودم شخصا نیاز به جوهات ندارم و ذره ای هم در جوهات دخل و تصرف نمی کنم، اما همه این گونه نیستند و امور مساجد باید با دفتر مراجع صحبت کند که واسطه ائمه جماعات حذف نشود. زمانی امام خمینی (ره) می فرمودند: بیان زیاد مسایل در رساله باعث می شود ارتباط مردم با ائمه جماعات و روحانی ها کم شود. بنابراین، مرکز باید این مسائل را با دفتر مراجع مطرح کند.

این ماه: مسجد چهارده معصوم (ع)

تبلیغ دین در هیچ زمان و در هیچ مکانی راحت نبوده است. برای رسیدن پیام دین به گوش مخاطب غیر از لوازم و امکانات اولیه و انگیزه کافی و اطلاعات مناسب نیازمند روحیه تبلیغ هستیم. روحیه تبلیغ یعنی برای خود دلی بزرگ بسازیم تا بتوانیم در سطح وسیعی نسبت به مخاطبین تاثیر گذار باشیم. بزرگان مسجد چهارده معصوم سعی کرده‌اند دلشان را برای ارتباط موثر با نمازگزاران وسعت ببخشند. نه زودرنجیده خاطر می‌شوند و نه زود کینه به دل می‌گیرند. آنها یاد گرفته‌اند هر چالش و برخورد نامناسبی را در جهت خدمت به اهالی مسجد و محله تبدیل به فرصت کنند. برای همین است که بهترین خاطرات نوجوانان و جوانان این مسجد را بودن در کنار پیرمردها و بزرگترهای مسجد رقم زده است. این ماه فعالیت‌های مسجد چهارده معصوم را با هم مرور می‌کنیم.





مسجد ما یک خانواده بزرگ است

در مصاحبه با حجت الاسلام سید حمزه نجفی اردبیلی امام جماعت مسجد چهارده معصوم^(ع)

برای زندگی بهتر، چاره‌ای جز استفاده از تجارب دیگران نیست. به عبارت دیگر، موفقیت در گرو بهره‌مندی از عملکرد آزمون شده دیگران است. امروزه با وجود فضای مدرن و متفاوت نسبت به گذشته، برای تحقق قانون دفع حداقلی و جذب حداکثری، لازم است ائمه جماعات به ابزارها و فنون جدیدتر مسلح شوند تا بهتر از قبل به هدف تکثیر گویندگان لا اله الا الله بپردازند. به همین خاطر، با امام جماعت مسجد چهارده معصوم حجت الاسلام سید حمزه نجفی اردبیلی که در این زمینه به همراه کادر مسجد به تجربیات گران‌بهای دست پیدا کرده‌اند به گفتگو نشستیم تا در مورد استفاده از ابزارهای مختلف با هدف گردآوری قشر نوجوان و جوان در مسجد بیشتر آشنا شویم.

مهدی اکبری
طلبه سطح سه و ارشد
روانشناسی

“
مجالس را نباید جدا کرد. اگر بگوییم جلسه یا مسافرت بچه‌ها در این زمان و جلسه بزرگسالان در فلان زمان است، در حقیقت مرز نفوذناپذیری را بین دو سه نسل ایجاد کرده‌ایم و اتفاقاً به اختلافات میان نسل‌ها دامن زده‌ایم
”

در حقیقت مرز نفوذناپذیری را بین دو سه نسل ایجاد کرده‌ایم و اتفاقاً به اختلافات میان نسل‌ها دامن زده‌ایم. در سفر مشهد، کودکان در میان ریش سفیدها نشسته بودند و یک صحنه زیبایی خلق شده بود. بزرگ‌ترها حس می‌کردند بچه‌ها فرزند و نوه آنها هستند و کودکان نیز به چشم پدر و پدر بزرگ به آنها نگاه می‌کردند. ثانیاً برنامه‌ریزی و نظم سفرها و مجالس ما نکته‌ای است که همه افراد قبول کردند چنانچه تمایل به شرکت داشته باشند، بایستی به برنامه‌ها احترام بگذارند. دیگر سلیقه فردی باعث بروز مشکلات نمی‌شود. الان پیرمردهایی هستند که هفتاد هشتاد دارند، در اردوی مشهد به بازی و شیطنت بچه‌ها گیر نمی‌دهند؛ چون اردوی ما برنامه دارد، وقت استراحت دارد، وقت بازی گروهی دارد، می‌نشینند نگاه‌شان می‌کنند، انگار نوه‌های خودشان هستند.

مسجد حضور پررنگ بچه‌ها و کودکان در این مسجد، بسیار جلب توجه می‌کند، از سوی دیگر افراد مسن و ریش سفیدها نیز در صفوف نماز جماعت، حضور چشمگیری دارند. سر اینکه نمایندگان سه نسل به راحتی در کنار هم قرار گرفتند و جمعیت‌شان هم حفظ شده چیست؟ در این موضوع توضیح بفرمایید.

ما چندین سال با مشکل تفکیک سن در مسجد روبرو بودیم و هر چه توصیه و موعظه کردیم حل نشد. یک سفر مشهد رفتیم و مشکل حل شد. در آن سفر، تفکیک سنی نداشتیم؛ پیر و جوان، کودک و میانسال و... همه حضور داشتند. رمز و راز این موضوع در این مطلب نهفته است که اولاً مجالس را نباید جدا کرد. اگر بگوییم جلسه یا مسافرت بچه‌ها در این زمان و جلسه بزرگسالان در فلان زمان است،

چهارم: برای گفت و گو و توجیه افراد مسن در این زمینه چطور عمل کردید؟

بنده آنها را قانع کردم، گفتم این نوجوان، پنج سال دیگر یک جوان بیست ساله می شود، اگر بیايد مسجد دست تورا بگیرد، زیر بغل تورا بگیرد از پله مسجد بالا بیاورد، توی مسجد به شما کمک کند، قرآن برای شما بخواند، کتاب مفاتیح را برای شما بیاورد بهتر است یا سر کوچه بایستد مزاحم خانواده ات بشود؟ گفتند خب آن طور بهتر است. گفتیم همین است دیگر، بعد از پنج سال، همین بچه چهارده پانزده ساله، با محبت شماها یک جوان بیست ساله می شود اما در خدمت مسجد. الان مسجد ما در حکم یک خانواده بزرگ است. یکی از نوجوانان همین مسجد، بعد از یک سال سرطان، دیروز از دنیا رفت. در مجلس ختم او تعداد قابل توجهی از همین پیرمردها آمده بودند، در حالی که هیچ ارتباط فامیلی وجود نداشت. این همان رفاقتی است که بین این دو نسل ایجاد شده است.

چهارم: از وضعیت کودکان و نوجوانان دیروز چقدر اطلاع دارید؟

الان برخی از بچه های این مسجد که پانزده سال پیش برایشان برنامه داشتیم، به مقاطع خوبی رسیدند؛ چند نفر دکتر داریم که عضو هیأت علمی دانشگاه امیر کبیر هستند. بچه های نخبه کم نداریم، نسل های اول ما یا طلبه هستند که سخنرانان بسیار خوبی در بین آنان وجود دارد و در برنامه های مسجد مانند شب های قدر و عزاداری ها و اردوها به کمک ما می آیند، یا فارغ التحصیل دانشگاه هستند و مشغول کار شدند.

چهارم: تعامل شما با پایگاه بسیج به چه شکل است؟

به دلیل ذهنیت های غلطی که در بین عموم مردم شکل گرفته و دید منفی که نسبت به بسیج هست، ما در اینجا پایگاه بسیج نداریم. ما توانستیم فرزندان آنان را جذب کنیم و در خط اسلام و انقلاب و ولایت پرورش دهیم.

اگر این جا تابلوی بسیج بخورد، هیچ وقت نمی آیند. یک پیش زمینه ذهنی وجود دارد که اگر بسیج باشد، فردا بچه ام را می خواهند به سوریه ببرند. بحث ماهواره ها و تهاجم فرهنگی و غلط عمل کردن امثال بنده باعث شده یک بدبینی نسبت به بسیجی ایجاد بشود، به طوری که اگر این جا تابلوی بسیج بخورد، پنجاه درصد خانواده ها با حضور فرزندان در این مسجد مخالفت می کنند.

چهارم: مگر مسجد بدون بسیج هم ممکن است؟

ما بچه های آن پنجاه درصدی که خانواده هایشان راضی هستند را عضو بسیج کردیم، اما این جا پایگاه فرهنگی است. و الان مشغول انتقال همان خوراک های فکری به آن پنجاه درصد دیگر که خانواده اش مایل نیست این بسیجی بشود هستیم. مساجد اطراف ما بسیج دارند، این جا ندارد. شما بروید نگاه کنید نوجوان هایشان چقدر کمتر است. این را برای فرمانده بسیج منطقه هم گفتم و قانع شد. کار ما در واقع کار فرهنگی است، کودک و جوان را در خط اسلام و انقلاب و امام و حضرت آقا می آوریم. همین برای ما کافی است. الان ما جوان داریم که روی خانواده اش تأثیر گذاشته، و خوراکی که این جامی گیرد را به خانواده اش انتقال می دهد.

پنجم: موضوع صحبت های شما بین نماز مغرب و عشا، در چه زمینه هایی است؟

بنده معتقدم هر زمان اسلام ضربه خورده از خواص بی بصیرت بوده است. من امام جماعت باید فرمایشات رهبر معظم انقلاب را برای مردم تبیین کنم، مردم را با موضوعات روز و اتفاقات مهم جهان اسلام و سیاست آشنا کنم نه اینکه فقط احکام طهارت و نجاست را بیان کنم. بیان و تبیین مسائل شرعی جای خود را دارد و شرط لازم تلقی می شود، اما به هیچ عنوان کافی نیست. جریان سقیفه که پیش آمد، همه دنبال فراگیری احکام فردی خود بودند، بی بصیرتی در بین مردم آن زمان موج می زد، که خانه نشینی رهبر آنان را به دنبال داشت. در گذشته و حال، اشکال در احکام فردی نیست، اشکال در احکام اجتماعی است و همین باعث مهجور ماندن امام و ولایت و رهبری می شود. لذا ما نهج البلاغه را با رویکرد تبیین مسائل روز بین دو نماز ارائه می کنیم؛ یا وصیت نامه امام یا بیانات حضرت آقا، یا حتی معنای قرآن، یعنی آیاتی که تفسیر می شود را مطابق مسائل روز مطرح می کنیم. احکام هم داریم، احکام فردی هفته ای یکی دو شب است و به مرور تداوم پیدا می کند. هفت سال از شروع بیان احکام شرعی می گذرد و الان به بحث خمس رسیدیم. شنبی دو سه تا مسئله می گوییم. اما به نظر بنده طرح مسائل اجتماعی و سیاسی هم واجب است.

شادی راهبردی مهم

در مناسبت های دینی، هم مجالس شادی هست و هم مجالس عزاداری. دلیلی ندارد که در معرفی اسلام، جنبه غم و اندوه آن را پررنگ تر کنیم. ما هم ولادت داریم و هم شهادت. مجلس شادی و کف زدن در حدی که شرع اجازه می دهد نیز برپا می شود. در دوران ماهواره و اپلیکیشن و فضاهای متنوع مجازی، این بچه ها به مسجد می آیند. جنبه شادی بسیار مهم و راهبردی است. وقتی پای صحبت این بچه ها می نشینیم می گوییم چرا به پارتی می روید؟ می گویند خیلی خوش می گذرد؛ می گوییم، می خندیم، با هم رفیق هستیم. ما گفتیم که اسلام دین شادی است، دین حزن همعاش نیست، ما هم این جا برای شان تفریحات حلال و سالم در نظر گرفتیم و الان همان را در این مسجد پیاده کردیم که بچه ها با هم مانوس هستند، می گویند، می خندند، بازی می کنند و این باعث شده که هر شب برای نماز جماعت به مسجد بیایند. در طبقه پایین مسجد انواع ورزش ها و بازی ها وجود دارد. هفته ای دو جلسه دفاع شخصی داریم، فوتبال و پینگ پنگ و بازی های کامپیوتری و... داریم. خودمان هم با بچه ها هستیم.

“
به دلیل
ذهنیت های
غلطی که در
بین عموم مردم
شکل گرفته و
دید منفی که
نسبت به بسیج
هست، ما در
اینجا پایگاه
بسیج نداریم.
ما توانستیم
فرزندان آنان
را جذب کنیم و
در خط اسلام و
انقلاب و ولایت
پرورش دهیم
۶



چگونه شرکت در نماز جماعت را در بچه‌ها نهادینه کردید؟

در مسجد ما اصل، نماز جماعت است. شروع یا پایان تمام برنامه‌های این مسجد، با نماز جماعت است. اگر کار یا نماز شروع شود، برکت پیدا می‌کند. شرکت در برنامه‌های ما هم مشروط بر این است که در نماز جماعت حضور داشته باشند. همه خود را برای نماز اول وقت می‌رسانند و با نماز مانوس شده‌اند. شما کسی را نمی‌بینید که بعد از نماز بیاید؛ چون نمی‌تواند بازی کند، پس خود را مقید به حضور در نماز جماعت می‌کند. روال برنامه مسجد ما این است، اول نماز بعد برنامه، حتی احکام، هیأت، همه و همه بعد از نماز است. اصلاً هر جا به نماز اهمیت ندادند لطمه خوردند، به معنی اعم ستون دین است. حتی در برنامه‌های فرهنگی هم هر جا اهمیت به نماز کم شده، جواب نداده است.

برنامه‌ای که شما در زمینه قرآن و مناجات برای نسل جوان تر یا برای افراد مسن دارید همین قرآنی است که بعد از نماز عشاء خوانده می‌شود؟

برنامه مسجد ما طوری تنظیم شده که هم میان سال را راضی کند، هم پیرمرد و هم جوان را. یعنی مثلاً پیرمرد می‌آید نمازش را می‌خواند، یک صفحه قرآن می‌خواند، معنایش را هم می‌شنود، اگر هم لازم بود بین آن توضیح می‌دهند. در ضمن هفته‌ای یکی دو شب یک دعای توسل مختصر خوانده می‌شود. میانسال می‌آید کودک هم می‌آید. راجع به قرآن، متأسفانه ما معمولاً به صورت نمایشی کار می‌کنیم، مثلاً کرسی‌های تلاوت برپا می‌کنیم، خب این‌ها به جای خودش خوب است، اما دقیقاً چه کسانی مخاطب این کرسی‌های تلاوت می‌شوند؟ دسته‌های خاصی می‌آیند، آن کسانی که دنبال تلاوت مجلسی قرآن هستند. چه بسا خودشان هم نمی‌توانند بخوانند، فقط می‌آیند گوش می‌دهند. بنای ما همگانی شدن قرآن بود مانند ورزش. یک وقت شما پای تلویزیون می‌نشینید فوتبال نگاه می‌کنید، یک وقت وارد میدان ورزش می‌شوید. مادر این مسجد، قرآن را همگانی کردیم.

از چه جذابیت‌هایی برای کودکان در کلاس قرآن استفاده کردید؟

آفت کلاس‌های قرآن، طولانی شدن آن است. خود ما زمانی که بچه بودیم، در این کلاس‌ها شرکت می‌کردیم، اما چون طولانی بود، خسته می‌شدیم.



همه عیب دارند ...

یک برنامه‌ای تحت عنوان طرح مسجد مدرسه پیاده کردیم که در نوع خود هنجار شکنی محسوب می‌شد. از اولیای بچه‌های مسجد دعوت کردیم تا در مسجد حاضر شوند و در رابطه با موضوعات تربیتی با آنان گفت‌وگو کردیم. در ابتدا مخالفت‌هایی با حضور برخی مادران صورت گرفت، به جهت اینکه همه آنان حجاب کامل نداشتند و افراد مانتویی و بدون چادر هم وجود داشت. ما گفتیم مگر همین افراد، وارد حرم امام رضا (ع) نمی‌شوند، کمی حجابشان را اصلاح می‌کنند و داخل می‌شوند، این جا هم مسجد است و نباید مانع حضور آنان شد، به جهت اینکه همین افراد زنان جامعه ما را تشکیل می‌دهند. از سوی دیگر هدف ما جذب حداکثری و دفع حداقلی است. اگر ما برای حضور در مسجد از این قشر دعوت به عمل نیاوریم، ممکن است در تور دشمنان نظام و دین گرفتار شوند. حضرت آقا هم فرمودند که هر کسی ممکن است عیبی داشته باشد، اشکال برخی در پوشش نامناسب آنهاست و اشکال برخی دیگر ممکن است در اخلاق و رفتارشان باشد.



مسجد



“ در مسجد ما اصل، نماز جماعت است. شروع یا پایان تمام برنامه‌های این مسجد، با نماز جماعت است. اگر کار با نماز شروع شود، برکت پیدا می‌کند. شرکت در برنامه‌های ما هم مشروط بر این است که در نماز جماعت حضور داشته باشند ”

6



کلاس تجوید، حدود دو ساعت طول می کشید، الان کلاس تجوید ماسی دقیقه است، نزدیک چهل نفر، پنجاه نفر هم شرکت می کنند و هر کدام چهار آیه می خوانند. قواعد تجویدی همراه با جایزه. بزرگسالان می خوانند، نوجوان ها می خوانند. و به مرور قواعد تجویدی را می گوئیم؛ هر جلسه یک قاعده کوتاه، مخارج حروف نیز در حد واجبات نماز بیان می شود. الان الحمدلله بچه هایی که یکی دو سال حضور داشته اند، مخارج حروف را به زیبایی ادا می کنند و هر جای قرآن را باز کنید درست می خوانند. در پایان هم یک پذیرایی مختصر انجام می شود و طبق برنامه ریزی که کردیم جایزه می دهیم؛ یعنی هر کسی با لهجه عربی بخواند یک امتیاز، اگر بدون غلط بخواند امتیاز دوم، اگر با مخارج صحیح قرآنی بخواند، امتیاز سوم، این امتیاز ها جمع می شوند و به آن ها جایزه می دهیم. هر کسی هم به هر نحوی بخواند می تواند فوتبال بازی بکند. خود همین برنامه جذابیت ایجاد کرده است، بزرگ و کوچک می آیند، می خوانند و ترس شان می ریزد و این امر باعث همگانی شدن قرآن شده است. کسانی هم که می خواهند به صورت حرفه ای ادامه بدهند، آنها را به کلاس های حفظ معرفی می کنیم. اما کلاس قرآن ماهمگانی است، همه می توانند قرآن بخوانند، همه با قرآن آشنا می شوند. بعد از نماز هم طبق سنت همه مساجد، قرآن را با ترجمه می خوانیم و چنانچه آیه قابل بحثی داشته باشد یا یک درس و اندرزی در آن صفحه باشد بین دو نماز، در حد پنج دقیقه به توضیح آن می پردازم.

مشکل با شیطننت بچه ها چطور کنار می آید؟

در اردوها، کلاس های احکام، کلاس های معرفتی و ارتباط چهره به چهره، هدف ما رفاقت با بچه ها است و این مسیر، تأثیر گذاری حداکثری روی آنهاست. یعنی آن چیزی که آقای قرآنی گفتند حقیقتاً خیلی اثر دارد، حتی از صد تا منبر و کلاس و جلسه بهتر است؛ اینکه با بچه ها رفیق می شوی، خود به خود بچه ها ما را الگوی خود قرار می دهند. هر کاری ما انجام می دهیم آن ها هم انجام می دهند. این بهترین کلاس است، همان کلاس عملی که انبیا داشتند. در حالت دستوری و امر و نهی نیست که این کار را بکنید، این کار را نکنید. بچه های زیادی هستند که با تیپ های نامناسبی وارد مسجد می شوند. ما اصلاً ایراد نمی گیریم، یا حتی ممکن است در بین نماز خنده اش بگیرد و یا به هم تهنه بزنند، کسی حق اعتراض و ترش رویی به آنها را ندارد. اما کم کم که با فضای مسجد بیشتر آشنا می شود و نوع پوشش و ظاهر دیگران را می بیند، به صورت خود کار، با دیگران هم رنگ می شود و از پوشش مناسب مسجد استفاده می کند.

محدود به منبر نشویم

با فرهنگ سازی مناسب، توانستیم برخی عادات بد و ناپسند را از مجالس عزاداری خود حذف کنیم. تأکید می کنم تازمانی که من روحانی، حضور خود را محدود به منبر کنم و داخل در جمع عزاداران نشوم، میزان تأثیر گذاری من قابل توجه نخواهد بود. این طور واقعیت را بگویم که حرف شنوی مردم از کسی که روی منبر بنشینند و امر و نهی کند، به مراتب کمتر از کسی است که در بین مردم است. بنده در ایام محرم، میان دار هیأت هستم، مداحی و روضه خوانی هم می کنم و همراه بچه های مسجد، وسط جمعیت، سینه زنی می کنم. با بچه ها شور می گیرم و خود را جزئی از آنها می دانم. طبیعی است اگر تذکری بدهم از روی رفاقت هم که شده می پذیرند. مثلاً ما با در آوردن پیراهن در عزاداری این طور مواجه شدیم؛ ابتدا پوشیدن لباس را در هیأت به عنوان هنجار معرفی کردیم و بعد از چند سال، خیلی محدود شد. الان فقط در روز عاشورا چند نفر در وسط مسجد پیراهن خود را در می آورند که برای آنها هم می خواهیم زیر پوش یقه باز تهیه کنیم و ان شاء الله به زودی این داستان را جمع کنیم.

“

در اردوها،
کلاس های
احکام،
کلاس های
معرفتی و ارتباط
چهره به چهره،
هدف ما رفاقت
با بچه ها است
و این مسیر،
تأثیر گذاری
حداکثری روی
آنهاست

”



مسجد



“ به نظر بنده،
وزارت ارشاد
زمانی که مجوز
هیأت را صادر
می کند، بایستی
حضور شخص
روحانی در
مجلس عزاداری
را اجباری کند.
صد البته که
عزاداری ها
باید در مساجد
بر گزار شود،
چنانچه به
تکیه ها و
حسینیه ها برود،
کنترل آن مشکل
خواهد بود
۶

مسجد در رابطه با کلاس های کمک آموزشی که در تابلوی مسجد نصب کردید، بفرمایید؟

این ها کلاس های درسی بچه ها است. کلاس های تقویتی با هزینه بسیار پایین، مثلاً شش جلسه کلاس درس با هزینه ده هزار تومان داریم، که بچه های مسجد را از صرف هزینه زیاد برای کلاس های کمک آموزشی در بیرون از مسجد، بی نیاز می کند. برخی از این بچه ها هم بی بضاعت هستند که کلاس برای آنها را یگان در نظر گرفته می شود. سیستم به این صورت است که بچه های قدیم مسجد که هم اکنون نخبه هستند و تحصیلات دانشگاهی دارند، در این کلاس ها تدریس می کنند، که البته برای خودشان هم مرور مطالب است و هم تجربه خواهد بود.

مسجد یعنی به وسیله بچه های مسجد به بچه های مسجد آموزش داده می شود؟

بله، دقیقاً همان سیستم طلبگی حوزه پیاده می شود؛ بچه های پایه های بالاتر به بچه های پایین تر آموزش می دهند. همین امر، رفاقت ها و محبت ها را بیشتر کرده است. خیلی از بچه ها به همین خاطر این جا می آیند. تقریباً این مسجد حکم یک خانواده بزرگ را پیدا کرده است، یعنی حتی ما از آن طرف بام هم افتاده ایم؛ از خانه تماس می گیرند که یک شب هم به بچه ها بگویید در خانه باشند. در ضمن ما با خانواده ها ارتباط داریم، این ارتباط خودش خیلی خوب است. هم تلفنی، هم گاهی حضوری به مسجد می آیند و این جا را بررسی می کنند، بعضاً هم از آن ها دعوت می کنیم که بیایند و محیط و فعالیت های مسجد را ببینند. به برکت همین حضور، خیلی از خانواده هایی که مسجدی نبودند، مسجدی شدند.

مسجد شنیدم هیئت موفق می دارند نظر تان در مورد ورود امام جماعت به هیئت جوانان چیست؟

مرحوم آیت الله حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم در زندگی نامه خود آورده که در ایام جوانی عهده دار مداحی دسته عزای طلاب در نجف بوده اند. الان چقدر از این موارد داریم؟ اگر روحانی در هیأت حضور داشته باشد، اگر میان داری عزاداری ها و دسته جات توسط روحانی انجام شود، هرگز شاهد این میزان از انحراف در مجالس سالار شهیدان نخواهیم بود. دوازده هیأت ما منبری نیست، او می آید منبرش را می رود، پاکتش را می گیرد و مجلس را ترک می کند. اما روحانی که دائماً در هیأت حضور دارد، به محض مشاهده انحراف، تحریف و... به روشنگری و اصلاح می پردازد. زمانی که حضور داشته باشیم، جلوی روضه های غلط، شعرهای مبالغه آمیز و دیگر کژی ها را می گیریم. اگر با این بچه ها سینه زدیم و برای آنان مداحی کردیم، آنها نیز از ما حرف شنوی خواهند داشت. وگرنه مجالس را به عوام بسپاریم و بیاییم سه هزار جلد کتاب در موضوع جلوگیری از انحرافات عزاداری ها بنویسیم، هیچ سودی نخواهد داشت. به نظر بنده، وزارت ارشاد زمانی که مجوز هیأت را صادر می کند، بایستی حضور شخص روحانی در مجلس عزاداری را اجباری کند. صد البته که عزاداری ها باید در مساجد برگزار شود، چنانچه به تکیه ها و حسینیه ها برود، کنترل آن مشکل خواهد بود.

شعار ما نظم و برنامه ریزی

۱ هر مسجدی فعالیت های مختص به خودش را دارد. مسجد ما به همت امام جماعت محترم توانسته عمده فعالیت خود را در راستای جذب قشر نوجوان و جوان متمرکز کند؛ چرا که امام جماعت نیز خود جوان هستند و الحمدلله در این مسیر موفق بوده اند و راهکارهای تشویقی ایشان مورد اقبال کودکان و جوانان است.



مهدی مسافرد
عضو هیأت امنای
مسجد چهارده معصوم

۲ نکته قابل توجهی که در مدیریت این مسجد وجود دارد، سلیقه ای اداره نشدن آن است. در طول سال از یک برنامه از پیش تعیین شده تبعیت کرده و نظم و انسجام بر مسجد به صورت چشمگیری حاکم است. به محض پخش اذان، امام جماعت حاضر است و نماز جماعت سریع اقامه می شود و واقعا رعایت حال اضعف مأمومین می شود؛ چرا که افراد مسن، محدودیت هایی دارند که بایستی حال آنان مراعات شود. در برخی مساجد، به جهت اطلاع اذکار و ايراد، حوصله مردم سر می رود. اما کسانی که به این مسجد عادت کرده اند، اقامه نماز در جاهای دیگر برایشان کمی سخت است. در واقع نماز مانع از اجرای سایر برنامه های شخصی افراد نمی شود. بعد از نماز مغرب و عشاء نیز خیلی کوتاه یک صفحه قرآن با صدای خوش به همراه ترجمه خوانده می شود.

۳ در عزاداری ایام محرم، امام جماعت ما برنامه های مسجد از اول محرم تا هفتم امام را در تابلوی اعلانات نصب می کنند. همه می دانند چه ساعتی مراسم شروع و کی خاتمه پیدا می کند. در واقع یکی از مشوق های مردم برای حضور بیشتر در مسجد، نظم و برنامه ریزی دقیق آن است. یعنی همیشه یک حرف شنیده می شود و تا آخر همه مطیع هستند و احترام به برنامه ریزی امام جماعت از سوی تمامی مأمومین به یک فرهنگ تبدیل شده است. راه ارائه پیشنهادات نیز برای مردم باز است، و چنانچه به نظم مسجد آسیب نرساند، مورد پذیرش قرار می گیرد.

۴ خیلی از مساجد صرفاً به جنبه عبادی و معنوی مردم توجه می کنند. ما گاهی در بین نماز مغرب و عشاء، از موضوعات سیاسی روز و تحلیل های واقع بینانه امام جماعت استفاده می کنیم. در واقع جلسات بصیرت افزایی پنج دقیقه ای داریم که بدون احتیاج به جستجو در روزنامه ها و سایت ها، از اهم اخبار روز مطلع می شویم. بنده با چندین نفر مواجه شدم که از نبود چنین برنامه ای گلهمند بوده اند.

تبلیغات مسجدی باید...

ما این‌ها را فعال می‌دانیم و امتیاز این‌ها ثبت می‌شود. کسانی هم که فقط می‌آیند توی زیرزمین مسجد و از برنامه‌های مسجد استفاده می‌کنند و می‌روند، ما این‌ها را فعال نمی‌دانیم، این‌ها را به عنوان یک کسی که فقط می‌آید استفاده می‌کند در نظر داریم. البته برای آنها هم برنامه داریم، اما سعی می‌کنیم بیشتر برنامه‌ها را برای بچه‌هایی که فعال هستند برقرار بکنیم.

ویژگی تبلیغات مسجدی

تبلیغات باید دو ویژگی داشته باشد: اول اینکه تأثیر گذار باشد و دوم اینکه هزینه‌بردار نباشد. سعی می‌کنیم اگر بنری قرار است نصب شود، این بنر رنگ‌های زیادی داشته باشد، رنگ‌های زیاد و مختلفی استفاده بشود که جلب توجه کند. اگر تراکت پخش می‌شود، سعی می‌کنیم که باز رنگ و لعاب آن زیاد باشد که جلب توجه کند. هزینه ثبت‌نام در برنامه‌های مسجد را هم تا جایی که می‌شود پایین آوردیم تا بچه‌ها بتوانند به راحتی شرکت کنند. مسجد دارای سالن ورزشی است، هر کدام از بچه‌ها هم با توجه به علاقه خود، در برنامه‌ها شرکت می‌کنند؛ کسی که فوتبال دوست دارد روزهایی که فوتبال است می‌آید، یا کسی که والیبال دوست دارد، روزهایی که والیبال است می‌آید. سعی کردیم این‌طوری باشد که همه بچه‌ها با هر سلیقه‌ای بتوانند در برنامه‌ها شرکت کنند و این خودش نوعی تبلیغ است.

تبلیغات و خرد جمعی

بنده که مسئول واحد تبلیغات هستم، با امام جماعت مسجد و شخصی که کارهای کامپیوتری را انجام می‌دهد و گاهی حتی از بچه‌های دیگر هم نظر می‌گیرم و بنر طراحی می‌کنیم و در مورد کیفیت بصری و کیفیت چاپ، حساسیت به خرج می‌دهیم.

تبلیغات سخت‌افزارانه

تبلیغات سخت‌افزارانه شامل بنر و پارچه و تراکت و...، باید طوری طراحی شود که پیام را واضح و درست اطلاع‌رسانی کند و موجب جذب مخاطب هم بشود. تبلیغات سخت‌افزارانه در مسجد ما از لحاظ مخاطب به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. تبلیغات عمومی ۲. تبلیغات برای نسل جدید. در مورد عموم مردم، مناسبت‌های مذهبی را در سطح محله اعلام می‌کنیم. به عنوان مثال بنر و پارچه متناسب با مناسبت را نصب می‌کنیم و داخل مسجد را سیاه‌پوش یا تزئین می‌کنیم. خیابان‌های اطراف مسجد را هم به همین صورت پوشش می‌دهیم و به وسیله بنر یا نشانه‌ای مشخص می‌کنیم که یک اتفاق مذهبی یا ملی افتاده که مردم باخبر باشند. وسایل مورد نیاز این نوع تبلیغات معمولاً بنر، پارچه، توپ و اگر بشود از چراغ‌های رنگی هم استفاده می‌کنیم.



از تک
مسئول واحد تبلیغات
مسجد چهارده معصوم

تبلیغات نرم‌افزارانه

برای نوجوان‌ها، دبستانی‌ها و بچه‌های مدرسه، تبلیغات مان به این صورت است که برای تابستان در طول سال تحصیلی با مدیران و معاونان مدرسه ارتباط برقرار کردیم. توی مدرسه در مورد برنامه‌های مسجد با بچه‌ها و علی‌الخصوص با خانواده آن‌ها صحبت می‌کنیم. و در بعضی از مدارس که نمی‌شود وارد شد، با پخش تراکت بچه‌ها را از برنامه‌های مسجد باخبر می‌کنیم. بعد که موقع ثبت‌نام برنامه‌های تابستانی مسجد شد، تعدادی را که فعالیت‌شان در طول سال زیادتر از بقیه باشد، یعنی زیاد مسجد می‌آمدند، برای آن‌ها برنامه‌های بیشتری می‌گذاریم؛ کسانی که برای نماز، قرآن، هیأت، توی این جلسات شرکت می‌کنند

رمضان در مسجد چهارده معصوم (ع)

قسمت دوم مصاحبه با حجت الاسلام سید حمزه نجفی اردبیلی

پیش از فضای ماه رمضان، در راستای بهره‌مندی از آثار و برکات آن در مسجد چگونه استفاده می‌کنید؟

با توجه به هدف اصلی ما که جذب حداکثری نوجوانان و جوانان است، ماه مبارک رمضان یک ظرفیت بسیار خوبی است تا دل‌های آماده و پاک آنان را با خداوند و قرآن بیشتر مانوس کنیم. اما تحقق این امر در

سایه شرایطی است. در قدم اول سعی می‌کنیم تا فضایی دلنشین و پاکیزه داشته باشیم. برنامه هر سال ما به این شکل است که دو هفته قبل از ماه رمضان، برای نظافت، در تابلو مسجد فراخوان می‌زنیم و معمولاً استقبال زیادی می‌شود. از بین افرادی که اعلام آمادگی کردند، تعدادی را گلچین می‌کنیم و کار تمیز کردن مسجد را شروع می‌کنیم.

۶۶
در قدم اول
سعی می‌کنیم تا
فضایی دلنشین
و پاکیزه داشته
باشیم. برنامه هر
سال ما به این
شکل است که
دو هفته قبل از
ماه رمضان، برای
نظافت، در تابلو
مسجد فراخوان
می‌زنیم و معمولاً
استقبال زیادی
می‌شود. از بین
افرادی که اعلام
آمادگی کردند،
تعدادی را
گلچین می‌کنیم
و کار تمیز کردن
مسجد را شروع
می‌کنیم

می‌کند. یک برنامه تشویقی هم برای افرادی که قرائت داشته‌اند در نظر گرفته می‌شود و شب عید فطر به آنها جوایزی اهدا می‌شود.

برای شب‌های ماه رمضان، چه برنامه‌هایی را در نظر گرفتید؟

روال ما برای نماز مغرب و عشا به این صورت است که یک ساعت بعد از اذان، برنامه نماز داریم. به جهت اینکه شب‌ها بعد از نماز هم جلسات و کلاس‌های مختلف داریم، اول وقت خواندن نماز خیلی منطقی نبود؛ چرا که برگشتن دوباره مأمومین به مسجد، کمی مشکل بود. روشی که ما برای روزه اولی‌ها و نوجوانان استفاده کردیم و اتفاقاً خیلی هم جواب داد، تعمیم شب‌زنده‌داری مفید به کل ماه مبارک بود. برخی از بچه‌ها با اینکه مکلف شده بودند و روزه بر آنها واجب بود، اما اظهار ناتوانی برای تحمل گرسنگی می‌کردند و چون روزها بلند و شب‌ها کوتاه است، ما یک برنامه جذاب و در عین حال قابل استفاده برای آنان طراحی کردیم. در بین نماز مغرب و عشا، بنده یک صحبت بسیار مختصری می‌کنم و سپس جلسه قرآن داریم. معمولاً بعد از جلسه قرآن، به همراه بچه‌ها در جلسه سخنران‌های معروف، شرکت می‌کنیم و بعد از آن برای بچه‌ها برنامه تفریحی و ورزشی داریم. نزدیک سحر هم به خانه‌هایشان می‌روند و سحری می‌خورند و تازپهر، استراحت می‌کنند. با این روش، تحمل سختی‌های روزه‌داری برای بچه‌ها آسان‌تر می‌شود.

جمعیت شب‌های احیاء چگونه مدیریت می‌کنید؟

ما در طی سال‌های اخیر، به هیچ عنوان تفکیک سنی نکردیم. حدود هفتاد هشتاد درصد از جمعیت شب‌های احیاء ما را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند و این‌ها بین کسانی نشسته‌اند که به لحاظ سنی حکم پدر یا پدربزرگشان را دارند. این در کنار هم بودن و با هم برنامه‌ها را اجرا کردن، یک اثر روحی خاصی دارد که تربیت‌پذیری و تعامل صحیح بین نسل‌ها را تسهیل می‌کند.

مخارج ایام ماه رمضان را چگونه تأمین می‌کنید؟

اهالی منطقه ما از لحاظ مالی قشر متوسط و زیر متوسط هستند و خیلی توانایی کمک مالی در آنها وجود ندارد و غالباً کارگر و کارمند و بازنشسته هستند و حقوق پائینی دارند. یک مقدار محدودی از آنها جمع می‌شود و برای غذای سحری شب‌های قدر کنار گذاشته می‌شود؛ زیرا جمعیت بیشتری در مسجد هستند، به ناچار تلاش می‌کنیم تا از بانی‌های خیر سایر مناطق کمک بگیریم. مثلاً در جمع‌های مختلف اعلام می‌کنیم و با بانی صحبت می‌کنیم تا خودش بیاید و مسجد را ببیند و در صورت تمایل، خودش غذا بیاورد و به توزیع آن بپردازد. با این روش، اعتماد بیشتری هم جلب می‌شود.

رویکرد شما در رابطه با مطالب سخنرانی‌های تان چیست؟

صحبت‌های من در ماه مبارک هم از پنج دقیقه تجاوز نمی‌کند و به فراخور ایام، احکام مرتبط با ماه رمضان را بیان می‌کنم و از نهج‌البلاغه، تبیین ادعیه روزهای ماه مبارک و فرمایشات امام و رهبری و تطبیق آن با موضوعات روز استفاده می‌کنم.



برای فراهم کردن فضایی مطلوب و آرامش‌بخش در مسجد، رعایت چهار نکته اساسی ضروری است: نور کافی، تهویه مطبوع، صدای به اندازه و بحث خوشبو بودن فضای داخل. قشر جوان‌تر، به جهت خصوصیت تعالی‌طلبی و کمال‌خواهی، ممکن است از رایحه‌بد و یا نظافت ضعیف مسجد، آزرده خاطر شوند. چنانچه دمای مناسب، فضای خوشبو و محیطی با نور مناسب در مسجد وجود داشته باشد، مشوقی برای تمامی اقشار خواهد بود تا حضور چشمگیرتری داشته باشند. در قدم بعد، برنامه‌ریزی خوب در مراسم مسجد، در روند اجرای کار و تنظیم زمانی شرکت‌کنندگان، تأثیر به‌سزایی خواهد داشت. فعالیت‌های مسجد ما در ایام ماه مبارک، به صورت مشخص، زمان‌بندی شده‌اند و همه افراد می‌توانند به قدر وسعشان در آن شرکت کنند. نکته مهمی که وجود دارد، رعایت اصل اختصار و پرهیز از اطاله برنامه‌ها است. ما نه تنها در نماز جماعت، بلکه در دیگر مراسم‌ها نیز رعایت حال اضعاف افراد را می‌کنیم. مثلاً در شب‌های قدر، یک برنامه سه ساعته داریم طوری که از یک سو باعث خستگی و دل‌زدگی افراد مسن و جوان‌ترها نشود و از سوی دیگر کارمندان و دانش‌آموزان و دانشجویان، به برنامه فردای خود می‌رسند. بنده به لحاظ تجربی به این نکته رسیده‌ام که اگر برنامه‌ها طولانی نباشند، واقعاً نسل جوان استقبال می‌کند. چه قرآن باشد، چه تفسیر باشد، چه نهج‌البلاغه باشد و چه برنامه‌های شب‌احیاء. یعنی حتی همان عزاداری‌هایش هم اگر به اندازه باشد، سینه‌زنی، روضه مفید و مختصر باشد، همه استقبال خواهند کرد.

برنامه انس با قرآن را در ایام ماه مبارک رمضان چگونه برگزار می‌کنید؟

برنامه‌های ما در این ماه به شکلی تنظیم شده که قابل استفاده برای همگان باشد. بر همین اساس از قرآن شروع کردیم. معمولاً در مساجد، هر روز یک جزء خوانده می‌شود که چهل دقیقه تا یک ساعت زمان می‌برد. ما در واقع این میزان را نصف کردیم و نیم جزء خوانی داریم. مثلاً امسال نیمه اول هر جزء تلاوت می‌شود و سال آینده نیمه دوم هر جزء. به افراد هم گفته می‌شود نیمه دیگر هر جزء را هر زمان توانستند در محل کار، دانشگاه، یا هر جای دیگر بخوانند. نکته بعد اینکه قرائت قرآن به یک نفر واگذار نمی‌شود. میکروفون در بین جمع می‌چرخد و هر کسی هر میزان تمایل داشت می‌تواند بخواند. این روش اولاً موجب ایجاد رقابت در جهت صحیح‌خوانی قرآن می‌شود و ثانیاً مجلس را از حالت یک‌نواخت خارج



مسجد



حدود هفتاد
هشتاد درصد از
جمعیت شب‌های
احیاء ما را
نوجوانان و جوانان
تشکیل می‌دهند و
این‌ها بین کسانی
نشسته‌اند که
به لحاظ سنی
حکم پدر یا
پدربزرگشان را
دارند. این در کنار
هم بودن و با هم
برنامه‌ها را اجرا
کردن، یک اثر
روحی خاصی دارد
که تربیت‌پذیری
و تعامل صحیح
بین نسل‌ها را
تسهیل می‌کند

طرح فراخوان آثار تألیفی و شفاهی

در گفت‌وگو با حجت الاسلام والمسلمین سید غلامرضا تقی‌زاده



به منظور تقویت انگیزه پژوهش، شناسایی نخبگان و تلاش گران علمی ائمه جماعات و تشویق آنان، طرح فراخوان آثار تألیفی و شفاهی تدوین شد. همان طور که از اسمش پیداست، در نظر داریم کسانی که صاحب اثر مکتوب هستند را از راه‌های مختلف مانند مؤسسات و مراکزی که صاحبان اثر اسامی شان ثبت شده؛ در کتابخانه ملی یا مجموعه‌ها، وزارتخانه‌ها مانند وزارت ارشاد که از کتب مختلف نمونه‌هایی را گردآوری و نگهداری می‌کنند و همین طور از طریق نواحی امور مساجد در سطح استان، ضمن فراخوان عمومی، با استفاده از اطلاعیه، چاپ پوستر، ارسال پیامک و... شناسایی کنیم و در برنامه شرکت دهیم.

در مورد آثار شفاهی، کسانی که از اهالی منبر و خطابه که مقید به پژوهش و نگارش فیش منبر هستند و دارای آثاری در قالب فیش منبر می‌باشند را شناسایی می‌کنیم. فرایند عملیاتی فراخوان به این صورت است که، فیش‌های منبرشان را همراه با بعضی از فایل‌های صوتی دریافت می‌کنیم، چه آثار مکتوب و چه آثار شفاهی توسط هیأت داوران ارزیابی و داوری می‌شود و رتبه آن‌ها مشخص می‌گردد. در یک اختتامیه و همایشی که به منظور تقدیر از برترین آثار شکل می‌گیرد، نتایج اعلام شده و از برترین آثار تقدیر می‌شود. بناست این کار هر ساله انجام شود؛ یعنی هم گردآوری آثار مکتوب، هم آثار شفاهی بزرگان باین ترتیبی که ذکر شد.

چشم‌انداز همایش

این همایش به حول و قوه الهی دارای آثار و برکاتی است. اولاً این همایش می‌تواند انگیزه بخش باشد و به سبب آثار ارائه شده، هویت صنفی ائمه جماعات را تقویت کند. دوم اینکه امور مساجد نسبت به بعضی از حمایت‌ها در مورد آثار ائمه جماعات می‌تواند ورود پیدا کند و در حد توان به آن‌ها کمک نماید. سوم اینکه به سبب این همایش امیدوار هستیم زمینه راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی مانند روش نوین نوین، مقاله‌نویسی، پایان‌نامه‌نویسی و همین طور روش فیش منبر نویسی، شیوه تهیه و گزینش محتوای مطلوب منبر و... فراهم شود. فیش‌های منبر قرار است در مجموعه‌ای مکتوب چاپ و در اختیار دیگران قرار داده شود تا سایر ائمه جماعات نیز استفاده کنند. و از جهتی هم برای صاحبان اثر هم آثار و برکات خواهد داشت.

اهداف و برنامه‌های کلان

برخی از اهداف کلان این همایش عبارتند از:

- تقویت نشاط علمی و گسترش روحیه پژوهش در بین ائمه جماعات.
- شناسایی و حمایت از نخبگان ائمه جماعات در زمینه تحقیق، پژوهش و تألیف فن خطابه و منبر و...
- تقویت فرهنگ پژوهش و نگارش آثار علمی در زمینه‌های مختلف تخصصی و تدوین فیش‌های منبر.
- زمینه‌سازی و هدایت ائمه جماعات مستعد به تدریس در زمینه‌های تخصصی علوم حوزوی و جهت‌دهی منابع و خطابه ائمه جماعات به سمت نیازهای نظام اسلامی.

اهداف و برنامه‌های خرد

برخی از اهداف خرد این همایش عبارتند از:
- افزایش سطح مشارکت و رقابت ائمه جماعات در عرصه‌های علمی و پژوهشی.
- کمک به کاربردی کردن علوم اسلامی از طریق شناسایی مسائل و نیازهای حوزه علمیه و جامعه در انگیزه‌بخشی و تقویت فرهنگ مطالعه و پژوهش‌های تخصصی، ترویجی و...
- بسترسازی جهت ارائه منبر با موضوعات نو و متنوع و مورد نیاز.
- زمینه‌سازی و هدایت طلاب مستعد به سمت منبرهای تخصصی مانند منبرهایی با رویکرد تفسیر قرآن، نهج البلاغه و...

برنامه‌های آینده

بنا داریم هر سال این برنامه را با اهدافی که ذکر شد داشته باشیم. برای این طرح طبیعتاً تشکیلات و دبیرخانه‌ای شکل می‌گیرد. شورای سیاست‌گذاری تشکیل می‌شود. داورانی دارند و برگزار کنندگانی که این کار را انجام می‌دهند. در دوره‌های گذشته این اتفاق به صورت محدود افتاد. آثاری شناسایی شدند. در این رصد مشخص شد که ظرفیت بسیار خوبی در حوزه تألیف و تبلیغ مکتوب در بین ائمه جماعات وجود دارد. سال گذشته اولین مرحله گردآوری آثار اتفاق افتاد، آثاری گردآوری و داوری شد که بنا داریم با آثاری که در سال ۹۶ جمع‌آوری و داوری می‌شوند، مورد تقدیر قرار گیرند. در فراخوان سال ۹۶، ائمه جماعات تاسی‌ام خردادماه فرصت دارند آثارشان را ارسال کنند تا بتوانیم ان شاء الله در شهریورماه، نتایج هر دو فراخوان را که مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شدند، مورد تقدیر قرار دهیم.

“اولا این همایش می‌تواند انگیزه بخش باشد و به سبب آثار ارائه شده، هویت صنفی ائمه جماعات را تقویت کند. دوم اینکه امور مساجد نسبت به بعضی از حمایت‌ها در مورد آثار ائمه جماعات می‌تواند ورود پیدا کند و در حد توان به آن‌ها کمک نماید. سوم اینکه به سبب این همایش امیدوار هستیم زمینه راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی مانند روش نوین نوین، مقاله‌نویسی، پایان‌نامه‌نویسی و همین طور روش فیش منبر نویسی، شیوه تهیه و گزینش محتوای مطلوب منبر و... فراهم شود”



مدیر ناحیه شیخ کلینی بیان کرد:

ارائه خدمات ویژه دندانپزشکی برای خدام مساجد پاکدشت

مدیر ناحیه شیخ کلینی از ارائه تخفیف خدمات دندانپزشکی برای خدام مساجد شهرستان پاکدشت خبر داد.

حجت الاسلام محمد حسینی، مدیر ناحیه شیخ کلینی با بیان اینکه خدام مساجد یکی از زحمتمکشترین افراد مساجد هستند گفت: از حدود ۴ ماه پیش تدبیر شد که خدمات رسانی ویژه‌ای در زمینه موضوعات بهداشتی و دندانپزشکی برای خادمین محترم ناحیه و خانواده‌های آنان در نظر گرفته شود.

وی ادامه داد: در ریزنی که با یکی از کلینیک‌های مجهز دندانپزشکی شهرستان پاکدشت صورت گرفت، مقرر شد که خدمات ویژه‌ای به خادمین مساجد این شهرستان و خانواده‌هایشان ارائه گردد.

مدیر ناحیه شیخ کلینی با اشاره به این موضوع که مسئولین این کلینیک سبقه ایمانی و خانوادگی قابل توجهی دارند، اضافه کرد: نزدیک به چهار ماه است که خدام و اعضای خانواده‌هایشان از طرف ناحیه به این کلینیک معرفی می‌شوند و از تخفیف ۴۰ تا ۵۰ درصدی برخوردار می‌شوند.

وی با بیان اینکه بضاعت مالی خدام ضعیف است و معمولاً هزینه‌های دندانپزشکی برای اقشار ضعیف و متوسط سنگین می‌باشد، اظهار کرد: خدماتی که در این کلینیک ارائه می‌گردد طیف متنوعی دارد که منحصر به کشیدن و یا پر کردن دندان نیست.

حجت الاسلام حسینی با اشاره به اینکه خداوند را شاکریم که خدام و خانواده‌هایشان از این اقدام رضایت دارند، گفت: تا به حال بالغ بر ۳۳ نفر از خدام و یا خانواده‌هایشان به این کلینیک معرفی شده‌اند و از خدمات ویژه دندانپزشکی بهره برده‌اند. تجهیزات این کلینیک خصوصی بسیار پیشرفته و به‌روز است و پزشکان متخصص و متبحری در آن فعالیت می‌کنند.

وی در پایان با تأکید بر اینکه کوتاهی در رعایت بهداشت دهان و دندان می‌تواند بیماری‌های دیگری را به همراه داشته باشد، خاطر نشان نمود: این خدمت رسانی می‌تواند به عنوان یک الگو در دیگر نواحی و شهرها هم مورد توجه قرار گیرد.



گفت‌وگو با رییس مرکز رسیدگی به امور مساجد

کار امام جماعت در امتداد تلاش‌های انبیا و اولیای الهی است

رییس مرکز رسیدگی به امور مساجد با تشریح نقش‌های سه‌گانه مسجد در منظومه آموزه‌های دینی، کار امام جماعتی را در امتداد تلاش‌های انبیا و اولیای الهی دانست.

حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد حاج علی اکبری، رییس مرکز رسیدگی به امور مساجد در بیان یکی از شئون مسجد اظهار کرد: مسجد، خانه‌خدا در بین خانه‌هاست و جایی جدا در بین خانه‌های مردم نیست. اگر این گونه نگاه کنیم، این خانه نسبتی با سایر خانه‌ها پیدا می‌کند و آن عبارت است از اینکه مسجد جایی است که می‌توان به آن پناه برد و می‌توان در همسایگی او احساس آرامش کرد و در پیچ‌وخم‌های زندگی انتظار کارگشایی داشت و در شرایط طبیعی از آن بهره‌ها برد. وی با بیان اینکه در مسجد، مردم و در نهایت یک شبکه اجتماعی و جهانی حضور دارند، گفت: هر چه از صدر اسلام به زمان ما نزدیک می‌شویم، چه در زمینه فردی و رسیدن به انسان طراز و چه در زمینه‌های اجتماعی، کار دشوار تر و پیچیده‌تر شده است. اگر به شارع اعظم مراجعه کنیم، می‌بینیم که از مسجد، هم توقع تربیت انسان طراز می‌رود که در این زمینه مسجد نقش زمینه‌سازی، تسهیل‌گری و فعال‌سازی را بر عهده دارد و هم از منظر اجتماعی، مسجد نقش شکل‌دهی به جامعه و در نهایت ساخت تمدن بشری را ایفا می‌کند.

رییس مرکز رسیدگی به امور مساجد در تشریح کارکردهای سه‌گانه مسجد تشریح کرد: اول اینکه مسجد نقش انسان‌سازی به معنی تربیت انسان طراز دارد که می‌توان نتیجه آن را رشد مؤمن مجاهد نامید. نقش دوم، جامعه‌سازی است که خود چند مرتبه دارد و نقش سوم، تمدن‌سازی است. مراجعه به قرآن و سیره در این مورد به ما می‌گوید که مسجد هم نماد و جلوه بیرونی و سخت تمدن اسلامی است و هم مرکز اصلی تولید سبک زندگی اسلامی که ناظر به جنبه محتوایی و نرم است. وی در بخش دیگری از اظهاراتش یادآور شد: این صفات برای همه مساجد مشترک است و اگر شما یک مسجد کوچک روستایی را هم در نظر بگیرید، این ویژگی‌ها بر آن صادق است و تقدس، شرف، عزت و همه احکام و ریزه بر آن مترتب می‌شود. حجت الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری اضافه کرد: پیامبر اسلام (ص) وقتی می‌خواستند در آغاز دوره مسئولیت الهی خود مدینه را پایه‌ریزی کنند، ابتدا مسجد ساختند تا خلافت خود را در متن زندگی مردم عینیت بخشند؛ زیرا مسجد ظرف عینیت‌بخشی دین است. از این منظر، امام جماعت در واقع امتداد خلافت الهی است که جلوه تام و تمامش در شخصیت پیامبر اسلام (ص) و انبیا و اولیای الهی است. به عبارت دیگر، کار امام جماعت از شعبه‌های امامت و ولایت الهی است.



مسجد

امور مساجد

“مسجد هم نماد و جلوه بیرونی و سخت تمدن اسلامی است و هم مرکز اصلی تولید سبک زندگی اسلامی که ناظر به جنبه محتوایی و نرم است”

بررسی مهم‌ترین اقدامات و برنامه‌های ناحیه شهید مطهری (ره)

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام میرشاه ولد صورت گرفت



مدیر ناحیه شهید مطهری مرکز رسیدگی به امور مساجد، برخی از مهم‌ترین اقدامات و برنامه‌های ناحیه را در سال ۹۵ تشریح نمود. به گزارش روابط عمومی مرکز رسیدگی به امور مساجد، حجت‌الاسلام محمد حسین میرشاه ولد، در بیان وضعیت اقامه نماز جماعت صبح در این ناحیه، با اشاره به اینکه در حال حاضر حدود ۷۰ درصد مساجد ناحیه نماز جماعت صبح برگزار می‌کنند، گفت: مساجدی که در آنها نماز جماعت صبح برگزار نمی‌شود یا به صورت زمین هستند، یا اینکه مساجد هم جوار نماز جماعت دارند و یا اینکه برخی توان مالی برای تأمین هزینه‌ها را ندارد که البته در یک مورد، مسجدی حامی مالی مسجد دیگری شده است.

مدیر ناحیه شهید مطهری ضمن بیان اینکه در بیش از ۹۰ درصد مساجد ناحیه، کرسی تفسیر موضوعی در مساجد ناحیه برگزار می‌شود که باید از حمایت‌ها و راهنمایی‌های معاونت فرهنگی تشکر کرد، ادامه داد: متأسفانه ۱۰ درصد مساجد به صورت ماهانه کرسی تلاوت را برگزار می‌کنند و بقیه مساجد هم به صورت مناسبتی کرسی‌های تلاوت دارند. وی در خصوص برگزاری دوره‌های آموزشی در سال ۱۳۹۵، توضیح داد: برای خدام ناحیه سه جلسه آموزشی با موضوع بهداشت محیط، دو جلسه آموزش ایمنی، یک جلسه آموزش حفاظت فیزیکی برگزار شده است که در این دوره‌ها به طور میانگین ۱۲۰ نفر یعنی بیش از ۵۰ درصد خدام ناحیه شرکت داشتند.

حجت‌الاسلام میرشاه ولد با اشاره به برگزاری یک دوره آموزش حسابرسی ویژه امنا در سال ۹۵ اضافه کرد: برای ائمه جماعات هم دوره احکام تخصصی رمضان، دوره رصد و رؤیت هلال، دوره احکام تخصصی محرم و صفر، فن رسا و خطابه، دوره مسجد و بانوان و دوره مهدویت برگزار شد که در این دوره‌ها از ۵۰ تا ۸۰ امام جماعت شرکت داشتند. وی با بیان اینکه تا به حال در مجموع ۱۹۰ پرونده مربوط به اطلاعات ائمه جماعات در سامانه سجم ثبت و تکمیل شده است، گفت: اطلاعات ۲۱۵ مسجد هم به عنوان شناسه مسجد ثبت گردیده است. علاوه بر

این، ۳۳۵ حکم امنا شامل اطلاعات فردی، مدارک فردی و تحصیلی و همچنین ۹۵ حکم خدام ناحیه هم شامل مدارک، ثبت اطلاعات، سوء پیشینه و عدم اعتیاد در سامانه سجم ثبت شده است.

مدیر ناحیه شهید مطهری همچنین در باره اقدامات ناحیه در مورد عمران مساجد گفت: در سال ۹۵ شش مسجد در ناحیه (یک مسجد در منطقه ۵، یک مسجد در منطقه ۲، دو مسجد در منطقه ۳ و دو مسجد در منطقه ۲۲) افتتاح شده‌اند. البته علاوه بر افتتاح این مساجد، خدمات عمرانی ناحیه شامل پیگیری اختصاص زمین و ساخت و تکمیل نیز بوده است. در منطقه ۲، دو مورد پیگیری اختصاص زمین یکی در محله ایثارگران شمالی و یکی هم در محله بام تهران بوده است و یک مورد هم پیگیری تکمیل مسجد النبی اشرفی اصفهانی انجام شده است. وی افزود: در منطقه ۳، تخریب و نوسازی مسجد الزهرا در بلوار آفریقا و ساخت و پیگیری تکمیل مسجد فاطمیه و پیگیری نوسازی و بهینه‌سازی مسجد امام رضا (ع) قلهک صورت پذیرفته است. همچنین با هماهنگی که با سپاه پاسداران انجام شده است، اقامه نماز جماعت مسجد حسینیة ارشاد که موقعیت استراتژیکی دارد، راه‌اندازی شده است. در منطقه ۵ هم دوازده جلسه کمیته پیگیری مساجد شهرداری منطقه با حضور ناحیه شکل گرفته که پیگیری ساخت ۱۱ مسجد در این جلسات پیش برده شده است.

ایشان با بیان اینکه در منطقه ۶ هم پیگیری اختصاص زمین برای ساخت مسجد در داخل لانه جاسوسی و الحاق مسجد پارک لاله به مساجد تحت پوشش مرکز اتفاق افتاده است، اضافه کرد: پیگیری ساخت و تکمیل مسجد جامع ولیعصر (عج) و مسجد امام جعفر صادق (ع) در منطقه ۲۲ هم از دیگر خدمات عمرانی ناحیه است. حجت‌الاسلام میرشاه ولد در پایان خاطر نشان کرد: برای سال ۹۶ برگزاری بزرگداشت آیت‌الله هاشمی گلپایگانی امام جماعت مسجد سادات یوسف‌آباد، در قالب سلسله نشست‌های ستارگان محراب در فصل بهار قطعی شده و یک یا دو مورد دیگر هم آن‌شاء‌الله برگزار می‌شود.

“
برای ائمه
جماعات هم دوره
احکام تخصصی
رمضان، دوره
رصد و رؤیت
هلال، دوره
احکام تخصصی
محرم و صفر،
فن رسا و خطابه،
دوره مسجد و
بانوان و دوره
مهدویت برگزار
شد که در این
دوره‌ها از ۵۰ تا
۸۰ امام جماعت
شرکت داشتند
”

بررسی پرونده حقوقی یک مسجد و چند نکته



مسجد

امور مساجد



یادداشت
حجت الاسلام
سعیدیان

جناب حجت الاسلام علی سعیدیان در یادداشتی پیرامون یکی از پرونده‌های حقوقی مساجد نوشت:

در سال ۱۳۹۱ اتفاقی در یکی از مساجد جنوب غربی تهران در منطقه ۱۷ رخ داد که به علت رسانه‌ای شدن مورد توجه زیادی قرار گرفت. ماجرا از این قرار بود که جنب مسجد ساخت و سازی صورت می‌گیرد و مجری چند ملک را تجمیع می‌کند و شروع به ساخت و ساز می‌کند. به علت تخریب بناهای قدیمی و گودبرداری زمین، ابتدا دیوار مسجد ترکی بر می‌دارد و آسیب می‌بیند.

اولین کاری که باید از نظر حقوقی انجام می‌گرفت، تأمین دلیل بود تا کارشناس رسمی دادگستری میزان آسیب وارد شده را تخمین زده و کارهایی که باید انجام می‌گرفت را باید مطرح می‌کرد و در صورت جدی بودن، باید از پیشبرد کار جلوگیری می‌شد تا اصول ایمنی مورد نظر اعمال گردد. متأسفانه این سهل‌انگاری توسط کارگزاران مسجد صورت گرفت و تأمین دلیل صورت نپذیرفت.

در ادامه که آسیب‌های وارد شده به مسجد جدی‌تر شد، یک شب پس از اتمام نماز جماعت و در حالی که هنوز تعدادی از نمازگزاران خانم در مسجد مانده بودند، سقف مسجد فرو ریخت و شش نفر از خانم‌های نمازگزار زیر آوار جان دادند که بازتاب مطبوعاتی گسترده‌ای داشت.

در رسیدگی حقوقی به این پرونده، علاوه بر هیئت امنا و امام جماعت (مسجد) که به نوعی جزو متهمین و مقصرین بودند، پیمانکار، مجری، مالک زمین و شهرداری هم تحت تعقیب قضایی قرار گرفتند. بدین ترتیب پرونده رسیدگی به این مسجد در دادسرای جنایی تشکیل شد و افرادی که تحت تعقیب قرار گرفته بودند، از جمله هیئت امنا و امام جماعت با وساطت مرکز (به طرفیت مسجد) احضار شدند.

در کارشناسی اولیه که برای تعیین تقصیر به عمل آمده، هیئت امنا و امام جماعت (یعنی مسجد) به میزان ۷۰ درصد و شهرداری و مالک و مجری هر کدام ۱۰ درصد مقصر شناخته شدند که مشخص است اگر از همان ابتدای ماجرا کارهای حقوقی انجام

می‌شد و تأمین دلیل صورت می‌گرفت، مسجد به این میزان مقصر شناخته نمی‌شد.

نکته قابل توجه این بود که هر چند کارگزاران مسجد سهل‌انگاری کرده بودند، اما این نتیجه کارشناسی اجحاف در حق مسجد بود. در ادامه کار با ورود دفتر حقوقی مرکز رسیدگی به امور مساجد و با اعتراضی که به تعیین میزان تقصیر شد، هیئت سه نفره میزان تقصیر هیئت امنا را که ۷۰ درصد مقصر دانست. در نتیجه پیمانکار مجری و پیمانکار را ۷۰ درصد مقصر دانست. در نتیجه پیمانکار خاطی که متواری بود، با پیگیری‌های قضایی دستگیر شد. دادگاه هم به همین میزان طرفین را محکوم نمود و مقرر گشت ۷ عضو هیئت امنا در مجموع ۱۰ درصد دیه این شش نفر خانم متوفی را پرداخت کنند.

اقدام بعدی که باید مورد توجه قرار می‌گرفت، خسارت خود سازه مسجد بود که تخریب شده بود. بنابراین، دادخواست تأمین دلیل داده شد، میزان خسارت وارد شده مشخص گشت و به هیئت امنا ابلاغ شد. به تبع آن هم دادخواست مطالبه خسارت‌ها در مجتمع قضایی مطرح و رأی قطعی صادر شد.

به عنوان جمع‌بندی این پرونده و نکاتی که می‌توان پیرامون آن توصیه کرد، باید گفت که اگر آسیبی به مسجد وارد شد و یا حتی حادثه طبیعی رخ داد، اولین کاری که باید انجام شود این است که تأمین دلیل صورت گیرد تا میزان تخریب و تقصیر مشخص شود. اگر این کار حقوقی انجام نشود، در صورت از بین رفتن آثار، رسیدگی دچار مشکل و پیچیدگی خواهد شد.

نکته مفید دیگری که باید مورد توجه ائمه جماعات و اعضای هیئت امنای مساجد قرار گیرد این است که حسب قانون، مسجد خودش یک موقوفه و یا رقبه است و هر رقبه دارای شخصیت حقوقی مستقل مانند همه نهادها و ادارات است که توسط هیئت امنا و مدیر مسجد یعنی امام جماعت اداره می‌شود.

در پایان هم اشاره به این نکته ضروری است که بیمه مسئولیت مدنی که شامل همه افرادی می‌شود که در مسجد حضور دارند، می‌تواند بسیار برای مسجد مفید باشد. بیمه مسئولیت مدنی مساجد با حق بیمه کمتر از ۲۰۰ هزار تومان، خسارات وارد شده به افرادی که در مسجد حضور دارند را جبران خواهد کرد.

“مسجد خودش یک موقوفه و یا رقبه است و هر رقبه دارای شخصیت حقوقی مستقل مانند همه نهادها و ادارات است که توسط هیئت امنا و مدیر مسجد یعنی امام جماعت اداره می‌شود”

درخواست از مساجد استان تهران برای بیمه مسئولیت مدنی



مشاور اداری مالی رییس مرکز رسیدگی به امور مساجد، از مساجد استان تهران درخواست کرد تحت پوشش بیمه مسئولیت مدنی قرار بگیرند.

غلامرضا صادقی، مشاور اداری مالی رییس مرکز رسیدگی به امور مساجد گفت: از سال ۱۳۹۴ مرکز رسیدگی به امور مساجد با برخی شرکت‌های بیمه تفاهم‌نامه‌ای امضا کرده است که در چارچوب آن، مساجد می‌توانند با حداقل هزینه، تحت پوشش بیمه مسئولیت مدنی قرار بگیرند.

وی تشریح کرد: در مسجدی که تحت پوشش بیمه مسئولیت مدنی قرار دارد، اگر امام جماعت، کارگزاران مسجد، نمازگزاران و سایر کسانی که برای هر کاری به مسجد مراجعه می‌کنند، دچار حادثه‌ای شوند که منجر به مصدومیت، نقص عضو و یا فوت شود، بیمه برای هزینه درمان تا سقف ۵ میلیون تومان، برای نقص عضو بسته به میزان آن و برای فوت هم بر اساس دیه سال مربوطه جبران خسارت خواهد کرد.

مشاور اداری مالی مرکز رسیدگی به امور مساجد ادامه داد: در سال ۱۳۹۴ هم‌زمان با برگزاری مراسم معنوی اعتکاف، مسجدی که برگزارکننده این مراسم بودند با اعتبار مرکز رسیدگی به امور مساجد تحت پوشش بیمه قرار گرفتند و سایر مساجد داوطلب هم به استناد این تفاهم‌نامه اقدام کردند و تحت پوشش قرار گرفتند. باید اشاره کرد که مبلغ این بیمه برای سال ۱۳۹۶، ۱۷۵ هزار تومان برای یک سال است.

وی در بیان اهمیت بیمه مسئولیت مدنی مساجد گفت: متأسفانه ما در سال‌های گذشته شاهد حوادث تلخی در برخی مساجد بودیم که مصدومیت، نقص عضو و یا فوت نمازگزاران را رقم زده است. مسجدی که تحت پوشش بیمه قرار گرفته بودند، هزینه‌هایشان را از طریق بیمه تأمین کردند. ولی متأسفانه تعدادی از مسجدی که تحت پوشش بیمه نبودند، هزینه‌ها به امام جماعت، هیئت امناء و در نهایت به مسجد

تحمیل شد.

صادقی با بیان اینکه تقاضای ما این است که همه مساجد از این امتیاز استفاده کنند، افزود: امسال هم تلاش کردیم در استان تهران مسجدی که اعتکاف برگزار کردند با هزینه مرکز رسیدگی به امور مساجد تحت پوشش بیمه قرار بگیرند که البته برخی مساجد تحت پوشش بیمه قرار داشتند.

وی با تأکید بر اینکه حادثه در کمین است و توجه به نکات و اصول ایمنی از اهمیت زیادی برخوردار است، خاطر نشان کرد: همکاران ما در مساجد باید توجه داشته باشند که هزینه بیمه مبلغ قابل توجهی نیست، ولی اگر اتفاقی بیفتد، تأمین هزینه‌های درمان و دیه برای مسجد بسیار سنگین و بعضاً غیر قابل جبران است که در واقع کارگزاران مسجد متحمل آن خواهند شد. مضاف بر اینکه اگر مساجد تحت پوشش بیمه مسئولیت قرار گیرند، نمازگزاران هم با آرامش خاطر بیشتری در مسجد حضور خواهند یافت.

مشاور اداری مالی مرکز رسیدگی به امور مساجد توضیح داد: این بیمه صرفاً مخصوص نمازگزاران نیست بلکه شامل همه کسانی خواهد بود که برای هر گونه فعالیت آموزشی، فرهنگی و مذهبی در مسجد حضور دارند و در صورت بروز حادثه‌ای که مسجد در آن مقصر باشد، می‌توانند از خدمات بیمه استفاده کنند.

وی تصریح کرد: مسجدی که در استان تهران تمایل دارند تحت پوشش قرار بگیرند، می‌توانند با شماره تلفن ۶۶۳۴۶۹۸۷ تماس بگیرند تا راهنمایی شوند.

صادقی در پایان تأکید کرد: البته باید به این نکته توجه داشت که این بیمه فقط افراد را تحت پوشش قرار می‌دهد و اموال و دارایی‌های مسجد تحت پوشش قرار نخواهد گرفت. اگر مسجدی تمایل داشته باشند اموال و دارایی‌های مسجد را بیمه کنند، باید جداگانه اقدام نمایند.

“
این بیمه صرفاً
مخصوص
نمازگزاران
نیست بلکه
شامل همه
کسانی خواهد
بود که برای
هر گونه فعالیت
آموزشی،
فرهنگی و مذهبی
در مسجد حضور
دارند و در صورت
بروز حادثه‌ای
که مسجد در
آن مقصر باشد،
می‌توانند از
خدمات بیمه
استفاده کنند
”

نور و روشن

به طور کلی، بحث درباره طراحی روشنایی مسجد از ابتدا بر اساس منبع نور به دو شاخه تخصصی تقسیم می شود؛ طراحی با توجه به نور در روز و طراحی با منابع مصنوعی. در عین حال و به موازات این تقسیم بندی، بر اساس سطح یا حجمی که دریافت کننده تابش است، یعنی سطوح داخل فضا یا حجم بیرونی آن، ملاحظات متفاوتی باید مد نظر باشد.

بخش اول

هدف اصلی

هدایت و کنترل روشنایی در ساختمان از اهمیت بالایی برخوردار است. در یک طراحی مناسب می توان فضای شبانه مسجد را از روزانه آن تفکیک کرد. باید به این مسئله نیز توجه داشت که هدف اصلی در اکثر مراسم های عبادی در فضای مسجد، حفظ (وحدت اجتماعی) است، پس در صورتی که به ایجاد حریم های کوچک و دنج در فضای شبستان اصلی نیاز باشد، مسئله باید به مدد طراحی دو سیستم روشنایی عمومی و مکمل در کنار هم حل شود.

بخش دوم

بخش های مختلف روشنایی

روشنایی را می توان شامل سه بخش دانست:

الف. روشنایی معماری

روشنایی هماهنگ با خصوصیات و شخصیت معماری که به منزله زمینه ای برای دیگر بخش های روشنایی عمل می کند:

۱ طراحی در فضاهای مختلف بایستی به صورت موردی و با تبادل نظر میان معمار، طراح روشنایی و متولی مسجد بررسی شود.

۲ استفاده از لوسترها یا آویزهای روشنایی به منزله منبع اصلی روشنایی در فضای اکثر مساجد رایج است، از این رو توصیه می شود که از این تجهیزات به منزله عنصر تزئینی در فضا استفاده شود. (اگر آویزها منبع اصلی تأمین روشنایی باشند).

۳ در صورت استفاده از آویز، باید نوعی از آنها انتخاب شوند که حدود ۲۰ الی ۳۰ لوکس روشنایی را تأمین کنند. لامپ های آن نیز باید به گونه ای قرار گیرند که بدون پوشش در معرض دید نباشند.

۴ اصولاً همان وقتی که در طراحی روشنایی فضای داخلی مساجد صرف می شود؛ باید در خارج از مسجد و در روشن سازی نما هم صرف شود. روشن سازی نما هم فن دارد و هم هنر. نورافشانی، نمایشی از زبان معماری کل بنا است.

۵ امروزه اکثر معماران و طراحان نورپردازی ترجیح می دهند که روشنایی داخلی و خارجی ساختمان ها را به شکل غیر مستقیم و انعکاس به شیوه مخفی کردن نور تأمین نمایند.



مسجد

امور مساجد

“ اصولاً همان وقتی که در طراحی روشنایی فضای داخلی مساجد صرف می شود؛ باید در خارج از مسجد و در روشن سازی نما هم صرف شود ”

سایه در مسجد

برای تأمین نور کافی حاضران در مسجد، ابتدا باید به امکاناتی که روشنایی رایگان پر توهای خورشید در اختیار ما قرار می‌دهد، توجه کرد. از روشنایی روز می‌توان هم برای روشنایی عمومی کل محیط استفاده کرد و هم به صورتی هدفمند و متمرکز نقاط مهم فضای داخلی، محراب و منبر را روشنایی بخشید.



ب. طراحی روشنایی برای قرائت

روشنایی مناسب برای فعالیت‌های جاری مانند مطالعه قرآن، ادعیه و دیگر متون مذهبی و نماز جماعت و عزاداری:

۱ از میان همه فعالیت‌های متداول در محیط مسجد، قرائت قرآن و ادعیه و دیگر متون مذهبی، به دقیق‌ترین نورپردازی نیاز دارد، و طراحی و برنامه‌ریزی بقیه فعالیت‌ها ناگزیر تحت تأثیر روشنایی قرائت خواهد بود.

۲ هنگام طراحی این بخش از منابع روشنایی در مسجد، بیش از هر بخش دیگر باید به نیاز افراد مسن توجه داشت و آسایش بصری آنها را در هنگام مطالعه در محیط فراهم کرد. قرائت قرآن و ادعیه مکتوب و اصولاً هر نوع مطالعه در فضای مسجد، نیازمند نوری است که فاقد سایه‌روشن‌های شدید (کنتراست) باشد.

۳ روشنایی حاصل از پنجره‌هایی که نور آفتاب را مستقیم به داخل انتقال نمی‌دهند، مشروط بر آن که با عمق فضا در تناسب باشند، منبع خوبی برای مطالعه است.

۴ هنگام استفاده از منابع مصنوعی برای تأمین روشنایی مناسب مطالعه، باید قدرت و موقعیت منابع به نحوی انتخاب شود که حتی‌الامکان نقاط فرورفته و سایه‌های تند وجود نداشته باشد. که هدف اصلی در این جا توزیع یک‌نواخت روشنایی است.

۵ برای تأمین روشنایی مناسب جهت مطالعه در فضای مسجد، بهتر است که نور از بالای سر و از چند راستا به سمت پایین تابیده و منابع به نحوی قرار داده شود که دامنه روشنایی آن‌ها هم‌پوشانی داشته باشد.

۶ مسئله هم‌پوشانی منابع معمولاً با مطالعه دقیق پلان سقف و انتخاب بهترین محل‌های نصب از روی آن صورت می‌گیرد.

ج. روشنایی‌های ویژه

روشنایی تأمین شده به وسیله شبکه‌ای مکمل طراحی روشنایی قرائت که با هدف برجسته‌سازی نقاط یا فعالیت‌های خاص طراحی شده باشد.

گاه این منبع نور را به صورت مجزا از منابع روشنایی معماری و یا روشنایی قرائت در فضا نیاز داریم و احتمالاً نیاز است که در حالت خاموش بودن منابع روشنایی معماری و قرائت، صورت خطیب و یا نوحه‌خوان یا بخشی از بنا روشن باشد.

“

از میان همه فعالیت‌های متداول در محیط مسجد، قرائت قرآن و ادعیه و دیگر متون مذهبی، به دقیق‌ترین نورپردازی نیاز دارد، و طراحی و برنامه‌ریزی بقیه فعالیت‌ها ناگزیر تحت تأثیر روشنایی قرائت خواهد بود

”



نگاهی به کتاب

بایسته‌های برنامه عبادی و نیایشی مسجد

برنامه از برنامه‌های مرتبط با کارکرد عبادی و نیایشی مسجد، اقامه نماز با کیفیت به صورت جماعت می‌باشد. علاوه بر اقامه نماز جماعت، سایر برنامه‌های عبادی و نیایشی مکمل نیز به صورت منظم و مستمر در بستر مناسبت‌های عبادی و نیایشی در مسجد اجرا می‌شوند که ارتقای کیفی این برنامه‌ها نیز می‌تواند موجبات تقویت و بهره‌مندی اهالی از مسجد را فراهم آورد.

آنچه در این کتاب پیش روی مخاطبان وجود دارد، از یک سو چارچوب‌ها و اصول حاکم بر برنامه عبادی و نیایشی مسجد است که با بهره‌گیری از قرآن و روایات و همچنین دیدگاه‌ها، فتاوا و نظرات رهبر حکیم و عالی‌قدر انقلاب و سایر مراجع عظام استخراج و تنظیم گردیده است و از سوی دیگر در مقام بیان نکاتی کاربردی جهت تقویت کیفیت برگزاری نماز جماعت و سایر برنامه‌های عبادی و نیایشی می‌باشد. اهمیت و جایگاه برنامه‌های عبادی و نیایشی، بایسته‌های سخت‌افزاری و محیطی مسجد، اقامه نماز با کیفیت، برنامه‌های عبادی و نیایشی مستمر و برنامه‌های عبادی و نیایشی مناسبتی، از مهم‌ترین محورها و موضوعاتی است که در این کتاب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

مجموعه پنج جلدی بایسته‌های برنامه‌ای مسجد، که توسط معاونت فرهنگی اجتماعی مرکز رسیدگی به امور مساجد طراحی گردیده است، تلاش می‌کند ابعاد مختلف نظام برنامه‌ای مساجد را مشتمل بر الگوی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برنامه‌ای (با محوریت شورای فرهنگی مسجد)، الگوی برنامه‌ریزی و طراحی‌های برنامه‌ای، برنامه‌های عبادی و نیایشی، برنامه‌های فرهنگی تربیتی و برنامه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، با بهره‌گیری از آموزه‌ها و بایسته‌های دینی، آیات و روایات، تجربه‌ها و ایده‌های موجود و الگوها و چارچوب‌های طراحی شده، در اختیار ائمه محترم جماعات و سایر فعالین مسجد بگذارد.

کتاب «بایسته‌های برنامه عبادی و نیایشی مسجد» به عنوان دومین کتاب از «مجموعه بایسته‌های برنامه‌ای مسجد» به همت مرکز رسیدگی به امور مساجد در اختیار ائمه جماعات و علاقه‌مندان به موضوعات مسجدی قرار گرفته است.

در مقدمه این کتاب آمده است: نهاد مسجد اصیل‌ترین و ریشه‌دارترین نهادهای اسلامی و برخوردار از کارکردهای متنوعی است که در ابعاد مختلف زندگی انسان مسلمان تأثیرگذار است. گویا که اسلام با بنا نهادن این مکان مقدس، نیازهای گوناگون جامعه بشری را در آن مهیا ساخته و آن را مکانی برای رشد و تعالی فردی و اجتماعی آحاد جامعه اسلامی قرار داده است.

اما روشن است که در میان کارکردهای مختلف مسجد، بُعد معنوی و کارکرد عبادی آن از همه جوانب دیگر مهم‌تر است و نقشی محوری و اساسی دارد. در واقع همه کارکردهای مسجد، حول محور ایمان به خدا و معنویت و عبادت خودنمایی می‌کنند. بنابراین، باید توجه داشت اگر چه مسجد مکانی برای اجتماع مسلمانان است و کارکردهای گوناگونی برای آن در نظر گرفته شده است، اما قوام آن به بعد معنوی و عبادی آن است که باید به بهترین شیوه انجام شود.

روشن است که هر قدر این نخ تسبیح و این محور اساسی با کیفیت بهتر و بالاتری انجام پذیرد، رشد و ارتقای دیگر فعالیت‌ها و کارکردهای مسجد را نیز به دنبال خواهد داشت و گستره نورافشانی آن تمامی اجتماع مسلمین را در بر خواهد گرفت.

با این توضیح لازم است که مهم‌ترین و اساسی‌ترین دغدغه مسئولان مسجد، تدارک و برگزاری شایسته برنامه‌های عبادی و نیایشی باشد تا از این رهگذر بتوانند، دیگر فعالیت‌های گوناگون مسجد را بر پایه این محور ارزشمند، رشد و تعالی بخشند.

در بخش دیگری از این کتاب نوشته شده است: بی‌تردید اصلی‌ترین



مسجد

امور مساجد

“

لازم است که
مهم‌ترین و
اساسی‌ترین
دغدغه مسئولان
مسجد، تدارک
و برگزاری
شایسته
برنامه‌های
عبادی و نیایشی
باشد تا از این
رهگذر بتوانند،
دیگر فعالیت‌های
گوناگون مسجد
را بر پایه این
محور ارزشمند،
رشد و تعالی
بخشند

”

□ جواب چند حکم شرعی
مبتلا به

در گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین
وحید پور

□ فقه روزهای رمضان

□ پستیهای برای ترویج شبیهه

منبر

دعای حضرت رسول
صلی الله علیه و آله
در شب اول ماه رمضان:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَكْرَمَنَا بِكَ اَیُّهَا الشَّهْرُ الْمُبَارَكُ
اَللّٰهُمَّ فَقُوْنَا عَلٰی صِیَامِنَا وَقِیَامِنَا وَثَبَّتْ
اَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلٰی الْقَوْمِ الْكَافِرِیْنَ
اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْوَاحِدُ فَلَا وَلَدَ لَكَ وَاَنْتَ الصَّمَدُ
فَلَا شَبَهَ لَكَ وَاَنْتَ الْعَزِیْزُ فَلَا یُعْزُكَ شَیْءٌ
وَاَنْتَ الْغَنِیُّ وَاَنَا الْفَقِیْرُ
وَاَنْتَ الْمَوْلٰی وَاَنَا الْعَبْدُ وَاَنْتَ الْغَفُوْرُ وَاَنَا
الْمُذْنِبُ وَاَنْتَ الرَّحِیْمُ
وَاَنَا الْمَخْطُیُّ وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوْقُ
وَاَنْتَ الْحَیُّ وَاَنَا الْمِیْتُ
اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ اَنْ تَغْفِرَ لِيْ وَتَرْحَمَنِيْ
وَتَجَاوِزَ عَنِّ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ
مفاتیح الجنان





جواب چند حکم شرعی مبتلا به

در گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین وحید پور

ماه مبارک رمضان ماهی است که شیاطین در غل و زنجیر تقید بندگان به احکام شریعت و همچنین تصرفات تکوینی الهی، به بند کشیده شده‌اند. بیشترین عبادات دینی و احکام شریعت در این ماه وجود دارد تا جایی که خداوند متعال این ماه را به نام خود برگزید؛ روزه، قرائت قرآن، احیا و شب زنده‌داری، اعتکاف و... در این فضا، طبیعتاً سؤال‌های زیادی در نحوه و چگونگی انجام این مناسک ایجاد می‌شود، مخصوصاً احکام مربوط به روزه که به شکلی زمینه سایر عبادات در این ماه است. لذا سعی بر آن است تا مسائلی فنی و تخصصی را بررسی کنیم که بعضاً نقاط عطفی هستند که رویکرد فقهی به سایر احکام روزه را نیز روشن می‌سازد. در این مصاحبه از استاد ارجمند و بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین وحید پور بهره خواهیم برد.

به کوشش:
دانیال شاهی
طلبه سطح دو

سوال: اگر به خاطر نظر پزشک، خوف عقلایی وجود داشت ولی خود شخص چنین نظری نداشت و علم و اطمینان شخصی‌اش مخالفت با خوف عقلایی بود، آیا مجاز به گرفتن روزه است؟ اگر یقین دارد، باید به یقینش عمل کند.

پاسخ: بنا بر این، نظر پزشک طریقت دارد؟ بله، یقین مقدم بر خوف است. در خوف احتمال است، در یقین احتمال نیست. طریقت داشتن نظر پزشک، مفسده‌هایی را به همراه داشته است، برای مثال بزرگانی بوده‌اند که برخلاف نظر پزشک، به یقین خود عمل کرده‌اند و به همین خاطر هم از دنیا رفته‌اند. باز هم یقینشان حجت بوده است و گناهی نکرده‌اند، ولو اینکه خلاف واقع بوده است؛ زیرا گاهی انسان دچار جهل مرکب می‌شود. اما به

سوال: آیا نظر پزشک در منع کردن مکلف برای روزه گرفتن (به خاطر ضرری که برای بدن دارد) طریقت دارد یا موضوعیت؟ طبیعتاً اگر طریقت باشد، فرد ممکن است اعتنایی به نظر پزشک نکند و بر اساس رأی خودش عمل کند.

دو حالت اگر پیش بیاید، مجوزی می‌شود برای خوردن روزه: ۱. یقین به ضرر: که از هر طریقی حاصل شود حجت است، از روی تجربه شخصی‌اش باشد یا اعتماد به تخصص پزشک بی‌غرض. ۲. جایی است که یقین حاصل نمی‌شود ولی نگرانی ایجاد می‌شود که در اصطلاح خوف عقلایی می‌گویند. عموماً انسان‌ها نگران می‌شوند. اگر از گفته پزشک متخصص خوف عقلایی حاصل شود، گرفتن روزه باطل است و کار حرامی کرده است.

“ یقین مقدم بر خوف است. در خوف احتمال است، در یقین احتمال نیست. طریقت داشتن نظر پزشک، مفسده‌هایی را به همراه داشته است، برای مثال بزرگانی بوده‌اند که برخلاف نظر پزشک، به یقین خود عمل کرده‌اند و به همین خاطر هم از دنیا رفته‌اند ”

هر حال گناهی مرتکب نشده است.

پرسش اگر مکلف پزشکی و متخصص را با غرض ورزی انتخاب کند، مثلاً می‌داند که فلان دکتر معمولاً با کوچک‌ترین درد و مریضی، بیمار را از گرفتن روزه منع می‌کند و یا اینکه فرد در توضیح وضعیتش به پزشک به گونه‌ای عمل کند که پزشک را به این جهت ترغیب کند که او را از گرفتن روزه منع کند، آیا در اینجا نظر متخصص اعتباری دارد؟

خیر، اعتباری ندارد. نظر متخصص باید قطع نظر از این مسائل باشد.

پرسش در یوم‌الاشک عید فطر و ماه مبارک رمضان، یک طرف گرفتن روزه ایراد دارد و طرف دیگر واجب است، از راهکارهایی که بیان می‌کنند این است که مکلف نیت روزه بکند و بعد از نماز صبح، به بیرون از شهر برود، چیزی نخورد و برگردد، اما در طرف دیگر اگر عید فطر باشد، گرفتن نیت روزه و حرکت بعد از اذان صبح ایراد دارد.

نه، ببینید در اینجا بحث دوران محذورین نیست، اتفاقاً اینجا حجت شرعی داریم که فرد روزه‌اش را به عنوان روز آخر ماه مبارک رمضان بگیرد؛ چرا که استصحاب جاری می‌کنیم. بنابراین، باید روزه را بگیرد و البته می‌تواند بعد از اذان صبح به سفر رود و روزه را هم بخورد.

پرسش آیا برای یوم‌الاشک روز آخر شعبان و روز اول ماه مبارک رمضان، تردید در نیت صحیح است، که اگر شعبان باشد نیت استحباب می‌کنم و اگر اول ماه مبارک رمضان است، نیت ماه مبارک رمضان می‌کنم.

در اینجا اصلاً نباید با تردید نیت بکند. باید حتماً نیت مافی‌الذمه، و یا اگر ندارد، نیت روزه مستحب بکند. اگر تا قبل از اذان ظهر معلوم شد که روز اول ماه مبارک رمضان است، نیتش را به نیت ماه مبارک رمضان برمی‌گرداند، اما اگر معلوم نشد و بعد کاشف به عمل آمد که ماه مبارک رمضان بوده، آن روزه مستحب، به شکل قهری و خودکار، روزه روز اول ماه مبارک محسوب می‌شود.

پرسش لطفاً در مورد نحوه روزه گرفتن کم‌توان‌ها و مشاغل سخت توضیح دهید.

کم‌توان با مشاغل سخت متفاوت است. هر کسی که به لحاظ جسمی توان و طاقت گرفتن روزه را ندارد، کم‌توان می‌گویند، مانند بعضی از دختران تازه به بلوغ رسیده. این‌ها اصلاً روزه نمی‌گیرند، ولی ۷۵۰ گرم فدیة می‌دهند و بعد اگر توانست، قضایش را می‌گیرد، اگر هم نتوانست چیزی بر عهده‌اش نیست. ولی در مشاغل سخت معذور نیستند، فقط شش گروه هستند که معذورند: مسافر، مریض، خانم‌هایی که در عادت ماهانه هستند، خانم‌های باردار، خانم‌های شیرده، پیرمرد و پیرزن.

سایرین (کارگری که جلوی کوره کار می‌کند یا شاطری که در نانوایی هست یا...) معذور نیستند. در اینجا راه‌حل‌های دیگری برای آن‌ها وجود دارد: یا باید کاری کند که اصلاً روزه بر او واجب نشود؛ مثلاً به سفر برود یا هر روز به بیرون از شهر برود، روزه‌اش را بخورد و برگردد. یا اینکه کاری کند که بدون خرج بتواند روزه بگیرد، مثلاً شیف‌ت کاری‌اش را عوض کند و در

شب بیدارزد، یا مریضی بگیرد. اگر هیچ کدام از این کارها را نتواند انجام دهد، باز هم معذور نیست. بنابراین، باید نیت روزه بکند و روزه را بگیرد و تا جایی که حرجی نیست و دچار مشقت غیر قابل تحمل نشده، ادامه دهد. هر جایی از روز که دچار مشقت و حرج شد، می‌تواند به اندازه رفع نیازش و در حد ضرورت آب و یا خوراکی بخورد (هر کدام که برایش ضروری است) و بقیه روز را امساک کند تا افطار. در اینجا در واقع روزه‌ای نگرفته است، ولی ثمره‌اش این است که کفاره ندارد و تنها باید بعداً روزه‌اش را قضا کند.

پرسش اگر همین صاحبان مشاغل سخت می‌توانند در خانه بمانند و به سر کار نروند، اما در عوض باید از پول‌های پس‌انداز خودشان مصرف کنند، یا اینکه باید قرض کنند و یا یکی از وسایل زندگی‌شان را بفروشند تا پول تهیه کنند... تا در نهایت بتوانند روزه بگیرند. آیا انجام این مقدمات برای گرفتن روزه بر مکلف واجب است؟

این بحث دیگری است که آیا انسان می‌تواند مقدماتی را فراهم کند که به حرج بيفتد؟ مثلاً چون به مسافرت نرفته یا چون پول کسب نکرده است یا چون نمی‌خواهد پول‌هایش را خرج کند و... روزی را گرفته که به حرج افتاده است و بعد مجبور شده است روزه‌اش را بخورد. در اینجا بنابر نظر برخی فقها، چون مقدماتش اختیاری بوده، فرد گناه کرده است که خودش را به حرج انداخته است. اما به هر حال به حرج افتاده است و تکلیف روزه برداشته می‌شود و می‌تواند بخورد. ولی مرتکب گناه شده است، در اینجا هم کفاره‌ای ندارد و تنها باید قضای روزه را بگیرد. اگر توانایی کسب مقدمات را نداشته باشد، آن گناه را هم نکرده است.

پرسش آیا اگر فرد بتواند پولی را قرض بگیرد یا وسیله‌ای را بفروشد تا به سر کار نرود و روزه‌اش را بگیرد و این کار را نکند، گناه کرده است؟

خیر، در اینجا هم گناهی نکرده است.

پرسش لطفاً ملاک مشقت غیر قابل تحمل را توضیح دهید.

مشقت غیر قابل تحمل همان تعریف حرج است. یعنی مشقت و سختی که عموماً غیر قابل تحمل است و نوع انسان‌ها تحمل نمی‌کنند.

پرسش افرادی هستند که روزه گرفتن به دلایلی درد زیادی را برایشان ایجاد می‌کند، اما این درد برای خود بدن هم ضرر ندارد که مجوزی باشد برای نگرفتن روزه. به خاطر این دردها داد می‌زنند و یا به بیمارستان منتقل می‌شوند، اما باز هم می‌توانند تحمل کنند و خودشان هم قائلند که به هر حال برایشان قابل تحمل است.

ببینید غیر قابل تحمل به معنای شدید است، نه به این معنا که اگر مکلف به صرف اینکه یک مشقت شدید را هم می‌تواند تحمل کند، باید این کار را بکند. روزه به طور معمول ممکن است ضعف‌ها یا دردهایی را برای عموم انسان‌ها ایجاد کند که نوعاً قابل تحمل است. اما اگر این ضعف‌ها و مشکلات بیشتر از ضعف‌ها و مشکلاتی بود که نوعاً انسان‌ها تحمل می‌کنند، این همان مشقت غیر قابل تحمل و شدید است که در اینجا معمولاً فرد کارش به آمبولانس یا از حال رفتگی و... می‌کشد.

۶۶
غیر قابل تحمل
به معنای شدید
است، نه به
این معنا که
اگر مکلف به
صرف اینکه یک
مشقت شدید
را هم می‌تواند
تحمل کند، باید
این کار را بکند.
روزه به طور
معمول ممکن
است ضعف‌ها یا
دردهایی را برای
عموم انسان‌ها
ایجاد کند که
نوعاً قابل تحمل
است



منبر



فقه روزهای رمضان

تزریقات

آیا تزریقات برای افرادی که روزه برای آن‌ها ضرر یا خوف ضرر ندارد (که در این صورت واجب نخواهد بود) موجب بطلان روزه می‌شود؟ در اینجا دو دسته‌بندی داریم: دسته‌بندی اول: این تزریقات یا تقویتی و مغذی هستند یا غیر تقویتی. دسته‌بندی دوم: تزریقات یا وریدی (تورگی) هستند یا غیر وریدی (عضلانی یا ...).

آیت‌الله شیرازی زنجانی به نحو احتیاط واجب غیر قابل عدول (که به معنای فتوا است)، مرحوم آیت‌الله بهجت و مرحوم آیت‌الله فاضل به نحو فتوایی فرموده‌اند: از آمپول‌های تقویتی باید اجتناب شود. (مانند آمپول ب کمپلکس).

مقام معظم رهبری فرموده‌اند: بنابر احتیاط واجب، از آمپول‌های مقوی و مغذی و وریدی اجتناب شود.

آیت‌الله مکارم شیرازی: باید از آمپول‌هایی که وریدی است، اجتناب شود. آیات عظام صافی گلپایگانی، نوری همدانی و سیستانی فرموده‌اند: تمامی انواع تزریقات حتی سرم‌های تقویتی و مغذی مبطل نمی‌باشد. آیت‌الله وحید خراسانی فرموده‌اند: آمپول تقویتی اشکال ندارد، اما سرم‌های مقوی و مغذی بنابر احتیاط واجب، باید اجتناب شود و در

قصد قطع و قاطع

قصد قطع: اگر کسی در مدت زمانی که روزه است، قصد کند که دیگر روزه نباشد و نیت روزه‌دار بودن را قطع کند، نظر تمامی مراجع این است که با این قصد قطع، روزه روزه‌دار باطل می‌شود، حتی اگر هیچ مبطلی را هم انجام نداده باشد، و باید تا پایان روز امساک کند. در این حالت آیات عظام اراکی و بهجت فرموده‌اند به نحو احتیاط و جویی هم باید کفاره دهد. اما نظر سایر مراجع که کفاره را دایر مدار انجام مفطر می‌دانند، بر این است که روزه باطل شده است ولی کفاره ندارد.

قصد قاطع: اگر کسی صرفاً قصد کند که یکی از مبطلات روزه را انجام دهد، بنا به نظر مراجع معظم روزه باطل است، به استثنای آیت‌الله فاضل و حضرت امام که روزه را صحیح می‌دانند. بنابر این، بنا به نظر بطلان روزه، باید بقیه روز را امساک کند و بعد از ماه مبارک قضای آن را به جا آورد. (البته حضرت امام در کتاب تحریر می‌فرمایند: اگر فرد در قصد قاطع توجه به لازمه آن دارد و ملتفت است که در ضمن قصد قاطع، قصد قطع نیز هست، روزه باطل می‌شود).

حجت الاسلام

والمسلمین ابراهیمی

“

مقام معظم
رهبری
فرموده‌اند: بنابر
احتیاط واجب، از
آمپول‌های مقوی
و مغذی و وریدی
اجتناب شود

”

صورت ضرورت، باید بقیه روز را امساک کند و بعد روزه را قضا کند.

اخلاط سر و سینه

اخلاط سر و سینه اگر بدون اینکه وارد فضای دهان شود، وارد حلق، جوف و معده شود، مبطل روزه نمی‌باشد. اما اگر اخلاط سر و سینه وارد فضای دهان شود (غیر اختیاری یا با اراده و اختیار روزه‌دار) و فرد عمداً آن را بخورد، طبق نظر اغلب مراجع بنابر احتیاط واجب باید اجتناب شود (مقام معظم رهبری، حضرت امام، مرحوم آیت‌الله بهجت و...)، لذا کفار هم دارد. و بنابر فتوای آیت‌الله اراکی باید از این کار اجتناب شود. اما بنابر نظر آیات عظام شبیری زنجانی و سیستانی، مبطل روزه نیست و احتیاط مستحب این است که اجتناب شود و قورت دادن عمدی آن هم مبطل روزه نیست.

ملاک اکل و شرب، قطره چشم و بینی

ملاک اکل و شرب طبق استفتایی که از آیات عظام خامنه‌ای، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی و سیستانی شده است، جوف است نه حلق. بنابراین، اگر روزه‌دار بتواند خوراکی را که به حلق هم رسیده است از داخل حلق بیرون بیاورد، روزه باطل نمی‌شود. این ملاک در بحث قطره چشم و بینی هم خودش را به خوبی نشان می‌دهد. نکته اول در این باره این است که قطره چشم یا بینی به حلق نمی‌رسد مگر اینکه طعم و مزه آن به حلق برسد نه خودش، و رسیدن مزه آن به حلق مکروه است و موجب بطلان نمی‌شود. با این حال اگر فرد یقین داشته باشد که به حلق هم رسیده است و علم به آن پیدا کرده است، اگر بتواند آن را از حلقش خارج کند، باز هم مبطل روزه نخواهد بود.

ورود اشیاء غیر خوراکی و دستگاه‌ها به داخل معده از طریق حلق یا ... (مانند آندوسکوپی)

بطلان روزه در این مورد بستگی به این مسئله دارد که آیا آن شیء را که وارد بدن می‌کنند به روغن یا مواد لینی هم آغشته شده است تا راحت‌تر از حلق و عبور کند یا نه! خود آن دستگاه موجب ابطال روزه نمی‌شود، ولی اگر آن مواد به بدن راه پیدا کند، موجب بطلان روزه می‌شود.

قرص‌های زیربانی (برای افرادی که ضرورت برایشان ندارد)

اگر این قرص‌ها به گونه‌ای است که در زیر زبان آب می‌شوند و مواد آن از حلق پایین می‌رود، موجب بطلان روزه است. اما اگر به گونه‌ای است که از زیر زبان جذب بدن و تنظیم فشار خون می‌شود و از حلق پایین نمی‌رود، نظرات متفاوت است؛ مقام معظم رهبری فرموده‌اند: به احتیاط واجب استفاده از قرص زیربانی در حالت روزه جایز نیست. آیت‌الله مکارم شیرازی فرموده‌اند: در غیر ضرورت جایز نیست. آیت‌الله شبیری زنجانی و صافی گلپایگانی فرموده‌اند: اگر چیزی از آن، از حلق پایین نمی‌رود، مبطل نیست.

مواد مخدر:

نکته‌ای که در آغاز لازم است به آن اشاره شود این است که در مورد

مسئله سیگار کشیدن، هیچ کدام از مراجع جواز آن را برای انسان روزه‌دار صادر نکرده‌اند، مراجع معظم فرموده‌اند بنابر احتیاط واجب، از کشیدن سیگار باید خودداری شود و اگر بدون اضطراب سیگار کشیده شود، فرد باید روزه را قضا کند.

اما حکم عمومی معتادین به سیگار و مواد مخدر، به گونه‌ای که نمی‌توانند در طول روز از استعمال آن امساک کنند، این است که نیت روزه کنند و روزه بگیرند، هر زمانی از روز که برای روزه‌دار قابل تحمل نباشد، می‌توانند به اندازه ضرورت مواد مخدر یا سیگار را استفاده کنند، ولی بقیه روز را باید امساک کند. در این حالت اگر این فرد می‌تواند در زمان دیگری از طول سال (مانند زمستان که روزه‌ها کوتاه است) بدون استعمال این مواد روزه بگیرد، باید قضای آن را در آن موقع به جا آورد، اما اگر در بقیه سال هم این توانایی را ندارد، نیازی به گرفتن قضای روزه نیست و احتیاطاً برای هر روز یک فدیة یعنی ۷۵۰ گرم گندم و طبق فتوای آیت‌الله شبیری زنجانی ۹۰۰ گرم گندم بدهد.

استفاده از اسپری

اگر اسپری دارای موادی باشد که وارد حلق و جوف و مری می‌شود، روزه باطل می‌شود. ولی بعضی از انواع اسپری وجود دارد که موادی ندارد و به صورت گاز رقیق است و مجرای ریه را باز می‌کند. در این صورت بنابر نظر مقام معظم رهبری و آیات عظام سیستانی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی، فاضل لنکرانی و بهجت، استفاده از آن برای روزه‌دار اشکالی ندارد.

قورت دادن خون در دهان (ناشی از لثه یا غیر آن)

اگر خون در دهان مشهود باشد و به مقداری باشد که مثلاً آب دهان را زرد یا قرمز کند، قورت دادن آن موجب بطلان روزه می‌شود، اما اگر این خون به قدری کم باشد که در آب دهان به خودی خود مستهلک شود و از بین برود، اغلب مراجع آن را موجب بطلان روزه ندانسته‌اند. البته مرحوم آیت‌الله تبریزی در اینجا اشکال کرده‌اند و مرحوم آیت‌الله گلپایگانی احتیاط واجب دارند و آیت‌الله صافی گلپایگانی احتیاط دارند.

وجود جایگزین برای زن مرصعه

گاهی زنی که به فرزندش شیر می‌دهد (و نمی‌تواند هم‌زمان شیر بدهد و روزه هم بگیرد) برای شیر دادنش جایگزینی پیدا می‌شود. به عنوان مثال زن دیگری حاضر است به فرزندش شیر دهد یا اصلاً به فرزندش شیر خشک دهد. دو حالت وجود دارد: اگر آن شیری که به فرزند می‌دهد، برای کودک ضرر داشته باشد یا به بدن او خیلی سازگار نباشد، قطعاً روزه بر آن زن واجب نیست، چه بسا ممکن است شبهه حرمت هم به خاطر ضرر به فرزند داشته باشد. اما حالت دوم این است که آن شیر ضرر تولید نمی‌کند (شاید مانند شیر خشک) اما قوتی هم که شیر مادر ایجاد می‌کند ایجاد نمی‌کند. اغلب مراجع به نحو احتیاط واجب یا فتوایی روزه را بر این زن واجب دانسته‌اند و بر شوهر تهیه شیر خشک واجب است (مگر اینکه به سبب فقرشان یا ... نتوانند این کار را کنند و شیر دادن بر زن واجب تعیینی شود).

۶۶

مقام معظم

رهبری

فرموده‌اند: به

احتیاط واجب

استفاده از قرص

زیربانی در

حالت روزه جایز

نیست.

آیت‌الله مکارم

شیرازی

فرموده‌اند: در

غیر ضرورت

جایز نیست.

آیت‌الله شبیری

زنجانی و صافی

گلپایگانی

فرموده‌اند: اگر

چیزی از آن،

از حلق پایین

نمی‌رود، مبطل

نیست

۶



منبر

پاسخ به چند شبهه ر مضانی

زمانی که انسان طرح و برنامه‌ای برای کاری دارد و در میان راه برایش آشکار می‌شود که طرح و نقشه‌اش اشتباه بوده است و تصمیم درست آشکار می‌شود؛ برایش بدا اتفاق افتاده است، که از جهل انسان است. زمانی که این صفت انسانی را (مانند صدها صفت دیگر همچون علم و...) برای خداوند به کار می‌بریم، برای اهل سنت مشتبه شده است که ما اینجا بدای انسانی را به خداوند نسبت داده‌ایم و در نتیجه معتقدیم که خداوند هم جاهل بوده و چیزی برایش آشکار شده است. پاسخ این است که خداوند دو علم (لوح) دارد، لوح محفوظ، و لوح محو و اثبات که بدا و تغییرات مربوط به این لوح است. این بدا به استناد آیاتی مانند «مَحْوَ اللَّهِ مَا يَشَاءُ وَيُنْثَبُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» در مخالفت با قول یهودیان است که می‌گفتند: «يَذُ اللَّهُ مَعْلُوكَةً». هرگز دست خداوند در تدبیر هستی بسته نیست و «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ». پاسخ دیگر این است که بدا در تکوین برای ما معادل همان نسخ در تشریع است. نسخ علم خداوند را زیر سؤال نمی‌برد؛ و آیات هم مؤید آن هستند مانند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا يَقُومُ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ».

آیا نظام علی و معلولی ایجاد محدودیت برای خداوند است؟
اولاً نظام علی و معلولی مخلوق خداوند است و خالق هر وقت بخواهد می‌تواند آن را به هم بزند یا تغییر دهد. ثانیاً خداوند علت هستی بخش است نه مُعد. تک تک علت‌ها (قهری باشند یا داعی) وجود لحظه به لحظه شان، و اثر گذاری شان را از خداوند می‌گیرند و در تمامی ترتیب اثرهای علت‌ها باید اراده تکوینی خداوند باشد تا آن اتفاق بیفتد (هر چند ممکن است اتفاق و عملی باشد که اراده تشریعی خداوند مخالف آن است و مجازات در قیامت را نیز به همراه داشته باشد). تمامی علل، ناقصه‌اند که تنها با اراده مسبب‌الاسباب که در طول این نظام علی و معلولی قرار دارد کامل می‌شوند. ثالثاً مسئله امر بین الامرین، لاجبر و لا تفویض، در تمامی رده‌های سلسله علل جریان دارد و خداوند هم می‌تواند اراده شما را جزو همان تقدیر خودش قرار دهد.

شب قدر امری تکوینی یا اعتباری

احیاء، حداقل حدی است که موجب تحقق شب قدر برای انسان می‌شود. درست است که اتفاقات در این شب مانند نزول فرشتگان و... تکوینی است، ولی تمامی مکان‌ها و زمان‌ها همگی مخلوق خدا هستند و در نزد خدا یکسانند. خود شب قدر اعتباری و تشریعی است و اگر فرقی با سایر زمان‌ها دارد، به خاطر مظروف و اتفاقاتی است که در این شب می‌افتد و به ظرف شرافت می‌دهد.

عدل خداوند و این همه ثواب تنها برای یک شب!

این فضل خداوند است که چنین فرصتی را در اختیار انسان بگذارد تا به صدساله را در یک شب ببرد، مانند همان «تَفَكَّرْ سَاعَةً أَفْضَلَ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً»، و فرد کاهل از این فضل و فرصت الهی بی‌بهره می‌ماند. نکته دیگر اینکه نه خُر یک ساعته حر شد، نه طلحه و زبیر و شیطان. احیاء و توانایی استفاده از شب قدر، نتیجه و معلول نحوه زندگی فرد در روزهای قبل خواهد بود، همچنان که زندگی بعد از شب قدر هم بر بهره‌های آن اثر خواهد گذاشت (سلبی یا ایجابی). مقدرات شب قدر مانند تصویب بودجه سالانه است که به خاطر اتفاقاتی که پیش می‌آید، آن را با متمم بودجه تغییرش می‌دهند.

گناه کار و شب قدر

احیاء این شب عمل مثبتی در وجود گناه کار است، که می‌تواند سببی برای سعادتش شود. آن هم عملی که قابلیت و ظرفیتش برای کسب فیض به نسبت سایر شب‌ها، ضریب سی هزار برابر دارد. لیلۃ القدر خیر من الف شهر. به اندازه هشتاد و دو سه سال عمر عادی‌اش، مؤثرتر و قوی‌تر است و چه بسا تمام عوامل منفی وجودش را پاک کند.

رابطه اعمال خیر و شر، دعا و... در تقدیر و رابطه‌اش با بدا

بدا در لغت به معنای آشکار شدن چیزی است که قبلاً آشکار نبود.



حجت الاسلام والمسلمین استاد رضا محمدی

“احیاء این شب عمل مثبتی در وجود گناه کار است، که می‌تواند سببی برای سعادتش شود. آن هم عملی که قابلیت و ظرفیتش برای کسب فیض به نسبت سایر شب‌ها، ضریب سی هزار برابر دارد”

پست‌هایی برای ترویج شبیه

بررسی و پاسخ به پست‌هایی که در ماه رمضان ایجاد شبیه می‌کنند

موانع و شبهه‌های فکری، مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند استعدادها و زمینه‌های پذیرش برکات عظیم ماه مبارک رمضان را نابود کنند. در سال‌های اخیر، دشمنان اسلام و سیاهی لشکر غافل و یا خائن‌شان، سعی دارند با ترویج شبهه‌هایی در فضای مجازی، از آثار معنوی این ماه مبارک بکاهند؛ لذا بر آن شدیم که تعداد اندکی از این شبهه‌ها را به زیر قلم نقد استاد محمدی ببریم تا نمونه‌ای باشد برای هشیاری روحانیون و مبلغین در این زمینه.

سه پست شبیه

خدا با آنقدر مرغ و گوشت گرون شده، ما خجالت می‌کشیم امسال ماه رمضان بیاییم مهمانی تو.

خودمون صبحانه و ناهار یه چیزی درست می‌کنیم می‌خوریم، دست درد نکنه دیگه مزاحم شما نمی‌شیم.

بالا غیر تأیید مهمونی باشکوهت رو کنسل کن.

پاسخ پست‌ها:

۱. مراقب گفتارمان باشیم، میزبان مادر این ماه مبارک خدایی است که از یک طرف می‌فرماید: «مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا» و از سوی دیگر تمامی نعمت‌ها را بر سفره فضل و کرمش مهمان بوده ایم «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ». این مهمانی برای روح و جان آدمی است که تعالی پیدا کند، نه جسمش؛ که مشترک است با تمامی حیوانات. هر چند جسم انسان هم پاک می‌شود، پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «صوموا تصحوا»، اما تسلط بر نفس و رسیدن به مقام عبودیت، از اهداف برپایی سفره مهمانی خدا در این ماه است و می‌بینیم که در نهایت خداوند (تقرب به) خودش را ره آورد این مهمانی می‌داند: الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أُجْزِي بِهِ.

۲. روزه، واجبی است که خداوند متعال به آن حکم کرده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ... و در جای دیگر می‌فرماید: قَمَنَ شَهِدَ مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ... کفار، جریمه قانون شکنی و تجری انسان در مقابل واجب خداوند است و همیشه مجازات قانون شکنی بیش از خود عمل جرم است. از این گذشته اگر به کفار هر روز روزه، شصت عدد روزه هم بگیرد، باز هرگز به آن کمالی که یک روز روزه ماه مبارک داشت نخواهد رسید که گویا هیچ ماهی در فضیلت همچون ماه مبارک نخواهد بود. طبق روایات: «شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ شَهْرٌ يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَتُكَفَّرُ فِيهِ السَّيِّئَاتِ وَهُوَ شَهْرُ الْبِرَّةِ» و یا «هُوَ شَهْرُ أَوَّلِهِ رَحْمَةً وَأَوْسَطُهُ مَغْفِرَةً وَآخِرُهُ الْإِجَابَةُ وَالْعِتْقُ مِنَ النَّارِ» تعیین رفتارهای زیبایی همچون کمک به مستمندان و آزاد کردن برده (به عنوان کفاره روزه) حاکی از منش متعالی شارع است.

۳. روزه فقط امساک از خوردن نیست. حضرت علی (ع) در روایات می‌فرمایند: صَوْمُ الْقَلْبِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ اللِّسَانِ وَصَوْمُ اللِّسَانِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ الْبَطْنِ و در جایی دیگر امام صادق (ع) درباره روزه حقیقی می‌فرمایند: إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصَرُكَ وَشَعْرُكَ وَجِلْدُكَ؛ در غیر این صورت معلوم نیست روزه در پیشگاه خداوند پذیرفته شود. همچنان که حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالْعَطَشُ» که فقط رفع تکلیف شده است.

۴. هر قانون در جای خود، مجازات‌های مخصوص به خودش را دارد. این قیاس مع الفارق است که گفته شود اگر بعضی روزه‌داران دزدی و اختلاس و گناهان بسیار دیگر کنند و تنها از خوردن و آشامیدن امساک می‌کنند و روزه‌شان هم صحیح است، مادر عوض آن گناهان بزرگ را نمی‌کنیم، اما روزه هم نمی‌گیریم! این ظلم به خویشان است. وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ. خداوند متعال حدودی را در کتابش بیان فرموده است و دیگران را از تحریف و یا تجاوز به این حدود به هر بهانه‌ای منع کرده است. تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا... تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ.

تماس و سوال مسائل شرعی

الو سلام علیکم،
من ۹۰ ساله و تا حالا تو عمرم حتی یک روز هم روزه نگرفته‌ام.
می‌خوام بدونم کفار ه روزه‌هام چقدر میشه؟!

پاسخگوی مسائل شرعی:

سلام و زهرمار، خاک بر سرت،
سه راه داری: ۱. یا باید دو قرن پشت سرهم روزه بگیری.
۲. یا باید به تمام مردم چین غذا بدی. ۳. یا باید کل مردم فلسطین و آزاد کنی.

آیا شما هم روزه هستید؟

در ماه رمضان چند جوان پیرمردی را دیدند که پنهانی غذا می‌خورد. به او گفتند: ای پیرمرد مگر روزه نیستی؟
پیرمرد گفت: چرا روزه هستم. فقط آب و غذا می‌خورم.
جوانان خندیدند و گفتند: واقعاً!
پیرمرد گفت: بله، دروغ نمی‌گویم، به کسی بد نگاه نمی‌کنم، کسی را مسخره نمی‌کنم، با کسی با دشنام سخن نمی‌گویم، کسی را آزرده نمی‌کنم، چشم به مال کسی ندارم، غیبت نمی‌کنم...
بعد پیرمرد به جوانان گفت: آیا شما هم روزه هستید؟



جرعه‌ای از رمضان

امام علی (ع)

آیت‌الله العظمی وحید خراسانی

وابسته به حق است، با اوست، و او با حق است، چنین کسی خلیفه رسول و مبین کلام الله و حافظ حق الله و حافظ حق خلق الله است.

او است که رسول خدا (ص) فرمود: هر کس بخواهد آدم را

در علمش، نوح را در عزمش، و ابراهیم را در حلمش، و موسی را در فطنتش، و عیسی را در زهدش ببیند، به علی بن ابی طالب بنگرد، و در یک کلام عصاره فضایل تمام انبیاء از آدم تا عیسی بن مریم و نفس نفیس پیغمبر خاتم، علی بن ابی طالب (ع) است.

مسلمانان با رسول خدا هم ناله شوند که به یاد مصیبت او در این ماه اشک ریخت و فرمود: بآبی الوحيد الشهد و به او خطاب کرد: یا علی آن کس که تو را یکشد مرا کشته است، که این جمله گویای آن است که روز شهادت علی (ع) روز شهادت پیغمبر (ص) است.



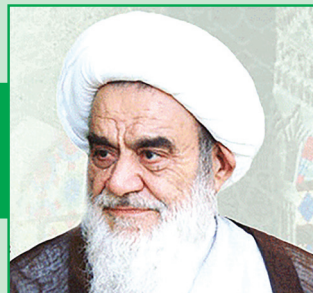
عظمت شهادت امام المتقین امیر المؤمنین (ع) که عروج کتاب الله ناطق در ماه نزول قرآن مجید است، فوق تقریر و تحریر است.

در عالم امکان کسی بالاتر از

خاتم النبیین نیست، و چیزی بالاتر از قرآن مبین نیست، و گوهری ارزشمندتر از حق نیست.

باقطع نظر از روایات خاصه، بر طبق حدیث صحیح نزد عامه، رسول خدا (ص) فرمود: علی از من است و من از علی هستم، و علی با قرآن است و قرآن با علی است، و علی با حق است و حق با علی است.

کسی که تافته بافته از وجود شخص اول عالم است، و وجود خاتم وابسته به اوست، و خداوند متعال او را نفس عقل کل شمرده، و قرآنی که تجلای علم خدا است، با اوست، و او با قرآن است، و حقی که مبدأ و منتهای وجود است و ملک و ملکوت



امام حسن مجتبی (ع)

آیت الله مظاهری

اسم آن بزرگوار حسن است و این اسم از طرف پروردگار عالم به ایشان عنایت شده است. از امام سجاد (ع) روایت است که چون حضرت مجتبی (ع) به دنیا آمد، جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و از طرف حق تعالی گفت: چون منزلت امیر المؤمنین نسبت به تو، به منزله هارون نسبت به موسی است و اسم پسر هارون حسن بوده است، پس اسم او را حسن بگذارید. حضرت حسن (ع) از هر جهت حسن است. جدی چون رسول اکرم (ص) داشت، و پدری چون امیر المؤمنین، و مادری چون زهرای مرضیه. اگر از همه قوانین مؤثر در تشکیل شخصیت کودک مثل قانون وراثت بگذریم، برداشت فرزند از گفتار و کردار پدر و مادر را نمی توانیم انکار کنیم. وقتی جدی چون رسول اکرم به قدری عبادت کند که پاهای مبارک متورم شود و آیه «طه ما أنزلنا علیک القرآن لتشقی» در حق وی نازل گردد، سببی چون حسن تربیت می شود که بیشتر از بیست بار پیاده به مکه می رود و در بعضی از سفرها، پاهای مبارک آن حضرت متورم می شود. هنگامی که پدری چون امیر المؤمنین (ع)، در دل شب در وسط میدان سجاده بیندازد و تکبیرها را از او شنیده شود و از ترس وابهت پروردگار عالم بنالد، پسری چون حسن تربیت می شود که موقع وضو گرفتن، بدنش می لرزد و وقتی وارد مسجد می شود با تضرع می گوید: *إلهی ضیفک ببنایک یا محسن قد آتاک المسی فتجاوز عن قبیح ما عندی یجمیل ما عندی* یا کریم. «ای خدا! مهمان تو در خانه ات آمده است، ای نیکو کار! گنجه کار به در خانه تو آمده، ای کریم به خوبی خود از زشتی او بگذر!» وقتی پدری چون امیر المؤمنین، سی سال برای مصالح اسلام صبر کند و با دیگران بسازد، و چون کسی که خاری در چشم او و استخوانی در گلو او باشد، در این جهان زندگی کند، فرزندی چون حسن خواهد داشت که ده سال برای مصالح اسلام صبر می کند و با معاویه مدارا می نماید. او مادری چون زهرا دارد که غذای خود و وابستگان خود را به فقیر می دهد، سپس غذا تهیه می کند. یتیمی می آید و باز غذا را به او می دهد و در بار سوم غذا را به اسیر می دهد و بالاخره با آب افطار می کنند و غذا نمی خورند و *و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و أسیراً* و اوست که شهره عام و خاص است سفره های کرمش و عطای تمامی زندگی اش به سائلین.



منبر

“هر کس بخواهد
آدم را در
علمش، نوح
را در عزمش،
و ابراهیم را در
حلمش، و موسی
را در فطنتش،
و عیسی را در
زهدش ببیند،
به علی بن
ابی طالب بنگرد
”



حضرت ابوطالب آیت‌الله‌العظمی صافی

او سید بطحا، رئیس مکه و قبله قبله بود؛ جمیع فضایل اخلاقی را دارا بود و همه به او احترام می‌گذاشتند و شخصیت و مکارم اخلاقش را می‌ستودند؛ «عَلَيْهِ بَهَاءُ الْمُلُوكِ وَ وَقَارُ الْحُكَمَاءِ»؛ در رخساره او ظرافت پادشاهان و وقار حکیمان دیده می‌شد.

کسی که حکیم معروف عرب «کنم بن صیفی» وقتی از او پرسیدند: «حکمت و ریاست و حکم و سیادت را از که آموختی؟» گفت: «از خلیف علم و ادب، سید عجم و عرب، ابوطالب بن عبدالمطلب».

ابوطالب و خاندانش، زن و دخترش «آم‌هانی» و فرزندان وی علی و جعفر، یار و سرباز و مدافع محمد (ص) بودند. «ابن ابی‌الحدید» در شرح نهج‌البلاغه می‌گوید: «در امالی ابی جعفر محمد بن حبیب خوانده‌ام که: وقتی ابوطالب پیامبر (ص) را می‌دید، احیاناً می‌گریست و می‌گفت: زمانی که او را می‌بینم به یاد برادرم عبدالله می‌افتم که برادر پدري و مادری من بود» و نیز «ابن ابی‌الحدید» نقل می‌کند که: ابوطالب بسیاری اوقات از اینکه خوابگاه پیامبر (ص) مشخص باشد بیمناک بود و شبانگاه آن حضرت را از خوابگاهش برمی‌داشت و پسر عزیز خود علی (ع) را در بستر او می‌خوابانید (و او را فدایی پیامبر (ص) قرار می‌داد).

فقدان وی، جبهه مسلمانان را شکسته و بی‌پناه کرد و در نهایت یکی از علل لزوم هجرت، مرگ او بود.

همچنین از حضرت باقر (ع) روایت شده است که «اگر ایمان ابی‌طالب را در یک کفه ترازو و ایمان این خلق را در کفه دیگر گذارند، ایمان او سنگین‌تر خواهد بود».

آری! مقام آن حضرت چنان رفیع بود که پیامبر (ص) در روز رحلت آن حضرت در مصیبتش گریان شد و بسیار اندوهناک گردید و جبین راست او را چهار مرتبه مسح فرمود و جبین چپش را سه مرتبه مسح کرد؛ سپس فرمود: ای عم! در صغیری پرورش‌م دادی و در یتیمی کفالت‌م نمودی و در کبیری یاری‌م کردی؛ خدا به تو در برابر یاری من پاداش نیکو دهد. پیامبر (ص) پیشاپیش جنازه او می‌رفت و می‌فرمود: صله رحم کردی و جزای نیکو گرفتی.

درجام بزرگان

حضرت خدیجه کبری (س)

آیت‌الله‌العظمی عبدالله جوادی آملی

و خدیجه (س) در عصر دلالتی، موحد و عاقل بود. آیا ارزش ندارد چنین مادری را بشناسیم؟

در جاهلیت، ربا پیمان اقتصادی رسمی و دامن فروشی هم رسمی بود که هر دو را خدیجه (س) خط

بطلان بر آن کشید و هم ربا و هم آلودگی را تحریم و همه تجارت خود را در راه دین فدا کرد. خدیجه (س) فرهنگ، اقتصاد و تجارت را تغییر داد و اگر می‌بینید ائمه این همه خضوع در پیشگاه آن حضرت دارند، نه فقط چون مادر ایشان است، بلکه به خاطر مقام و شأن آن حضرت است. خدیجه (س) مال‌التجاره خویش را در اختیار پیامبر (ص) قرار داد؛ ایشان مریم ثانی برای ماست از این رو نه فقط الگوی زنان، بلکه الگو برای همه افراد است. همان‌طور که آسیه و مریم الگو برای همه جامعه خوب هستند، البته حقوق جسمی میان زن و مرد متفاوت است، ولی هیچ کمالی در اسلام مشروط به ذکور و اناث بودن نیست.



اقتصاد ربوی، اقتصاد جاهلی است... حضرت خدیجه (س) فرهنگ عقلانیت را در جامعه جاهلی پیاده کرد؛ زیرا با اقتصاد ربوی رایج مبارزه کرد. در جاهلیت معیار، پذیرفتن بود و اگر ملتی تصدیق و ردش بر تقلید از گذشته وابسته

است، این ملت مرده است. ولی خدیجه (س) قبل از بعثت به نبوت انبیاء ابراهیمی معتقد بوده است.

مؤمن برای تصدیق و رد چیزی باید برهان و استدلال داشته باشد، ولی کافر این طور نیست. به همین دلیل به تقلید از نیاکان خویش بت می‌پرستند و در چنین عصری، مادر ما حضرت خدیجه (س) زاهد، عاقل و پاکدامن بود و ما به وجود او فخر می‌کنیم. امام صادق (ع) فرمودند: اگر کسی می‌خواهد محقق و عالم باشد، نباید دلال علم باشد. این فرد باید بفهمد که چه آورده است، نه این که دیگران چه چیزی آورده‌اند؛ زیرا میان دلال علم و مفسر و متکلم فرق است

۶۶
مؤمن برای
تصدیق و
رد چیزی
باید برهان و
استدلال داشته
باشد، ولی کافر
این طور نیست.
به همین دلیل به
تقلید از نیاکان
خویش بت
می‌پرستند

۶



منبر

(علیه السلام)

قصیده صعصعه بن صوحان در رثای امیر مؤمنان

امام صادق (ع) درباره وی فرمود: «هیچ یک از همراهان علی (ع) حق آن حضرت را نشناختند، مگر صعصعه و یارانش». مطالعه حالات چهار فرزندِ صوحان (زید، عبدالله، سیحان و صعصعه)، فضایی آکنده از عشق علی (ع) در این خاندان را به تصویر می کشد. تنها در جنگ جمل، سه برادر (صعصعه، زید، سیحان) حضور داشتند و سیحان پرچم دار بود. وقتی او به شهادت رسید، زید پرچم را به دست گرفت و چون شهید شد، صعصعه پرچم را برافراشته نگاه داشت.

مقاومت وی در برابر انحراف های بعضی از مدعیان خلافت؛ از جمله معاویه، حضور در سه جنگ بزرگ (جمل، صفین و نهروان) که گاه سمت فرماندهی را بر عهده داشت، گویای شجاعت او است. علی (ع) چاه ها، قنوات و اموال زیادی برای محرومین وقف کرد. هنگامی که وقف نامه می نوشت، عده ای را شاهد می گرفت و صعصعه بن صوحان از جمله آن شاهدان بود.

صعصعه بن صوحان از جمله کسانی بود که در نیمه های شب، در تشییع پنهانی جنازه مطهر امیر مؤمنان علی (ع) شرکت کرد.

معرفی شاعر

صعصعه فرزند صوحان فرزند حجر و کنیه اش «ابو طلحه» یا «ابو عمرو» بود و نسبتش با پانزده واسطه، به «عبد القیس» از بزرگان قبیله «ربیع» می رسید و از همین جهت به او «صعصعه بن

صوحان عبیدی» گفته اند.

اولین کسی که از این طایفه اسلام آورد، عمرو بود که به دستور یکی از رؤسای این قبیله به نام «منذر بن عائد» خدمت پیامبر (ص) رسید، تا از میزان علم آن حضرت آگاهی یابد. او پس از شرف یابی به خدمت رسول خدا (ص)، مسلمان شد و در برگشت، ماجرا را برای «منذر» بیان کرد. او نیز مسلمان شد و پس از چندی منذر خود به محضر پیامبر (ص) آمد.

رسول خدا به او فرمود:

«ای اشج! (نام دیگر منذر) دو صفت در تو هست که خداوند آن دو را دوست دارد: حیا و حلم».

صعصعه اهل کوفه بود و در یکی از محله های اطراف آن روزگار می گذراند. وی از اصحاب خاص امیر مؤمنان بود چنانکه حضرت

یاسر
شریعتی

«هیچ یک از
همراهان
علی (ع) حق
آن حضرت
را نشناختند،
مگر صعصعه
و یارانش»

درباره شعر

فصاحت و بلاغت، خصوصیت بارز صعصعه بود. دانشمندان تاریخ، عنوان «خطبا» را از ویژگی‌های این خانواده دانسته‌اند. دانشمندان تاریخ و رجال، صعصعه را به فصاحت و بلاغت و استادی در فن سخن ستوده‌اند و به او عنوان «خطیب» داده‌اند. علی (ع) نیز در نهج البلاغه در مورد او می‌فرماید: «هَذَا الْخَطِيبُ الشَّحْشَحُ...»؛ «این خطیب ماهر و توانا...». ابن ابی‌الحدید می‌گوید: «این عبارت را علی (ع) در مورد صعصعه بن صوحان فرموده است و همین افتخار برای او پس که علی (ع) او را به مهارت در سخن و فصاحت در لسان بستاید».

شعبی (از فقیهان و شاعران بزرگ قرن اول) می‌گوید: «من فن خطابه و سخنرانی را از صعصعه بن صوحان آموختم.» و جاحظ، دانشمند لغت و نحو (متوفای ۲۵۵) می‌گوید: «صعصعه از فصیح‌ترین مردم بود».

جالب آنکه «عبدالملک بن مروان» که با علی (ع) و اصحابش خصومت داشت، درباره صعصعه می‌گفت: «إِنَّهُ أَحْضَرُ النَّاسِ جَوَابًا»؛ «او حاضر جواب‌ترین مردم بود». او قبل از آغاز نبرد نهروان، سفیر علی (ع) بود و حضرت برای سخن گفتن با کور دلان خوارج، صعصعه را به سوی ایشان فرستاد. همان‌طور که گفتیم، جناب صعصعه در مراسم تشییع جنازه حضرت علی (ع) که به صورت مخفیانه و بسیار محدود برگزار شد، حضور داشت و اشعاری را در رثای آن حضرت سرود که از جمله آنها قصیده زیر می‌باشد. این شعر را «الفتال النیسابوری» (۵۰۸ هـ) در روضه‌الواعظین ذکر کرده است.

شعر و ترجمه

الأمّن لی بأنسک یا أخیاً ومن لی ان ابث کما لدیا

ترجمه:

برادرم! پس از تو با چه کسی انس گیرم و درد دلم را نزد که بازگو نمایم؟

شرح:

ائمه معصومین با یاران و اصحاب خود روابط متفاوتی داشته‌اند، برخی از این افراد که مورد وثوق و اعتماد ائمه بوده‌اند، به عنوان محرم اسرار ایشان بوده‌اند. امامان بزرگوار ما به این قبیل افراد مطالبی را بیان می‌کردند که به افراد دیگر این مطالب و اسرار گفته نمی‌شد. این افراد در سطحی بالاتر از سایرین بوده و معارف الهی فقط به این گونه افراد گفته شده است. به واسطه بعضی مخفی‌کاری‌ها، شاید تعدادی از همین افراد در تاریخ نامی از آنها برده نشده باشد. بدون شک «صعصعه بن صوحان» در کنار «میثم تمار» از اصحاب سر و خاص امیرمؤمنان بوده است و از معدود افرادی است که از محل دفن حضرت علی (ع) مطلع بود. از این رو صعصعه در مطلع شعر، از غم فراق تنها انیس و مونس خود شکایت می‌کند.

طوتک خطوب دهر قد توالا

لذاک خطوبه نشر اوطیا

ترجمه:

غم‌های روزگار یکی پس از دیگری بر گرد تو جمع شد و اینک بارفتن تو آن غم‌ها منتشر شد.

شرح:

بعد از آنکه کار دفن حضرت علی (ع) به اتمام رسید، صعصعه بن صوحان بر مزار آن حضرت حاضر شد و خطبه‌ای را ایراد کرد که حاکی از اوج معرفت او به مقام منبع آن امام بود. در فراز پایانی این

سخنان می‌گوید: «فهنيئاً لك يا أبا الحسن، لقد شرف الله مقامك، و كنت أقرب الناس إلى رسول الله نسباً، وأولهم إسلاماً، و أكثرهم علماً، و أوفاهم يقيناً، و أشدهم قلباً، و أبذلهم لنفسه مجاهداً، و أعظمهم في الخير نصيباً، فلا حرمنّا الله أجرك و لا أضلنا بعدك، فوالله لقد كانت حياتك مفاتيح للخير و مغالق للشر، و إن يومك هذا مفتاح كل شر، و مغلاق كل خير، و لو أن الناس قبلوا منك لأكلوا من فوقهم و من تحت أرجلهم، و لكنهم آثروا الدنيا على الآخرة!»^۱. ترجمه: خوشا به حالت ای ابوالحسن، خداوند مقام تو را بزرگ داشت، تو نزدیک‌ترین افراد به رسول‌الله بودی... خداوند پس از تو ما را گمراه نسازد، به خدا قسم که حیات تو کلید خیر و قفل شر بود، ولی امروز کلید هر چه شر و قفل هر چه خیر است. اگر مردم سخنان تو را می‌پذیرفتند، از بالا دست و فرودست خود غرق در نعمت بودند ولی آنان دنیا را بر آخرت ترجیح دادند.

فلو نشرت قواک لی المنیا

شکوت الیک ماصعنت الیا

ترجمه:

اگر مرگ اجازه سخن گفتن را بدهد، از مشکلاتی که نزد خود دارم، به تو شکوه می‌کنم.

شرح:

همان‌طور که گذشت، صعصعه بن صوحان از اصحاب خاص امیرمؤمنان بود، از این رو بخاطر اوج معرفتش نسبت به آن حضرت، بزرگ‌ترین شکایت او پراکنده شدن مردم از ولایت حضرت علی (ع) بود چنانکه در فراز پایانی سخنانش بر مزار آن جناب گفت: «ولو أن الناس قبلوا منك لأكلوا من فوقهم و من تحت أرجلهم، و لكنهم آثروا الدنيا على الآخرة»^۲ ثم بکی بکاء شديداً وأبکی کل من کان معه»^۳ اگر مردم سخنان تو را قبول می‌کردند، از آسمان و زمین غرق در نعمت می‌شدند، اما افسوس که دنیا را بر آخرت ترجیح دادند. در این هنگام صعصعه گریه شدیدی کرد و هر آنکس که در اطرافش بود را گریان.

“

بعد از آنکه کار
دفن حضرت
علی (ع) به اتمام
رسید، صعصعه
بن صوحان بر
مزار آن حضرت
حاضر شد و
خطبه‌ای را ایراد
کرد که حاکی از
اوج معرفت او
به مقام منبع آن
امام بود

6



بکیتک یا علی بدر عینی فلم یغنی البکاء علیک شیئا

ترجمه:

با چشمی پر بار بر تو اشک می ریزم، هر چند که اشک ریختن من سودی ندارد.

کفا حزنا بدفنگ ثم انی نفضت تراب قبرک من یدیا

ترجمه:

این اندوه برای من کافی است که خاک قبر تو را با دست تکان می دهم.

شرح:

این فراز از شعر، حاکی از شرکت صمصعه بن صوحان در مراسم تدفین امیر المؤمنین (ع) است چنان که تعبیر (نفض التراب من ید) تکاندن دست ها از خاک قبر، بیان گر فارغ شدن از تدفین است. کتب تاریخی از همین تعبیر در گزارش مراسم تدفین حضرت صدیقه کبری (س) استفاده کرده اند؛ در آنجا که آمده است: «فَلَمَّا نَفَضَ يَدَهُ مِنْ تُرَابِ الْقَبْرِ هَاجَ بِهِ الْحُزْنُ، وَأَرْسَلَ دُمُوعَهُ عَلَى خَدَّيْهِ، وَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ...»^۲ پس آنگاه که حضرت علی (ع) غبار خاک قبر را از دست خود تکاند، هر چه غم بود بر قلبش هجوم آورد و سرشک دیدگان بر گونه هایش سرازیر شد و رو به سوی قبر رسول الله (ص) کرد. صمصعه نیز بعد از آنکه آن خطبه را بر فراز مزار حضرت علی (ع) خواند، به شدت گریست و رو به سوی اهل بیت عصمت و طهارت کرد و به آنان تسلیت گفت. شیخ جعفر نقدی در کتاب «الانوار العلویه» به این نکته اشاره کرده و آورده است: «ثم یکی بکاء شدیداً وأبکی کل من کان معه وعدلوا إلى الحسن والحسين عليهما السلام ومحمد وجعفر والعباس وعون وعبدالله فعزوه ففی أبيهم عليه السلام». همانطور که حضرت علی (ع) پس از گریه بر مزار همسرش رو به رسول الله آورد، صمصعه نیز پس از گریستن و گریاندن هر که در اطرافش بود، به سوی بازماندگان از اهل بیت عصمت و طهارت روی آورد تا به آنان در مصیبت پدر گرامیشان تسلیت و تعزیت عرض کند.

و کانت فی حیاتک لی عطاءً وانت الیوم اوعظ منک حیا

ترجمه:

زمانی که زنده بودی، برای من موعظه ها داشتی و اینک برای زندگان موعظه های بیشتر داری.

شرح:

امیر المؤمنین (ع) با کلام فصیح و بلیغ و عمل خالصانه، پیوسته در طول حیات طیبه خود، مردم را موعظه و نصیحت می کرد و همگان از سر چشمه معارف و مواظب آن جناب بهره می گرفتند، چه رسد به اصحاب خاص آن حضرت و از جمله صمصعه بن صوحان. منابع تاریخی به گفت و گوی ویژه حضرت امیر با جناب صمصعه اشاره کرده اند که از نظراتان می گذرد: در روزهای پایانی عمر شریف حضرت علی (ع)، آن هنگام که در بستر شهادت آرمیده بود، جمعی از شیعیان از جمله صمصعه بن صوحان به عیادتشان شرفیاب شدند. صمصعه در آن هنگام پرسش هایی را مطرح کرد تا همگان با قدر و منزلت آن حضرت بیش از پیش آشنا شوند. صمصعه پرسید: یا امیر المؤمنین! به من خبر بده که

فضیلت تو بیشتر است یا حضرت آدم؟ مولادر پاسخ فرمود: ای صمصعه! خوب نیست کسی از خودش تعریف کند ولی اگر گفته خداوند تبارک و تعالی نبود که «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»^۱ پاسخت را نمی دادم. ای صمصعه من از آدم با فضیلت ترم؛ زیرا خداوند تعالی همه نعمات بهشتی را بر آدم مباح شمرد و فقط او را از خوردن گندم بازداشت، ولی سرپیچی کرد و از آن خورد. خداوند مرا از خوردن نعمات منع نکرد و از خوردن گندم باز نداشت، ولی با شوق و رغبت از آن صرف نظر کردم. صمصعه پرسید: تو افضلی یا نوح؟ حضرت فرمود: من از نوح افضلم؛ زیرا او از قومش آزار و اذیت کشید و وقتی لجاجت آنان را دید، نفریشان کرد، ولی بعد از وفات حبیبیم رسول الله، آزار و عناد قومم را تحمل کردم، با اینکه به من ستم فراوان روا داشتند، ولی صبر کردم و نفریشان نکردم. صمصعه گفت: تو افضلی یا ابراهیم؟ امام فرمود: من افضلم؛ زیرا ابراهیم گفت: خدا یا به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می کنی؟ خداوند فرمود: آیا ایمان نیاوردی؟ ابراهیم عرض کرد: ایمان دارم، ولی می خواهم قلبم مطمئن شود. ولی من گفته ام و باز می گویم که: لو کشف لی الغطاء ما زددت یقیناً. اگر پرده ها کنار رود، به یقین من چیزی نمی افزاید.

در ادامه صمصعه از فضیلت و شرافت حضرت موسی و عیسی (ع) سؤال کرد و آن حضرت پاسخ دادند.

فیا اسف علیک و طول شوقی الی لو أن ذلک رد شیئا

ترجمه:

چه اندازه در فراق تأسف می خورم و چقدر مشتاق هستم که لحظه ای به سوی من باز گردی.

هل خبر القبر سائلیه أم قر عینا بزاثریه

ترجمه:

آیا قبر خبر به زائران علی (ع) می دهد که نور چشم آنان را در آغوش کشیده است؟

یاموت ماذا أردت منی حققت ما کنت أتقیه

ترجمه:

ای مرگ! از من چه می خواهی؟ آنچه از آن می ترسیدم، انجام شد.

یاموت لو تقبل افتداء لکنت بالروح افتدیه

ترجمه:

ای مرگ! اگر فدا قبول می کردی، جانم را قربان امیر المؤمنین می کردم.

دهر رمانی بفقد ألفی أدم دهری واشتکیه

ترجمه:

آری روزگار با فقدان یارم من را از خود طرد کرد؛ از این رواست که آن را مذمت می کنم و از آن شکایت دارم.

منبع:

ره توشه عتبات
عالیات؛ جمعی از
نویسندگان

پی نوشت:

۱. شیخ جعفر نقدی، الأنوار العلویه، ص ۲۸۸.
۲. همان.
۳. شیخ طوسی، أمالی، ص ۱۱۰-۱۰۹.
۴. ضحی: ۱۱.

□ مردم ترجیح می‌دهند
امام جماعت با قرائت زیبا
نماز بخواند

□ مناره‌ای منقش
به صدای قرآن

□ منبر دراماتیک

□ محفل قرآنی قانون مند

نگاه

رهنمود قرآنی مقام معظم رهبری

انس با قرآن، معرفت اسلامی را در ذهن ما قوی تر و عمیق تر می‌کند.

در کشوری که بر اساس اسلام اداره می‌شود، همه مردم باید قادر به خواندن درست قرآن کریم باشند.

انس با قرآن؛ یعنی قرآن را خواندن و باز خواندن و در مفاهیم قرآنی تدبّر کردن و آنها را فهمیدن.

همین آیات قرآنی است که توانست در روزگاری، انسان‌هایی را تربیت کند که با دنیای کفر و ظلمات بستیزند و همین معارف است که ملت بزرگ ما را وادار و مجهز کرد که با دنیای مدرن و ظالم جاهلیت قرن بیستم مقابله کند.

اگر در آیات قرآن تأمل کنیم، اراده ما قوی تر از این خواهد شد. استقامت ما نیز بیشتر خواهد شد.





نگاه

استاد احمد ابوالقاسمی:

مردم ترجیح می دهند امام جماعت با قرائت زیبا نماز بخواند

قرآن به عنوان محور متنی اعتقادی و فرهنگی اسلام است. ارتباط با قرآن توصیه ای است که مورد اشاره خدای متعال و همه معصومین علیهم السلام بوده است. برای نهادینه سازی مسئله قرائت به عنوان اولین راهکار ارتباط با قرآن، گفتگویی با استاد احمد ابوالقاسمی قاری توانمند بین المللی انجام داده ایم که در ادامه می آید.

من فقط جزء خوانی نیست. بحث محافل انس با قرآن و کرسی تلاوت، چنان که مقام معظم رهبری دائماً به آن اشاره می کند، برای این است که مردم با آیات و عبارات قرآنی آشنا شوند که متأسفانه جای آن در مساجد ما خالی یا کم رنگ است.

منبر قرائت پس از نماز، به اتفاقی کلیشه ای تبدیل شده است. چه کنیم تا جذاب تر و کیفی تر برگزار شود؟

از جمله کارها، استفاده از قاری محلات شهر است. بدین منظور مسجد باید برود سراغ آن شخص. این ارتباط که برقرار شود و مردم وقتی خواندن خوب را بشنوند، قرائت پس از نماز، جایگاه بهتری پیدا

منبر اساساً مسجد چه جایگاهی در قرائت و جزء خوانی پس از نماز دارد؟

مسجد چون محل عبادت است، بهترین محل برای قرائت قرآن محسوب می شود و نسبت به سایر مکان ها اولویت دارد. منتها امروزه در جامعه ما از ظرفیت، توان و سرمایه مساجد استفاده مطلوب نمی شود. یکی از مهم ترین کارکردهای مسجد، انس و الفت دادن مردم با قرآن است. چون این نقش کم رنگ است، سازمان ها و نهادهای دیگر به آن می پردازند. حال آنکه تازمانی که مسجد داریم، ضرورتی ندارد سازمان یا نهاد دیگری فعالیت قرآنی داشته باشد.

البته الان برنامه جزء خوانی فقط در مساجد برگزار می شود، ولی بحث

“ بحث محافل انس با قرآن و کرسی تلاوت، چنان که مقام معظم رهبری دائماً به آن اشاره می کند، برای این است که مردم با آیات و عبارات قرآنی آشنا شوند که متأسفانه جای آن در مساجد ما خالی یا کم رنگ است ”

خواهد کرد. بحث قاری، بسیار مهم است. کسانی که به مکه می‌روند، با اینکه می‌دانند امامان مساجد، وهابی و آدم‌های کثیفی هستند، به خاطر قرائتشان در نماز مشارکت می‌کنند. مردم ترجیح می‌دهند امام جماعت با قرائت زیبا نماز بخواند. شنیدن صدای زیبا یک نیاز است؛ چه امام جماعت باشد، چه قاری باشد.

نکته بعدی، بحث یکسان‌سازی قرآن‌ها است. باید دسترسی بهتر، آسان‌تر و سریع‌تر به قرآن صورت گیرد. مثلاً ممکن است استفاده از ویدئو پروژکتور سرعت را بالا ببرد. در مساجد، پخش کردن قرآن بین مردم چند دقیقه طول می‌کشد. برخی همان پنج دقیقه را نیز بر نمی‌تابند. حتی اگر قاری نداشتند، یک فایل صوتی زیبا پخش شود. در زمانی که همه جلسه را ترک می‌کنند، بدون آنکه تحمیلی نباشد، توضیح آیاتی که خوانده شد، پخش گردد. چون یک عده دوست دارند معنای آیات را بدانند. این نیز می‌تواند از عوامل جذب باشد.

پیکر شما از نقش مسجد به عنوان یک اصل صحبت می‌کنید که خود بخشی از جاذبه‌سازی است.

بله، منتها مساجد ما مشکلاتی دارند. مثلاً آیا تاکنون یک نفر به یک نیروی جوان تازه‌وارد به مسجد خوشامد گفته است یا حالی از او بپرسد؟ یا اینکه اگر یک شب به مسجد نیامد، بزرگ‌ترهای مسجد با او تماس بگیرند و بگویند کجایی؟ اصلاً چنین چیزی در مخیله ما نمی‌گنجد! کسی هر روز روی سر پیغمبر اشغال می‌ریخت، یک روز که نبود، حضرت سراغش را گرفت و پرسید: کجاست؟ خود بنده چند بار در مسجد مورد اهانت جدی خادم مسجد قرار گرفتم.

روش تبلیغی پیغمبر ترک شده است. حضرت «طبيب دوار» بوده است؛ یعنی دنبال درمان مردم بود. حال آنکه چنین نقشی در مسجدهای ما وجود ندارد.

بحث نظافت نیز می‌تواند به جذابیت مسجد کمک کند. توجه ویژه به قشر جوان و کسانی که با وجود مشغله کاری به مسجد می‌آیند نیز در این زمینه خیلی مهم است.

پیکر با چه شیوه آموزشی می‌شود پس از یک سال ادعا کرد قرائت قرآن برای مخاطب مسجدی مفید بوده است؟

کار خیلی سختی است؛ چون افراد مسجدی، آدم‌های ثابتی نیستند و پنجاه درصدشان ثابت و پنجاه درصد متغیر هستند، لذا نمی‌شود دقیقاً بدانیم که چه اتفاقی افتاده است؛ ولی می‌شود با یک آزمون مختصر تا حدودی میزان موفقیت خود را سنجید. البته این قضیه کاملاً اثبات شده که مخصوصاً یکی دو سال اخیر که قرآن خوانده شده، روخوانی مردم و سرعت قرائت آنان خیلی بهتر شده است.

بخشی از تلاوت، سرعت عمل است، و بخش دیگر، دیدن کلمات و حرکات است. ناشی‌ترین افراد هم اگر یک سال بر این موضوع مداومت داشته باشند، در قرائت موفق خواهند بود؛ زیرا یک سری از کلمات قرآن، همیشه اعراب ثابت و یکسان دارند، مثل «الذین». بعد از یک سال روخوانی چشم مردم با این کلمات آشنا می‌شود و علاوه بر اینکه همه قرآن را خوانده‌اند، گویا یک کلاس روخوانی و روان‌خوانی و تصحیح هم برای آنها گذاشته‌اید. من در مساجدی که این کار انجام شده، شاهد چنین چیزی بودم.

اینکه برخی می‌گویند چون معنای قرآن را نمی‌دانید، تلاوت آن فایده ندارد، غلط است؛ زیرا نگاه به قرآن، بخشی از مشکلات روحی و روانی ما را درمان می‌کند؛ چه اینکه فرموده‌اند: «الْأُنْظُرْ فِي الْمَصْحَفِ مِنْ غَيْرِ قِرَاءَةِ عِبَادَةٍ».^۱ اعتقاد دارم اگر کسی به قرآن نگاه کند، همین قدر که از قرآن خجالت بکشد، دور گناه نمی‌رود.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: محافل انس با قرآن و تلاوت آن، اگر بتواند فارغ از مباحث معنوی، عقلی و منطقی، از لحاظ عاطفی قلوب ما را به قرآن نزدیک کند، تمام مشکلات جامعه اسلامی حل می‌شود.

بچه‌ای که رفته بود اردو، گم شده بود. نزد پلیس رفت و گفت: معلم‌های ما با سبب تاز دانش‌آموزان گم شده‌اند! الان برداشت ما از تلاوت قرآن درست برعکس شده است. تا اهل قرآن را می‌بینند، می‌گویند: «رُبَّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ».^۲ آخرین تشکر از یک قاری قرآن همین است. برخی می‌گویند هر کسی قرآن می‌خواند، احق است؛ قرآن خواندن را نوعی حماقت و کاری عبث و بیهوده نشان می‌دهند.

قرآن می‌گوید: «عَلِمَ أَنَّ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرَضٌ وَآخِرُونَ يُضْمِرُونَ فِي الْأَرْضِ يُنْتَعُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۳ خدا می‌داند شما سه هدف دارید؛ یا در حال کسب روزی هستید، یا در کارزار و جنگ یا در حال مریضی و استراحت. با این حال «فَأَقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ»^۴ در هر شکلی قرآن بخوانید؛ حتی در رختخواب هم قرآن بخوانید: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ».^۵ آیا قرآن، ذکر نیست.

این تعریف آسیب‌دیده و نادرست، منشأ این همه مشکلات شده است. با مصاحبه و سخنرانی و... حل نمی‌شود. مقام معظم رهبری تأکید می‌کنند ده میلیون حافظ می‌خواهیم و باید مردم ما به قدری قرآن بخوانند که بتوانند با قرآن سؤال‌اتشان را پاسخ دهند. آقامی گوید جامعه اسلامی وقتی پیشرفت می‌کند که به این درجه از آگاهی و اطلاع از قرآن برسد. دستیابی به این درجه، فقط از طریق خواندن قرآن میسر می‌شود.

من اولین کسی بودم که در سال ۸۲ این طرح را به دانشگاه تهران پیشنهاد دادم. در سایر نهادها و مساجد نیز رفته و این را پیشنهاد دادم. با همین تلاوت قرآن که یک صفحه است و به نظر بعضی‌ها کار مهمی نیست، عملاً کلاس روخوانی هم گذاشته‌ایم. آمار افراد مسلط بر خواندن قرآن ما زیاد می‌شود و کم‌کم بعد از اینکه این کلمات برای مردم آشنا شد، تجویدشان هم بهتر می‌شود. این یک صفحه خواندن، ده‌ها ثمره دارد.

“

بخشی از

تلاوت، سرعت

عمل است، و

بخش دیگر،

دیدن کلمات و

حرکات است.

ناشی‌ترین افراد

هم اگر یک سال

بر این موضوع

مداومت داشته

باشند، در قرائت

موفق خواهند

بود

”



“
در کشور ما اگر
ضرورت تلاوت
قرآن برای مردم
روشن شود،
مردم خود به
دنبال معلم قرآن
می‌روند. ولی
الان به گونه‌ای
است که معلم
قرآن به مردم
التماس می‌کند!
”

در یک نگاه آسیب‌شناسانه باید گفت کرسی جزءخوانی مورد استقبال نیست از این جهت که شور و علاقه نسبت به جزءخوانی بسیار پایین است. برای رفع این آسیب چه نظری دارید؟

بحث این آسیب، بحث فرهنگ تلاوت قرآن است که در عمق جامعه شیعی وجود ندارد. کسی برای آن اهمیتی قائل نیست و چون اهمیت قائل نیست، فرهنگ اطلاعات قرآن در این کشور، فرهنگ ناشناخته‌ای است و از خواندن قرآن تعریفی نداریم. نهایتاً تا یک جا قرآن خوانده می‌شود و می‌گویند باید به قرآن عمل کرد.

وقتی ما مومنین بفهمند برای چه قرآن می‌خوانند، دنبال اصلاح قرائت خود می‌روند. چون ارزش آن را نمی‌دانند، جذبش نمی‌شوند. حال آنکه پیغمبر روزی پنج تاده جزء قرائت می‌کردند. اینکه قرائت برای پیغمبر چه اهمیتی داشته است، برای مردم تبیین نشده است. برای ارکان مدیریت مسجد هم شناخته شده نیست. بعضی می‌گویند: قرآن بخوانند که چه شود! معنای آن را بخوانند و به آن عمل کنند.

متأسفانه قرائت در فرهنگ ما تعریف ندارد و این مسئله، باعث شده مردم دلیلی برای قرآن خواندن نداشته باشند. چون دلیلی ندارند، کلاس هم نمی‌روند؛ حال آنکه برای یادگیری کامپیوتر، هزینه هم می‌کنند.

در بحث آموزش قرآن و انس با آن شدیداً ضعف داریم.

ج: بله، حتی اهل مسجد نیز می‌گویند قرآن خواندن چه فایده‌ای دارد، وقتی معنایش را نفهمیم. امام در وصیت‌نامه‌اش به سید احمد می‌گوید: مواظب باش شیطان در تو نفوذ نکند که چون معنای آن را نمی‌دانی، نباید بخوانی. همیشه بین ما این ضعف وجود داشته که قرآن خواندن را یک کار بی‌خود می‌دانستند. این تفکر غلط باعث شده در کشور ما آمار کسانی که می‌توانند قرآن بخوانند، بسیار پایین باشد. این کار برخلاف روایات هم هست؛ امام صادق (ع) فرموده‌اند: «روزی پنجاه آیه بخوانید»^۱ و این حداقل تلاوت است.

به مسئله تعریف از قرائت و تلاوت اشاره داشتید، در این باره صحبت کنید.

به نظر من تعریف قرائت قرآن از میزان اهتمام به آن روشن می‌شود. حضرت زهرا (س) می‌فرماید: من سه چیز را در این دنیا پسندیدم، که یکی از آنها قرائت قرآن است.^۲ ما این تعاریف را تحریف کردیم و گفتیم: چون باید به قرآن عمل شود، پس نباید خوانده شود!

در واقع توصیه به عمل‌گرایی خودش یک نوع آسیب شده و موجب ترک قرائت قرآن گردیده است.

عمل کردن به قرآن یعنی عمل کردن به این آیه: «فَأَقْرءُوا مَا تَتْلُوا مِنَ الْقُرْآنِ»^۳. در بعضی کتب تفسیری گفته‌اند منظور از این آیه، یعنی نماز شب بخوانید. می‌تواند منظورش نماز شب هم باشد، ولی محدود کردن معنای آیه به این مورد، همان آسیبی است که به آن اشاره کردید؛ یعنی نفهمیدن جایگاه تلاوت قرآن.

مساجد تهران تلاوت قرآن را بیش از شهرستان‌ها پذیرفته‌اند؛ چرا که ذائقه‌شان عوض شده است. مثلاً در مجالس ختم، سعی می‌کنند قاری خوب دعوت کنند.

این فرهنگ در تهران به خاطر توجهات اندکی بوده که امور مساجد یا امامان جماعت داشته‌اند. حالا می‌شود برای مساجد قاری راتب تعیین کرد تا هر وقت ختم بود، از این قاری‌ها استفاده شود و اجازه ندهند کسی قرآن را غلط بخواند.

باید مجموعه محافل قرآنی و مساجد نیازهای همدیگر را برطرف کنند.

یکی دیگر از کارهای خیلی خوبی که در تهران و شهرستان‌ها به مرور در حال اتفاق افتادن است، اختصاص جایگاه مناسب به تلاوت قرآن در جلسات است. این گونه نیست که قرآن بخوانند تا سخنران بیاید یا جمعیت جمع شود. قرآن اصلی‌ترین جایگاه را دارد. بر اثر این اتفاقات، تلاوت قرآن برای مردم مهم می‌شود.

اولین نفری که این برنامه را اجرا کرد، حجت الاسلام شیخ حسین انصاریان بود. حدود شصت هیئت در مساجد بزرگ تهران، تلاوت قرآن را در زمان گل برنامه می‌گذارند. به نظر من از این نظر پیشرفت خیلی زیادی داشته‌ایم.

بنابر این باید برنامه‌ای داشته باشیم که طی آن صرفاً خود قرائت قرآن به عنوان یک امر فرهنگی نهادینه‌سازی شود.

وقتی مردم انگیزه کاری را ندارند، قانون‌گذاری و رفتار بخشنامه‌ای فایده‌ای ندارد. وقتی مردم اهمیت قانون‌گرایی را فهمیدند، نیاز نیست جریمه‌شان کنید. به جز عده اندکی، بقیه تابع هستند. اما چرا مثلاً ترافیک در کشور ما درست نمی‌شود؟ آیا مردم ما آدم‌های بدی هستند؟ نه، هنوز به ضرورت و اهمیت آن پی نبرده‌اند. ولی برای کشورهای اروپایی اهمیت دارد. ما این کار را نمی‌کنیم و آموزش نمی‌دهیم؛ فقط می‌گوییم: مردم رعایت کنید.

در کشور ما اگر ضرورت تلاوت قرآن برای مردم روشن شود، مردم خود به دنبال معلم قرآن می‌روند. ولی الان به گونه‌ای است که معلم قرآن به مردم التماس می‌کند!

چگونه می‌توان در قرائت قرآن از بین نوجوانان استعدادیابی کرد؟ چه راهکارها و روش‌هایی برای این مسئله پیشنهاد می‌کنید؟

گام نخست، سپردن جایگاه تلاوت و کارسپاری در مساجد به نوجوانان است. نوجوانان زیر شانزده سال که یک صفحه در روز قرآن می‌خوانند، از بسیاری از انحرافات مصون هستند. نوجوانان دغدغه خاصی ندارند، لذا یک امام جماعت می‌تواند از آنها بهترین استفاده را بکند و به آنها

✍️ در منشور مسجد جایگاه امام جماعت در صدر هرم کار مسجدی قرار دارد.

اما اکنون این گونه نیست. چون در مسجد حضور ندارد. امام جماعت باید صبح تا شب در خیابان راه برود و به سؤالات مردم پاسخ دهد، کاری غیر از این ندارد. از امام جماعت نباید چیز دیگری بخواهیم.

✍️ برنامه قرائت چه تأثیری در ارتقا آموزش مردم داشته است؟ با ابزارهای موجود چطور این آموزش بهینه می شود؟

کار چندانی انجام نشده است. چند کاری هم که انجام شده، با اهتمام شخصی بوده است. تلاوت روزانه قرآن یکی از اتفاقات خوبی بود که باز هم از اشخاص شروع شد. از شبکه ۳، تلاوت روزانه جزء خوانی حرم قم پخش شد و مردم پاسخ مثبت دادند، متقاضی شدند و خیلی تشکر کردند. این تشکر حرکتی را ایجاد کرد.

✍️ برای کیفی سازی جزء خوانی مسجدی در ماه رمضان چه راهکاری پیشنهاد می کنید؟

به نظر من همه چیز به قاری بستگی دارد. برای مثال جزء خوانی حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها)، با صدای خوب آقای احمد دباغ می تواند انقلاب ایجاد کند. اولین بار که صدای آقای دباغ را از تلویزیون شنیدم، با اینکه قاری حرفه ای هستم و هر کسی نمی تواند من را تحت تأثیر قرار دهد، آن جو و فضا و صدای زیبا، کاری کرد که دوست داشتم بنشینم و تا آخر گوش دهم. وقتی می تواند روی من تأثیر بگذارد، قطعاً روی مردم عادی تأثیر بیشتری می گذارد.

✍️ فضا سازی قرائت قرآن در مسجد چگونه باید باشد؟

فضا سازی به سلیقه های شخصی برمی گردد و مؤثر است، اما تأثیر گذاری اش اندک است. بعضی مساجد به چینش رحل هایشان هم اهتمام دارند، مثلاً رحل نو استفاده می کنند و قرآن هایشان را صحافی می کنند. یا بعضی ها قرآن ها را در دور ترین نقطه می گذارند، و برخی مساجد دور ستون های مساجد جاقرانی درست کرده اند که در دسترس باشد. همه اینها می تواند در جذب مردم تأثیر گذار باشد.

پی نوشت

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۹.
۲. محمد دشتی، نهج الحیاء، حدیث ۱۶۴.
۳. مزمل: ۲۰.
۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۶۵.
۵. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۹۱.
۶. مزمل: ۲۰.
۷. همان.
۸. آل عمران: ۱۹۱.



مسئولیت بدهد.

متأسفانه فرهنگ ما در تبلیغ بسیار پایین است. کافی است بچه ای بگوید: حاج آقا من دیشب نماز شب خواندم. اولین حرفی که به او می زنیم، چیست؟ چون به من گفتی، ریا کردی و مشرک شدی. می دانی شرک از رد شدن یک مورچه سیاه در شب تاریک از روی سنگ سیاه مخفی تر است؟

مثلاً موضوعی که به صورت جدی در جامعه امروز مطرح است، بحث لایک شدن بابت مطالب خودنگاشته در فضای مجازی است. آیا این شرک است؟ یا شرک حد و اندازه های دارد؟ چنانچه به یک نونهال که در جامعه ما جایگاهی ندارد، پدر و مادرش یا شخص دیگری، بگوید: پسرم چقدر قشنگ قرآن خواندی! آن نونهال جذب قرآن می شود و دیگر رهایش نمی کند.

چنین چیزی در مساجد ما رعایت نمی شود.

در کشور ترکیه هر مسجد دو امام دارد و هر کدام، یک روز در میان باید از نماز صبح تا نماز عشاء در دفترش باشد. امام جماعت به امور مردم و حل و فصل اختلافات آنها رسیدگی می کند. این کار کرد مسجد است. ولی در ایران این گونه نیست، زیرا امام جماعت اصلاً در مسجد حضور ندارد، فقط نماز می خواند. من به ۳۳ کشور رفته ام؛ در هیچ جا اجازه نمی دهند کسی به دیوار مسجد یک دانه میخ بکوبد.

به نظر بنده مسجد باید زیر نظر امام جماعت باشد؛ امام جماعت پادشاه مسجد است.

۶۶
در کشور ترکیه
هر مسجد دو
امام دارد و هر
کدام، یک روز
در میان باید
از نماز صبح تا
نماز عشاء در
دفترش باشند.
امام جماعت به
امور مردم و حل
و فصل اختلافات
آنها رسیدگی
می کند. این
کار کرد مسجد
است
۶

در باب چرایی و چگونگی ایجاد فضای قرآنی در مساجد

منارهای منقش به صدای قرآن

ضرورت تلاوت قرآن در مساجد

در باب ضرورت تلاوت قرآن در مساجد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «إِنَّمَا نُصِيبُ الْمَسَاجِدَ لِلْقُرْآنِ؛ مساجد را برای قرآن خواندن ساخته‌اند». بر این اساس طبیعتاً باید محور برنامه‌های مسجد، با قرآن باشد و وقتی بنا شد محوریت با قرآن باشد، لوازم و ابزار آن در مسجد فراهم شود. امام جماعت، هیئت امناء و تمام کسانی که در مسجد مجالی برای ایفای نقش دارند، باید دست به دست هم دهند و با محوریت قرآن، مسجد را اداره و سازمان‌دهی کنند و از لحاظ محتوایی غنی سازند.



حجت الاسلام
والمسلمین
سید محمد جواد
موسوی در چهای
مسجد شیخ صدوق
ره در محله ابن بابویه
شهری، مدرس و
قاری بین المللی
قرآن

امکان‌پذیر نیست، حداقل در همان ساعاتی که در مسجد باز است، سعی شود امکان تلاوت قرآن در مسجد فراهم آید تا کمال استفاده از مسجد برده شود. متأسفانه مشاهده می‌شود که در مساجد صرفاً برای نماز باز و بسته می‌شود و این خلاف شأن مسجد است. رهبر معظم انقلاب در دیدار سال گذشته با ائمه محترم جماعات فرمودند: معنای دار در مسجد در طول شبانه‌روز بسته باشد. حتی ایشان تأکید کردند که در بین ساعات روز هر کسی خواست وارد مسجد شود، باید در مسجد باز باشد تا بتواند نمازش را در مسجد بخواند. اگر بنا شد در مسجد باز باشد، نمی‌توان بدون برنامه و سوت و کور آن را رها کرد. طبق فرمایش پیامبر که «إِنَّمَا نُصِيبُ الْمَسَاجِدَ لِلْقُرْآنِ» می‌توانیم از این ساعات بهترین استفاده را برای ترویج مباحث قرآنی بکنیم.

پیشنهاد ویژه

مساجد پیش از هر وقت شرعی به جای اینکه از رادیو تلاوت قرآنی پخش شود، تلاوت زنده و مستقیم از داخل مسجد طی یک برنامه منظم هفتگی توسط قاریان خوش‌صوت و لحن پخش شود.

نمونه داخلی

این طرح را در شهر ری بیش از ده سال است که اجرایی کرده‌ایم. در حرم حضرت عبدالعظیم طرح تلاوت زنده هنگام اذان انجام می‌شود و قاریان نیم‌ساعت یا سه ربع پیش از اذان در مسجد حاضر می‌شوند و در حضور مردمی که برای گوش دادن به ندای قرآن زودتر به مسجد می‌آیند، به تلاوت قرآن می‌پردازند. وضعیت باید به گونه‌ای باشد که مانند استقبال جامعه برای گوش سپردن به سخنرانی فلان سخنران، مردم از تلاوت زنده و مستقیم قرآن در مساجد نیز استقبال کنند؛ نه اینکه منتظر باشند محفل خاصی تشکیل شود و یک قاری مطرح دعوت گردد.

نمونه خارجی

کشور مصر که به لحاظ قرآنی و توجه به کتاب خدا جزء کشورهای موفق محسوب می‌شود، از همین نظام قرائت مسجدی به چنین موفقیت‌هایی رسیده و وقتی از قاریان مصری سؤال می‌شود که شما به چه کاری مشغولید؟ بسیاری از آنها می‌گویند: من قاری فلان مسجد هستم.

وضعیت فعلی اهتمام به قرآن در مساجد

در کشور مساجدی هستند که ائمه جماعات آنها اصرار خوبی بر حضور قرآن در متن برنامه‌های خانه خداوند دارند؛ اما به طور کلی نقش قرآن در مساجد کشور خیلی کم‌رنگ است و در حد مطلوب نیست.

مؤلفه‌های مسجد قرآنی

از جمله کارهای قابل انجام، بحث جزء خوانی در مساجد است که خوشبختانه چند سالی است در کشور آغاز شده و هر شب ادامه دارد و حتی در بعضی از مساجد، هر وعده آن را انجام می‌دهند. این حرکت برکات خوبی داشته و بسیاری از اهالی مسجد را جذب قرآن کرده است. این فرایند با تمام موفقیت‌هایش، می‌تواند بهتر از این انجام پذیرد که در ادامه به عواملی اشاره می‌شود که در این زمینه کمک‌کننده است.

۱. تلاوت زنده قرآن به جای تلاوت از رادیو

در مساجد باید برای تلاوت قرآن در طول شبانه‌روز باز باشد و اگر به صورت شبانه‌روزی



نگاه

“وضعیت باید به گونه‌ای باشد که مانند استقبال جامعه برای گوش سپردن به سخنرانی فلان سخنران، مردم از تلاوت زنده و مستقیم قرآن در مساجد نیز استقبال کنند”



این فرایند به گونه‌ای است که می‌توان گفت که در مساجد کشور مصر دو روحانی حضور دارد: یکی آن که اقامه نماز می‌کند و دیگری آن که قرآن می‌خواند.

۲- کاشی‌کاری قرآنی

یکی از نکاتی که در تزئینات و کاشی‌کاری‌های مساجد می‌تواند لحاظ شود، همین حدیث شریف نبوی «إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ» است که بار معنایی فراوانی دارد و می‌توان از این طریق به تمام اهل مسجد هر لحظه یادآوری کرد که مسجد جایگاه قرآن است.

۳- کرسی تلاوت

کرسی تلاوت از برگزاری کلاس آموزشی مهم‌تر است و چنانچه کرسی تلاوت هر روزه در مسجد با تلاوت تحریر مجلسی انجام شود، می‌تواند به رواج فرهنگ قرآنی و قرآن‌محوری در مساجد کمک کند. اگر امام جماعت مسجد بتواند یعنی یک صندلی ویژه و البته چنانچه بشود یک منبر مخصوص تلاوت منقوش به آیات قرآن تهیه کند، به ایجاد تصویر حقیقی جایگاه قرائت‌کننده قرآن و خود قرآن در مسجد کمک شایانی کرده است.

۴- تفسیر آیات توسط امام جماعت

جهت جذاب‌سازی جلسات، برای مستمعان کرسی‌های قرآنی، آیات مشخص باشند، و بخشی از این آیات توسط امام جماعت محترم توضیح، ترجمه و تفسیر شود تا مردم معنای آن را بفهمند.

۵- سیستم صوت و تصویر

سیستم صوتی و تصویری مناسب و باکیفیت، همچون مانیتور جهت نمایش آیات، باعث جذابیت تلاوت قرآن در مساجد می‌شود.

۶- حضور امام جماعت

مردم در مسجد، خواه یا ناخواه، نگاه یا توجهشان به امام جماعت است.

مردم در همه چیز به امامشان اقتدا می‌کنند؛ لذا وقتی امر پسندیده و حسنه‌ای مثل قرائت قرآن در مسجد اجرا می‌شود، امام جماعت باید در مسجد حضور پررنگی داشته باشد. حتی اگر تخصص بالای قرائت قرآن ندارد، مدیریت جلسه را بر عهده بگیرد. حضور امام جماعت به فرایند جذاب‌سازی مراسم برای نوجوانان و جوانان کمک می‌کند.

۷- حلقه قرآنی

امام جماعت می‌تواند با حضور جوانان مسجدی به مدت چهل تا چهل و پنج دقیقه در مسجد حلقه قرآنی تشکیل دهد. حالت مطلوب آن است که امام جماعت خودش متخصص قرائت قرآن باشد. در غیر این صورت، یک استاد یا یک مربی را دعوت کند تا قرائت قرآن جوانان مسجدی ارتقا یابد و ذیل این برنامه، امام جماعت آیاتی را برگزیند و در پنج دقیقه توضیح، تفسیر، ترجمه و مفاهیم آن را بیان کند.

۸- مشوق‌های قرآنی

برگزاری مسابقات قرآنی در مسجد و در نظر گرفتن جوایز برای کودکان و نوجوانان و حتی جوانان می‌تواند عامل جذابیت و انگیزه‌ای باشد که منجر به بر جسته شدن نقش قرآن در مسجد شود. این مسابقات می‌تواند در قالب سؤالی قرآنی باشد که هر شب طرح و جایزه‌ای برای آن در نظر گرفته می‌شود؛ یا اعلام عامی باشد برای انجام مسابقه‌ای در انتهای ماه و...

۹- بهبود کیفیت قرائت نماز با قرآن

یکی از معضلات جامعه مؤمنان غیر عرب و به طور خاص جامعه ما، بحث قرائت نماز است. ائمه جماعات عموماً قرائت‌های نمازشان معمولی است و قرائت تجویدی و با ترتیل نیست. ائمه جماعات می‌توانند برای بهبود کیفیت قرائت خود و سایر نمازگزاران، بخشی از کلاس قرائت قرآن را به تجوید الصلاة اختصاص دهند. قرائت قرآن مستحب است، اما قرائت صحیح نماز واجب است و آموزش آن باید به‌طور مستمر در سال ادامه داشته باشد تا نتیجه مطلوب حاصل شود.

قرآن بخوان، ماهی جایزه بگیر

قرائت یک صفحه از قرآن با رعایت تجوید، بعد از نماز جماعت و تفسیر آیات انتخاب شده، می‌تواند در توسعه فرهنگ اسلامی جامعه تأثیر گذار باشد.

جزء خوانی سحرهای ماه مبارک رمضان (نمایش ایده)
هر روز بعد از نماز صبح - یعنی بین الطلوعین که خوابیدن در این ساعت از روز، پسندیده نیست - محفل انس با ثقلین در مسجد برپا و یک جزء از قرآن قرائت می‌شود.

جلسات تفسیر مسجد (نمایش ایده)

برگزاری دوره‌های هفتگی و منظم تفسیر قرآن در مسجد، بعد از نماز مغرب و عشاء.

جلسات ختم قرآن در منزل همسایگان مسجد (نمایش ایده)

برگزاری دوره‌ای و منظم جلسات ختم قرآن در منزل همسایگان مسجد.

ایده‌های مهارتی قرآنی

طرح بدین صورت است که غرفه‌ای مهیا شده که در آن آکواریومی پر از ماهی قرمز باشد. فضاسازی غرفه با مواردی نظیر قرآن، رحل، ماهی قرمز، سفره هفت‌سین و... به صورت جذاب شکل گیرد. در محیط غرفه نیز تواشیح قرآنی زیبا یا قرائت‌های ناب نوجوانان مثل تلاوت نوجوان قرآنی آقای سید طه حسینی، به صورت صوتی یا تصویری، بسته به امکانات و وضعیت، پخش شود. یک یا چند نفر خوش‌برخورد و خوش اخلاق مسئول صحبت با نوجوانان و آزمون گرفتن از آنها باشند. کودکان و نوجوانان، به انتخاب خود بخشی از قرآن را قرائت یا از حفظ بخوانند و مسئول مربوطه به عنوان هدیه و تشکر، به آنان یک یا چند ماهی قرمز هدیه دهد.

طرح سراسری تلاوت نور (نمایش طرح)

۶۶
مردم در همه چیز
به امامشان اقتدا
می‌کنند؛ لذا وقتی
امر پسندیده و
حسنه‌ای مثل
قرائت قرآن
در مسجد اجرا
می‌شود، امام
جماعت باید در
مسجد حضور
پررنگی داشته
باشد

پی‌نوشت

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۳.

منبر دراماتیک

حسین
حبیبی

قرآن پر است از تمثیل و داستان‌های گوناگون. اما به‌طور کلی، کودکان و نوجوانان بیشتر دوست دارند تفریح کنند تا بشنوند و یاد بگیرند. این ویژگی آنان، معمولاً مربیان را کلافه می‌کند. ولی مربی زیرک به‌خوبی از آن استفاده می‌کند. «هنر تئاتر» امروز می‌تواند به‌عنوان یک ابزار تبلیغی مورد استفاده قرار گیرد. یک نمایش بسیار ساده، گاهی می‌تواند بیشتر از یک سخنرانی برای کودکان و نوجوانان جذاب و مؤثر باشد. ضمن اینکه مفاهیم در ذهن ماندگارتر می‌شوند و مطالب بهتر برایشان جامی افتد. به‌راحتی و با کمترین امکانات، و با استفاده از خود بچه‌ها، می‌توان یک نمایش دینی ساخت؛ بدون محدودیت مکان و حتی در نمازخانه مدرسه یا مسجد محله.

از آنجایی که مهم‌ترین بخش تئاتر، «نمایش‌نامه» یا همان متن نمایشی است، نکاتی را جهت آشنایی مختصر با شیوه‌های نگارش آن برایتان آماده کرده‌ایم.

می‌تواند باشد: فرد علیه فرد، فرد علیه جامعه، فرد علیه خود، فرد علیه طبیعت یا فراطبیعت.

۳. «شخصیت» های داستان مهم نیست که واقعی باشند یا تخیلی؛ مهم این است که به نظر خواننده معقول و باور کردنی باشد. شخصیت‌ها، حتی اگر عجیب و غریب باشند، باید با گفتار و رفتار مستدل به مخاطب شناسانده شوند و او را مجبور به پذیرفتن کنند. منظور از پذیرفتن صرفاً مورد قبول بودن اعمال و رفتار «شخصیت» نیست؛ بلکه حتی چنانچه مخاطب با شخصیت مخالف است، باید او را به‌عنوان شخصیتی واقعی - حتی غیر قابل قبول - بپذیرد و رفتارها و گفتارهای او را با انگیزه و معقول به حساب آورد.

۴. «درون‌مایه»: رادر حقیقت می‌توان «مضمون» داستان به حساب آورد. به‌طور کلی می‌توان گفت درون‌مایه هر داستان، جواب این پرسش است: «از این داستان چه چیزی یاد گرفتید؟». از این حیث «درون‌مایه» با «موضوع» کاملاً متفاوت است. دو داستان ممکن است دارای موضوعی یکسان با درون‌مایه‌های مختلف باشند. برای مثال موضوع دو داستان می‌تواند «دروغ‌گویی» باشد، اما درون‌مایه یکی «دروغ‌گویی انسان را به‌انزوا می‌کشد» باشد و دیگری «دروغ‌گو

مهم‌ترین بخش نمایش‌نامه، «داستان» است. منابع دینی ما سرشار است از داستان‌ها و تمثیل‌های مختلف و آموزنده. اما یک داستان خوب اگر می‌خواهد جذاب باشد و مخاطب را وادار به «دنبال کردن» کند، باید چهار عنصر اصلی را در خود داشته باشد:

۱. «پیرنگ»: شالوده طرح است. اتفاقات داستان لزوماً به‌واسطه رابطه علی و معلولی به‌هم پیوند خورده و با «الگو» مرتب شده‌اند. اگر بخواهید صفحه حوادث روزنامه را به پیرنگ تبدیل کنید، باید برای آنها «انگیزه» درست کنید. از اینجا تفاوت «داستان» و «پیرنگ» معلوم می‌شود. «سلطان‌مرد و سپس ملکه‌مرد» داستان است؛ اما «سلطان‌مرد و سپس ملکه به‌خاطر غم از دست‌دانش‌مرد» پیرنگ و طرح است.

۲. «کشمکش»: تقابل دو نیرو یا دو شخصیت است که حوادث داستان از آن نشئت می‌گیرد. وقتی شخصیت اصلی تصمیم به انجام کاری می‌گیرد و بدون هیچ مانعی آن را انجام می‌دهد، داستانی نداریم که مخاطب آن را با علاقه دنبال کند. مخاطب زمانی می‌تواند با شخصیت «همذات‌پنداری» کند که شاهد تقابل او با نیروهای مخالف، و برداشتن موانع توسط او باشد. کشمکش به چند حالت



نگاه

“

«درون‌مایه»:

رادر حقیقت

می‌توان

«مضمون»

داستان

به حساب آورد.

به‌طور کلی

می‌توان گفت

درون‌مایه هر

داستان، جواب

این پرسش

است: «از این

داستان چه

چیزی یاد

گرفتید؟»

”



۶۶
امام جماعت، هر هفته سوره‌های را انتخاب و در رکعات دوم نماز قرائت می‌کند تا زمینه‌آشنایی مردم با سوره‌ها فراهم شود. توصیه می‌شود نماز گزاران همین سوره‌ها را در بازه زمانی مشخص، حفظ کنند و به منتخبان جوایزی اعطا گردد

آورده‌اید.

به پادشاه بر می‌خورد و خودش را جمع می‌کند.
پادشاه: یعنی تو فکر می‌کنی خدای تو، از من هم قوی‌تر است؟
جوان: خدای من خالق آسمان‌ها و زمین است.
پادشاه: خب من هم خالق این قصر هستم! به دستور من صدها قصر دیگر ساخته می‌شود.

جوان: مرگ و زندگی تمامی موجودات به دست خدای من است.
پادشاه: مگر ما برگ چغندریم؟ ... (با صدای بلند) جلا! جلا!
جلاد: با عجله وارد صحنه می‌شود ...

جلاد: بله قربان!

پادشاه: همین الان برو نیمی از زندانیان را بکش، و نصف دیگرشان را آزاد کن.

جلاد: چشم قربان!

جلاد خارج می‌شود، جوان لحظه‌ای به فکر فرو می‌رود.
پادشاه: (با تمسخر) ببینم قدرت‌های خدایت ته کشیده؟
جوان: خدای من هر روز صبح، خورشید را از مشرق بیرون می‌آورد و در مغرب فرو می‌برد، اگر راست می‌گویی فردا خورشید را از مغرب بیاور و از مشرق ببر!
وزیر با تأمل نگاهی به پادشاه می‌اندازد، پادشاه کمی این پا و آن پا می‌کند.

پادشاه: اصلاً دوست نداریم، مشرقش قشنگ‌تر است ... (رو به وزیر) چرا این طور به من نگاه می‌کنی؟ بدهم جلاد پوستت را قلفتی بکند؟ اصلاً مگر نگفتم راهش نده؟ حتماً باید این طور ما را ضایع کند؟
وزیر: قربان خودتان ...

پادشاه: ساکت، روی حرف من حرف می‌زنی؟ ... وایستا ببینم پادشاه بلند می‌شود و دنبال وزیر می‌کند، وزیر از صحنه خارج می‌شود، پادشاه هم، جوان نیز با آرامش صحنه را ترک می‌کند.
«بقره: ۲۵۸».

برای اجرای آسان این نمایش، فقط یک صندلی برای نشستن پادشاه، و یک تاج مقوایی کافی است. همچنین می‌توان با مازیگ بر روی صورت بچه‌ها ریش و سبیل طراحی کرد.

کم حافظه است و به زودی رسوا می‌شود».

وقتی دانستید چه می‌خواهید بنویسید، دست به کار شوید. ابتدا در بالای صفحه «شرح صحنه» بنویسید. در صحنه چه وسایلی وجود دارد؟ کدام یک از شخصیت‌ها الان در صحنه هستند؟ در حال انجام چه کاری هستند؟ بعد از اینها نوبت به نوشتن «دیالوگ» یا همان «گفتگو» می‌رسد. دیالوگ هر شخصیت را مقابل نامش بنویسید. به یاد داشته باشید که مهم‌ترین نکته‌ای که باعث می‌شود نمایش نامه شما «باورپذیر» یا طبیعی باشد، همین گفتگوهاست. سعی کنید گفتگوها یکنواخت و مختصر و مفید باشند. اگر فضا اجازه می‌دهد، کمی چاشنی طنز هم به آن اضافه کنید.

در ادامه برای نمونه، نمایش نامه‌ای کوتاه برگرفته از یکی از آیات قرآن برایتان آماده کرده‌ایم.

آدم‌ها: پادشاه، وزیر، جوان، جلاد

نمای داخلی یک قصر؛ یک صندلی که پادشاه روی آن نشسته و وزیر کنار او ایستاده ...

وزیر: قربان مگر خودتان پی‌اش نفرستاده بودید؟

پادشاه: بگذار مقداری زیر پایش علف سبز شود تا حساب کار دستش بیاید.

وزیر: چشم قربان

چند لحظه بعد

پادشاه: حوصله‌مان سر رفت؛ بگویند بیاید.

وزیر اشاره‌ای می‌کند؛ جوانی داخل می‌شود، مقابل شاه می‌ایستد، اما تعظیم نمی‌کند.

جوان: سلام بر پادشاه این سرزمین!

پادشاه: (آرام، رو به وزیر) این چرا تعظیم نمی‌کند؟

وزیر: (به آرامی) گفته بودم قربانت گردم، او زبانم لال، شما را خداوندگار این سرزمین نمی‌داند؛ می‌خواهید جلاد را خبر کنم؟

پادشاه: لازم نکرده، خودم نشان می‌دهم. (رو به جوان) ببینم جوان، شنیده‌ام خدای جدیدی برای مردم من آورده‌ای؟

جوان: خدای من از قدیم بوده است، این شما هستید که خدای جدید

ایده‌های مهارتی قرائتی

حفظ قرآن با نماز

دستاوردهای ایده:

آشنایی هر چه بیشتر با سوره‌های قرآن

توضیح تفصیلی:

در این ایده امام جماعت، هر هفته سوره‌ای را انتخاب و در رکعات دوم نماز قرائت می‌کند تا زمینه‌آشنایی مردم با سوره‌ها فراهم شود. توصیه می‌شود نماز گزاران همین سوره را در بازه زمانی مشخص، حفظ کنند و به منتخبان جوایزی اعطا گردد.

بایدها:

اولویت با نوجوانان باشد.

خانه ایده‌ها حفظ قرآن با نماز

ایده پرداز: رضا بهبودی

توضیح اجمالی:

سوره‌هایی که در نماز خوانده می‌شود، حفظ شود.

مکان اجرای ایده: داخل مسجد (شبستان)

مجری: امام جماعت

مخاطب: عموم نماز گزاران، دانش آموزان، کودکان

مسئله: آشنایی هر چه بیشتر با سوره‌های قرآن

محفل قرآنی قانونمند

برگزاری محافل قرآنی از چینش رحل گرفته تا استعدادیابی

انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی، با اتکا به نیروهای انقلابی، متدین و آگاه آغاز گشته و تداوم خط مشی و نیل به اهداف خود را نیز در تربیت و رشد چنین نیروهایی می بیند. ارزش های دینی و انقلابی باید نسل به نسل انتقال یابد تا زیر ساخت های فکری و انسانی انقلاب و نظام تقویت شود. بیشتر مبارزان انقلابی پیرو خط امام، شهدا و رزمندگان هشت سال دفاع مقدس از میان مساجد و جلسات قرآن برخاسته اند؛ لذا ضرورت دارد این روند تداوم یافته و نقش انسان سازی و سنگر بودن مساجد حفظ شود. از آنجایی که سازمان های رسمی در تربیت نسل های آینده به اهداف مطلوب خود نایل نشده اند، این وظیفه جوان های دغدغه دار و متعهد است که کوله بار خطیر انتقال ارزش های دینی به نسل های آینده و اصلاح فرهنگ جامعه را به عهده گیرند.

تشکیل جلسات قرآن در مساجد، بستری است که در قالب آن می توان با تربیت نسل آینده در مساجد، بنیان های دینی و انقلابی کشور را حفظ کرد و تداوم بخشید.



حجت الاسلام
امام زاده
امام جماعت مسجد
مسجد علی بن
ابیطالب علیه السلام



نگاه

ضرورت اجرا

نکات زیر ضرورت و اهمیت این طرح را نشان می دهد:

۱. هدف اصلی و نقطه تمرکز اهداف تهاجم فرهنگی غرب و دشمنان

اسلام و ایران، تضعیف بنیان های اعتقادی و اخلاقی نوجوانان و نسل آینده کشور است. به عبارت دیگر، غرب تلاش می کند با تغییر هویت نسل های آینده و دور کردن آنها از تعهدات دینی و اخلاقی، به تدریج

برگزاری جلسات عمومی قرائت قرآن با هدف انس با معارف و مفاهیم قرآنی

ایده های مهارتی قرآنی

در این راستا اجرا کرده که در نهایت توانسته یکی از بزرگ ترین مجامع قرآنی شهر را پایه گذاری نماید.

ایده ها

قرائت قرآن در فضای آزاد

یک امتیاز مهم این مراسم، برگزار شدن آن در فضای عمومی، به ویژه فضای سبز است. با توجه به اینکه در فصل گرم، بیشتر مردم افطار خود را علاوه بر مساجد، در فضای سبز نیز صرف می کنند، این امر توانسته زمینه اولیه را جهت جلب مخاطب فراهم آورد. نورپردازی و تنظیم آب نمای میدان جهت تلطیف فضا، همچنین پهن کردن فرش ها جهت نشستن در فضای سبز، از دیگر اقدامات جهت فضا سازی جلسه بوده است.

قرائت در فضای آزاد می تواند یکی از زمینه های لازم جهت برگزاری جلسات عمومی و بهره مندی مردم باشد یا بهتر بگوییم، این اقدام مصداق عینی فرمایش مقام معظم رهبری است با این عنوان که: «قاریان قرآن بخوانند، مستمعین گوش کنند».

تربیت قاریان نوجوان

یکی دیگر از خصوصیات این جلسه، استفاده از قاریان حافظ نوجوان جهت قرائت قرآن در حضور عموم است. بیشتر مردم صدای قاریان نوجوان را دوست دارند و از آن استقبال می کنند. علاوه بر اینکه قرائت در حضور مردم به نوجوانان اعتماد به نفس بخشیده و موجب تشویق

توضیح تفصیلی

در هزار و چهارصد و سی و هفتمین بهار قرآن، ماه رمضان، یکی از میادین بزرگ و مرکزی شهر کاشان، شاهد برپایی مجمع قرائت قرآن گسترده ای است که میزبان صدها نفر از مردم جهت برپایی قرائت قرآن و مراسم جزء خوانی است. این مراسم که از رمضان سال گذشته آغاز شد، توانست به مرور زمان مخاطبان خویش را جذب کند و نسبت به سال گذشته، از حضور گسترده مردمی برخوردار باشد.

نکته مهمی که در این مراسم وجود دارد، عملی شدن فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر ترویج جلسات قرآنی در دیدار با قاریان برجسته کشور است. این اقدام خودجوش شاید یک سال زودتر از این دیدار رقم خورده، اما در همین مدت اندک توانسته جایگاه ویژه ای بین مخاطبان خود به دست آورد.

بعد از افطار، به میدان مرکزی شهر که می رسی، جمعیت بزرگی از مردم را می بینی که در ردیف های منظم، کنار رحل های قرآن نشسته و مشغول قرائت قرآن هستند. بسیاری از مردم هم به طور خانوادگی حضور یافته و در فضای سبز اطراف میدان، نشسته و قرآن به دست این جمع را همراهی می کنند. صدای روح بخش قرائت قرآن توسط قاریان نوجوان، در میدان و تمامی خیابان های اطراف به گوش می رسد و هر لحظه مخاطبان بیشتری را به خود جذب می کند. این مراسم که به همت مؤسسه قرآنی امیرالمؤمنین (ع) کاشان برگزار شده، ایده هایی را

“
بیشتر مردم
صدای قاریان
نوجوان را
دوست دارند و
از آن استقبال
می کنند. علاوه بر
اینکه قرائت در
حضور مردم به
نوجوانان اعتماد
به نفس بخشیده
و موجب تشویق
ایشان می شود
”



۲. مسجد نهادی فرهنگ‌ساز و انسان‌ساز برای انقلاب، دین و نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود و نقش محوری آن در هشت سال دفاع مقدس و حفظ فرهنگ دینی جامعه غیر قابل انکار است. از صدر اسلام تاکنون مساجد محلی برای تعلیم و تعلم تربیت انسان‌ها و رفع

و طی یک فرایند مرحله‌ای، موجبات تزلزل و تخریب درونی نظام جمهوری اسلامی را فراهم آورد؛ لذا وظیفه داریم با برنامه‌ریزی دقیق، هدمند و تدریجی برای نوجوانان و جوانان، توطئه‌های دشمنان را خنثی سازیم.

ایشان می‌شود. همچنین استادان قرآنی به‌عنوان ناظر در این جلسه حضور یافته و ضمن نظارت بر قرائت‌ها، اشتباهات را اصلاح می‌کنند.

صندوق صدقه فرهنگی

از دیگر ایده‌های این مراسم قرار دادن صندوق صدقات فرهنگی در بخش‌های مختلف میدان است. هدف از قرار دادن این صندوق‌ها، جمع‌آوری کمک‌های مردمی جهت تأمین هزینه حفظ و قرائت قرآن برای نوآموزان قرآنی است. مؤسسه امیرالمؤمنین (ع) شهر کاشان، سابقه بلندی در تربیت حافظان قرآن و نهج البلاغه، و برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی متعددی در کارنامه خود دارد.

غرفه نقاشی برای بچه‌ها

در گوشه‌ای از میدان، غرفه‌ای برای بچه‌ها تدارک دیده شده است که در آن، نقاشی و رنگ‌آمیزی طرح‌های قرآنی و داستان‌های دینی انجام می‌شود و مربیانی جهت کمک به بچه‌ها در آنجا حضور دارند. بیشتر طرح‌ها تصویرهایی از داستان‌های انبیاء، ائمه (ع) و وقایع تاریخی است. از کودکان خواسته شده در گوشه رنگ‌آمیزی خود نام و شماره تلفن خود را یادداشت نمایند تا به قید قرعه جوایز فرهنگی دریافت نمایند.

خیمه زینبیه

در حاشیه مراسم، خیمه‌ای با عنوان «زینبیه» برپا شده است که برنامه‌های فرهنگی جلسات را حمایت و پشتیبانی می‌کند. یکی از این برنامه‌ها، معرفی کتاب‌های شاخص و برگزیده سال، به‌ویژه کتبی است که مقام معظم رهبری بدانها اشاره داشته یا به خواندن آن سفارش نموده‌اند. از دیگر برنامه‌ها، نصب تابلوهای تصویری است که به شرح اهم مسائل داخلی و خارجی روز پرداخته و به‌عنوان نمایشگاهی کوچک و نیابتی بصیرت‌افزایی می‌نماید. حضور روحانیون و پاسخگویی به مسائل شرعی

و احکام، از دیگر تدارکات این خیمه است. در گوشه خیمه هم ثبت‌نام کلاس‌های قرآنی و معرفتی انجام می‌گیرد.

جایگاه قرآنی

از مهم‌ترین ایده‌های این مراسم برپایی جایگاه ویژه و برجسته قرآن در نقطه مناسبی از میدان جهت قرائت قرآن است؛ به طوری که تمامی حاضران می‌توانند به‌خوبی قاریان را مشاهده و از مراسم استفاده نمایند. همچنین از مانیتورهای بزرگ هم در حاشیه مراسم جهت پخش عمومی بهره برده شده است. ستادی از بانوان و آقایان ناظر در مراسم هم ایجاد شده که جمعیت را به سوی جایگاه راهنمایی می‌کنند و بر حفظ نظم مراسم می‌کوشند.

پشتوانه نظری مقام معظم رهبری (حفظه الله)

یکی از کارهایی که خیلی خوب است در کشور انجام بگیرد - البته کم و بیش هست، قبل از انقلاب هم به یک شکلی بود؛ بعد از انقلاب البته بهتر است و به یک شکل بهتری وجود دارد، لکن باید رواج پیدا کند - این است که ما جلسه تلاوت قرآن داشته باشیم. قبل از انقلاب جلسه دوره و قرآن داشتیم. بنده خودم آن وقت‌ها چندین جلسه این جوری تشکیل می‌دادم و حضور پیدا می‌کردم و دیده بودم و شرکت کرده بودم؛ آن منظور نیست؛ آن جلسات برای تعلیم قرآن بود؛ یکی یکی می‌خواندند، تعلیم پیدا می‌کردند. منظور از جلسه تلاوت قرآن این است که جلسه‌ای تشکیل بشود، افراد حاضر بشوند، قاری قرآن بنشیند آنجا یک ساعت - کمتر یا بیشتر - قرآن بخواند؛ مستمعین [هم] فقط برای شنیدن قرآن بیایند آنجا بنشینند؛ بیایند بنشینند و قرآن را بشنوند. این خیلی مؤثر است. این از خواندن خود انسان هم در مواردی تأثیرش بیشتر است. بیانات رهبری در محفل انس با قرآن کریم، ۹۵/۳/۱۸.

۶۶
منظور از جلسه تلاوت قرآن این است که جلسه‌ای تشکیل بشود، افراد حاضر بشوند، قاری قرآن بنشیند آنجا یک ساعت - کمتر یا بیشتر - قرآن بخواند؛ مستمعین [هم] فقط برای شنیدن قرآن بیایند آنجا بنشینند



مشکلات جامعه و مردم بوده‌اند. این نقش که تا حدودی مغفول مانده است، باید دوباره احیا گردد تا مسجد به سنگر حفظ دین و فرهنگ اسلامی تبدیل شود.

۳. فعالیت‌های فرهنگی و قرآنی برای جوانان و نوجوانان با روش‌ها و قالب‌های متفاوت در تهران اجرا شده و در حال حاضر نیز اجرا می‌شود، اما هر کدام به آفاتی دچار شده و مطلوبیت لازم را به دست نیاورده‌اند. نهادهایی مانند سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، کانون‌های فرهنگی مساجد، کانون‌های فرهنگی - هنری شهرداری و امور مساجد در جهت تداوم ارزش‌های دینی و ترویج فرهنگ اسلامی در مساجد و محلات فعالیت کرده‌اند، اما توفیق لازم را کسب نکرده‌اند. لذا طرحی باید اجرا شود که آفات طرح‌های گذشته را نداشته باشد.

اصول

با توجه به رفع نقائص روش‌های گذشته و ارائه طرحی جامع و مانع برای پرورش نسل آینده، روش حاضر شامل اصول زیر است:

۱. **استمرار:** جلسات قرآن باید در تمام طول سال دایر باشند و این روند را تا حداقل سه سال تداوم بخشند. دوره کوتاه یک‌ماهه امتحانات درسی پایان نیمسال دانش‌آموزان، تنها مقطعی است که طی آن فعالیت‌های معمول جلسه متوقف و کلاس‌های کمک‌درسی جایگزین می‌شود.

۲. **همه‌جانبه بودن:** جلسات قرآن باید اعضای خود را همه‌جانبه تعلیم و پرورش دهند و یک‌جانبه‌گرایی و تک‌محوری بودن موضوعات آموزشی غیر قابل قبول است. در نتیجه از منظر آموزشی، تمام معارف اسلامی و قرآنی و تمام اصول اخلاقی و اعتقادی مورد نیاز مخاطبان باید به ترتیب اولویت، با برنامه‌ریزی و به تدریج در جلسات مطرح شود.

۳. **تقدم تزکیه بر تعلیم:** جلسات قرآن باید اولویت را تربیت نیروی انسانی دینی اخلاقی و عملی اعضای خود قرار دهند و سپس به برنامه‌ریزی آموزشی و تشکیل کلاس‌های رسمی اهتمام ورزند. در این

چارچوب مسئول جلسه قرآن صرفاً وظیفه تنظیم و تشکیل کلاس‌ها و اداره جلسه را ندارد؛ بلکه وظیفه اصلی وی توجه به یکایک اعضای جلسه از لحاظ اخلاقی، خانوادگی، دینی و درسی است تا تحت تربیت صحیح عملی قرار گیرند.

۴. **تفکیک مقطع سنی:** جلسات قرآن در چهار مقطع دایر می‌شود: (الف) سوم تا پنجم ابتدایی؛ (ب) نوجوانان: اول تا سوم راهنمایی؛ (ج) جوانان: اول تا سوم دبیرستان؛ (د) دانشجویان و جوانان بالاتر از دیپلم. تفکیک مقاطع سنی موجب می‌شود آموزش‌ها بر اساس نیازها و مصلحت اعضای جلسه برنامه‌ریزی و ارائه شود. تفکیک سنی به دلیل ویژگی‌های روان‌شناختی متفاوت این مقاطع با یکدیگر و لزوم توجه مسئولان جلسات به این ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی، در تربیت نیروها بسیار ضروری است.

مشخصات جلسات قرآن

۱. حداقل هفته‌ای دوبار تشکیل شود.
۲. قبل یا بعد از نماز مغرب و عشاء برگزار شود.
۳. محل برگزاری، مسجد یا حسینیه است.
۴. مدت برگزاری هر جلسه حداکثر یک ساعت و پانزده دقیقه است.
۵. جلسه به دو بخش روخوانی قرآن توسط یکایک اعضا (۱۵ دقیقه) و مباحث آموزشی (۴۵ تا ۶۰ دقیقه) تقسیم می‌شود.
۶. مسئول یا مسئولان جلسه قرآن (ترجیحاً دو نفر) وظیفه برنامه‌ریزی آموزشی و تربیتی و اداره جلسه را دارند.
۷. هر جلسه قرآن در طول سال به برگزاری مسابقات: قرآنی، ورزشی، فرهنگی، اردوهای زیارتی و تفریحی، برنامه‌های ورزشی هفتگی، شرکت در مراسم نماز جمعه، ادعیه، جشن‌ها و عزاداری‌ها با مدیریت و هماهنگی مسئول جلسه اهتمام می‌ورزند.
۸. شرکت اعضای جلسه در نماز جماعت مسجد، به خصوص نماز مغرب و عشاء، از مهم‌ترین برنامه‌های هر جلسه قرآن است.
۹. آموزش‌های عملی، اخلاق و تربیت دینی توسط مسئول جلسه

پخش قرآن با ترجمه

ایده‌های مهارتی قرآنی

ایده پرداز: سعید رجب‌زاده

توضیح اجمالی

قبل از اذان قرآن با ترجمه پخش شود تا مردم معنی آیات را متوجه شوند که این خود تأثیری بسزا در فهم قرآن خواهد داشت.

مکان اجرای ایده: داخل مسجد (شبستان)، خارج از مسجد

تقویم اجرای ایده: روزانه

نوع مناسبت:

مجری: تشکل‌های مسجدی

مخاطب: عموم

توضیح تفصیلی

فعالیت صحیح قرآنی در گروه نشر معارف قرآنی و فهم عمیق تر و هر چه بیشتر قرآن برای به کار بستن معارف آن در زندگی است. بنابراین قرائت یا حفظ قرآن کف فعالیت‌های قرآنی است و اصالت در این دست

فعالیت‌ها، در گروه ترجمه و تدبیر قرآن است. لذا سعی شود در مسجد قرائت دسته‌جمعی قرآن، همچنین پخش اذان قبل از نماز، همراه با پخش و بیان ترجمه باشد.

بایدها

۱. ترجمه، روان و شیوا و گویا باشد.

۲. هر آیه که پخش شد، ترجمه آن نیز پخش شود.

۳. ترجمه آیات تک‌به‌تک باشد تا مخاطب آن را طبق آیه بشنود و بفهمد.

نبایدها

۱. صدای بلندگو باعث آزار همسایگان شود.

مستحبات

۱. امام جماعت بعد از نماز، یک آیه منتخب یا پیام کلی آیات قرائت شده را شرح دهد.

مسئله: فهم بهتر قرآن

جلسات قرآن باید اولویت را تربیت نیروی انسانی دینی اخلاقی و عملی اعضای خود قرار دهند و سپس به برنامه‌ریزی آموزشی و تشکیل کلاس‌های رسمی اهتمام ورزند



جلسه حتی الامکان خودشان مباحث آموزشی را نیز ارائه دهند).
۱۸. عضوگیری این جلسات از میان تمام اقشار نوجوانان منطقه اطراف هر مسجد مانند مدارس منطقه و سکنه آنجا است.

معیارهای انتخاب مسئول جلسه قرآن:

چون جلسات بر اساس تفکر، برنامه ریزی و اخلاق مسئول جلسه شکل می گیرد، انتخاب این شخص در هر مسجد باید با دقت و وسواس خاصی صورت پذیرد و دائماً تحت تعلیم و تربیت باشد تا الگوی مناسبی برای اعضای جلسه خود شود. مشخصات این مسئول جلسه به شرح زیر است:

اخلاق حسنه؛ روخوانی و تجوید صحیح قرآن؛ توان برقراری ارتباط عاطفی و دوستانه با اعضای جلسه؛ بیان فصیح، قوی و تأثیرگذار؛ توان اختصاص وقت کافی برای برنامه ریزی، اداره جلسه و...؛ از نظر فکری، اعتقادی و سیاسی (تعهد به انقلاب، نظام، امام و ولایت فقیه) مناسب باشد؛ صبور و پر حوصله؛ آشنایی با معارف دینی متناسب با نیازها، سؤالات و شبهات مقطع سنی اعضای جلسه؛ تناسب سنی با اعضای جلسه، به طور مثال، برای مقطع نوجوانان، سن مسئول جلسه باید بین ۱۸ تا ۲۲ سال باشد.

اهداف

مواردی که در زمره اهداف نباید باشد:

۱. تولید نیروی انسانی برای نهادهای دولتی

۲. ارائه بیلان کاری، آمار و توجه به کمیت ها

۳. تشکیل کلاس های آموزشی صرف

۴. فعالیت سیاسی و جناحی

۵. تشکیل هیئت (به معنای مصطلح آن)

مواردی که باید به آن پرداخت:

۱. ترویج فرهنگ قرآنی، اخلاق حسنه، ارزش های دینی و انسانی و معارف اسلامی بین اعضاء

۲. تشکیل یک گروه اجتماعی برای کار جمعی، تعاون، ایجاد روابط صمیمی و دوستانه

۳. ارتقای سطح اعتقادات، انگیزش، گرایش ها و رفتار اعضای جلسه

۴. تربیت نیروهای اهل تفکر، بیان، مطالعه و قلم

در محیط های ورزشی، اردو و فعالیت های فوق برنامه اجرا می شود.

۱۰. ارتباط با خانواده اعضای جلسه توسط مسئولان جلسه قرآن و رفع مشکلات اعضاء با همکاری این دو نهاد از وظایف جلسات قرآن است.

۱۱. عضویت و ثبت نام در جلسات رایگان و در اختیار مسئول جلسه می باشد.

۱۲. رابطه میان مسئول جلسه با اعضاء از نوع رابطه معلم و شاگردی مرسوم نبوده، بلکه از جنس مربی و متربی، دوستانه، عاطفی و مبتنی بر الگو برداری است.

۱۳. موضوعات مورد نظر برای مقطع نوجوانان (راهنمایی) شامل موارد زیر است:

روخوانی و تجوید ضروری قرآن کریم؛ ترجمه تحت اللفظی آیات؛ تفسیر (بعضی آیات متناسب با مقطع سنی اعضاء. منابع: تفسیر های المیزان، نمونه و نور)؛ احکام؛ اخلاق فردی و اجتماعی؛ قصص انبیاء و قرآنی؛ سیره معصومین (ع)؛ آشنایی با نهج البلاغه؛ تاریخ تحلیلی اسلام؛ تاریخ تحلیلی دفاع مقدس؛ آشنایی با زندگی سرداران شهید (جهت الگوسازی)؛ اصول عقاید.

گفتنی است این سلسله مباحث در طول مدت سه سال فعالیت آموزشی جلسات با در نظر گرفتن اولویت ها ارائه می شود.

ترتیب پیشنهادی ارائه موضوعات به صورت زیر است:

الف) احکام (وضو و نماز به طور نظری و عملی به همراه معانی باطنی آن، طهارت و نجاسات، احکام طهارت، روزه و...)؛ ب) قصص قرآنی؛ ج) اخلاق؛ د) سیره ائمه اطهار (ع)؛ ه) اصول عقاید؛ و) تاریخ تحلیلی دفاع مقدس؛ ز) آشنایی با نهج البلاغه؛ ح) تاریخ تحلیلی اسلام؛ ط) آشنایی با سرداران شهید (تفسیر قرآن تحت عنوان درس هایی از قرآن از مباحث ثابت هر هفته است).

۱۴. برنامه آموزشی هر جلسه در هفته شامل یک شب تفسیر قرآن به صورت ثابت است و شب یا شب های دیگر سایر مباحث آموزشی به صورت دوره ای و موقت تعلیم داده می شود.

۱۵. مسئول جلسه و استادان هر جلسه در وهله اول از نیروهای کارآمد همان مسجد انتخاب می شود.

۱۶. هر جلسه با حداقل ده نفر اعضای ثابت رسمیت می یابد.

۱۷. عوامل اصلی هر جلسه به این صورت قابل تفکیک است: مسئول جلسه و معاون وی، اساتید آموزشی مباحث (البته اصل بر این است که مسئولان

“

چون جلسات بر اساس تفکر، برنامه ریزی و اخلاق مسئول جلسه شکل می گیرد، انتخاب این شخص در هر مسجد باید با دقت و وسواس خاصی صورت پذیرد و دائماً تحت تعلیم و تربیت باشد تا الگوی مناسبی برای اعضای جلسه خود شود

۶



نگاه

مساجد، دیگر مکان آموزشی نیستند

در کشور ما مساجد متأسفانه دیگر مکان آموزشی نیستند. بعضی از مساجد و حسینیه‌ها ساختمان قرآنی ایجاد کردند که بچه‌ها از فضای مسجد دور شدند. باید تلفیقی از این دو مکان صورت بگیرد مثل اینکه بعضی از کلاس‌های عمومی در فضای مسجد برگزار شود و کلاس‌های کلاسیک در ساختمان قرآنی.

حافظ شدن امام جماعت ولو جزء سیم در ترویج حفظ قرآن تأثیر به‌سزایی دارد، از این نباید غفلت کرد یعنی امام جماعتی که خودش حافظ نیست خیلی سخت می‌تواند کاری بکند، می‌تواند جذب بکند، تشویق بکند. ایجاد یک ایستگاه یا غرفه قرآنی کنار هیأت با حضور یک حافظ و قاری زمینه‌ساز تشویق و ترویج و حفظ خواهد بود.

علیرضا نجفی
معاونت آموزش
دارالقرآن کریم قم

“حافظ شدن امام جماعت ولو جزء سیم در ترویج حفظ قرآن تأثیر به‌سزایی دارد، از این نباید غفلت کرد یعنی امام جماعتی که خودش حافظ نیست خیلی سخت می‌تواند کاری بکند، می‌تواند جذب بکند، تشویق بکند

۶

آشنایی با سوره‌های قرآن

ایده‌های مهارتی قرآنی

مسئله

فعالیت‌های قرآنی جهت انس با قرآن

دستاوردها

۱. انس با قرآن مجید
۲. شناخت سوره قرآنی و مفاهیم بلند آنها

بایدها

۱. انتخاب موضوعی و مناسبی سوره‌ها
۲. بیان اطلاعات سوره‌های قرآن در مناسبت‌های مختلف
۳. بیان پیام‌ها و محورهای مهم سوره قرآنی

نبایدها

۱. سوره‌های بلند در قرآن قرائت نشود تا موجب خستگی سالمندان نشود.

مستحبات ایده

۱. برگزاری مسابقات حفظ قرآن
۲. برگزاری مسابقات دانستنی‌های قرآنی

توضیح اجمالی:

هنگام نماز جماعت، امام جماعت جهت آشنایی نمازگزاران با برخی سوره‌ها، آنها را در نماز بخواند.

مکان اجرای ایده: داخل مسجد (شبستان)

تقویم اجرای ایده: روزانه

نوع مناسبت:

مجری: امام جماعت

مخاطب: نمازگزاران

توضیح تفصیلی

در هر مناسبتی، مثلاً در دهه مبارکه فجر، امام جماعت سوره فجر را در نماز می‌خواند تا نمازگزاران با سوره‌ها آشنا و مناسبت‌ها را یادآور شوند. همچنین نسبت به حفظ و کسب اطلاعات بیشتر در مورد سوره‌ها حساس می‌شوند و در صورت ایجاد فضای مناسب، مسابقات حفظ هم‌زمان با مناسبت مرتبط با سوره‌ها، برگزار می‌گردد.